

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۴ تا پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۱۹۹۷



بازگشت تحریم‌های بین‌المللی

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

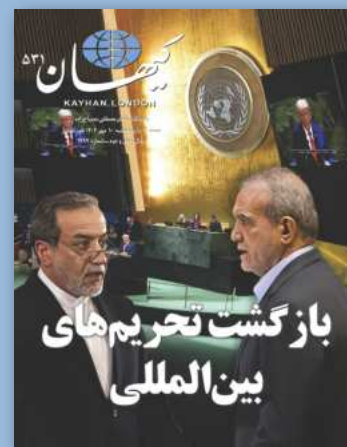
کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۱۹۹۷ (۵۳۱)

۴ تا ۱۰ مهر ۱۴۰۴
۲۶ سپتامبر تا ۲ اکتبر ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایام گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷ و یا ۲۴۰۶۰۳۲۷۳ در شرق آمریکا حاصل نمایید.
Web: www.pirniah.com Email: pirniah@pirnia.com

کیمهان

فهرست مطالب

مقاله - پیگرد حقوقی علیه رژیم ایران بیوندد فشار حداکثری با حمایت حداکثری / الاهه بقرط	۴
تیر هفته - بازگشت تحریم‌های بین‌المللی ... /	۴-۵
شاهزاده رضا پهلوی: برای پس گرفتن ایران می‌ایستیم و به چهار دهه تحریم و جنگ پایان می‌دهیم! ... /	۶
الیزابت استیکنی: ایالات متحده می‌خواهد که رژیم ایران تأسیسات هسته‌ای را برچیند و ... /	۶
دفتر پژوهش «حزب مشروطه ایران/ لیبرال دموکرات» بر گزار کرد: «فکشیوی آتالین باشاهزاده رضا پهلوی ... /	۶-۷
هشدارها به نظام درباره پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه: «اگر تسلیم شویم، سقوط حتمی است» ... /	۸
آسوشیند پر س: جمهوری اسلامی با فشار آمریکای قطعنامه پیشنهادی برای منع حمله به خود را پس گرفت ... /	۹
یادداشت کیلا گامیل در «اورشلیم پست»: «پیمان کوروش: آغاز فصل نو در روابط اسرائیل و ایران» ... /	۱۰-۱۱
عزیز کرده‌های خداوند/ خیر اندیش (حمد/ حران) ... /	۱۱
برآتش چه گذشت (۱) ... / یادداشتها و خاطرات سید جعفر صانعی ... /	۱۲-۱۳
«زندگی و آزادی در تهران»: میزگردی در جشنواره «تفکر معاصر» ... /	۱۳
اختصاصی: هشدار «پلیس اطلاعات و امنیت عمومی» نسبت به فراخوان اعتصاب کارکنان «فراجا» ... /	۱۴
مأموریت پزشکین در سازمان ملل دشوارتر از سال گذشته ... / هدی رؤوف (پندیندنت عربی) ... /	۱۵
برخی خامنه‌ای: با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، غنی‌سازی را متوقف نمی‌کنیم و هرگز تسلیم نمی‌شویم! ... /	۱۶
دیدار گروسی و عراقچی در نیویورک: پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی در «گذرگاه خطرناکی» ... /	۱۶-۱۷
ماشه کشیده شد! ... /	۱۷
بازگشت تحریم‌های بین‌المللی کشتیرانی جمهوری اسلامی را بطور جدی هدف می‌گیرد ... /	۱۸
به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» توسط بریتانیا، کانادا، استرالیا و بریتانیا ... /	۱۹
سخنرانی ترامپ در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل ... /	۲۰-۲۱
دوران محمدرضا شاه: تحقق وعده‌های بلند پروازانه (صدسال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی	۲۱
علی خامنه‌ای: با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، غنی‌سازی را متوقف نمی‌کنیم و هرگز تسلیم نمی‌شویم! ... /	۲۲-۲۳
دومین دیدار گروسی و عراقچی پس از هشدار «گروه هفت» ... /	۲۳
پس کنید این هیاهو را! ... / نادر صدیقی	۲۴-۲۵
تولن آتمی و موسیقی ادامه دارد ... / بهنام محمدی	۲۵
جمهوری اسلامی امانوئل ماکرون را هم نامید کرد: «فعال شدن مکانیسم ماشه حتمی است» ... /	۲۶
انتقاد پزشکین در سازمان ملل از آمریکا و سه دولت اروپایی و دیداری نتیجه‌با امانوئل ماکرون ... /	۲۷
فریاد آزادی در سکوت جهان ... / امرتضی انواری	۲۸-۲۹
دوران محمدرضا شاه: تهران تا تو کیو: درخشش ایرانیان (صدسال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی	۲۹
بازنشر: پادشاهان پهلوی و سنت مشروطه خواهی ... /	۳۰-۳۱
محدودیت شدید آمریکا برای رفت و آمد هیئت سیاسی جمهوری اسلامی در نیویورک ... /	۳۲
«شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی: همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق می‌شود ... /	۳۲-۳۳
انتشار تصاویر خصوصی رافائل گروسی و اسناد ادعایی آژانس توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ... /	۳۳
جمهوری اسلامی بر سر «دوره‌های جنگ و هسته‌ای» ... /	۳۴
خروج مدیربرکنار شده شرکت نفت از ایران: متهم به فساد مالی در آستانه بازداشت قرار کرد؟ ... /	۳۵
کابوس خامنه‌ای به حقیقت نزدیک می‌شود: همکاری ایران با اسرائیل ... / نوید مدحی (اورشلیم پست)	۳۶
مفاهیم بنیادین مشروطیت و قانونگرایی ... / علی اصغر حقدار	۳۷
پیامد جنگ ۱۲ روزه: لغورژه روز «۱۳ شهریور» در همدان و کردستان ... /	۳۸
هشدار احمدضارادان درباره «ارانه‌های گزارش‌های غلط» به نیروی انتظامی، فعالیت اسرائیل و ... /	۳۸-۳۹
گزارش‌های غیررسمی از شنیده شدن صدای انفجارهای خفیف و تیراندازی‌های شبانه ... /	۳۹
وضعیت اقتصاد ایران در نیمه دوم سال «دشوارتر» می‌شود ... /	۴۰-۴۱
بازداشت یک اسرائیلی - آمریکایی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی ... /	۴۱
بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: به «خطای محاسباتی جدید دشمن» پاسخ مهلک می‌دهیم! ... /	۴۲
جزئیات جدید از همکاری روسیه، حزب الله و عوامل جمهوری اسلامی با گروه‌های تبهکار ایرانی ... /	۴۳
بحران حرفه‌روان درمانی در ایران: ویژگی‌ها، صلاحیت‌ها و مرزهای حرفه‌ای ... / دکتر محمد طباطبایی	۴۴-۴۵
همیشه ارزیابی تأثیرات روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان در لندن ... /	۴۵
وضعیت وخیم ایمنی در معادن زغال سنگ ایران ... /	۴۶
بیش از ۱۰۰۰ اعدام در سال جاری میلادی! رکوردی بی‌سابقه در سی سال گذشته ... /	۴۷
ناراضی، فرسودگی شغلی و عدم تمایل به استخدام در میان فرستاران ایران ... /	۴۸
ادامه تلاطم بازارها به علت بازگشت تحریم‌ها: تلاش دولت برای «عادی‌نمایی» شرایط غیرعادی ... /	۴۹
یک جامعه شناس: مهاجرت ایران نتیجه فروری و ناامیدی، بی‌ثباتی اقتصادی و ناکارآمدی ساختاری است ... /	۵۰
رشد اقتصادی در بهار امسال منفی شد: منفی ۱۰ درصد بافت، منفی ۴۰ درصد بدون نفت ... /	۵۱
کسرت ده‌شدن ابعاد خرید تسلیحات و تسلیحات: از سبب مینی و مواد شوینده تادفتر مشق! ... /	۵۲-۵۳
نخستین شلیک در ناگهان مکانیسم ماشه بر بازارهای بورس، ارز و طلا ... /	۵۳
تشکیل «دربار هنگام» ستاد مدیریت بحران فر و نشست ... /	۵۴-۵۵
پرویش مسلمی زندانی سیاسی: اعزام درمانی زندانیان در زندان فر چک به صورت گزینشی است ... /	۵۵
مدیر پیشین بانک مرکزی درباره فعال شدن مکانیسم ماشه: دولت سیاست و توانی برای مدیریت ... /	۵۶
هشدار یک اقتصاددان: تاب‌آوری اقتصاد ایران به پایان خط نزدیک می‌شود ... /	۵۷
«سبکتال» خامنه‌ای به بازارها: دلار به مرز ۱۰۸ هزار تومان و سکه به بیش از ۱۰۷ میلیون تومان رسید ... /	۵۸
بازار کار آشفته: درآمد نجومی گاریچی‌ها و دستفروشان در برابر درآمد ناچیز ... /	۵۹
پس از بازگشت تحریم‌ها، ایران دیگر صادرکننده و مسیر انتقال گاز نخواهد بود ... /	۶۰
فعال شدن مکانیسم ماشه: فقر و فلاکت بیشتر برای خانوارهای حقوق‌بگیر ... /	۶۱
کمبود گرانی دارو و هزینه‌های سرسام‌آور درمان همچنان ادامه دارد ... /	۶۲
فقط ۱۷ درصد از بودجه شرکت‌های دولتی شفاف است ... /	۶۳
خبرهای کوتاه ... /	۶۴-۶۵
پشت جلد - عکس هفته / ناهید شیرپیشه: مادر عزیز به خانه خوش آمدید! ... /	۶۶



بازنشر
بازنشر

بازگشت تحریم‌های بین‌المللی

پیگرد حقوقی علیه رژیم ایران

پیوند فشار حداکثری با حمایت حداکثری

یک نقد علیه سازمان ملل که معمولاً همزمان با برگزاری مجمع عمومی آن در ماه سپتامبر داغ می‌شود، ناکارآمدی و ضعف آن در برابر رنج‌های بشری در کشورهای است که حکومت‌های سرکوبگر و وحشی آنها در همین سازمان با حق رأی مساوی در کنار نمایندگان دموکراسی‌ها می‌نشینند و با فساد و کشورفروشی می‌توانند بر «وتو»ی روسیه و چین نیز تأثیر بگذارند. در همین ارتباط، در حالی که شمار فزاینده‌ای اعدام در ایران سال‌هاست در برابر چشم همه جهانیان جز یک جنایت سازمان‌یافته



نیست و حتی جاوید رحمان گزارشگر پیشین سازمان ملل این جنایات را به عنوان «نسل‌کشی» و «جنایت علیه بشریت» و نیز «جرائم بین‌المللی» طبقه‌بندی کرده، اما هیچ اقدام مؤثری از سوی نهادهای بین‌المللی انجام نمی‌گیرد. جاوید رحمان در گزارش تابستان ۲۰۲۴ حتی خواستار اقدام فوری بین‌المللی و پایان دادن به مصونیت از مجازات مقامات جمهوری اسلامی شد! اما جز محکومیت‌های لفظی بی‌اثر هیچ اتفاقی نیفتاد و هفته گذشته «سازمان حقوق بشر ایران» گزارشی تکان‌دهنده درباره افزایش اعدام در سال ۲۰۲۵ منتشر کرد: بیش از هزار اعدام در فقط ۹ ماه؛ یعنی کشتن سه شهروند در هر روز! طبق این گزارش، دست‌کم ۶۴ اعدام در هفته‌ی پیش ثبت شده؛ یعنی هر روز بیش از ۹ اعدام! این سازمان توضیح می‌دهد، اینها مواردیست که بطور مستند ثبت شده و «به دلیل مشکلات و محدودیت‌های گزارشگری از ایران، گمان می‌رود که آمار حقیقی بیش از اینها باشد». آنهم در حالی که از کل این اعدام‌ها، «تنها ۱۱ درصد» از سوی رسانه‌های داخلی اعلام شده!

این گزارش همچنین به نکته‌ای اشاره می‌کند که از سوی کارشناسان حقوقی از جمله در کیهان لندن بارها به آن پرداخته شده: سرکوب و اعدام‌های گسترده که در حقوق بین‌الملل به عنوان جرائم سازمان‌یافته قابل پیگردند. استناد کارشناسان حقوقی به «اساسنامه رم» یا «اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری» است که تابستان ۱۹۹۸ به تصویب بیش از ۱۲۰ کشور رسید و پنج سال بعد پس از آنکه ده‌ها کشور آن را در مجالس خود به تصویب رساندند، کار خود را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرد. جمهوری اسلامی با اینکه از اعضاکنندگان اولیه‌ی این اساسنامه است اما آن را به تصویب نهایی نرسانده و به آن ملحق نشده. دلیل این کار البته روشن است: ارتکاب سازمان‌یافته‌ی جرائم در سطح جنایت علیه بشریت! رژیم ایران نمی‌تواند با پیوستن به این اساسنامه، صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی را تأیید کند تا به بررسی جنایات آن بپردازد!

یکی از جرائم تعریف‌شده در ماده ۵ اساسنامه رم، جنایت علیه بشریت است و ارتکاب حقوقدانان به ماه ۷ این اساسنامه است که اقداماتی مانند قتل و شکنجه و تجاوز و ناپدید کردن اجباری و آپارتاید ذیل آن طبقه‌بندی شده‌اند که وقتی به صورت «گسترده» و «سازمان‌یافته» علیه شهروندان غیرنظامی انجام شوند، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد و رسیدگی به این جنایت در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری است. جمهوری اسلامی تمام جنایات برشمرده در بالا را بطور گسترده و سازمان‌یافته مرتکب شده و می‌شود و آنچه فشار حداکثری علیه آن و حمایت حداکثری از مردم ایران را مکمل یکدیگر می‌سازد، پیگرد بین‌المللی جمهوری اسلامی به اتهام جنایات گسترده و سازمان‌یافته‌یست که همچنان علیه ایران و ملت ایران مرتکب می‌شود و تا زمانی که هست، مرتکب خواهد شد!



● آیا آن کشورها و شرکت‌هایی که تا کنون به دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی کمک می‌کردند، باز هم خطر خواهند کرد؟! بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا تحریم‌هایی که بازگشته‌اند همگی با رأی روسیه و چین تصویب شده‌اند!

شورای امنیت ضربه‌ی مهلکی علیه دیپلماسی و روند منع اشاعه خواهد بود. به عبارت دیگری وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان همان تهدید ۷۱ غایبده مجلس شورای اسلامی مبنی بر حرکت رسمی در جهت ساخت سلاح هسته‌ای را با بیانی متفاوت تکرار می‌کند. استفاده از کلمه «اشاعه» شکی بر قصد جمهوری اسلامی برای ادامه فعالیت‌هایش در جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای باقی نمی‌گذارد.

اینهمه در حالیکه همزمان با اجرای «مکانیسم ماشه» جمهوری اسلامی سفرای خود را در بریتانیا، آلمان و فرانسه برای مشورت به تهران فراخواند.

مخالفت علی خامنه‌ای با مذاکره و توقف غنی‌سازی
گفتگو با جمهوری اسلامی به ویژه پس از آخرین سخنان علی خامنه‌ای که سه‌شنبه‌شب ۳۱ شهریورماه پخش شد و برای چهارمین بار بود که پس از جنگ دوازده روزه و البته خیلی طولانی صحبت می‌کرد، نمی‌توانست ادامه پیدا کند. رهبر جمهوری اسلامی که حرف‌هایش پس از سخنانی دونالد ترامپ در هشتادمین مجمع عالی سازمان ملل پخش شد، راه را برای هرگونه مذاکره‌ای با آمریکا، که یکی از شروط سه کشور اروپایی برای فعال نکردن «مکانیسم ماشه» بود، بست. علی خامنه‌ای در این سخنانی در اشاره به مذاکره با آمریکا گفت: «طرف مقابل ما خُلف وعده می‌کند، تهدید می‌کند و اگر دست‌ش هم برسد ترور می‌کند.» مذاکره با چنین کشوری (ایالات متحده آمریکا) به گفته علی خامنه‌ای «ضرر محض» است.

رهبر جمهوری اسلامی در همین سخنانی بدون بردن نامی از سلاح هسته‌ای، بر لزوم داشتن آن تأکید می‌کند: «وقتی قوی باشیم طرف مقابل هم تهدید نمی‌کند.» او با اشاره به صحبت‌های دونالد ترامپ مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی نباید اجازه غنی‌سازی داشته باشد، گفت: «مردم ایران به دهن کسی می‌زنند که چنین چیزی بگوید.» با توجه به این صحبت‌های رهبر جمهوری اسلامی و اعتراف مسعود پزشکیان که قبل از سفر به آمریکا برای شرکت

شورای امنیت سازمان ملل متحد جمعه ۴ مهرماه ۱۴۰۴ با ۹ رأی مخالف و فقط رأی موافق چین، روسیه، پاکستان و الجزایر، قطعنامه پیشنهادی نمایندگان مسکو و پکن را برای تعلیق ۶ ماهه اجرای «مکانیسم ماشه» رد کرد و راه را برای بازگشت تمام تحریم‌های بین‌المللی که تا قبل از امضای توافق معروف به «برجام» در تابستان ۱۳۹۴ اجرا می‌شدند، هموار کرد. این تحریم‌ها به صورت خودکار از اولین ساعت یکشنبه ۶ مهرماه دوباره به اجرا درخواهند آمد.

علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در اولین واکنش به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی مندرج در قطعنامه‌هایی که بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی به تصویب شورای امنیت رسیده بودند و بار دیگر اجرا خواهند شد، گفت با بازگشت تحریم‌ها توافق اخیر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که ۱۸ شهریور در قاهره به امضای عباس عراقچی وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان و رافائل گروسی مدیر این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد رسیده بود، از اعتبار خواهند افتاد.

توافقی که اصلاً اجرا نشد

علی لاریجانی سه کشور اروپایی عضو برجام (فرانسه، بریتانیا و آلمان) را متهم به «عهدشکنی» کرده و مدعی شد: «فرانسه توسط رافائل گروسی پیام داده بود که در صورت توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تقاضای فعال شدن مکانیسم ماشه را پس خواهند گرفت» ولی «طبق روال همیشگی به قول خود وفا نکردند». آنچه علی لاریجانی نمی‌گوید عدم اجرای این توافق در روزهای بعد از امضای آن است. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها توانستند از تاسیسات هسته‌ای بوشهر بازدید کنند که در هیچ زمانی فعالیت‌های آن زیر سوال قرار نگرفته بود؛ اما اجازه ورود به دیگر سایت‌های اتمی شناخته شده و مخفی را نیافتند.

عباس عراقچی نیز با لحن تهدیدآمیزی پس از رد قطعنامه پیشنهادی چین و روسیه که می‌خواست برای جمهوری اسلامی شش ماه دیگر فرصت بخرد، گفت: «این تصمیم

باشد. قطعنامه ۱۹۲۹ این اختیارات را گسترش می‌دهد. بر اساس بندهای ۱۴ و ۱۵ این قطعنامه، همه محموله‌های به مقصد یا مبدا ایران را نه تنها در خاک خود بلکه حتی در آب‌های آزاد بازرسی کنند. بند ۱۶ اختیار توقیف و حتی انهدام یا بی‌اثر کردن اقلام ممنوعه کشف‌شده را داده و همکاری سایر کشورها را الزامی اعلام می‌کند. بند ۱۸ همین قطعنامه نیز ارائه خدمات سوخت‌رسانی و تدارکات به کشتی‌های ایرانی مظنون را به استثنای مواردی که بشردوستانه تلقی شوند ممنوع اعلام کرده است.

قطعنامه ۱۷۳۷ اولین محدودیت‌های مالی را وضع کرد که شامل انسداد دارایی‌ها و منابع اقتصادی برخی اشخاص و نهادها و ممنوعیت تامین منابع برای آنها بود. در قطعنامه‌های بعدی افراد و نهادهایی چون دانشمندان کلیدی، شرکت‌های وابسته به سازمان انرژی اتمی ایران، نهادهای مرتبط با وزارت دفاع و سپس بخش‌هایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اضافه شدند. در قطعنامه ۱۷۴۷ نیز محدودیت‌هایی بر ارائه کمک‌های بلاعوض، وام‌ها و اعتبارات جدید به جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است. در بند ده قطعنامه ۱۸۰۳ بر لزوم نظارت بر ارتباطات و معاملات موسسات مالی با بانک‌های ایرانی، به ویژه بانک ملی و بانک صادرات و شعب یا شرکت‌های وابسته به آنها تأکید می‌شود با این هدف که شبکه بانکی جمهوری اسلامی نتواند از حمایت‌های مالی بین‌المللی برای پیشبرد فعالیت‌های هسته‌ای یا موشکی استفاده کند.

بازگشت نظارت بین‌المللی بر تحریم‌ها

با قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت همچنین یک کمیته تحریم تشکیل شد تا بر اجرای تحریم‌ها نظارت کند. پس از چهار سال با قطعنامه ۱۹۲۹ یک گروه کارشناسان زیر نظر همان کمیته با وظیفه گردآوری و تحلیل اطلاعات درباره اجرای تحریم‌ها، شناسایی روش‌های دورزدن و ارائه توصیه‌های عملی به وجود آمد.

حالا با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی تمام این قطعنامه‌ها از حالت تعلیق درآمده و دوباره اجرا می‌شوند و مشخص نیست با تحریم‌های گسترده‌ای که بر اساس این قطعنامه‌ها اعمال می‌شوند، مقامات جمهوری اسلامی بر چه مبنایی ادعا می‌کنند که بازگشت آنها نه تنها بی‌تأثیر است بلکه معتقدند باید روز اجرای مجدد آنها را «روز ملی» نامید! آنها در حالی که جمهوری اسلامی دولت حسن روحانی را در سال ۱۳۹۲ برای رسیدن به توافق با غرب روی کار آورد و رهبران هم تن به «نرمش قهرمانانه» داد تا همین تحریم‌ها تعلیق شوند، حالا چگونه می‌خواهند آنها را دور بزنند؟! آنهم در شرایطی که به گفته‌ی دوست و دشمن، جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت خود بسر می‌برد.

در چنین شرایطی آن کشورهایی که مانند برخی شرکت‌های نفتی چین تحریم‌هایی را که دولت اول دونالد ترامپ تصویب کرد، که البته در زمان ریاست جمهوری جو بایدن هم ادامه یافتند، رعایت نمی‌کردند، آیا اکنون با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی باز هم حاضر خواهند بود خطر سنگین کمک به دور زدن تحریم‌ها را بپذیرند؟!

چنین تصویری بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا چین و روسیه هم که جمهوری اسلامی آنها را «دوست» خود می‌پندارد و رهبرش با سیاست «نگاه به شرق» کشور را به فلاکت کشانده و مقاماتش همزمان با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی از «تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق، همسایه و دوست» سخن می‌گویند، در زمان تصویب این تحریم‌ها از آنها استقبال کرده و از حق وتوی خود به سود جمهوری اسلامی استفاده نکردند.

الزام تأکید کرده و از جمهوری اسلامی ایران خواسته‌اند تا به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای خود پایبند باشد.



دامنه تحریم‌های بین‌المللی بسیار گسترده است

قطعنامه ۱۷۳۷ فهرستی از اقلام و فناوری‌های حساس هسته‌ای و موشکی را مشمول تحریم می‌کند و همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد را موظف می‌سازد تا فروش، عرضه یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم این اقلام به جمهوری اسلامی را ممنوع کنند. علاوه بر کالا، کمک فنی، آموزش، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی مرتبط با این اقلام هم ممنوع اعلام شده است. قطعنامه ۱۸۰۳ دامنه این اقلام را گسترده‌تر کرده و مواردی از فهرست‌های «گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای» (NSG) و «رژیم کنترل فناوری موشکی» (MTCR) را به آن اضافه می‌کند. قطعنامه ۱۹۲۹ باز هم فراتر رفته است و سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در فعالیت‌های چرخه سوخت هسته‌ای یا فناوری‌های موشکی در خارج از کشور را نیز ممنوع اعلام می‌کند.

قطعنامه ۱۶۹۶ اگرچه تحریم تسلیحاتی مستقیم نیست، اما از همه دولت‌ها می‌خواهد در انتقال هرگونه مواد یا فناوری که بتواند در برنامه‌های موشکی ایران مورد استفاده قرار گیرد، «هشیاری» نشان دهند. قطعنامه ۱۷۳۷ دایره ممنوعیت‌ها را دقیق‌تر می‌کند: فروش، عرضه یا انتقال اقلام و فناوری‌های مندرج در فهرست‌های بین‌المللی کنترل صادرات که بتواند به فعالیت‌های غنی‌سازی یا «وسایل پرتاب سلاح هسته‌ای» کمک کند، ممنوع است. این ممنوعیت هرگونه آموزش، کمک فنی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی مرتبط را هم در بر می‌گیرد. قطعنامه ۱۷۴۷ نخستین تحریم تسلیحاتی مستقیم علیه جمهوری اسلامی است که آن را از «صادرات هرگونه سلاح و تجهیزات مرتبط» منع می‌کند. در همین قطعنامه از دولت‌های عضو سازمان ملل خواسته شده در تامین، فروش یا انتقال برخی سلاح‌های سنگین، از تانک و ادوات زرهی گرفته تا توپخانه سنگین، هواپیمای جنگی، هلی‌کوپتر تهاجمی، ناو جنگی و موشک‌ها و سامانه‌های موشکی، به جمهوری اسلامی ایران «خوشتنداری» کنند.

قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت از کشورهای عضو می‌خواهد در چارچوب قوانین خود و با رعایت حقوق بین‌الملل، محموله‌های جمهوری اسلامی را در فرودگاه‌ها و بندرشان بازرسی کنند، به ویژه اگر هواپیما یا کشتی متعلق به «ایران‌ایر کارگو» یا «کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران»

در مجمع عالی سازمان ملل متحد، علی خامنه‌ای به او «توصیه‌هایی» کرده، بعید بود که ملاقات‌هایی که در نیویورک انجام گرفتند بتوانند مانع بازگشت تحریم‌های

بین‌المللی بشوند. مسعود پزشکیان و عباس عراقچی با دستورالعملی به نیویورک سفر کردند که نتیجه آن نمی‌توانست متفاوت باشد.

«روز ملی» یا «روز نکبت»؟

در این میان، محسن زنگنه نماینده مجلس شورای اسلامی که خود را اقتصاددان معرفی می‌کند، روز جمعه پس از رد پیشنهاد تعلیق شش ماهه «مکانیسم ماشه» در شورای امنیت، صحبت از «روز ملی» و «پیروزی بزرگ» می‌کند. نماینده تربت حیدریه و مهولات و زاوه در حساب کاربری خود در شبکه ایکس‌می‌نویسد: «به حول و قوه الهی؛ ۶ مهر به روز ملی قطع کامل امید از آمریکا و غرب تبدیل و سرآغاز تحول اقتصادی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق، همسایه و دوست خواهد شد.» صحبت‌های محسن زنگنه چیزی جز تلاش جمهوری اسلامی برای «فروش» این «شکست بزرگ» به عنوان «پیروزی» نیست. در روزهای گذشته بسیاری دیگر از مقامات دولتی و نظامی نیز تمام تلاش خود را به کار بردند تا بازگشت تحریم‌های بین‌المللی را کم‌اهمیت و بدون تأثیرگذاری بر اقتصاد نحیف کشور و تکمیل انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی معرفی کنند. کاظم غریب‌آبادی یکی از معاونین عباس عراقچی نیز در تلاش برای مقابله با نگرانی‌های رو به افزایش محافل اقتصادی و مردم عادی بارها در این روزها تکرار کرده است که «جمهوری اسلامی برای مواجهه با هر سناریویی آمادگی دارد».

بازگشت تحریم‌های بین‌المللی به معنای احیای کامل قطعنامه‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی است که بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ تصویب شدند. تحریم‌هایی که دامنه بسیار گسترده‌ای دارند. این قطعنامه‌ها در تیرماه ده سال پیش با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تعلیق شدند. قطعنامه ۱۶۹۶ در ژوئیه ۲۰۰۶ میلادی به تصویب رسید. در این قطعنامه جمهوری اسلامی ملزم شده است تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و فرآوری پلوتونیوم را از جمله تحقیقات و توسعه در این حوزه‌ها متوقف سازد. این تصمیم ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل گرفته شد و از نظر حقوقی برای تمام کشورهای عضو الزام‌آور است. قطعنامه‌های بعدی (۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳) بارها بر همین

شاهزاده رضا پهلوی:

برای پس گرفتن ایران می‌ایستیم و به چهار دهه تحریم و جنگ پایان می‌دهیم!



ویدئو

شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه ۳۱ شهریور در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی که جمهوری اسلامی آن را به ایران تحمیل کرده در یک پیام ویدئویی یادآور شد که «جمهوری اسلامی و رهبر بی‌خردش، بار دیگر، ایران را در آستانه موج دیگری از تحریم‌های جهانی قرار داده‌اند: اینبار با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تمامی تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل.»

در این پیام با اشاره به فشارهای بیشتری که با فعال شدن مکانیسم ماشه به مردم ایران وارد خواهد آمد، گفته شده: «اینک، در آستانه مهرگان، جشن روشنائی، هنگامه به بند کشیده شدن ضحاک بر فراز دماوند، از همه شما دعوت می‌کنم: این آیین ملی را در سراسر مرز پُرگهرمان پاس بداریم؛ نور مهر را بر جای‌جای ایران بتابانیم؛ و یک‌دل و یک‌صدا، خورشید شویم در نبرد با تاریکی.»

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

«هم‌میهنانم،

جمهوری اسلامی و رهبر بی‌خردش، بار دیگر، ایران را در آستانه موج دیگری از تحریم‌های جهانی قرار داده‌اند: اینبار با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تمامی تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل.

این، آغاز دور تازه‌ای از فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی است که متأسفانه، پیامدهای آن، دامن مردم ایران را نیز خواهد گرفت.

خامنه‌ای و رژیم فاسدش، اما کمترین اهمیتی به سرنوشت ایران و ایرانی نداده‌اند و نمی‌دهند. این ضحاکیان، هزینه بقای خود را از سفره شما می‌دزدند. چند هزار میلیارد دلار ثروت شما را برای جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود به باد دادند و کشور عزیز ما را به جنگ کشاندند. آب و برق و نان را از ملت ایران گرفته‌اند و در مقابل، ده‌ها میلیارد دلار دارایی ملت را صرف تروریست‌های نیابتی خود کرده‌اند.

جنگ این رژیم پایان می‌دهیم.

اینک، در آستانه مهرگان، جشن روشنائی، هنگامه به بند کشیده شدن ضحاک بر فراز دماوند، از همه شما دعوت می‌کنم: این آیین ملی را در سراسر مرز پُرگهرمان پاس بداریم؛ نور مهر را بر جای‌جای ایران بتابانیم؛ و یک‌دل و یک‌صدا، خورشید شویم در #نبرداتاریکی.

پاینده ایران،

رضا پهلوی»

ملت بزرگ و عزیز ایران، در این شرایط دشوار، قلب و ذهن من با شماست. می‌دانم که زیر بار تنگدستی و رنج ایستاده‌اید: فقر و بیکاری گسترده، گرانی‌های کمرشکن، کاهش قدرت خرید، و سقوط روزافزون پول ملی.

و شوریختانه، همه اینها با فعال شدن مکانیسم ماشه، شتاب خواهد گرفت. این رژیم اهریمنی، ایران ما را به تاریکی کشانده، اما ما ملت نوریم؛ از تبار گردآفرید و کاوه. برای بازپس‌گیری ایران می‌ایستیم و به چهار دهه، سایه تحریم و



ویدئو

**الیزابت استیکنی سخنگوی
فارسی وزارت خارجه آمریکا:
ایالات متحده می‌خواهد
که رژیم ایران تأسیسات
هسته‌ای را برچیند و
برنامه موشکی خود
را محدود کند و از
تروریسم حمایت نکند**

همچنین به این پرسش‌ها پاسخ داد که آیا دولت آمریکا برای اجرای تحریم‌ها به رصد کردن شبکه‌های مالی مستقر در دوبی و یا کشتی‌ها خواهد پرداخت؟ و آیا پرزیدنت ترامپ مانند دور اول ریاست جمهوری خود یک ائتلاف دریایی با متحدان ایالات متحده تشکیل خواهد داد تا بر اجرای تحریم‌های بین‌المللی پس از اجرای «مکانیسم ماشه» نظارت کند؟

الیزابت استیکنی سخنگوی فارسی وزارت خارجه آمریکا در گفتگویی کوتاه به پرسش‌های کیهان لندن پاسخ گفت. وی با توجه به سخنان اخیر علی خامنه‌ای که سه‌شنبه ۲۳ سپتامبر اعلام کرد که جمهوری اسلامی نه تأسیسات هسته‌ای خود را بر می‌چیند و نه برنامه موشکی خود را محدود می‌کند، به توضیحاتی درباره مواضع دولت آمریکا پرداخت. سخنگوی فارسی وزارت خارجه آمریکا

دفتر پژوهش «حزب مشروطه ایران/ لیبرال دموکرات» برگزار کرد: گفتگوی آنلاین با شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با «همکاری ملی برای نجات ایران»



نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» / مونیخ/ ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵/ ۴ امرداد ۱۴۰۴ / عکس از رسانه‌های اجتماعی شاهزاده رضا پهلوی

فروپاشی یا تغییرات بنیادین، قابلیت نقش‌آفرینی وجود داشته باشد. او افزود که تهیه و تدارکات و سازماندهی نیروهای انسانی و هماهنگی میان گروه‌ها در داخل کشور شرط لازم برای اجرای به‌موقع طرح‌هاست. یکی از نکات محوری سخنان وی، نقش ایرانیان خارج کشور و راه‌اندازی آنچه او آن را «مکانیسم فشار» خواند، است؛ یعنی مکانیسمی که هدف آن افزایش فشارهای سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی بر رژیم است. شاهزاده تأکید کرد که هماهنگی میان فعالان داخل و خارج کشور می‌تواند اثرگذاری اقدامات را افزایش دهد و به تقویت «مکانیسم فشار» کمک کند.

وی همچنین همانطور که پیشتر در همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» در مونیخ (۲۶ ژوئیه) خبر داده بود، اشاره کرد که انتشار یک وبسایت مرتبط با پروژه «دفترچه مرحله اضطراری» در دستور کار قرار دارد و این پُرئال با فرا رسیدن جشن مهرگان روغایی خواهد شد.

نشست سه‌شنبه اول مهر که بیش از دو ساعت ادامه یافت، فضایی صمیمی از ابراز نظر و تبادل ایده‌ها بود و شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این گفتگوی مستقیم با شاهزاده رضای پهلوی ابراز رضایت کردند. این نشست همچنین نشان از تلاش برای ایجاد پیوند میان گروه‌های مختلف سیاسی، نیروهای داخل کشور و جامعه مهاجران ایرانی (دیاسپورا) داشت که به همکاری ملی برای نجات ایران می‌انديشند و تأمین منافع ملت ایران را با عبور از جمهوری اسلامی هدف مشترک خود و والاتر و فراتر از هر اختلاف نظری می‌دانند.

حزب میزبان نبودند. شاهزاده پس از سخنانی کوتاه در آغاز این نشست بر این نکته تأکید کرد که ترجیح می‌دهد بیشتر این زمان به گفتگو و پرسش و پاسخ اختصاص پیدا کند. وی در جریان این گفتگو بر ضرورت «همکاری با سه گروه» اشاره و تأکید کرد که این همکاری باید حساب‌شده و با رعایت ضوابط امنیتی و اطلاعاتی انجام شود تا از نفوذ عناصر نامطمئن جلوگیری شود. شاهزاده این سه گروه را چنین تقسیم‌بندی کرد:

۱. گروه‌هایی از نیروهای اصلاح‌طلب که از رژیم بریده و خواستار مشارکت در همکاری ملی هستند.
۲. نیروهای نظامی، امنیتی، انتظامی و دولتی که از طریق کانال ارتباطی امن با تیم وی و در چهارچوب کارزار همکاری ملی تماس گرفته‌اند و هدف آنها «تسهیل پیوستن نیروهای دل‌کنده از حکومت به مردم» اعلام شده. شاهزاده در همین ارتباط افزود که در حال حاضر این درخواست‌ها در مرحله «راست‌آزمایی» قرار دارند و اصالت آنها باید هم از نظر امنیتی و هم از نظر اطلاعاتی و اداری با دقت مورد بررسی قرار بگیرد تا بتوانند در همکاری ملی در داخل شرکت داشته باشند.

۳. ایرانیان خارج کشور که به گفته شاهزاده، «بخشی از نقش کلیدی» را ایفا خواهند کرد.

نقشه‌عملیاتی و آمادگی پیش از تغییرات بنیادین
شاهزاده رضا پهلوی همچنین تأکید کرد که داشتن یک «نقشه‌عملیاتی مؤثر» ضروریست تا در مراحل پیش از

● شاهزاده رضا پهلوی سه‌شنبه اول مهرماه (۲۳ سپتامبر) در یک نشست آنلاین به دعوت دفتر پژوهش حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) حضور یافت و بیش از دو ساعت با شرکت‌کنندگانی که شمار آنها به بیش از ۲۵۰ تن می‌رسید به گفتگو و تبادل نظر پرداخت و همچنین به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داد.

● وی در جریان این گفتگو بر ضرورت «همکاری با سه گروه» اشاره و تأکید کرد که این همکاری باید حساب‌شده و با رعایت ضوابط امنیتی و اطلاعاتی انجام شود تا از نفوذ عناصر نامطمئن جلوگیری شود.

● شاهزاده رضا پهلوی همچنین تأکید کرد که داشتن یک «نقشه‌عملیاتی مؤثر» ضروریست تا در مراحل پیش از فروپاشی یا تغییرات بنیادین، قابلیت نقش‌آفرینی وجود داشته باشد.

شاهزاده رضا پهلوی سه‌شنبه اول مهرماه (۲۳ سپتامبر) در یک نشست آنلاین به دعوت دفتر پژوهش حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) حضور یافت و بیش از دو ساعت با شرکت‌کنندگانی که شمار آنها به بیش از ۲۵۰ تن می‌رسید به گفتگو و تبادل نظر پرداخت و همچنین به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داد.

این نشست ساعت ۱۹:۰۰ به وقت اروپای مرکزی از طریق پلتفرم «زوم» انجام شد و برگزارکنندگان آن را «یک جلسه پرسش و پاسخ واقعی» توصیف کردند. بسیاری از افراد حاضر در این نشست و همچنین آنها که به ابراز نظر و یا طرح پرسش پرداختند، از اعضای

هشدارها به نظام درباره پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه؛ «اگر تسلیم شویم، سقوط حتمی است»



گفتگوی خامنه‌ای و عوامل ارشد نظام در حاشیه نماز

و بیمه‌های صادراتی، فرا خوانده شدند تا این منابع به فعالیت‌های هسته‌ای حساس یا توسعه وسایل حمل سلاح هسته‌ای منجر نشود.
بند ۱۰ این قطعنامه نیز بر لزوم نظارت بر تعامل موسسات مالی با بانک‌های ایرانی، به ویژه بانک ملی و بانک صادرات و شعب یا شرکت‌های وابسته به آنها تاکید کرده است. هدف این بود که شبکه بانکی ایران نتواند از حمایت‌های مالی بین‌المللی برای پیشبرد فعالیت‌های هسته‌ای یا موشکی استفاده کند.

تسلیم شویم سقوط حتمی است

قرار است از روز شنبه پنجم مهرماه، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی فعال شوند. نماینده فرانسه در شورای امنیت در نشست شورای امنیت اعلام کرده بود که یک هفته برای همکاری ایران تا روز رسمی جریان یافتن بازگشت تحریم‌ها باقیست. برخی نمایندگان هشدار دادند این زمان برای به زانو درآوردن حکومت است.

مالک شریعتی از نمایندگان ولایت‌مدار مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت: «یک هفته پرفشار در انتظار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. اگر درست تصمیم بگیریم، از گردنه‌ای سخت عبور می‌کنیم و اگر تحت فشار تسلیم شویم، سقوط قطعی است.»

مقامات جمهوری اسلامی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را از چشم دولت دونالد ترامپ می‌بینند.

پیشتر مهدی مطهرنیا استاد بازنشسته دانشگاه گفته بود ترامپ و اسرائیل جمهوری اسلامی را وارد یک «جنگ مینیاتوری» برای زدن قدرت نظامی از طریق ضربات اقتصادی کردند که در نهایت به «فلج اقتصادی» می‌انجامد. او توضیح داده بود در خواب خطرناک ترامپ جنگ مینیاتوری بر فلج اقتصادی سوار می‌شود و به گسترش اعتراضات و تشکیل دولت انتقالی می‌انجامد.

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت گفت این موضوع تنها به حوزه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی مربوط است و ارتباطی با تجارت، فروش نفت و کالاهای اساسی ندارد.

این ادعا درست زیرا براساس «قطعنامه ۱۸۰۳» (سال ۲۰۰۸) همه دولت‌ها موظف شدند محموله‌های ایران را در فرودگاه‌ها و بنادر خود بازرسی کنند، به ویژه اگر هواپیما یا کشتی متعلق به «ایران ایر کارگو» یا «کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران» باشد و دلایل معقولی برای ظن به حمل اقلام ممنوعه وجود داشته باشد.

بازرسی سختگیرانه، بازگشت تحریم‌های تجاری

دو سال بعد، قطعنامه ۱۹۲۹ این اختیارات را گسترش داد. بر اساس بندهای ۱۴ و ۱۵ این قطعنامه، دولت‌ها اجازه یافتند همه محموله‌های به مقصد یا مبدا ایران را نه تنها در خاک خود بلکه حتی در آب‌های آزاد با رضایت کشور صاحب پرچم - بازرسی کنند. بند ۱۶ اختیار توقیف و حتی انهدام یا بی‌اثر کردن اقلام ممنوعه کشف‌شده را داد و همکاری سایر کشورها را در این روند الزامی دانست.

بند ۱۸ ارائه خدمات سوخت‌رسانی و تدارکات به کشتی‌های ایرانی مظنون را ممنوع کرد، مگر برای مقاصد بشردوستانه یا تا زمان بازرسی و توقیف محموله. این مجموعه مقررات، رژیم سختگیرانه برای کنترل حمل و نقل دریایی و هوایی ایران ایجاد کرد که با فعال شدن مکانیسم ماشه، از نظر حقوقی، به همان شکل بازخواهد گشت.

در نمونه‌ای دیگر در «قطعنامه ۱۷۴۷» محدودیت‌هایی بر ارائه کمک‌های بلاعوض، وام‌ها و اعتبارات جدید به دولت ایران پیش‌بینی شد.

«قطعنامه ۱۸۰۳» محدودیت‌های مالی را گسترش داد. در بند ۹ دولت‌ها به «هوشیاری ویژه» در اعطای حمایت‌های مالی عمومی برای تجارت با ایران، از جمله اعتبارات

از یکسو تحلیلگران و کارشناسان می‌گویند، فعال شدن مکانیسم ماشه، وضعیت اقتصاد بحران‌زده ایران را وخیم‌تر می‌کند، از سوی دیگر شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو «کمیسیون اصل ۹۰» ادعا می‌کنند «شرایط عادی کشور حفظ خواهد شد». آنهم در حالی که شرایط ایران سال‌هاست که عادی نیست!

فعال شدن مکانیسم ماشه شکست بزرگی برای مسعود پزشکیان و دولت او به شمار می‌رفت. از شعارهای او در دوران انتخابات این بود که: «من آمده‌ام تا مردم را از تنگنای تحریم‌ها پرهانم!» او همچنین در یک سخنرانی دیگر گفته بود: «آمده‌ام تا سایه جنگ و تحریم را از ایران بردارم!» اما هم جنگ و هم تحریم آمد.

فداحسین مالکی عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «ایران برای خروج از NPT آماده است.»

شورای امنیت سازمان ملل جمعه ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۴ با قطعنامه‌ای که هدفش جلوگیری از بازگرداندن تحریم‌های سنگین اقتصادی علیه جمهوری اسلامی بود مخالفت کرد. این یعنی بازگشت شش قطعنامه سازمان ملل و ضربه سخت به جمهوری اسلامی و اقتصاد ایران.

از یکسو تحلیلگران و کارشناسان می‌گویند فعال ساختن مکانیسم ماشه، اقتصاد بحران‌زده ایران را وخیم‌تر می‌کند؛ از سوی دیگر اما شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو «کمیسیون اصل ۹۰» ادعا می‌کنند «شرایط عادی کشور حفظ خواهد شد». آنهم در حالی که شرایط ایران سال‌هاست که عادی نیست! فعال شدن مکانیسم ماشه شکست بزرگی برای مسعود پزشکیان و دولت او به شمار می‌رود. از شعارهای او در دوران انتخابات این بود که: «من آمده‌ام تا مردم را از تنگنای تحریم‌ها پرهانم.» او همچنین در یک سخنرانی دیگر گفته بود: «آمده‌ام تا سایه جنگ و تحریم را از ایران بردارم» اما هم جنگ و هم تحریم آمد.

عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه ادعا کرده که «مجلس هرگز در برابر چنین اقدامی سکوت نخواهد کرد و تصمیمی قاطع و متناسب در دستور کار قرار می‌دهد.» او می‌گوید معنای فعال شدن مکانیسم ماشه چیزی جز همسویی اروپا با اسرائیل نیست.

فداحسین مالکی عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس اسلامی می‌گوید: «ایران برای خروج از NPT آماده است.» او توضیح داد: «این اقدام صرفاً یک حرکت سیاسی از سوی اروپایی‌ها بود؛ به ویژه پس از آنکه اسرائیل و آمریکا در حمله به ایران به نتیجه نرسیدند، چنین اقدامی صورت گرفت.»

حسین شریعتمداری نماینده علی‌خامنه‌ای در روزنامه کیهان چاپ تهران نوشت: «کسانی که می‌گویند اگر از ان‌پی‌تی خارج شویم، زمینه حمله فراهم خواهد شد، باید به این سوال پاسخ بدهند که مگر با وجود حضورمان در ان‌پی‌تی به تاسیسات هسته‌ای حمله نکردند؟ پس چرا هنوز هم این پا و آن پا می‌کنید؟»

محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی

آسوشیتدپرس: جمهوری اسلامی با فشار آمریکا قطعنامه پیشنهادی برای منع حمله به خود را پس گرفت



نجفی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل

همچنین «تأکید مجدد» شده بود که «همه کشورها باید از حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز در کشورهای دیگر خودداری کنند».

رضا نجفی در همین ارتباط افزود: «تهدیدات اخیر آمریکا در این زمینه، همچنین اعمال فشار سیاسی بر کشورها و استفاده ابزاری از آژانس به اشکال مختلف- از جمله از طریق نفوذ بر بودجه آن- موضوعی بسیار نگران‌کننده است».

هوارد سالومون کاردار و نماینده موقت آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی در وین گفت پیش‌نویس قطعنامه، تصویری «به شدت نادرست» از رویدادهای اخیر ارائه داده، «حقوق بین‌الملل را تحریف کرده» و بخش‌هایی از اساسنامه آژانس و اسناد دیگر سازمان ملل را «به صورت گزینشی و خارج از زمینه نقل کرده» و «نتایج غلطی» گرفته است. او گفت اگر قطعنامه به رأی گذاشته می‌شد، «با اکثریت قاطع رد می‌شد».

سالومون اضافه کرد که «برنامه غنی‌سازی در ایران تهدید جدی و رو به افزایش علیه اسرائیل و منطقه ایجاد کرده که نیازمند اقدام قوی و قاطع به دستور پرزیدنت ترامپ بود».

وی افزود آمریکا «این اقدام را سطحی و بی‌اهمیت تلقی نکرده است».

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین چهارشنبه ۲۶ شهریور در کانال تلگرامی خود نوشته بود که جمهوری اسلامی در نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پیش‌نویس قطعنامه‌ای با عنوان «ممنوعیت هرگونه حمله و تهدید به حمله علیه تأسیسات و سایت‌های هسته‌ای تحت پادمان‌های آژانس» را ارائه کرده است. به گفته او، چین، نیکاراگوئه، روسیه و ونزوئلا در نوشتن این پیش‌نویس مشارکت داشته‌اند.

در پی درخواست فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی بریتانیا، آلمان و فرانسه، شورای امنیت جمعه ۲۸ شهریور درباره بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی رای‌گیری می‌کند.

این قطعنامه شود. به گفته‌ی آنها، آمریکا هشدار داد که اگر این قطعنامه تصویب شود و آژانس اقدام به محدود کردن حقوق اسرائیل در سازمان ملل کند، کمک مالی خود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را کاهش خواهد داد.

در سال ۱۹۸۱، کمک‌های فنی آژانس به اسرائیل پس از حمله این رژیم به یک رآکتور هسته‌ای در عراق تعلیق شد. در آن زمان این حمله در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، کنفرانس عمومی آژانس و همچنین شورای حکام آژانس به شدت محکوم گردید.

پس گرفتن این قطعنامه توسط جمهوری اسلامی در حالی رخ می‌دهد که متحدان آمریکا روند بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه رژیم ایران را به دلیل برنامه‌های نظامی اتمی و تسلیحات موشکی آن آغاز کرده‌اند.

برخی منابع تلویحاً گزارش دادند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه جمهوری اسلامی برای منع حمله به تأسیسات هسته‌ای را بررسی نکرده است.

رضا نجفی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی در وین در پاسخ به اینکه چرا این قطعنامه پس گرفته شد، گفت: «تعداد قابل توجهی از کشورهای عضو آژانس در تماس‌های جداگانه با ایران و دیگر کشورهای بانی قطعنامه اظهار داشته‌اند که به شدت از سوی آمریکا تحت فشار و تهدید هستند تا به قطعنامه ارائه شده رای مثبت ندهند».

به گفته نجفی، «جمهوری اسلامی ایران و دیگر بانیان قطعنامه نمی‌خواهند کشورهای عضو کنفرانس را در معرض یک تصمیم غیرواقعی قرار دهند لذا تصمیم‌گیری درباره ادامه این روند، میان کشورهای بانی قطعنامه در جریان است».

متن پیش‌نویس قطعنامه جمهوری اسلامی ایران شامل بندی بود که در آن آمده بود «حملات عمدی و غیرقانونی انجام‌شده در خردادماه ۱۴۰۴ علیه سایت‌ها و تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران «به شدت محکوم» و «نقض آشکار حقوق بین‌الملل» است.

● جمهوری اسلامی ایران، پنجشنبه ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۴ در آخرین لحظه، قطعنامه پیشنهادی را که همراه با چین، روسیه و چند کشور دیگر برای رأی‌گیری در نشست سالانه سازمان ملل با هدف ممنوع شدن حمله نظامی به خود ارائه کرده بود، پس گرفت.

● به گزارش آسوشیتدپرس، دیپلمات‌های غربی که گفتند ایالات متحده در پشت صحنه تلاش زیادی کرده تا مانع تصویب این قطعنامه شود. به گفته‌ی آنها، آمریکا هشدار داد که اگر این قطعنامه تصویب شود و آژانس اقدام به محدود کردن حقوق اسرائیل در سازمان ملل کند، کمک مالی خود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را کاهش خواهد داد.

● متن پیش‌نویس قطعنامه جمهوری اسلامی ایران شامل بندی بود که در آن آمده بود «حملات عمدی و غیرقانونی انجام‌شده در خردادماه ۱۴۰۴ علیه سایت‌ها و تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران «به شدت محکوم» و «نقض آشکار حقوق بین‌الملل» است.

● هوارد سالومون کاردار و نماینده موقت آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی در وین گفت که پیش‌نویس این قطعنامه تصویری «به شدت نادرست» از رویدادهای اخیر ارائه داده، «حقوق بین‌الملل را تحریف کرده» و بخش‌هایی از اساسنامه آژانس و اسناد دیگر سازمان ملل را «به صورت گزینشی و خارج از زمینه نقل کرده» و «نتایج غلطی» گرفته است. او گفت اگر قطعنامه به رأی گذاشته می‌شد، «با اکثریت قاطع رد می‌شد».

● جمهوری اسلامی ایران، پنجشنبه ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۴ در آخرین لحظه، قطعنامه پیشنهادی را که همراه با چین، روسیه و چند کشور دیگر برای رأی‌گیری در نشست سالانه سازمان ملل با هدف ممنوع شدن حمله نظامی به خود ارائه کرده بود، پس گرفت.

● به گزارش آسوشیتدپرس، دیپلمات‌های غربی گفتند ایالات متحده در پشت صحنه تلاش زیادی کرده تا مانع تصویب

یادداشت گیلا گاملیل در «اورشلیم پست»؛ «پیمان کوروش: آغاز فصل نو در روابط اسرائیل و ایران»



پرچم ملی شیر و خورشید ایران و پرچم اسرائیل در تظاهرات ایرانیان مقابل سفارت رژیم در لندن / رویترز

مدنی، محترمانه، حرفه‌ای و کارآمد است که بر منفعت متقابل و راهکارهای عملی برای مشکلات مشترک تمرکز دارد.

اصول محوری همکاری

چشم‌انداز پیمان کوروش بر پنج اصل کلیدی استوار است: **احترام متقابل به حاکمیت ملی طرفین:** شناسایی متقابل حق موجودیت هر کشور و احترام به منافع ملی طرفین. **عملگرایی و منفعت متقابل:** تمرکز بر حوزه‌هایی که همکاری در آنها، منافع روشن اقتصادی و فناورانه به همراه دارد. **میراث تاریخی مشترک:** اذعان به پیوندهای تاریخی عمیق میان ملت ایران و قوم یهود. **چشم‌انداز منطقه‌ای:** تلاش برای گنجاندن روابط دوجانبه در چارچوبی گسترده‌تر از همکاری منطقه‌ای به‌منظور تقویت ثبات و شکوفایی خاورمیانه. **تمرکز بر حوزه‌های غیرنظامی:** تأکید بر همکاری در اقتصاد، تجارت، فناوری، انرژی، کشاورزی و فرهنگ.

چشم‌انداز آینده‌ای مشترک

پیمان کوروش چارچوب همکاری در بخش‌های گوناگون غیرنظامی را ترسیم می‌کند و فناوری و نوآوری پیشرفته اسرائیل را در کنار منابع طبیعی و انسانی غنی ایران قرار می‌دهد: **آب و کشاورزی:** ایران با بحران جدی آب روبروست، در حالی که اسرائیل تجربه‌ی گسترده‌ای در این زمینه دارد. انتقال دانش در مدیریت ملی آب، شیرین‌سازی و بازیافت فاضلاب برای کشاورزی، سامانه‌های پیشرفته آبیاری و توسعه محصولات مقاوم در برابر خشکی و شوری آب و زمین، بخشی از این همکاری است. هیئتی از متخصصان و دانشگاهیان ایرانی که از سوی شاهزاده به اسرائیل آمدند، از تأسیسات تصفیه فاضلاب شَمدان و دانشکده کشاورزی دانشگاه عبری بازدید کردند.

انرژی و منابع طبیعی: همکاری استراتژیک میان حوزه‌های منابع طبیعی ایران و فناوری‌های اسرائیل، از جمله احداث خطوط لوله مشترک برای انتقال نفت و گاز و اتصال

گفت کوروش، پادشاه پارس: خداوند خدای آسمان‌ها همه پادشاهی‌های زمین را به من بخشیده است و مرا مأمور کرده تا برای او خانه‌ای در اورشلیم، که در یهودا است، بسازم» (عزرا ۱:۲).

امروز، دو ملتی که سرنوشتشان برای مدت‌های طولانی در هم تنیده بوده است، در برابر فرصتی تاریخی ایستاده‌اند: گشودن فصلی تازه از همکاری میان دولت‌هایشان و آفرینش آینده‌ای مشترک که به شکوفایی منطقه‌ای بیانجامد. گاملیل در ادامه می‌نویسد، ما در پی آن هستیم که این چشم‌انداز را همراه با شریکان خود، یعنی مردم ایران- چه آنان که در داخل کشور زندگی می‌کنند و چه آنان که ناگزیر به تبعید شده و آرزوی بازگشت پس از گذار از حکومت آیت‌الله‌ها را دارند- پیش ببریم. همانگونه که ملت ایران برای آینده‌ای آزاد از ستم، روی گشوده به جهان و مبتنی بر آزادی انسانی و رفاه مدنی اشتیاق دارد، ما نیز دست یاری دراز می‌کنیم.

اکنون زمان آن فرا رسیده که مردم ساکن صهیون، دین خود را به ملت شریف ایران ادا کرده و در بازسازی کشور و شکل دادن آینده‌اش یاری رسانند. طبیعی است که این چشم‌انداز را به نام کوروش بزرگ نام نهاده‌ایم. این ابتکار، تلاشی مشترک میان دولت اسرائیل و کسانی است که در پی ایجاد یک دولت موقت برای خدمت به مردم ایران پس از سقوط حکومت اسلامی هستند؛ رویدادی که شاید به تأخیر افتد، اما بی‌تردید رخ خواهد داد. ابتکار تشکیل چنین دولت موقتی به رهبری شاهزاده رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران، و تیم حرفه‌ای او پیگیری می‌شود و بر امید، واقع‌گرایی و شناسایی متقابل استوار است.

در ادامه این مقاله آمده، پیمان کوروش چارچوبی عملی در اختیار مردم ایران قرار می‌دهد تا در صورت تغییر حکومت اسلامی، به آینده‌ای بهتر امیدوار شوند. هدف آن آماده‌سازی بستر برای گذار سریع و روان و بازسازی شتابان بخش‌هایی از اقتصاد ایران است که نیازمند بازسازی خواهند بود. این ابتکار بازتاب خواستی صادقانه برای بازگرداندن روابطی

● گیلا گاملیل وزیر نوآوری، علوم و فناوری اسرائیل در مقاله‌ای با عنوان «پیمان کوروش: آغاز فصلی تازه در روابط اسرائیل و ایران» که پنجشنبه ۲۷ شهریورماه منتشر شد می‌نویسد، دو ملت ایران و اسرائیل در برابر فرصتی تاریخی ایستاده‌اند که می‌تواند پس از سرنوشتی رژیم آیت‌الله‌ها به پیدایش آینده‌ای مشترک همراه با شکوفایی منطقه‌ای بیانجامد.

● این مقام اسرائیلی توضیح داد که چشم‌انداز پیمان کوروش بر پنج اصل کلیدی استوار است: احترام متقابل به حاکمیت ملی، عملگرایی و منفعت متقابل، میراث تاریخی مشترک، چشم‌انداز منطقه‌ای و تمرکز بر حوزه‌های غیرنظامی. ● «پیمان کوروش چارچوب همکاری در بخش‌های گوناگون غیرنظامی را ترسیم می‌کند و فناوری و نوآوری پیشرفته اسرائیل را در کنار منابع طبیعی و انسانی غنی ایران قرار می‌دهد».

● «اجرای پیمان کوروش در سه مرحله طی یک دهه برنامه‌ریزی شده است: از گشایش سفارتخانه‌های متقابل و آغاز پروژه‌های اولیه گرفته تا تکمیل طرح‌های اصلی و ایجاد یک فضای اقتصادی بهم‌پیوسته».

گیلا گاملیل وزیر نوآوری، علوم و فناوری اسرائیل در مقاله‌ای با عنوان «پیمان کوروش: آغاز فصل نو در روابط اسرائیل و ایران» که پنجشنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵ (۲۷ شهریورماه) منتشر شد می‌نویسد، دو ملت ایران و اسرائیل در برابر فرصتی تاریخی ایستاده‌اند که می‌تواند پس از سرنوشتی رژیم آیت‌الله‌ها به پیدایش آینده‌ای مشترک همراه با شکوفایی منطقه‌ای بیانجامد.

او با اشاره به محتوای کلی «پیمان کوروش» تأکید می‌کند، اکنون زمان آن فرا رسیده که مردم ساکن صهیون، دین خود را به ملت شریف ایران ادا کرده و در بازسازی کشور و شکل دادن آینده‌اش یاری رسانند.

در مقدمه این مقاله آمده، دشمنی‌ای که امروز روابط جمهوری ایران و اسرائیل را تعریف می‌کند، سرنوشت تغییرناپذیری نیست. تا پیش از انقلاب اسلامی و برآمدن حکومت آیت‌الله‌ها در سال ۱۹۷۹، دو کشور از روابط نزدیک و دوستانه‌ای برخوردار بودند؛ روابطی که بر پایه‌ی پیوندهای کهن فرهنگی، تاریخ مشترک و درهم‌تنیده و منافع و همکاری‌های گسترده‌ی متقابل- از نفت و زیرساخت گرفته تا امنیت- استوار بود.

انقلاب اسلامی کوشید این تاریخ را با زور پاک کند و اسرائیل را «شیطان کوچک» بنامد. با این حال، در پس دشمنی تحمیلی، مردم همچنان خاطره از نزدیکی و باور به آینده‌ای متفاوت را در دل دارند.

تاریخ می‌آموزد که گاهی از دل بحران‌های عمیق، فرصت‌هایی منحصر به فرد پدید می‌آیند. حدود ۲۵۰۰ سال پیش، کوروش بزرگ، بنیانگذار امپراتوری پارس، در فرمان مشهور خود اصول احترام به هویت ملی، آزادی پرستش و باورهای دینی را بنا نهاد.

فرمان او به یهودیان اجازه داد پس از حدود ۷۰ سال تبعید در بابل، به اورشلیم بازگردند و معبد خود را بازسازی کنند- اقدامی که تاریخ یهود را دگرگون ساخت و جایگاهی ارجمند برای کوروش در کتاب مقدس عبری رقم زد: «چنین

باشش

عزیز کرده‌های خداوند

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۲) تیر ۱۳۸۶



مصروف داشت. آن مرد تعجب کرد و با خود اندیشید با این غذایی که این مرد خورده اکنون ابخره (بخار) این غذایی به دیوانخانه دماغ او می‌نشیند و معلوم و مجهول او یکسان خواهد بود و در چنین وقتی سؤال نمودن بیجاست و بی‌فایده.

برخواست که برود. شیخ فرمود که بنشین و بگو برای چه کار آمده‌ای.

گفت کاری نداشتم. پس از اصرار بسیار آن مرد حاجت خود را ابراز و اظهار داشت و عرض کرد که به جهت کثرت آکل (پرخوری) شما از خیال سؤال گذشتم.

شیخ فرمود مسأله (سؤال شرعی) خود را بیان کند. آن مرد بیان کرد. شیخ آن مسأله را به نحو کامل با اصول و فروع آن جواب گفت و افزود خالق عالم مرا در علم قریب دهر ساخته و همیشه به لذایذ روحانیه متلذذ می‌باشم (یعنی از لحاظ فقاقت یگانه‌ام و لذت روحانی می‌برم) و در آکل نیز اشتیهای وافر به من عطا فرموده که به لذت نعمتهای او علی‌الادوام متلذذ می‌باشم (یعنی اشتیهای آنچنان از طرف آفریدگار عالم به من عنایت شده است که هرچه بیشتر بخورم و از نعمتهای او لذت ببرم) و چنان شهوتی به من کرامت فرموده که هر شب باید مجامعت نمایم و چنان قوه طاعت و اطاعت به من موهبت فرموده که از نیمه‌شب تا صبح به راز و نیاز حضرت بی‌نیاز دمساز باشم و امثال تو را نه آن فهم و ادراک است که غذای روحانی است و نه آن اشتها به طعام که غذای جسمانی است و نه آن قوه شب‌خیزی و آن قدرت شهوانی. پس نه لذت دنیا برده‌ای و نه لذت آخرت!

بی‌جهت نیست که در حدیث، از قول پیغمبر اسلام آورده‌اند «علماء اُمّتی احسن من انبیاء بنی اسرائیل»*

* علمای اُمّت من بهترند از پیغمبران بنی اسرائیل.

آقای دکتر مهندس محمود احمدی‌نژاد فرمودند «این قلدری که شیلنگ ۸ اینچی به بیت‌المال وصل کرده و با یک پمپ و برق سه فاز می‌مکد و به حساب جیب خود می‌ریزد و بستگان خود را منتفع می‌کند...». این اولین بار است که می‌بینیم و می‌شنویم پرزیدنت محبوبان به‌یاد دوران تحصیل در هنرهای نارمک، از اصطلاحات فنی و تکنیکی در بیان مقاصد سیاسی استفاده می‌کند. با آن که از آن قلدر اسم نبرده ولی به قول علما «کنایه اَبْلَغ من التصريح» است و انسان احتیاج به شَم و شعور فاطمه خانم رجبی ندارد که بفهمد اشاره به کیست.

اشکالی که بر فرمایش دکتر مهندس احمدی‌نژاد وارد است این است که ایشان با وجود نشست و برخاست طولانی با اهل عمایم و آشنایی کافی با اوصاف و اخلاق این طایفه، توجه نفرموده‌اند که بین عمامه و اشتها یک رابطه سنتی برقرار است و آن «قلدر» مورد اشاره تنها گوسفند سیاه گله نیست.

شخصی طفل خود را نزد طبیب برد که دچار بی‌اشتهایی است و از بهر علاج او دوا خواست. طبیب گفت عمامه‌ای بر سر این طفل بگذار، اشتهاش باز می‌شود و مطمئن باش که نسخه‌ای اثربخش‌تر از این برای رفع بی‌اشتهایی وجود ندارد. در احوال «علامه اعلم، آسوه زهادت و تقاوت و نقاوت، زبده ارباب عبادت» شیخ جعفر نجفی مشهور به «کاشف‌الغطاء» که تصویر او زینت بخش تمبرهای جمهوری اسلامی است، آورده‌اند: «شخصی به خدمت شیخ رسید که مسأله‌ای سؤال کند. بناگاه غذای شیخ را آوردند. دید غذای بسیار آورده‌اند و در اینجا بجز شیخ کسی نیست. با خود خیال کرد که قانون مجلس اعیان آن است که غذا بسیار می‌آورند، لیکن همه را نمی‌خورند. هرچه ضرورت است صرف می‌شود، باقی را ملازمان می‌خورند.

شیخ شروع به آکل (خوردن) کرد و آن غذا را هرچه بود

→ ایران به بازارهای اروپا از طریق مدیترانه. همچنین همکاری در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشید و باد. هیئت ایرانی اعزامی از سوی شاهزاده به قابلیت‌های شبکه هوشمند و کاربردهای هوش مصنوعی برای مقابله با هدر رفتن گاز از طریق نشت خطوط لوله‌های گاز و آلودگی هوا ابراز علاقه کرد. فناوری و نوآوری: ایجاد صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر برای حمایت از استارت‌آپ‌ها و پروژه‌های فناوری پیشرفته در دو کشور. همچنین چشم‌انداز ابتکارات نوآوری مشترک، برنامه‌های تبادل دانشجو و پژوهشگر، و همکاری در حوزه‌هایی چون امنیت سایبری و هوش مصنوعی. یکی دیگر از پروژه‌های پیشنهادی نیز توسعه توانمندی‌های مشترک ماهواره‌ای منطقه‌ای است.

گردشگری، آموزش و فرهنگ: این هیئت ایرانی علاقمندی خود را به ارائه دوره‌های آموزش زبان فارسی از سوی اسرائیل برای دانشجویان ایرانی اعلام کرد. برای پیوند ملت‌ها همچنین برنامه‌ریزی شده است که پروازهای مستقیم روزانه میان تهران و تل‌آویو برقرار شود و مسیرهای گردشگری تاریخی توسعه یابد. همچنین مراکز فرهنگی در هر دو کشور ایجاد خواهد شد و برای حفظ میراث یهودی در ایران تلاش خواهد شد.

پیمان کوروش به عنوان پایه‌ای برای چشم‌انداز گسترده‌تر منطقه‌ای

وزیر نوآوری، علوم و فناوری اسرائیل در بخش دیگری از این مقاله به تشریح بخش‌هایی از پیمان کوروش پرداخته و می‌نویسد: فراتر از روابط دوجانبه، پیمان کوروش پیشنهاد می‌دهد که چارچوب موجود I2U2 که در حال حاضر شامل هند، اسرائیل، امارات متحده عربی و ایالات متحده است، گسترش یابد و ایران و عراق نیز به آن بپیوندند. این چارچوب چندجانبه‌ای جدید که ما آن را I4U2 می‌نامیم، به چالش‌های بزرگتر منطقه‌ای همچون کمبود آب، امنیت غذایی و امنیت انرژی خواهد پرداخت.

پروژه‌ی شاخص آن، ایجاد یک کریدور اقتصادی جدید میان ایران و اسرائیل است که از عراق و اردن عبور می‌کند و در خدمت تجارت، انرژی و ارتباطات فی‌نوری خواهد بود. این پروژه ایران را دوباره به عنوان یک مرکز بازرگانی جهانی مطرح می‌کند و منافع عظیمی برای اقتصادهای منطقه و میلیون‌ها نفر از ساکنان آن به همراه خواهد داشت. این کریدور از ایران تا اسرائیل با طرح IMEC پیوند خواهد خورد؛ طرحی که هند را از طریق کشورهای خلیج فارس و اسرائیل به اروپا متصل می‌کند و منطقه‌ای ما را به نقطه‌ی تلاقی این دو مسیر تبدیل خواهد کرد.

بر اساس این مقاله، اجرای پیمان کوروش در سه مرحله طی یک دهه برنامه‌ریزی شده است: از گشایش سفارتخانه‌های متقابل و آغاز پروژه‌های اولیه گرفته تا تکمیل طرح‌های اصلی و ایجاد یک فضای اقتصادی بهم‌پیوسته. گیلا گامیلر همچنین می‌نویسد، بر اساس گفتگوهای فراوانی که با شرکای ایرانی‌ام داشته‌ام، می‌دانم که مردم ایران مشتاق دیدن گام‌هایی هستند که حتی همین امروز هم می‌توان برداشت، و به همین دلیل ما بر پیشرفت در بخش‌هایی که پیش از هرگونه تغییر رژیم قابل آغاز هستند، تأکید می‌کنیم. در پایان این نوشتار آمده، پیمان کوروش فرصتی تاریخی برای گشودن فصلی تازه در روابط ایران و اسرائیل و تحقق ظرفیت عظیم همکاری میان دو کشور، دو ملت و کل منطقه است. هر دو ملت چشم به راه روزی هستند که بار دیگر پیوند تاریخی مشترک خود را تحقق بخشند و صلح و آرامش را به خاورمیانه بازگردانند.

يك اقدام ناگهانی: اعلام حکومت نظامی در تهران و یازده شهرستان

پانزدهم

فرمانده نیروی زمینی به فرمانداری نظامی تهران گماشته شد

اما ستاد نیروی زمینی در جریان تصمیمات و عملیات فرمانداری نظامی قرار نداشت

ما مثل اسیران دست بسته، به چشم خود ناظر رقم خوردن سرنوشت غم‌انگیزمان بودیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۷)



یادداشتها و
خاطرات سپهبد جعفر صانعی

بر ارتش چه گذشت (۱)

از ۱۷ شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از ایشان سپاسگزاریم که یادداشتهای خود را در اختیار ما گذاشته‌اند. نکته‌های دقیقی درین یادداشتها وجود دارد که پژوهشگران را در ریشه‌یابی وقایعی که منجر به کنار کشیدن ارتش و امضای بیانیه بیطرفی شد یاری خواهد داد.

خاطرات کسانی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ عهده‌دار مشاغل در سازمان سیاسی و اداری یا نظامی آن دوران بوده و نقشی در تصمیم‌گیریها داشته‌اند به تجزیه و تحلیل منطقی قضایا و در نتیجه داوری منصفانه‌تر کمک می‌کند. ازین دست خاطرات، ما پیش ازین در صفحه خاطرات و تاریخ داشته‌ایم و ازین شماره خاطرات و یادداشتهای سپهبد جعفر صانعی را در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار می‌دهیم.

سپهبد صانعی که اینک ساکن کاناداست در سال ۱۳۵۷ معاونت لجستیکی فرماندهی نیروی زمینی را برعهده داشت و در جلسات شورای فرماندهان شرکت می‌کرد و نام و امضای او نیز ذیل اعلامیه بیطرفی به چشم می‌رسد.

بیست و چهار سال پس از فروپاشی رژیم پادشاهی و روی کارآمدن جمهوری اسلامی، هنوز این سؤال وجود دارد که آیا این سرنوشت مقدر ایران بود یا در زمستان ۱۳۵۷ تاریخ می‌توانست به شکل دیگری نوشته شود.

درباره این سؤال، باوجود مطالب بسیاری که اظهار یا افشا شده، هنوز جای بحث باقی‌است. بی شک، پاسخ قطعی برای چنین سؤالی نمی‌توان یافت. گفته‌اند اگر دماغ کلتوپاترا کمی بزرگتر (یا کوچکتر) بود تاریخ جهان مسیر دیگری می‌پیمود. در هر حادثه تاریخی شماری بیش یا کم از «اگر»ها وجود دارد و به همین دلیل است که قضاوت درباره این وقایع به آسانی مقدور نمی‌شود.



حکومت نظامی برقرار شده بود ولی مأمورین فرمانداری نظامی فقط ناظر صحنه بودند!

رفتیم و دیدیم در فکر تعیین محلی در داخل شهر برای ستاد فرمانداری نظامی تهران هستند. بالاخره ستاد فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی بدین منظور تعیین گردید. برای من جای سؤال بود که چرا ستاد فرماندهی نیروی زمینی را که در محل مناسب و دارای تشکیلات و پرسنل سازمانی بود نادیده گرفتند و ستاد دیگری در جای دیگر تشکیل دادند. چون من به‌هیچ وجه طرف مشورت نبودم جایی برای اظهار نظر وجود نداشت. اشاره‌ای کردم که بی اثر ماند.

تا بعد از ظهر آن روز تنها کاری که از طرف سپهبد نجیمی نائینی به من محول شد این بود که دستوری صادر کنم مبنی بر اینکه تعدادی خودرو سبک و وسایل دفتری

بلافاصله به ستاد فرماندهی رفته در اتاق آجودان فرمانده نیرو حضور خود را اعلام و درخواست کردم مراتب به عرض فرمانده نیرو برسد و اگرکاری با من هست بمانم.

در دفتر آجودان فرماندهی رفت و آمد زیادی به چشم می‌خورد. در آنجا بود که اطلاع پیدا کردم سپهبد مهدی رحیمی جانشین فرماندهی گارد شاهنشاهی به معاونت عملیاتی و سپهبد موسی رحیمی لاریجانی رئیس اداره یکم ستاد بزرگ ارتشتاران به معاونت اداری فرمانداری نظامی تعیین شده‌اند. ایشان در همان اتاق مشغول تنظیم اولین اعلامیه فرمانداری نظامی بودند.

سپس به دفتر سپهبد نجیمی نائینی معاونت نیروی زمینی

اعلام حکومت نظامی

صبح جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در برنامه اخبار ساعت ۷ رادیو ایران اعلام شد که در تهران و یازده شهر دیگر حکومت نظامی برقرار و ارتشبد غلامعلی اویسی فرمانده نیروی زمینی به‌عنوان فرماندار نظامی تهران تعیین شده است.

در آن زمان من در یکی از خانه‌های سازمانی، در مجاورت قرارگاه و ستاد فرماندهی نیروی زمینی زندگی می‌کردم. بدون آنکه قبلاً اطلاعی داشته و یا در آن روز از طرف ستاد نیروی زمینی احضار شده باشم، با شنیدن این خبر از رادیو،

«زندگی و آزادی در تهران»: میزگردی در جشنواره «تفکر معاصر»



ایتالیایی، کریستینا چودیچی، بود. صدف باغبانی در جریان مراسم چهلم حدیث نجفی هدف شلیک ماموران حکومت قرار گرفت و سال گذشته با بیش از ۱۵۰ کلوله ساچمه‌ای در بدن وارد ایتالیا شد. احمد رأفت گزارشی از این نشست تهیه کرده است.

چه وضعی است که ما از همه جا و همه چیز بی خبریم، آخر ناسلامتی ما سپهبد این ارتشیم و فردا باید جواب افراد مملکتان را بدهیم، لاقلاً ما را در جریان اوضاع بگذارید. از روز بعد يك بولتن خبری از معاونت اطلاعات و عملیات برای ما می‌رسید که دیدیم آنچه در آن نوشته می‌شود همانهاست که روز پیش یا روزهای پیشتر از طریق رسانه‌های گروهی انتشار یافته بود شاید هم ناقص‌تر!

می‌خواهم صریحاً بگویم که اگر فرمانده نیروی زمینی فرماندار نظامی تهران بود دلیل بر آن نیست که ستاد نیروی زمینی در طرح ریزبها و صدور دستور عملیاتی و نظارت بر اجرای آن، وظایفی برعهده داشته است.

واحدهای مسلح زیر امر فرمانداری نظامی تهران عمدتاً واحدهای گارد شاهنشاهی با ظرفیت کامل آن، گارد شهربانی، واحد نیروی مخصوص نیروی زمینی مستقر در تهران بودند. ضمناً دیده می‌شد که مرتباً با دستور از فرماندهی نیرو تعدادی از یگانهای نیروی زمینی مستقر در شهرستانهای دیگر به تهران آمده زیر امر فرمانداری نظامی قرار می‌گرفتند.

ترتیب استقرار این واحدها در شهر بزرگ و پراکنده تهران و به‌کار بردن آنها در مقابل آنهمه گروههای کوچک و بزرگ جای گرفته در هر سوراخ و گوشه مسجد و مدرسه و کوچه و بازار، و با آن آموزشهای فراگرفته در لیبی و فلسطین و نقاط دیگر و با آن ترتیبات فرماندهی و جنگهای روانی هماهنگ و همزمان تا چه اندازه از ابتدا صحیح بود، معلوم نیست.

در شماره آینده: تشکیل دولت نظامی

در جشنواره امسال «تفکر معاصر» در شمال ایتالیا در شهر پیاچنزا، نشست نیز با عنوان «زندگی و آزادی در تهران» با حضور صدف باغبانی از آسیب‌دیدگان خیزش «زن، زندگی، آزادی» و محمود امیری مقدم مدیر «سازمان حقوق بشر ایران» برگزار شد که اجرای آن به عهده روزنامه‌نگار

روز از نظر قوای دشمن و وضعیت واحدهای خودی یا کمبودهای احتمالی اعلام، و فرماندهی ضمن در جریان قرار گرفتن درصورت لزوم تدبیر خود را ابلاغ و به همان ترتیب گزارش کارهای عملیاتی با هدایت و نظارت ستاد ادامه می‌یابد تا رسیدن به هدف و اجرای کامل مأموریت یا احتمالاً تغییر وضعیت.

ببینم در ستاد فرماندهی نیروی زمینی، با آن عظمت تشکیلاتی، آیا يك بار در تمام مدت، تا آخرین روز از بین رفتن همه چیز در مورد آن مأموریت مهم و حیاتی و در موقعیت سخت مملکت چنین کار منظم و اولیه ستادی انجام گرفت؟ ابداً! مسئولیت ما پرسنل ستاد فرماندهی نیروی زمینی در قبال فعالیتها و وظایف فرمانداری نظامی بکلی نامعلوم و تقریباً هیچ بود. چه آنگاه که مستقیم و چه آنگاه که غیر مستقیم در مسیر جریانات قرار می‌گرفتیم اطلاعاتمان در همان حدود بود که از طریق رسانه‌های گروهی منتشر یا از دهان این و آن شنیده می‌شد.

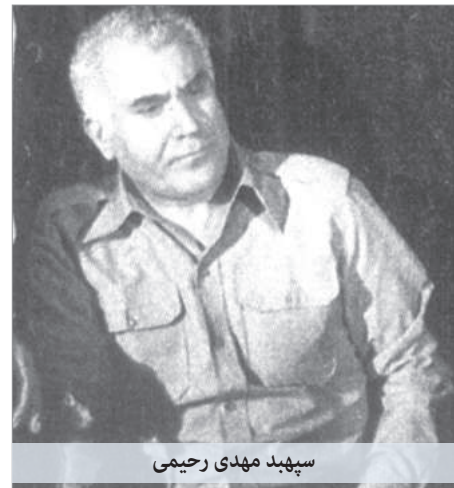
ما همانند اسیرانی دست بسته بودیم که سرنوشت غم انگیز خود را به‌اجبار تحمل می‌کردیم. نشسته بودیم و می‌دیدیم که در برابر چشمان غارتگران و آدمکشان مشغول کشتار و چپاول هستند بی آنکه حتی قادر به دفاع از خود باشیم.

در مهرماه همان سال بود که تعدادی از امرای رده بالا بازنشسته شدند و در نتیجه سپهبد نجمی نائینی در محل جانشین فرمانده نیروی زمینی گمارده شد. روزی در جمع معاونین در دفتر ایشان، من با حالت اعتراض گفتم این

→ در اختیار ستاد فرمانداری نظامی تهران قرار دهند (کاری که در حد وظایف يك افسر جزء بود!) صبح روز بعد دستور رسید که هر يك از معاونتهای ستاد فرماندهی نیروی زمینی تعدادی از افسران خود را به ستاد فرمانداری نظامی تهران معرفی و اعزام نمایند و آنچه سهم معاونت ما بود انجام دادیم.

از آن روز ستاد فرمانداری نظامی تهران در قرارگاه فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی با تعدادی از افسران ناآشنا به امور و ناهماهنگ با هم تشکیل گردید. در نتیجه ستاد فرماندهی نیروی زمینی در جریان امور فرمانداری نظامی تهران قرار نمی‌گرفت و دخالت یا نظارتی در آن امور نداشت. فرمانده نیروی زمینی، ارتشبد اویسی، همه روز صبح اول وقت در ستاد فرمانداری نظامی تهران حضور می‌یافت و به امور مربوط می‌پرداخت و پس از آن، حوالی ظهر به دفتر خود در ستاد فرماندهی نیروی زمینی می‌رفت. من نفهمیدم و به هیچ وجه اطلاع نیافتم که از دیگر معاونتهای نیروی زمینی تا چه اندازه و به چه ترتیب در امور فرمانداری نظامی استفاده خدمتی صورت می‌گرفت یا مورد مشورت واقع می‌شدند. اگر هم بوده باشد هماهنگی نبوده و شور ستادی انجام نمی‌شده است.

از من، در موقعیت و سمتی که در نیروی زمینی داشتم و مخصوصاً با سوابق خدمت طولانی در صف، به هیچ وجه کاری و مشورتی خواسته نشد جز این که در روز استقرار دولت نظامی به ریاست ارتشبد ازهاری با هلیکوپتر در آسمان تهران پرواز کرده وضعیت شهر را به فرماندهی نیرو گزارش دهم.



سپهبد مهدی رحیمی

در اینجا ضروری است یادآور شود که طبق روشهای معمول ستاد و فرماندهی، می‌بایستی که بلافاصله پس از ابلاغ هر نوع مأموریت، در يك شور ستادی با حضور کلیه رؤسای ارکان و رئیس ستاد و فرمانده، مأموریت واصله اعلام و همگی در جریان قرار گرفته فرمانده نظرات خود را درباره طریقه اجرای مأموریت به‌نام «تدبیر فرماندهی» بیان کند و از رؤسای ارکان خود بخواهد که برآوردهای ستادی خود را آماده و در جلسه بعدی شور ستادی اعلام کنند. رکن سوم راهکارهای اجرای مأموریت را برآورد می‌کند و هماهنگی لازم در کل ستاد معمول و پس از تصویب فرماندهی، دستور عملیاتی به‌وسیله رکن سوم تهیه و تنظیم و برای اجرا ابلاغ می‌گردد. در خلال این مدت البته برای آنکه واحدهای مجری آمادگی لازم پیدا کنند و وقت تضییع نگردد يك دستور آگهی تنظیم و ابلاغ می‌شود و واحدها به مناطق تجمع خود حرکت می‌کنند. در اجرای مراحل مختلف عملیات هم به‌طور متوسط روزانه يك بار شور ستادی تشکیل و وضعیت

اختصاصی؛ هشدار «پلیس اطلاعات و امنیت عمومی» نسبت به فراخوان اعتصاب کارکنان «فراجا»



تصاویری از کارزار پرسنل ناراضی فراجا با عنوان پوشش «یک وطن، یک درد، یک صدا»

نیروهای مسلح بیشتر احساس خطر کرده به ویژه آنکه تجربه سوریه و سقوط رژیم بشار اسد نیز پیش روی نظام قرار دارد. بر همین اساس مسعود پزشکیان به استانداران دستور داده برای حل مشکلات مربوط به مسکن نیروهای مسلح کارگروه تشکیل دهند.

سردار یحیی محمودزاده فرمانده قرارگاه مسکن نیروهای مسلح تأکید کرده «معیشت و رضایت کارکنان نیروهای مسلح قدرت بیشتری از تجهیزات نظامی دارد».

او توضیح داد، «مسکن یکی از دغدغه‌های معیشتی خانواده‌ها به ویژه کارکنان نیروهای مسلح کشور است» و افزود که «از این نظر عقب هستیم».

محمودزاده همچنین هشدار داد، «بدون نیروهای مسلح جامعه سرپا باقی نمی‌ماند، اگر امنیت نباشد علم و اقتصاد در کار نیست، باید کاری کنید تا کارکنان تا ۱۵ سال خدمت دارای مسکن شوند».

فریبرز کرمی زند از افسران سابق نیروی انتظامی، اخیراً در ویدیویی خطاب به سایر پرسنل نیروی انتظامی با اشاره به نام بهنام زارعی افسر فقید پلیس که در مقابل یک آزارگر حجاب به دفاع از زنان پرداخت، از نظامی‌ها خواست تا دیر نشده به مردم پیوندند.

در سالگرد «خیزش ملی» حکومت از طریق صداوسیما خود، خبرگزاری‌ها و همچنین شبکه‌های اجتماعی برای سفیدشویی نیروهای مسلح به ویژه نیروی انتظامی تبلیغات گسترده به راه انداخته است. در این کارزار تبلیغاتی فرماندهان نیروی انتظامی به سراغ فرزندان پرسنل کشته شده در جنگ ۱۲ روزه رفته‌اند و با حضور عکاسان و خبرنگاران آنها را در روز اول مهرماه برای رفتن به مدرسه همراهی می‌کنند.

در مقابل، شهروندان مخالف حکومت در شبکه‌های اجتماعی با باز نشر ویدیوهای مربوط به سرکوب وحشیانه مردم توسط نیروهای پلیس و بسیج در جریان اعتراضات و همچنین با انتشار تصاویر و فیلم‌های دختران و پسران جوانی که به دست مأموران حکومت کشته شدند، کمپین دادخواهی را برجسته می‌کنند.

در این نامه تأکید شده: «بر اساس پایش صورت گرفته در فضای مجازی به تازگی فراخوان‌هایی برای اعتصاب کارکنان منتشر شده است... لذا دستور فرمایید نسبت به هشداردهی به رده‌های اطلاعاتی و امنیتی- انتظامی پیشگیری‌های لازم انجام شود و هرگونه اخبار و اطلاعات مرتبط با قید فوریت ارسال شود».

اینهمه در حالیکه فشارهای اقتصادی، بحران مسکن و مسائل روحی و روانی به پرسنل نظامی و خانواده آنها به اوج خود رسیده است. این بحران‌ها سبب افزایش موارد خودکشی یا ترک خدمت و اعتیاد در بین پرسنل شده است. در این میان، شرایط امنیتی در ایران اصلاً وضعیت عادی ندارد، از این رو رژه سالانه «۳۱ شهریور» بنا به دلایل امنیتی لغو شد و بجایش در چند شهر یگان‌های موتوری نیروهای سروکوبر انتظامی و بسیج برای ارباب و وحشت‌پراکنی در خیابان‌ها رژه رفتند.

از سوی دیگر، از خردادماه ۱۴۰۴ کارزار اعتراضی ناراضی کارکنان نیروی انتظامی با عنوان تحت عنوان «یک وطن، یک درد، یک صدا» شکل گرفت. این کارزار با آغاز جنگ ۱۲ روزه متوقف شد اما بار دیگر با دعوت از نیروهای مسلح به ریزش و تقویت کمپین «همکاری ملی» که به دعوت شاهزاده رضا پهلوی انجام شده، دوباره از سر گرفته شده است.

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی با انتشار تصویری از کارزار اعتراضی همقطاران سابق خود می‌نویسد، «روز به روز به تعداد کارکنان نیروهای مسلحی که در همکاری ملی شرکت می‌کنند بیشتر می‌شود، سرنگونی جمهوری اسلامی فقط از خیابان با اتحاد همه اقشار جامعه امکانپذیر است».

یکی از مشکلات اساسی پرسنل نیروهای مسلح نداشتن مسکن است. اغلب آنها اجاره‌نشین هستند و تا پایان عمر نمی‌توانند حتی مالک یک خانه کوچک در حومه شهرها باشند. منازل سازمانی نیز عموماً محدود است و نورچشمی‌های حکومت در اولویت قرار دارند.

بعد از جنگ ۱۲ روزه، حکومت نسبت به نارضایتی در

مشکلات معیشتی و بحران‌های روحی و روانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه شدت گرفته است. در شبکه‌های اجتماعی برخی فعالان حوزه نظامی فراخوانی را به اشتراک گذاشته‌اند که مربوط به اعتصاب و اعتراض کارکنان نیروی انتظامی در «هفته نیروی انتظامی» (۱۳ تا ۱۹ مهرماه) است.

این فراخوان‌ها با اینکه برگزاری آن با محدودیت‌های فراوان روبروست، با واکنش فراجا روبرو شده است. بر اساس رونوشت نامه‌ای که به دست کیهان لندن رسیده است «پلیس اطلاعات و امنیت عمومی» به «پلیس پیشگیری و عملیات» نسبت به «فراخوان اعتصاب پرسنل فراجا» هشدار داده است.

این در حالیکه فشارهای اقتصادی، بحران مسکن و مسائل روحی و روانی به پرسنل نظامی و خانواده آنها به اوج خود رسیده است. این بحران‌ها سبب افزایش موارد خودکشی یا ترک خدمت و اعتیاد در بین پرسنل شده است. فریبرز کرمی زند از افسران سابق نیروی انتظامی، اخیراً در ویدیویی خطاب به سایر پرسنل نیروی انتظامی با اشاره به نام بهنام زارعی افسر فقید پلیس که در مقابل یک آزارگر حجاب به دفاع از زنان پرداخت، از نظامی‌ها خواست تا دیر نشده به مردم پیوندند.

مشکلات معیشتی و بحران‌های روحی و روانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه شدت گرفته است. در شبکه‌های اجتماعی برخی فعالان حوزه نظامی فراخوانی را به اشتراک گذاشته‌اند که مربوط به اعتصاب و اعتراض کارکنان نیروی انتظامی در «هفته نیروی انتظامی» (۱۳ تا ۱۹ مهرماه) است.

این فراخوان‌ها با اینکه برگزاری آن با محدودیت‌های فراوان روبروست، با واکنش «فراجا» روبرو شده است. بر اساس رونوشت نامه‌ای که به دست کیهان لندن رسیده است، «پلیس اطلاعات و امنیت عمومی» به «پلیس پیشگیری و عملیات» نسبت به «فراخوان اعتصاب پرسنل فراجا» هشدار داده است.

مأموریت پزشکیان در سازمان ملل دشوارتر از سال گذشته



سخنرانی مسعود پزشکیان در سازمان ملل متحد / سپتامبر ۲۰۲۴

مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا در دیدار اخیرش با نتانیاهو موضوع توان موشکی ایران و میزان تهدید آن را مطرح کرده است؛ موضوعی که تهران آن را خط قرمز دانسته و رد کرده. علی لاریجانی رئیس «شورای عالی امنیت ملی» تأکید کرده که درهای تهران همچنان به گفتگوهای هسته‌ای با واشنگتن گشوده است، اما هرگونه محدودیت در برنامه موشکی را منتفی می‌داند. بنابراین رژیم ایران احتمال می‌دهد که آمریکا در هر مذاکره آتی موضوع توان موشکی را پیش بکشد؛ مسئله‌ای که تهران خواهد کوشید از آن اجتناب کند. نشست‌های مجمع عمومی فرصتی برای دیدار با سران کشورهایی است که با ایران ارتباطاتی دارند؛ فرصتی که تهران سعی خواهد کرد با دیپلماسی فعال از آن بهره‌برداری کند تا مانع اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی شود و پایه‌ای برای دور تازه‌ای از مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای بگذارد. از این رو شاید رژیم‌ایران ناچار شود از برخی شروط، مانند پافشاری بر مذاکرات غیرمستقیم، عقب‌نشینی کند. اما شرط ربط دادن اعتبار توافق با آژانس به اجرای مکانیسم ماشه دست‌کم تا پایان سپتامبر برای خرید زمان احتمالا باقی خواهد ماند. عقب‌نشینی از این شرط بستگی به میزان خطر حمله نظامی اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران دارد. از همین رو تهران تلاش خواهد کرد در سخنرانی پزشکیان بر منازعات منطقه‌ای و پیامدهای آن بر امنیت خاورمیانه تأکید کند.

شرایط کنونی جمهوری اسلامی متفاوت از سال گذشته است و همین امر چالش‌هایی را بر دوش آن می‌گذارد که باید برای اجتناب از کشیده شدن به دور تازه‌ای از رویارویی نظامی توسط اسرائیل، با آنها مواجه شود.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

سطح تنش به جایی رسیده که حتی برخی صداهای تندرو در داخل ایران خواستار ترور گروسی شدند. در این میان، مصر برای تسهیل بازگشت دو طرف به تفاهم مداخله کرد و توافقی برای چارچوب جدید همکاری میان ایران و آژانس در قاهره شکل گرفت. این گام دیپلماتیک قدری آرامش در روابط ایجاد کرد و رژیم ایران آن را برای نمایش حسن نیت و خرید زمان در جهت جلوگیری از فعال شدن «اسنپ‌بک» به کار گرفت. اما این گام نیز شکننده بود؛ زیرا از یکسو جمهوری اسلامی آن را به هر اقدام علیه خود از جمله فعال شدن «اسنپ‌بک» گره زد و از سوی دیگر اختلافات جدی با واشنگتن همچنان پابرجاست، هرچند آمریکا آمادگی خود را برای از سر گرفتن مذاکرات اعلام کرده است.

از این رو مأموریت پزشکیان در نیویورک بسیار دشوار خواهد بود. هنوز هیچ نشست رسمی با هیئت‌های اروپایی یا آمریکایی اعلام نشده است. با این حال او باید از یکسو اعتمادسازی کند و از طرف دیگر بر گشایش در پیچه‌های مذاکرات تأکید نماید و البته شاید به اصول ثابت رژیم خود در زمینه حق غنی‌سازی اشاره کند و حتی به امکان مذاکرات مستقیم با واشنگتن نیز تلویحاً بپردازد. اختلافات همچنان هم در شکل و هم در محتوا باقیست: از نظر شکلی، رژیم ایران خواستار مذاکرات غیرمستقیم است، در حالی که واشنگتن مذاکرات مستقیم می‌خواهد؛ و در محتوا، مسئله اصلی همچنان غنی‌سازی صفر است که تهران آن را رد می‌کند. موضوع تازه در اختلافات ممکن است پرونده موشک‌های بالستیک باشد. این موشک‌ها تنها ابزار مؤثر رژیم ایران در پاسخ به اسرائیل طی جنگ اخیر بودند؛ درسی که اسرائیل آن را نادیده نخواهد گرفت. برخی افشاگرها از جلسات دولت بنیامین نتانیاهو حاکی از آن است که ایران به دومین قدرت بزرگ موشکی بالستیک بدل خواهد شد. همچنین

● این دومین بار است که مسعود پزشکیان رئیس جمهوری اسلامی ایران، در آن حضور می‌یابد. وی نخستین بار، سال گذشته و چند ماه پس از به دست گرفتن عالی‌ترین منصب اجرایی کشور در آن شرکت داشت. اهمیت نشست گذشته این بود که در شرایطی برگزار شد که تهران تلاش داشت خود را از هدف گرفته شدن مستقیم توسط اسرائیل دور نگه دارد.

● اما اینبار هیئت جمهوری اسلامی در شرایطی متفاوت هم در ایران و هم در منطقه و جهان عازم این مجمع خواهد شد. اینبار خود جمهوری اسلامی ایران هدف حملات اسرائیل و سپس آمریکا قرار گرفته و برای نخستین بار تأسیسات هسته‌ای آن در هم کوبیده شده‌اند.

● از این رو مأموریت پزشکیان در نیویورک بسیار دشوار خواهد بود. هنوز هیچ نشست رسمی با هیئت‌های اروپایی یا آمریکایی اعلام نشده است. با این حال او باید از یکسو اعتمادسازی کند و از طرف دیگر بر گشایش در پیچه‌های مذاکرات تأکید نماید و البته شاید به اصول ثابت رژیم خود در زمینه حق غنی‌سازی اشاره کند و حتی به امکان مذاکرات مستقیم با واشنگتن نیز تلویحاً بپردازد... از همین رو تهران تلاش خواهد کرد در سخنرانی پزشکیان بر منازعات منطقه‌ای و پیامدهای آن بر امنیت خاورمیانه تأکید کند.

هدی رؤوف (ایندپیندنت عربی) - هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آستانه برگزاری است؛ محفل سیاسی مهمی که رهبران کشورها در آن دیدگاه‌های خود را درباره مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای و نقش کشورهاشان بیان می‌کنند.

این دومین بار است که مسعود پزشکیان رئیس جمهوری اسلامی ایران، در آن حضور می‌یابد. وی نخستین بار، سال گذشته و چند ماه پس از به دست گرفتن عالی‌ترین منصب اجرایی کشور در آن شرکت داشت. اهمیت نشست گذشته این بود که در شرایطی برگزار شد که تهران تلاش داشت خود را از هدف گرفته شدن مستقیم توسط اسرائیل دور نگه دارد. آن زمان حملات اسرائیل متوجه «حزب‌الله» لبنان بود و رژیم ایران برای حمایت با کاستن از فشار نظامی اسرائیل در آن مداخله نکرد. برعکس، پزشکیان پیش از سفر به نیویورک در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: «ما برادر آمریکایی‌ها هستیم». سخنرانی او در مجمع عمومی نیز بر گشایش و تفاهم برای مذاکرات با غرب متمرکز بود.

اما اینبار هیئت جمهوری اسلامی در شرایطی متفاوت هم در ایران و هم در منطقه و جهان عازم این مجمع خواهد شد. اینبار خود جمهوری اسلامی ایران هدف حملات اسرائیل و سپس آمریکا قرار گرفته و برای نخستین بار تأسیسات هسته‌ای آن در هم کوبیده شده‌اند. همچنین کشورهای «تروئیکای» اروپایی نیز مکانیسم ماشه را فعال کرده‌اند. همزمان روابط رژیم ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تیره‌تر شده است. تهران گزارش رافائل گروسی مدیرکل آژانس را پیش از جنگ متهم کرد و مدعی شد که این گزارش به اسرائیل بهانه حمله را داده است. همچنین جمهوری اسلامی بازرسان آژانس را به جاسوسی به نفع اسرائیل و واشنگتن متهم کرده است.

برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای «حفظ نظام و اسلام» بمب اتمی می‌خواهند!



کلاهک موشک قاره پیمای «خرمشر»

● کمتر از یک هفته پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، ۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رؤسای سه قوه و «شورای عالی امنیت ملی» خواستار آن شدند که با تغییر فتوای پیشین خامنه‌ای و برای ایجاد «بازدارندگی»، جمهوری اسلامی اقدام به ساخت و نگهداری بمب اتمی کند.

● این نمایندگان نوشتند «به‌کارگیری سلاح هسته‌ای مصداق حرمت فتوای رهبری در سال ۱۳۸۹ بوده» «اما ساخت و نگهداری به عنوان بازدارندگی بحث دیگری است.»

● در نامه نمایندگان اشاره شده «مستدعی است از آنجا که مصوبات آن شورا با تأیید رهبری معظم انقلاب موضوعیت دارد این درخواست در اسرع وقت مطرح و نتایج کارشناسی به اطلاع مجلس شورای اسلامی رسانده شود.»

● این نمایندگان مجلس اسلامی اشاره کردند: «تغییر موضوع و تفاوت شرایط در فقه امامیه موجب تغییر حکم خواهد شد ضمن اینکه مصلحت حفظ اسلام عزیز که امروز با حفظ نظام جمهوری اسلامی گره‌خورده از واجبات مهمی است که می‌توان حکم حرمت اولیه را به‌عنوان حکم ثانوی تبدیل به حکم جواز کند.»

کمتر از یک هفته پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، ۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رؤسای سه قوه و «شورای عالی امنیت ملی» رژیم خواستار آن شدند که با تغییر فتوای پیشین خامنه‌ای و برای ایجاد «بازدارندگی»، نظام اقدام به ساخت و نگهداری بمب اتمی کند.

این نمایندگان نوشتند «به کار گرفتن سلاح هسته‌ای مصداق حرمت فتوای رهبری در سال ۱۳۸۹ بوده» «اما ساخت و نگهداری به عنوان بازدارندگی بحث دیگری است.»

در نامه نمایندگان اشاره شده «مستدعی است از آنجا که

دیدار گروسی و عراقچی در نیویورک؛ پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی در «گذرگاه خطرناکی» قرار دارد

● عباس عراقچی در بدو ورود به نیویورک طی سخنانی با اشاره به حمله اسرائیل و آمریکا در جنگ ۱۲ روزه، گفت که قرار است با عمده وزرای خارجه اروپایی دیدار کند و «طرف‌های مقابل باید تصمیم بگیرند که آیا همکاری را انتخاب می‌کنند یا تقابل را.»

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی اندکی پس از دیدار گروسی و وزیر خارجه رژیم در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که عراقچی «هرگونه پیشرفت» در همکاری با آژانس را «منوط به مسئولیت‌پذیری طرف‌های مقابل و توقف زیاده‌خواهی و سوء استفاده آنها از شورای امنیت برای اعمال فشار بر ایران» دانسته است.

● رافائل گروسی بعد از گفتگو با عراقچی به خبرنگاران گفت پرونده هسته‌ای ایران در «گذرگاهی خطرناک» قرار گرفته است. وی با اینهمه افزود که رایزنی‌ها ادامه خواهد داشت.

● گروسی در واکنش به تصمیم قطع همکاری جمهوری اسلامی با آژانس نیز گفت: «قطعاً دوران بسیار سختی است.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای شرکت در هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک رفته است، دوشنبه ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریورماه) با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفتگو کرد.

عراقچی در بدو ورود به نیویورک طی سخنانی با اشاره به حمله اسرائیل و آمریکا در جنگ ۱۲ روزه گفت که قرار است با عمده وزرای خارجه اروپایی دیدار کند و «طرف‌های مقابل باید تصمیم بگیرند که آیا همکاری را انتخاب می‌کنند یا تقابل را.»

او بار دیگر تکرار کرد که جمهوری اسلامی «با زبان فشار و تهدید پاسخگو نیست و به دنبال راه حل دیپلماتیک است.»

عراقچی و گروسی پیش از این در مصر دیدار و گفتگو کرده بودند که منتهی به امضای «توافق قاهره» با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد. اما دولت‌های اروپایی اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران اقدام عملی برای اجرای تعهداتش بر نداشته و پس از نشست شورای امنیت در روز جمعه ۲۶ سپتامبر «مکانیسم ماشه» فعال شد. بعد از رد قطعنامه تهدید تعلیق تحریم‌های بین‌المللی در شورای امنیت سازمان ملل، «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی اعلام کرد همکاری با آژانس متوقف می‌شود و همزمان بیش از ۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی نیز خواستار ساخت بمب اتمی برای «حفظ نظام و اسلام» شدند.

مصوبات آن شورا با تأیید رهبری معظم انقلاب موضوعیت دارد این درخواست در اسرع وقت مطرح و نتایج کارشناسی به اطلاع مجلس شورای اسلامی رسانده شود.»

این نمایندگان مجلس اسلامی اشاره کردند: «تغییر موضوع و تفاوت شرایط در فقه امامیه موجب تغییر حکم خواهد شد ضمن اینکه مصلحت حفظ اسلام عزیز که امروز با حفظ نظام جمهوری اسلامی گره‌خورده از واجبات مهمی است که می‌توان حکم حرمت اولیه را به‌عنوان حکم ثانوی تبدیل به حکم جواز کند.»

بر اساس فتوای علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی استفاده از سلاح اتمی حرام است با این حال او خرداد ۱۴۰۲ در یک سخنرانی تهدید کرد «اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، نمی‌توانستند جلوی ما را بگیرند.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در آذرماه ۱۴۰۳ در جریان سفر به لیسبون پایتخت پرتغال تهدید کرده بود اگر «مکانیسم ماشه» فعال شود جمهوری اسلامی به سمت ساخت سلاح اتمی متمایل می‌شود.

طی سال‌ها اخیر شمار زیادی از مقامات جمهوری اسلامی در مورد «ساخت سلاح اتمی» اظهارات ضد و نقیض داشته‌اند. فریدون عباسی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی که در جنگ ۱۲ روزه کشته شد، در یک مصاحبه گفته بود: «اگر ایران بخواهد سلاح هسته‌ای بسازد، سلاح هسته‌ای تاکتیکی می‌سازد.» او همچنین ادعا کرده بود: «ما صاحب فناوری انفجاری نیز هستیم و ۲۰ سال پیش نیز توانمندی ساخت بمب اتم را داشتیم!»

اکنون برای نخستین بار است که دهه‌ها نماینده مجلس شورای اسلامی رسماً خواستار ساخت بمب اتمی شده‌اند. درخواستی که احتمالاً در فضای بین‌المللی پیامدهایی به دنبال خواهد داشت.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران پس از بمباران تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان همچنان نامشخص است و منابع اطلاعاتی غربی و اسرائیلی در مورد وضعیت مبهم آن هشدار داده‌اند.

ماشه کشیده شد!



صحن شورای امنیت / رویترز

● نهاد‌های بین‌المللی و کشورهای غربی همکاری نمی‌کند. این تحریم‌ها از ۲۷ سپتامبر (شنبه، ۵ مهر) ساعت ۸ شب به وقت نیویورک به اجرا درخواهند آمد.

کره جنوبی رئیس کنونی شورای امنیت پیش‌نویس قطعنامه‌ای را که جمعه به رای گذاشته شد تهیه کرده بود. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی آذرماه سال ۱۴۰۳ در جریان سفر به لیسبون پایتخت پرتغال تهدید کرده بود که اگر مکانیسم ماشه فعال شود جمهوری اسلامی به سمت ساخت پمپ اتم متمایل می‌شود. برخی دیگر از مقامات نیز تهدید کرده‌اند در صورت بازگشت تحریم‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی از NPT خارج خواهند شد و تنگه هرمز را خواهند بست! برخی دیگر از مسئولان رژیم ایران اما معتقدند که سخت‌ترین تحریم‌ها را تحمل کرده‌اند و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی اثر چندانی روی رژیم نخواهد داشت!

پیشتر سعید خطیب‌زاده معاون عراقچی اقدام سه کشور اروپایی را در مورد فعال کردن مکانیسم ماشه «جانبداری سیاسی» خوانده بود. امانوئل ماکرون روز پنجشنبه در گفتگو با «کانال ۱۲» اسرائیل گفته بود که اجرای مکانیسم ماشه «حتمی» است. کیهان لندن در گزارش تحلیلی هفتگی خود که صبح جمعه ۱۹ سپتامبر منتشر شده بود نوشت: «با توجه به هشدارهای کشورهای اروپائی، در صورتی که این کشورها بار دیگر در دقیقه ۹۰ عقب‌نشینی نکنند، می‌بایست شاهد تنش‌های بسیاری در روابط جمهوری اسلامی با غرب و حتی با کشورهای منطقه به ویژه کشورهایی بود که متحدین آمریکا و اروپا به حساب می‌آیند. با توجه به اینکه تحریم‌های بین‌المللی در شش قطعنامه سازمان ملل که با امضای برجام در تابستان ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) به تعلیق درآمدند، با اجرای مکانیسم ماشه می‌تواند بازگردند، و جمهوری اسلامی نیز ذیل ماده هفت منشور سازمان ملل قرار دارد و تهدیدی برای صلح و امنیت جهان شناخته می‌شود، همه اینها می‌تواند به هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مشروعیت ببخشد. حمله آمریکا و متحدینش در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق، دیگر کشوری که ذیل ماده هفت تحریم شده بود، با استناد به همین ماده انجام گرفت.»

● در جلسه شورای امنیت سازمان ملل که روز جمعه ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) برگزار شد، قطعنامه تمدید تعلیق تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی رأی نیاورد.

● کیهان لندن در گزارش تحلیلی هفتگی خود که صبح جمعه ۲۸ شهریور منتشر شد، نوشت: «بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و همچنین شناخته شدن جمهوری اسلامی ذیل ماده هفت منشور سازمان ملل به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهان، می‌تواند به هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مشروعیت ببخشد. حمله آمریکا و متحدینش در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق با استناد به همین ماده انجام گرفت.»

در جلسه شورای امنیت سازمان ملل که روز جمعه ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) برگزار شد، قطعنامه تمدید تعلیق تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی رأی نیاورد. به این ترتیب با چهار رأی موافق، ۹ رأی مخالف و دو رأی ممتنع «مکانیسم ماشه» (اسنپ‌بک) عملاً به اجرا درخواهد آمد و تمام تحریم‌های بین‌المللی که بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل اعمال می‌شدند و با توافق موسوم به برجام از تابستان ۱۳۹۴ تعلیق شده بودند، دوباره فعال خواهند شد.

در جلسه شورای امنیت، چین، روسیه، پاکستان و الجزایر به تهدید قطعنامه پیشنهادی رأی مثبت دادند. در مقابل بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده، سیرالئون، اسلوونی، دانمارک، یونان، پاناما و سومالی به تهدید قطعنامه رأی منفی دادند. نماینده بریتانیا در شورای امنیت گفت که استفاده از «مکانیسم ماشه» برای بازگشت تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی از سوی سه کشور اروپایی «کاملاً قانونی» است. نماینده فرانسه در این جلسه اشاره کرد که ذخایر اورانیوم غنی‌شده جمهوری اسلامی افزایش یافته و «هنوز هیچ اقدامی برای همکاری با آژانس انجام نداده است».

روند فعال کردن مکانیسم ماشه توسط سه کشور اروپایی بریتانیا و آلمان و فرانسه زمانی آغاز شد که غرب و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به این نتیجه رسیدند که جمهوری اسلامی آنگونه که لازم است برای پاسخگویی و شفافیت درباره ابهامات در برنامه‌های هسته‌ای خود با

➔ وزارت خارجه جمهوری اسلامی اندکی پس از دیدار گروسی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و وزیر خارجه رژیم طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که عراقچی «هرگونه پیشرفت» در همکاری با آژانس را «منوط به مسئولیت‌پذیری طرف‌های مقابل و توقف زیاده‌خواهی و سوء استفاده آنها از شورای امنیت برای اعمال فشار بر ایران» دانسته است. رافائل گروسی در پایان این دیدار به خبرنگاران گفت که پرونده هسته‌ای ایران در «گذرگاهی خطرناک» قرار گرفته است. وی با اینهمه افزود که رایزنی‌ها ادامه خواهد داشت. گروسی همچنین در واکنش به تصمیم قطع همکاری



دیدار عراقچی و گروسی در نیویورک / ۳۱ شهریور ۱۴۰۴

جمهوری اسلامی با آژانس نیز گفت: «قطعاً دوران بسیار سختی است».

دیدار گروسی و عراقچی و آنچه از گفتگوی آنها منتشر شده، بازتابی از آشفتگی و بهم‌ریختگی اوضاع درون حکومت نیز هست. حتا شماری از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای حامی نظام به پذیرایی و خم شدن عراقچی در مقابل گروسی اشاره کرده و تهدیدات علی لاریجانی را یادآور شده‌اند که گفته بود: «جنگ که تمام شود به حساب گروسی خواهیم رسید». علی قلی‌هی فعال رسانه حامی نظام در «ایکس» نوشت: «به حساب گروسی با گز اصفهان و آجیل ممتاز تریز رسیدگی شد!»

در مجلس شورای اسلامی نیز مواضع شدیدی علیه آژانس بین‌المللی و رافائل گروسی وجود دارد، هرچند که برخی تحلیلگران آن را نمایشی و ادامه همان بازی دوگانه‌سازی دروغین «بد و بدتر» می‌دانند.

کامران غضنفری عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس اسلامی ضمن انتقاد از نقاط ضعف «توافق قاهره»، به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «طبق قانون مجلس درباره تعلیق همکاری‌ها با آژانس، وقتی شرایط به گونه‌ای است که سازمان انرژی اتمی ایران نمی‌تواند تایید کند که آژانس، امنیت دانشمندان و مراکز هسته‌ای ما را تضمین کرده است، در نتیجه شورای عالی امنیت ملی نیز حق ندارد که هیچگونه تصمیمی درباره درخواست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ازسرگیری بازرسی‌ها در ایران بگیرد. به عبارت دیگر، تا وقتی امنیت سایت‌ها و دانشمندان هسته‌ای ما توسط آژانس تضمین نشود، نباید اجازه‌ای برای بازرسی از تاسیسات اتمی ایران به آژانس داده شود.» این سخنان به نوعی تکرار همان موضع مقامات ارشد رژیم مبنی بر دریافت تضمین از سوی غرب و آمریکا جهت عدم حمله دوباره به جمهوری اسلامی است.

غضنفری تأکید کرد: «گروسی هیچوقت حمله آمریکا و اسرائیل را محکوم نکرد». وی همچنین هشدار داد: «دسترسی دادن به جاسوسان آژانس، حرکت در مسیر تکمیل پازل دشمن است.»

بازگشت تحریم‌های بین‌المللی کشتیرانی جمهوری اسلامی را بطور جدی هدف می‌گیرد



یک نفتکش ایرانی در آبهای آزاد

امنیت علیه جمهوری اسلامی دوباره بازخواهند گشت. یکی از آنها قطعنامه ۱۹۲۹ است که در سال ۲۰۱۰ اعمال شد. این قطعنامه شامل ممنوعیت سرمایه‌گذاری ایران در فعالیت‌های حساس هسته‌ای و موشکی در خارج کشور، ممنوعیت فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تسلیحات متعارف سنگین و محدودیت فعالیت‌های موشکی بالستیک است.

بر اساس این قطعنامه، معاملات بانکی جدید و روابط بانکی با موسسات پولی و مالی ایرانی که با فعالیت‌های ممنوعه هسته‌ای و موشکی مرتبط اند، ممنوع شد. همچنین ضرورت نظارت ویژه بر مناسبات مالی و بیمه‌ای مرتبط با ایران نیز مورد تاکید قرار گرفت.

فرای اینها طبق قطعنامه ۱۹۲۹ مجوز بازرسی محموله‌ها، بازرسی کشتی‌های شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (IRISL) و کشتی‌های تابعه با هواپیماها مشکوک به حمل کالاهای ممنوعه، حتی در دریا، و الزام به ضبط و برخورد با کالاهای ممنوعه به کشورهای عضو سازمان ملل داده خواهد شد که می‌تواند تشدیدکننده درگیری‌ها در دریاها و بنادر باشد.

حجت‌الاسلام حسنعلی اخلاقی امیری نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «مکانیسم ماشه متراکم خسته‌ای است که توان به زانو در آوردن و ضربه به ملت ایران را ندارد و با وجود تحریم‌ها نفت ایران مشتری دارد». اما حمید قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه عنوان می‌کند: «تحریم‌های شورای امنیت بی‌اثر هم نیست باید واقع‌بین بود.»

در همین حال مسئولان نفتی دولت مسعود پزشکیان درست مثل دوران محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی مدعی‌اند که راه فروش نفت را بلدند. در همین ارتباط جواد ظریف وزیر خارجه دو دولت حسن روحانی گفته بود: «ما در دور زدن تحریم‌ها دکترا داریم!»

شد، نوشت که با فعال شدن «مکانیسم ماشه» تحریم‌های سختگیرانه‌ای علیه جمهوری اسلامی اعمال خواهد شد که کشتیرانی ایران را بطور جدی تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این گزارش آمده، تحریم‌های بین‌المللی که علیه جمهوری اسلامی اعمال خواهد شد به مراتب مؤثرتر از محدودیت‌های فعلی یعنی تحریم‌های یکجانبه آمریکا و برخی تحریم‌های جداگانه برخی کشورهای غربی خواهد بود.

با لغو این تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ پس از توافق اتمی (برجام) برخی کشورها نظیر چین، هند، مالزی و امارات متحده عربی بهانه داشتند تا به تجارت با جمهوری اسلامی ایران ادامه دهند اما اکنون محدودیت‌ها بر صادرات نفت و گاز، کشتیرانی، بانکداری و دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، تولید سلاح، بیمه و واردات فنی همگی سخت‌تر خواهند شد.

در بخش دیگری از این گزارش نیز آمده، اگر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد آنگونه که انتظار می‌رود از ۲۷ سپتامبر (پنجم مهرماه) بازگردند، ناوگان تجاری شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های تابعه تحت فشار قرار می‌گیرند. این ناوگان اکنون ۱۱۵ فروند کشتی در اختیار دارد.

از سوی دیگر ۳۸ نفتکش غول‌پیکر متعلق به شرکت ملی نفتکش ایران (NITC) نیز با محدودیت‌های جدیدی روبرو خواهند شد و نفت ایران که در نفتکش‌های شناور ذخیره و نگهداری و با روش انتقال کشتی به کشتی (STS) قاچاق می‌شود نیز در معرض خطر بیشتری قرار خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی برای مقابله با این تحریم‌ها روش‌هایی از جمله استفاده از «ناوگان شیخ» را دارد بطوری که پول فروش نفت در بازار سیاه یا شرکت‌های چینی را از طریق «شبکه بانکداری در سایه» نقدی یا از طریق رمزارز دریافت می‌کند.

با فعال شدن مکانیسم ماشه، شش قطعنامه پیشین شورای

● پایگاه خبری-تحلیلی «ماریتایم اکسکیوتیو» (The Maritime Executive) که در حوزه صنعت دریانوردی فعال است، در گزارشی که ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریورماه) منتشر شد، نوشت که با فعال شدن «مکانیسم ماشه» تحریم‌های سختگیرانه‌ای علیه جمهوری اسلامی اعمال خواهد شد که کشتیرانی ایران را بطور جدی تحت تاثیر قرار می‌دهد.

● با لغو این تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ پس از توافق اتمی (برجام) برخی کشورها نظیر چین، هند، مالزی و امارات متحده عربی بهانه داشتند تا به تجارت با جمهوری اسلامی ایران ادامه دهند اما اکنون محدودیت‌ها بر صادرات نفت و گاز، کشتیرانی، بانکداری و دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، تولید سلاح، بیمه و واردات فنی همگی سخت‌تر خواهند شد.

● ۳۸ نفتکش غول‌پیکر متعلق به شرکت ملی نفتکش ایران (NITC) با بازگشت تحریم‌ها با محدودیت‌های جدیدی روبرو خواهند شد و نفت ایران که در نفتکش‌های شناور ذخیره و نگهداری و با روش انتقال کشتی به کشتی (STS) قاچاق می‌شود نیز در معرض خطر بیشتری قرار خواهد گرفت.

● طبق قطعنامه ۱۹۲۹ مجوز بازرسی محموله‌ها، بازرسی کشتی‌های شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (IRISL) و کشتی‌های تابعه با هواپیماها مشکوک به حمل کالاهای ممنوعه، حتی در دریا، و الزام به ضبط و برخورد با کالاهای ممنوعه به کشورهای عضو سازمان ملل داده خواهد شد که می‌تواند تشدیدکننده درگیری‌ها در دریاها و بنادر باشد.

پایگاه خبری-تحلیلی «ماریتایم اکسکیوتیو» (The Maritime Executive)، که در حوزه صنعت دریانوردی فعال است، در گزارشی که ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریورماه) منتشر

به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» توسط بریتانیا، کانادا، استرالیا و پرتغال؛ نتانیاها: این پاداش بزرگ به تروریسم است



راهپیمایی حامیان آرمان‌های فلسطین در استرالیا

سناتور لیندسی گراهام در واکنش به تصمیم چهار کشور غربی برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین گفت: «۸۰ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، جایی که بیش از ۶ میلیون یهودی تنها به خاطر یهودی بودن توسط نازی‌ها کشته شدند، همان به اصطلاح جهان متمدن به نازی‌های دینی معاصر با اعطای عنوان خودسرانه‌ی کشور فلسطینی پاداش می‌دهد.»

او افزود: «به آن رهبران غربی‌ای که از این کار حمایت می‌کنند می‌گویم: من گمان نمی‌کنم شما یهودستیز باشید؛ فقط به طرز تکان‌دهنده‌ای نادان و در برابر آنچه انجام می‌دهید کور هستید.»

لیندسی گراهام در «ایکس» نوشت که به رسمیت‌شناختن یک کشور فلسطینی «بدون رهبران، بدون مرزها، بدون پایتخت و بدون تمهیداتی برای امنیت اسرائیل عملاً به بزرگترین قتل عام یهودیان از زمان جنگ جهانی دوم پاداش می‌دهد.»

او یادآوری کرد که در سراسر «جهان تروریستی»، هفتم اکتبر اکنون «روز رهایی» آنها تلقی می‌شود!

گراهام تأکید کرد: «حماس، حزب‌الله، [رژیم] ایران و حوثی‌ها خواهان دو دولت نیستند. آنها خواهان نابودی مردم یهود و ریختن اسرائیلی‌ها به دریا هستند؛ این سخن خود آنهاست، نه من.»

هرچند به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» بیشتر جنبه نمادین دارد اما تروریست‌های حماس آن را دستاورد عملیات مرگبار «توفان الاقصی» می‌دانند.

اسامه حمدان از رهبران ارشد حماس که از مرگ قسر در رفته است به شبکه «الجزیره» می‌گوید: «به رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی برخی کشورها گامی مهم است، اما آنچه اکنون ضرورت دارد، برداشتن گام‌های عملی است تا منجر به تاسیس کشور فلسطین در عمل به پایتختی قدس [اورشلیم] شود!»

آمریکا، «کشور فلسطین» را به رسمیت شناختند. در مقابل بنیامین نتانیاها تأکید کرد هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد. کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا در ارتباط با به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» گفت که دولت‌اش برای «زنده نگه داشتن امید صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها و راه حل دو کشوری»، بطور رسمی کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسد.

او تأکید کرد حماس هیچ آینده‌ای، هیچ نقشی در دولت و هیچ نقشی در امنیت مناطق فلسطینی‌نشین ندارد. استارمر توضیح داد، امید به راه حل دو کشوری در حال کم‌رنگ شدن است، اما جهان نمی‌تواند اجازه دهد «این چراغ خاموش شود».

دولت‌های کانادا، استرالیا و پرتغال نیز در بیانیه‌هایی با به رسمیت شناختن کشور فلسطین اعلام کردند گروه حماس نباید هیچ نقشی در فلسطین داشته باشد.

انتظار می‌رود فرانسه، بلژیک و شماری دیگر از کشورها نیز روز دوشنبه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» را توسط دولت‌های خود اعلام کنند اما گفته می‌شود برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان و ایتالیا قصد شناسایی «کشور فلسطین» را ندارند.

البته «به رسمیت شناختن» به معنای تشکیل عملی یک کشور نیست همانطور که عدم به رسمیت شناختن به معنی عدم موجودیت یک کشور نیست؛ با اینهمه بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل پیشتر نیز در یک پیام ویدیویی تأکید کرده بود که هرگز کشور فلسطینی وجود نخواهد داشت. او دولت‌هایی را که «کشور فلسطین» را به رسمیت می‌شناسند، متهم کرد به اینکه به «تروریسم هیولوار حماس» پاداش می‌دهند.

نتانیاها و دریک پیام ویدیویی تازه نیز تأکید می‌کند که «تشکیل کشور فلسطین، موجودیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد».

● در آستانه دومین سالگرد حمله تروریستی «هفت اکتبر»، بریتانیا، استرالیا، کانادا و پرتغال یکشنبه ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریورماه) با وجود مخالفت شدید اسرائیل و نارضایتی آمریکا، «کشور فلسطین» را به رسمیت شناختند. کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا در این ارتباط گفت که دولت‌اش برای «زنده نگه داشتن امید صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها و راه حل دو کشوری»، بطور رسمی دولت فلسطین را به رسمیت می‌شناسد.

● انتظار می‌رود فرانسه، بلژیک و شماری دیگر از کشورها نیز روز دوشنبه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» را اعلام کنند اما گفته می‌شود برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان و ایتالیا قصد شناسایی «کشور فلسطین» را ندارند.

● البته «به رسمیت شناختن» به معنای تشکیل عملی یک کشور نیست همانطور که عدم به رسمیت شناختن به معنی عدم موجودیت یک کشور نیست؛ با اینهمه بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل پیشتر نیز در یک پیام ویدیویی تأکید کرده بود که هرگز کشور فلسطینی وجود نخواهد داشت. او دولت‌هایی را که «کشور فلسطین» را به رسمیت می‌شناسند، متهم کرد به اینکه به «تروریسم هیولوار حماس» پاداش می‌دهند. نتانیاها و در یک پیام ویدیویی تأکید می‌کند «تشکیل کشور فلسطین، موجودیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد».

● گراهام تأکید کرد: «حماس، حزب‌الله، [رژیم] ایران و حوثی‌ها خواهان دو دولت نیستند. آنها خواهان نابودی مردم یهود و ریختن اسرائیلی‌ها به دریا هستند؛ این سخن خود آنهاست، نه من.»

در آستانه دومین سالگرد حمله تروریستی «هفت اکتبر»، بریتانیا، استرالیا، کانادا و پرتغال یکشنبه ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریورماه) با وجود مخالفت شدید اسرائیل و نارضایتی

سخنرانی ترامپ در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل؛ جمهوری اسلامی حامی اصلی تروریسم در جهان است



سخنرانی دونالد ترامپ در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل / اول مهرماه ۱۴۰۴

غیرقانونی بی‌عمل بوده، بلکه خود «از آن حمایت و حتی تامین مالی می‌کند».

به گفته او «سازمان ملل درواقع حمله علیه کشورهای غربی و مرزهایشان را تامین مالی می‌کند».

انتقاد از اروپایی‌ها برای خرید گاز از روسیه

رئیس جمهور آمریکا در ادامه سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل به شدت از کشورهای اروپایی به دلیل ادامه خرید انرژی از روسیه انتقاد کرد و گفت: «تا زمانی که این روند متوقف نشود، واشنگتن تحریم‌های جدیدی علیه مسکو به خاطر جنگ اوکراین اعمال نخواهد کرد و این جنگ هم پایان نخواهد یافت».

اروپایی‌ها جنگ علیه خودشان را تأمین مالی می‌کنند

او در این بخش گفت: «چین و هند با ادامه خرید نفت روسیه، تأمین‌کنندگان اصلی جنگ جاری هستند، اما به طرز غیرقابل توجهی حتی کشورهای ناتو نیز انرژی و محصولات انرژی روسیه را زیاد قطع نکرده‌اند. من حدود دو هفته پیش به این مسئله پی بردم و باید بگویم بسیار ناراحت شدم. درواقع آنها دارند جنگ علیه خودشان را تأمین مالی می‌کنند. چه کسی تا حالا چنین چیزی شنیده است؟ در صورتی که روسیه آماده توافق برای پایان جنگ نباشد، ایالات متحده کاملاً آمادگی دارد دور جدیدی از تعرفه‌های بسیار سنگین و قاطع را اعمال کند، که به باور من می‌تواند به سرعت خونریزی را متوقف سازد. اما برای اینکه این تعرفه‌ها مؤثر باشند، کشورهای اروپایی، همه شما که الان اینجا جمع شده‌اید، نیز باید در اتخاذ دقیقاً همین اقدامات به ما بپیوندید. منظوم این است که شما خیلی به این موضوع نزدیکتر هستید، در حالی که یک اقیانوس بین ما وجود دارد؛ اما شما در همان منطقه هستید».

او تأکید کرد، «اروپا باید اقدامات خود را افزایش

نظقی که مطابق اعلام پیشین کاخ سفید با محور «بازآفرینی قدرت آمریکا در جهان» ایراد شد.

دونالد ترامپ وقتی پشت تریبون سازمان ملل قرار گرفت، سخنان خود را با شوخی درباره خرابی دستگاه نمایش متی (پرامپتر) آغاز کرد و گفت که اصلاً از خرابی این دستگاه ناراحت نیست چون وقتی بدون آن صحبت می‌کند، حرف‌هایش بیشتر از دل برمی‌آید.

او سپس تصمیم اخیر تعدادی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه را در به رسمیت شناختن کشور فلسطین «پاداشی برای تروریست‌های حماس» دانست و تأکید کرد: «نباید ۷ اکتبر را فراموش کنیم». ترامپ همچنین بر روند رسیدن به توافق آتش‌بس در غزه و نیز لزوم آزادی تمامی گروگان‌ها توسط گروه تروریستی حماس تأکید کرد.

رئیس جمهور آمریکا در عین حال سازمان ملل را به ناتوانی در حل بحران‌های جهانی متهم کرد و گفت: «این نهاد حتی تلاشی برای ارائه راه حل نکرده است. بسیاری معتقدند که من باید برنده جایزه صلح نوبل می‌شدم». او با طعنه افزود، تنها چیزی که از عملکرد سازمان ملل نصیب من شده «یک پله برقی خراب و یک پرامپتر معیوب» بوده است. اشاری او به زمانی است که درست وقتی که او می‌خواست از پله‌برقی در محل سازمان ملل استفاده کند، از کار افتاد!

ترامپ در بخش دیگری از سخنرانی خود مهاجرت غیرقانونی را تهدیدی جدی خواند و گفت که برخی کشورها «زیر بار این بحران در حال فروپاشی‌اند».

لندن در آستان سقوط به دست شریعت است

در همین ارتباط او به بریتانیا اشاره کرد و گفت که شهر لندن «در آستانه سقوط به دست شریعت» است. وی شهردار لندن را مسئول این کار دانست. ترامپ سپس سازمان ملل را متهم کرد که نه تنها در برابر موج مهاجرت

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا روز سه‌شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵ (اول مهرماه ۱۴۰۴) در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک سخنرانی کرد. نظقی که مطابق اعلام پیشین کاخ سفید با محور «بازآفرینی قدرت آمریکا در جهان» ایراد شد.

● ترامپ از جمله گفت که شهر لندن «در آستانه سقوط به دست شریعت» است. وی شهردار لندن را مسئول این کار دانست.

● رئیس جمهور آمریکا از کشورهای اروپایی به دلیل ادامه خرید انرژی از روسیه به شدت انتقاد کرد و گفت: «تا زمانی که این روند متوقف نشود، واشنگتن تحریم‌های جدیدی علیه مسکو به خاطر جنگ اوکراین اعمال نخواهد کرد و این جنگ هم پایان نخواهد یافت». او تأکید کرد «اروپایی‌ها جنگ علیه خودشان را تأمین مالی می‌کنند».

● ترامپ در مورد ایران گفت: «موضع من بسیار ساده است: هرگز نمی‌توان به حامی شماره یک تروریسم در جهان اجازه داد که خطرناک‌ترین سلاح را در اختیار داشته باشد».

● «اندکی پس از تصدی مقام ریاست جمهوری، نامه‌ای به به‌اصطلاح رهبر این کشور [ایران] فرستادم و پیشنهادی سخاوتمندانه ارائه کردم: تعهد به همکاری کامل در ازای تعلیق برنامه هسته‌ای ایران. پاسخ رژیم، ادامه تهدیدهای پیوسته علیه همسایگان خود و منافع ایالات متحده و کشورهای بزرگ در سراسر منطقه بود».

● «امروز، بسیاری از فرماندهان پیشین نظامی [حکومت] ایران، درواقع می‌توانم بگویم تقریباً همه آنها، دیگر نیستند. آنها مُرده‌اند».

دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا روز سه‌شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵ (اول مهرماه ۱۴۰۴) در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک سخنرانی کرد.

دوران محمدرضا شاهی؛ تحقق وعده‌های بلندپروازانه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



گفت: «اجرای برنامه هفت ساله در آبادانی کشور اثرات خوبی داشته است. تا دو سال دیگر صد میلیون تومان سرمایه خارجی در ایران به کار می‌افتد و تا ده سال دیگر ایران از قراردادهای نفت، سالانه یک میلیارد دلار سود خواهد برد.»

پیش از آغاز مجمع عمومی سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران و حزب الله را «دشمن آمریکا» خواند و گفت: «باید سر این مارها را قطع کنیم و جلوی جریان پول را بگیریم.» او همچنین از ناکامی لبنان در خلع سلاح حزب الله ابراز نارضایتی کرد و گفت: «این گروه هیچ انگیزه‌ای برای زمین گذاشتن سلاح ندارد آنهم در حالی که زیر آتش اسرائیل قرار دارد.»

پس از ترور حسن نصرالله رهبر سابق حزب الله به دست اسرائیل، دولت ترامپ تلاش کرد لبنان را ترغیب کند که از شرایط شکننده حزب الله به نفع خود استفاده کند. دیپلمات‌های آمریکایی پس از انتخاب ژوزف عون به ریاست جمهوری لبنان، ارتش آن کشور را تحت فشار گذاشتند تا مسئولیت خلع سلاح حزب الله را به عهده بگیرد اما به گفته نماینده ویژه آمریکا در امور سوریه، تا کنون هیچ اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته است.

تام باراک در بخشی از سخنانش گفت: «منظورم بی‌احترامی نیست اما لبنانی‌ها فقط حرف می‌زنند.» وی تأکید کرد: «حزب الله دشمن ماست. ایران دشمن ماست. باید سر این مارها را قطع کنیم و جلوی جریان پول را بگیریم. تنها راه متوقف کردن حزب الله همین است.» باراک پیش از نشست مجمع عمومی سازمان ملل هشدار داد که صبر کاخ سفید رو به پایان است: «می‌دانم تصمیم سختی است. می‌دانم آنها نمی‌خواهند جنگ داخلی شود؛ اما جنگ داخلی در کار نخواهد بود.»

او افزود: «حزب الله در ضعیف‌ترین وضعیت تاریخ خود است. ما کمک می‌کنیم اما اگر خودشان نخواهند به خودشان کمک کنند، رئیس جمهور آمریکا وقت‌اش را هدر نخواهد داد.»

وعده‌ها و برنامه‌های بلندپروازانه شاه برای آینده کشور چنان عجیب به نظر می‌رسید که باور به تحقق آنها سخت بود. اما شاه پهلوی وعده‌ای نمی‌داد که نتواند عملی کند. ششم تیر ۱۳۳۷ او در گشایش کنگره دانشجویان ایرانی در آمریکا

یک تروریسم در جهان اجازه داد که خطرناک‌ترین سلاح را در اختیار داشته باشد. به همین دلیل است که اندکی پس از تصدی مقام ریاست جمهوری، نامه‌ای به به اصطلاح رهبر این کشور فرستاد و پیشنهادی سخاوتمندانه ارائه کرد: تعهد به همکاری کامل در ازای تعلیق برنامه هسته‌ای ایران. پاسخ رژیم، ادامه تهدیدهای پیوسته علیه همسایگان خود و منافع ایالات متحده و کشورهای بزرگ در سراسر منطقه بود. او در بخش دیگری از سخنرانی خود با اشاره به حمله هوایی ارتش آمریکا به تأسیسات هسته‌ای در ایران گفت: «سه ماه پیش در جریان عملیات چکش نیمه‌شب، هفت فروند بمب افکن بی-۲، بمب‌هایی که هر کدام یک میلیون و ۴۳۰ هزار پوند وزن داشت بر روی مهم‌ترین تأسیسات هسته‌ای ایران ریختند و همه چیز را نابود کردند. هیچ کشور دیگری در جهان بجز ایالات متحده نمی‌توانست چنین کاری را انجام دهد. اساساً هیچ کشوری تجهیزاتی را که با آن بتواند عملیات ما را انجام دهد، وجود ندارد. ما بزرگ‌ترین سلاح‌ها را داریم ولی در مورد استفاده از آنها اکراره داریم اما کاری را کردیم که ۲۲ سال است همه خواستار انجام آن بودند... امروز، بسیاری از فرماندهان پیشین نظامی [حکومت] ایران، درواقع می‌توانم بگویم تقریباً همه آنها دیگر نیستند. آنها مرده‌اند.»

رئیس جمهوری ایالات متحده ادامه داد: «با از بین رفتن توانایی غنی‌سازی در ایران، من فوراً برای پایان دادن به جنگی که به ۱۲ روزه معروف شد، بین [رژیم] ایران و اسرائیل میانجیگری کردم و آنها هم توافق کردند که به جنگ خاتمه دهند.»

از سوی دیگر، تام باراک فرستاده آمریکا در امور سوریه و سفیر ایالات متحده در ترکیه در یک گفتگوی تلویزیونی

➔ دهد. اروپا نمی‌تواند به این روال ادامه دهد. نمی‌تواند هم از روسیه نفت و گاز بخرد و هم با آن بجنگد! این برای آنها شرم‌آور است. آنها باید فوراً تمام خرید انرژی از روسیه را متوقف کنند. وگرنه وقت همه ما تلف خواهد شد. بنابراین من آمادهم تا در مورد این موضوع بحث کنم. ما قرار است امروز در مورد این موضوع با کشورهای اروپایی که اینجا جمع شده‌اند، حرف بزنیم. شاید از شنیدن حرف‌های من خوشحال نشوند، اما این واقعیت است. من حرف دلم را می‌زنم و حقیقت را می‌گویم.»

بزرگ‌ترین کلاهبرداری تاریخ علیه جهان

دونالد ترامپ در بخش دیگری از سخنانش، تغییرات اقلیمی را «بزرگ‌ترین کلاهبرداری تاریخ علیه جهان» توصیف کرد و به شدت به انتقاد از مقوله‌ی انرژی‌های تجدیدپذیر پرداخت. او این منابع را «انرژی‌های به ظاهر پاک» خواند و مدعی شد: «این رویکردها نه تنها به اقتصاد جهان ضربه می‌زنند بلکه ابزاری برای فریب افکار عمومی هستند.» او همچنین کشورهای آسیایی را متهم کرد که «بخش زیادی از زباله‌هایشان را مستقیم به اقیانوس می‌ریزند.» وی همچنین اعلام کرد که دولت او «رهبری یک تلاش بین‌المللی برای اجرای کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک» را بر عهده خواهد گرفت.

ترامپ در این ارتباط توضیح داد که این طرح با همکاری رهبران کشورهای جهان اجرا می‌شود و قرار است «یک سامانه راست‌آزمایی مبتنی بر هوش مصنوعی، که مورد اعتماد همه باشد» نیز طراحی و عملیاتی شود.

ترامپ با تأکید بر ضرورت مقابله با تهدیدات ناشی از تسلیحات کشتار جمعی افزود: «ما از همه کشورها می‌خواهیم برای پایان دادن به توسعه سلاح‌های بیولوژیک به ما بپیوندند. همچنین باید تلاش کنیم روند توسعه سلاح‌های هسته‌ای نیز متوقف شود.»

وی هشدار داد: «برخی از این سلاح‌ها چنان قدرتمندند که اساساً غیرقابل استفاده‌اند؛ زیرا اگر روزی به کار گرفته شوند، جهان عملاً به پایان خواهد رسید. دیگر نه سازمان مللی وجود خواهد داشت و نه هیچ چیز دیگر.»

او در ادامه بر دستاوردهای اقتصادی دولت خود تأکید کرد و گفت: «هیچ کشوری قادر به رقابت با ما نیست. آمریکا در عصر طلایی قرار دارد و من همان اقتصاد قدرتمندی را که در نخستین دوره ساختم، دوباره در ابعادی بزرگتر می‌سازم.»

دونالد ترامپ سپس از سیاست تعرفه‌های دولت خود دفاع نمود و آن را مکانیسمی دفاعی توصیف کرد که موجب کسب درآمد چند ده میلیارد دلاری برای ایالات متحده شده است.

رئیس جمهور ایالات متحده بخش مهمی از سخنانش را به عملیات مقابله با کارتل‌های مواد مخدر در آمریکای لاتین اختصاص داد. او گفت: «ما اخیراً با استفاده از قدرت برتر ارتش ایالات متحده، تروریست‌های ونزوئلایی و شبکه‌های قاچاق به رهبری نیکلاس مادورو را هدف قرار داده‌ایم.»

مهار جمهوری اسلامی

ترامپ در بخش دیگری از سخنرانی خود به مسئله جمهوری اسلامی و ایران پرداخت و گفت: «امروز هیچ خطری برای سپاره ما جدی‌تر از سلاح‌های مرگبار و ویرانگری نیست که بشر تا کنون ساخته است؛ و همانطور که می‌دانید، ایالات متحده بسیاری از آنها را در اختیار دارد. من مانند دوره اول ریاست جمهوری‌ام، مهار این تهدیدها را در اولویت قرار داده و این کار را با کشور ایران آغاز کرده‌ام. موضع من بسیار ساده است: هرگز نمی‌توان به حامی شماره

علی خامنه‌ای: با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، غنی‌سازی را متوقف نمی‌کنیم و هرگز تسلیم نمی‌شویم!



علی خامنه‌ای در ویدئویی که اول مهرماه ۱۴۰۴ پخش شد

او سپس در مورد اینکه «مذاکره سودی ندارد» توضیح داد و گفت: «چون طرف آمریکایی پیشاپیش خودش نتیجه‌ی مذاکرات را معین کرده؛ یعنی اعلام کرده که مذاکره‌ای را قبول دارد و می‌خواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه‌ی آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی در کشور ایران باشد. یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره‌ی با آمریکا و نتیجه‌ی گفتگوهای که با آنها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته باید انجام بگیرد! اینکه دیگر مذاکره نیست؛ این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن با یک طرفی که نتیجه‌ی آن مذاکره الزاماً باید همان چیزی باشد که او می‌خواهد، همان چیزی باشد که او می‌گوید! این مذاکره است؟»

می‌گویند موشک نداشته باشید

خامنه‌ای در ادامه سخنان طولانی خود بدون نام بردن از ترامپ گفت: «این [فرد] غنی‌سازی را گفته [جمع کنید]، چند روز قبل از این، معاونش اعلان کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد! نه موشک دوربرد؛ موشک میان‌برد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه‌برد هم نباید داشته باشد! یعنی ایران آنچنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرض شد، حتی به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلانجا هم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید! خب این سود نیست؛ این مذاکره‌ای است که در آن هیچ سودی وجود ندارد، و همه‌اش به ضرر ما است؛ این نتیجه‌ی مذاکره است. این مذاکره نیست؛ زورگویی است، تحمیل زورگویی و تحمیل آمریکا است.»

او خطاب به به آمریکا گفت: «به قول ما مشهدها این حرف از دهن گوینده‌اش بزرگتر است و این حرفی که

مسئولین کشور، روی دولت‌هایمان فشارها هم بسیار زیاد بوده که خواسته‌اند با این فشارها ایران دست از این کار [غنی‌سازی] بردارد، [اما] ما تسلیم نشدیم و نخواهیم شد. ما در این قضیه و در هر قضیه‌ی دیگری، تسلیم فشار نشدیم و نخواهیم شد. حالا این طرف آمریکایی، پا را در یک کفش کرده که ایران باید غنی‌سازی نداشته باشد؛ حالا قبلی‌ها می‌گفتند که غنی‌سازی بالا نداشته باشید یا محصولات غنی‌سازی‌تان را در کشور نگه ندارید؛ این چیزها را می‌گفتند که ما قبول نداشتیم. این می‌گوید اصلاً به کلی غنی‌سازی نداشته باشید.»

خامنه‌ای در ادامه باز هم «ملت» را هزینه کرد و گفت که معنی اینکه غنی‌سازی نداشته باشید «یعنی همه‌ی این تلاش‌های [دانشمندان]، همه‌ی محصول این کارها را دود کنید و هوا کنید و از بین ببرید... خب معلوم است، ملت غیرقنند مثل ملت ایران، توی دهن گوینده‌ی این حرف می‌زند و این حرف را قبول نمی‌کند.»

نکته‌ی دیگری که خامنه‌ای بر آن تأکید کرد، مذاکره نکردن با آمریکا بود. روی سخن او بیشتر به مسئولان و کسانی بود که طرفدار مذاکره با آمریکا هستند. او تکرار کرد: «مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً. ثانیاً به‌عکس، زیان‌هایی هم بر آن مترتب است. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره‌ی با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زیان‌هایی هم دارد. من حالا اینها را شرح خواهم داد.»

● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی بسیار طولانی که سه‌شنبه‌شب اول مهرماه ۱۴۰۴ پخش شد، بار دیگر با خرج کردن از کیسه «ملت» تأکید کرد که «غنی‌سازی را متوقف نمی‌کنیم»، «مذاکره با آمریکا ضرر دارد» و «ملت تو دهن کسی می‌زند که بگوید غنی‌سازی نداشته باشید!»

● «روی ما، روی ایران، روی مسئولین کشور، روی دولت‌هایمان فشارها هم بسیار زیاد بوده که خواسته‌اند با این فشارها ایران دست از این کار [غنی‌سازی] بردارد، [اما] ما تسلیم نشدیم و نخواهیم شد.»

● «این [فرد] غنی‌سازی را گفته [جمع کنید]، چند روز قبل از این، معاونش اعلان کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد! نه موشک دوربرد؛ موشک میان‌برد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه‌برد هم نباید داشته باشد! یعنی ایران آنچنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرض شد، حتی به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلانجا هم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید! خب این سود نیست.»

● «به قول ما مشهدها این حرف از دهن گوینده‌اش بزرگتر است و این حرفی که بیاید مذاکره کنیم برای یک چنین چیزی، قابل اعتنا نیست. پس بنابراین برای ما سود ندارد.»

● «به نظر من مذاکره‌ی با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن‌بست محض است.»

● این اظهارات خامنه‌ای که درواقع ترسیم تسلیم بی‌قید و شرطی است که غرب و به ویژه دولت ترامپ به دنبال آن است، در شرایطی مطرح می‌شود که آمریکا شرط توافق با جمهوری اسلامی را «برچیدن کامل غنی‌سازی» دانسته و یکی از شروط سه قدرت اروپایی نیز مذاکره مستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا است. اما با این سخنرانی همزمان با هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل که برخی از محافل رژیم شروع به تبلیغ درباره امکان گفتگو با غربی‌ها کرده بودند، خامنه‌ای بار دیگر اعلام کرد که جمهوری اسلامی تسلیم نمی‌شود و هیچکدام از شروط آمریکا را نمی‌پذیرد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی بسیار طولانی که سه‌شنبه‌شب اول مهرماه ۱۴۰۴ پخش شد، بار دیگر با خرج کردن از کیسه «ملت» تأکید کرد که «غنی‌سازی را متوقف نمی‌کنیم»، «مذاکره با آمریکا ضرر دارد» و «ملت تو دهن کسی می‌زند که بگوید غنی‌سازی نداشته باشید!»

در شرایطی که مطرح می‌شد نشست سازمان ملل در نیویورک فرصت خوبی برای مسعود پزشکیان و عباس عراقچی است تا با مقامات غربی دیدار و گفتگو کنند، پخش همزمان صحبت‌های خامنه‌ای در مورد اصرار بر ادامه غنی‌سازی و نفی مذاکره با آمریکا، درست برعکس این تصور را به نمایش گذاشت.

او در این سخنرانی با تکرار اینکه جمهوری اسلامی «احتیاج به سلاح اتمی ندارد» و «بنا نداریم که از سلاح هسته‌ای استفاده کنیم» گفت که «روی ما، روی ایران، روی

پیدا کند اما این دیدار هم تحت تأثیر مواضع خامنه‌ای قرار گرفت. گروسی هشدار داده است که جمهوری اسلامی هنوز ابزارهای لازم را برای ساختن سانتریفیوژهای مورد نیاز جهت غنی‌سازی ذخایر اورانیوم در اختیار دارد. هرچند توضیح داد که تقریباً تمام تجهیزات حساس فرود ناپود شده است.

مدیرکل آژانس همچنین تأکید کرد در صورت تصمیم جمهوری اسلامی برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم تا سطح ۹۰ درصد، می‌تواند «ظرف چند هفته و نه ماه‌ها یا سال‌ها» به آن دست پیدا کند. او توضیح داد «بخشی از سانتریفیوژها ممکن است از آسیب در امان مانده باشند و جمهوری اسلامی ایران مکان‌های تولیدی برای اجزای کلیدی مانند روتورها و دم‌ها دارد؛ بنابراین بازسازی برنامه فقط مسئله زمان است.»

در این میان طیفی از حامیان حکومت از جمله گروه‌هایی در جریان اصلاح‌طلب امیدوار بودند، با سفر مسعود پزشکیان و عباس عراقچی به نیویورک روزنه‌ای برای گفتگو با آمریکا باز شود تا شاید اروپایی‌ها بتوانند بهانه‌ای برای به تأخیر انداختن اجرای عملی «مکانیسم ماشه» پیدا کنند اما به نظر می‌رسد سخنانی سه‌شنبه‌شب خامنه‌ای تیر خلاص به امید آنها بود.

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در مصاحبه با «اسکای نیوز» عنوان کرد، تأسیسات هسته‌ای که در جریان بمباران آمریکا در اول تیرماه ۱۴۰۴ ناپود شده‌اند، با وجود فشارهای بین‌المللی و تهدید حملات بیشتر اسرائیل، بازسازی خواهند شد. او همچنین گفته «مذاکره

دومین دیدار گروسی و عراقچی پس از هشدار «گروه هفت»؛ محمد اسلامی: سایت‌هایی که بمباران شده‌اند را بازسازی خواهیم کرد

● وزرای خارجه «گروه هفت» دوباره در بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواسته‌اند با آژانس همکاری کند و وارد مذاکره مستقیم با آمریکا شود.

● گروسی و عراقچی برای دومین بار در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک دیدار کردند.

● مدیرکل آژانس هشدار داده، جمهوری اسلامی ایران در عرض چند هفته می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را به ۹۰ درصد برساند.



دومین دیدار گروسی و عراقچی در نیویورک / اول مهرماه ۱۴۰۴

مستقیم با آمریکا انجام خواهد گرفت.» اینهمه در حالیست که تناقض و آشفتگی در بیان و عمل مقامات جمهوری اسلامی تحت فشارهای بین‌المللی آشکاراست. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم طی سخنانی روز یکشنبه ۱۹ مرداد در دیدار با مدیران رسانه‌های داخلی خطاب به مخالفان مذاکره با آمریکا نسبت به حمله مجدد اسرائیل هشدار داده و گفته بود: «تصور می‌کنم با دعوا به جایی برسیم. در ذات ما تسلیم شدن نیست. حرف نمی‌زنیم؟ خب می‌خواهی چکار کنی؟ می‌خواهی بجنگی؟! خب آمد و زد؛ الان برویم درست کنیم دوباره می‌آید می‌زند.»

برخی تحلیلگران پس از صحبت‌های خامنه‌ای علیه مذاکره، صحبت از افزایش احتمال درگیری نظامی علیه جمهوری اسلامی می‌کنند. آنهم در قالب یک «اتلاف» بین‌المللی. برخی دیگر هم عنوان کردند که اظهارات خامنه‌ای به بحران‌های داخلی دامن خواهد زد و با نایب‌سامانی شدید اقتصادی که جان مردم را به لب رسانده، اعتراضات خیابانی نیز برای حکومت تهدیدی جدی به شمار می‌رود.

وزیران خارجه «گروه هفت» سه‌شنبه اول مهرماه ۱۴۰۴ در بیانیه‌ای مشترک پس از نشست خود در حاشیه هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک بار دیگر از جمهوری اسلامی خواستند «بطور کامل تعهداتش را بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای اجرا کند، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر بگیرد و وارد گفتگوی مستقیم با آمریکا برای دستیابی به توافق» شود؛ رافائل گروسی و عباس عراقچی نیز برای دومین بار در نیویورک دیدار کردند. این درخواست تکراری وزرای خارجه «گروه هفت» ساعاتی پس از آن مطرح شد که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی طولانی همچنان تأکید کرد «گفتگو با آمریکا ضرر دارد» و جمهوری اسلامی تسلیم فشارهای غرب برای برچیدن غنی‌سازی و توانمندی‌های موشکی نخواهد شد.

همزمان در نیویورک برای دومین بار رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد تا شاید راهی برای ادامه گفتگوها

بیابید مذاکره کنیم برای یک چنین چیزی، قابل اعتنا نیست. پس بنابراین برای ما سود ندارد.»

خامنه‌ای درباره «ضرر مذاکره» نیز گفت که قبول مذاکره در شرایط تهدید «نشانه‌ی تهدیدپذیری ایران اسلامی» است. او افزود: «اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرزیم و تسلیم طرف مقابل می‌شویم؛ معنایش این است... هیچ ملت باشری انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند. بنابراین، وضع اینجوری است... طرف مقابل هم البته حالا ممکن است بگوید من در مقابل این، فلان امتیاز را هم به شما می‌دهم! دروغ می‌گویند؛ آنچه می‌گویند به عنوان امتیاز می‌دهیم، دروغ است. ده سال قبل از این، ما یک قراردادی با آمریکایی‌ها بستیم که اسمش در داخل کشور ما برجام است؛ در این قرارداد، بنا شد که ما در مورد هسته‌ای این کارها را انجام بدهیم؛ آن مرکز تولید را مسدود کنیم؛ آن محصول سه و نیم درصدی را که آنوقت تولید می‌کردیم، بدهیم برود به خارج یا رقیق کنیم یعنی از بین برود، غنی‌سازی‌اش را از بین ببریم؛ و چیزهای دیگر؛ آنها هم در مقابل تحریم‌ها را بردارند و بعد از ده سال، پرونده‌ی ایران در آژانس هسته‌ای بین‌المللی به شکل عادی دربیاید.»

آنها ترور می‌کنند و بمباران می‌کنند

خامنه‌ای با اشاره به اینکه آمریکا تحریم‌ها را برنداشت در یک عقده‌گشایی تاریخی گفت که آمریکا «در همه‌چیز خُلف وعده می‌کند، در همه‌چیز دروغ می‌گوید، فریب اِعمال می‌کند؛ وقت و بی‌وقت تهدید نظامی می‌کند؛ اگر دستشان برسد، اشخاص را ترور می‌کنند، همچنان که سردار شهید ما را، شهید سلیمانی را ترور کردند؛ یا مراکز هسته‌ای را بمباران می‌کنند؛ اگر بتوانند از این کارها می‌کنند. طرف یک چنین وضعیتی دارد؛ با این طرف نمی‌شود مذاکره کرد، نمی‌شود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت.»

مذاکره بن‌بست محض است

او تأکید کرد: «به نظر من مذاکره‌ی با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن‌بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن‌بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاند؛ او در دنیا از این افتخارات می‌کند. اما برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.»

این اظهارات خامنه‌ای که درواقع ترسیم تسلیم‌بی‌قید و شرطی است که غرب و به ویژه دولت ترامپ به دنبال آن است، در شرایطی مطرح می‌شود که آمریکا شرط توافق با جمهوری اسلامی را «برچیدن کامل غنی‌سازی» دانسته و یکی از شروط سه قدرت اروپایی نیز مذاکره مستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا است. اما با این سخنانی همزمان با هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل که برخی از محافل رژیم شروع به تبلیغ درباره امکان گفتگو با غربی‌ها کرده بودند، خامنه‌ای بار دیگر اعلام کرد که جمهوری اسلامی تسلیم نمی‌شود و هیچ‌کدام از شروط آمریکا را نمی‌پذیرد. گفتنی است که هیئت جمهوری اسلامی در سفر به آمریکا نه تنها نتوانست برای همه همراهان خود ویزا بگیرد بلکه با تحقیر شدید در ارتباط با رفت و آمد و خرید در نیویورک روبرو شده است.

بس کنید این هیاهو را!



طرح از حسین آقامحمدی

اینگونه رفتارها برای میلیون‌ها تن در داخل و خارج کشور، نوعی کاشت و رویاندن بذر «حذف» معنا می‌دهد به ویژه هنگامی که دعوت از ریزشی‌ها و پذیرش آنها با آغوش باز، سیاستی ظریف و حساب‌شده است.

آسیب‌های برخاسته از سوی طیف‌های سیاسی حاضر در صحنه می‌تواند به پذیرش صمیمانه ریزشی‌ها جبران‌ناپذیر باشد؛ ادعای «صاحبخانه بودن» ریزشی‌های تازه پیوسته به جبهه ملی‌گرایان نیز نه تنها واکنش‌های طبیعی کهنه سربازان پادشاهی‌خواه وفادار به آرمان‌های مشروطه را (که برخلاف گفته‌ای ناپسند، تعدادشان هم دوتا و نصفی نیست بلکه به وسعت فضای فراخ ایران است) بیازارد، بلکه تصویر کاذبی ترسیم می‌کنند که می‌تواند به همان میزان و یا حتا بیشتر موجب گمراهی‌ها بشود و «صاحبخانه»‌های تازه‌ای خلق کند، در حالی که موضوع مسئولیت، بسیار فراتر از ادعای صاحبخانه بودن است.

قانون نانوشته مشخصی وجود دارد که ایده‌های آدمی همواره به تکامل نیاز دارند که با بحث متبلور می‌شوند. ولی در همانحال، هر تفکر استبدادی، هر ایدئولوژی شکست‌خورده، هر فروپاشی اجتماعی نیز دقیقاً به یک شکل شروع می‌شود و آن هنگامی است که بحث و تبادل افکار می‌میرد؛ سپس خشونت جای بحث را می‌گیرد و جامعه بطور کلی به سراشیبی سقوط از یک صخره مرتفع می‌افتد و در چنین بزنگاهی همه ما، از جمله خود من، احساس می‌کنیم که تمام عمرمان را به بزرگترین کلاهبرداری فروخته‌ایم. صحبت مشکل چپ در مقابل راست نیست، یا جبهه جمهوریخواهان در مقابل پادشاهیخواهان؛ این نمایش، آتش‌بازی برای پرت کردن حواس‌هاست! عده‌ای می‌خواهند ما در موردش فریاد بزنیم در حالی که خودشان کار دیگری انجام می‌دهند! این حقّه، یک شعبده‌بازی سیاسی است. آنها پر سر و صدارتین و کارتون‌ترین افراد را به شما

نشان می‌دهند. به شما یک مشت بدعقل حرفه‌ای

پنهان و آشکار کوشندگان سیاسی، امروزه نوعی ابراز نظر از جانب اشخاص تلقی می‌شوند که ما یا آن را تایید می‌کنیم و نوعی رضایت خاطر می‌یابیم و از کنار آن عبور می‌کنیم و یا از آن آزردہ خاطر می‌شویم و در خط مقابل آن قرار می‌گیریم.

چنین پیداست که ما، همه ما وارد چیزی شده‌ایم که بسیار تاریک‌تر از سیاست است

وقتی خشونت گفتاری و قلمی بخشی از یک گفتگوی سیاسی می‌شود، وقتی شبکه‌های تلویزیونی و فضای مجازی، بارها و بارها کلیپ‌هایی را پخش می‌کنند که مردم را تشویق می‌کند تا طرف مقابل را تحقیر و هدف توهین قرار دهند، نه به عنوان کسانی که ممکن است با آنها مخالف باشیم، بلکه به عنوان دشمنانی که باید نابود شوند، چرا که آنها تهدیدی برای جامعه و آینده‌ای مجهول به شمار می‌روند، ما این تولیدات مسموم را می‌بینیم ولی از تاثیرگذاری آنها می‌گذریم!

ما از زوایای گوناگونی ضربه می‌خوریم و باید خیلی مراقب باشیم که به لبه پرتگاه نرسیم چون وقتی از این پرتگاه سقوط کنیم دیگر آزادی، احترام به حقوق دیگران و تمامی آن چیزی که «دمکراسی» نامیده می‌شود، وجود نخواهد داشت.

اینگونه کنش‌های خصمانه را در سال‌های گذشته نیز بسیار دیده‌ایم و به ویژه در ماه‌ها و هفته‌های اخیر تکرار آنها تکثیر و فراوان شده است. دیده‌ایم مفسران درس‌نخوانده‌ای را که در رسانه‌ها می‌گویند این افراد یک تهدید و خطرناک هستند. اینها دشمن و خود جمهوری اسلامی هستند! برخی با وجود پیشینه روشن و پر بار، انگ همکاری با رژیم جمهوری اسلامی خورده‌اند و از سوی دیگر، عده‌ای ریزشی هم که به قولی در میانشان نفوذی‌های رژیم نیز جا خوش کرده‌اند، از این گزند مصون نبوده‌اند.

● قانون نانوشته مشخصی وجود دارد که ایده‌های آدمی همواره به تکامل نیاز دارند که با بحث متبلور می‌شوند. ولی در همانحال، هر تفکر استبدادی، هر ایدئولوژی شکست‌خورده، هر فروپاشی اجتماعی نیز دقیقاً به یک شکل شروع می‌شود و آن هنگامی است که بحث و تبادل افکار می‌میرد؛ سپس خشونت جای بحث را می‌گیرد و جامعه بطور کلی به سراشیبی سقوط از یک صخره مرتفع می‌افتد.

● خانم‌ها، آقایان! دشمن واقعی، مشروطه‌خواه صادق و بی‌پیرایه نیست، دشمن، نویسندگان «دفترچه مرحله اضطراری» هم نیستند... دشمن آن جمهوریخواهی هم نیست که گاهی در ستایش از شاهزاده کاسه داغ‌تر از آش می‌شود... دشمن واقعی افرادی هستند که وقتی شما دچار تفرقه و حواس‌پرتی هستید و از همه مهم‌تر، وقتی که شما هموطنان ایرانی خود را با الفاظ رکبک مورد توهین قرار می‌دهید و آزردہ خاطر می‌کنید، آنها سود می‌برند و خوشحال می‌شوند.

● در حال حاضر، اتکا به سلامت عقل، تواناترین عملی است که می‌توانیم در جامعه خود انجام دهیم. و در حال حاضر، سلامت عقل یعنی اجازه ندهید که «بات‌ها» در شبکه ایکس و دیگر پلتفرم‌های دنیای مجازی و یکسری از تلویزیون‌ها تصمیم بگیرند که دشمنان شما چه کسانی هستند و تعیین کنند که شما درباره چه فکر کنید و درباره چه حرف بزنید!

● قدرت مردم، قدرت نهایی است؛ این تمام چیز است که دموکراسی به آن مربوط می‌شود. نه قدرت سیاستمداران که خودش از قدرت مردم به دست می‌آید؛ و از همین روست که رضایه‌لوی به درستی می‌گوید که «قدرت من از قدرت مردم ناشی می‌شود.» این نخستین گام برای سلامت عقل است که فقط با خردگرایی و تعقل خود ما شروع می‌شود.

نادر صدیقی - حمله‌های گفتاری و نوشتاری با هدف‌های

تونل اتمی و موشکی ادامه دارد...



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

مردم ناشی می‌شود. این نخستین گام برای سلامت عقل است که فقط با خردگرایی و تعقل خود ما شروع می‌شود. همه ما طی این سال‌های کسالتبار، برای آرمان‌هایمان کوشیده‌ایم، رنج‌ها کشیده‌ایم و خسته شده‌ایم ولی از پا نیفتادیم و همچنان پرکار هستیم. آن پیر دیر مطبوعات دست‌کم در هفته دو مقاله و چند گفتگو با رسانه‌ها دارد. دیگرانی که با وجود دست و پنجه نرم کردن با گرفتاری‌های روزانه و نگرانی از صورتحساب‌های هفتگی و ماهانه همچنان در صحنه پیکارهای مدنی حضور و مشارکت جانانه دارند، همگی برای آینده‌ای می‌کوشیم که پس از جمهوری اسلامی، مانند سال ۵۷، دیوانه و با بلاهت و بلبشوی توأم با جنایت و انتقامجویی و آشوب همراه نباشد. به این ترتیب، این تعهد و مسئولیت ما است. این تنها چیزی است که می‌توانیم آن را با صدای بلند بگوییم. باید از خشونت به هر شکلی از جمله تحقیر و توهین و تهدید و انکار و انگ و اتهام علیه یکدیگر دوری کنیم و به گفت و شنید روی بیاوریم و بیشتر با یکدیگر گفتگو کنیم.

و نکته آخر اینکه بعضی‌ها نیز بهتر است تصور نکنند که «عقل کل» هستند و می‌بایست خمینی‌وار به ساکت کردن دیگران بپردازند. بهتر است سعی نکنند که این یا آن فرد یا سخن و ادعا را توجیه کنند و بهتر و ضروری‌ست که عقل و شعور مخاطبان و مردم را محترم بشمارند.

لطفاً بس کنید هیاهوهای پوچ و بیهوده را!

پهلوی پادشاه انبوه بزرگی از ایرانیان مشروطه‌خواه و رهبر بلامنازع بسیاری از جمهوریخواهان است. بدون حضور قانونی او در راس هرم رهبری کشور، آینده آرام و امیدبخشی متصور نیست.

و از خودتان بپرسید، آیا آن پیر اهل قلم که عمری خوانده و آموخته و نوشته است به خاطر دفاع از یک اصل مسلم باید مورد لعن و توهین واقع شود؟ البته که نمی‌خواهید، چون شما یک انسان عاقل هستید. آیا نویسندگان «دفت‌رچه مرحله اضطرابی» را باید با عناد مورد انتقاد قرار داد و آنها را دست‌نشانده نامید؟ البته که نه، چرا که در حال حاضر، اتکا به سلامت عقل، توان‌ترین عملی است که می‌توانیم در جامعه خود انجام دهیم. و در حال حاضر، سلامت عقل یعنی اجازه ندهید که «بات‌ها» در شبکه ایکس و دیگر پلتفرم‌های دنیای مجازی و یکسری از تلویزیون‌ها تصمیم بگیرند که دشمنان شما چه کسانی هستند و تعیین کنند که شما درباره چه فکر کنید و درباره چه حرف بزنید!

من واقعاً در درونم معتقدم که سلامت عقل، پدیده‌ای مسری است و وقتی یک تن از پذیرفتن طعمه خودداری کند، اتاق پژواک شروع به ترک خوردن می‌کند و وقتی میلیون‌ها تن امتناع کنند، این دستگاه ویرانگر فرو می‌ریزد.

قدرت مردم، قدرت نهایی است؛ این تمام چیز نیست که دموکراسی به آن مربوط می‌شود. نه قدرت سیاستمداران که خودش از قدرت مردم به دست می‌آید؛ و از همین روست که رضاپهلوی به درستی می‌گوید که «قدرت من از قدرت

→ نشان داده می‌شود که دستچین شده‌اند تا شما را به یک چیز وادارند، یک چیز بزرگ که شما به آن فکر کنید. زیرا وقتی در تفکر قبیله‌ای گیر بیفتید، هر چیزی را قبول خواهید کرد. هر دروغی را در مورد طرف مقابل باور خواهید کرد.

به این ترتیب است که یک جمعیت بزرگ، به آسانی رادیکالیزه می‌شود. بگذارید به شما بگویم. چیزی که در چنین صورتی قرار نیست به آن فکر کنید، یک جامعه متحد، عاقل و مرتبط است. این تنها چیز نیست که آنها واقعاً از آن می‌ترسند!

آنها چه کسانی هستند و ما درباره آنها چه می‌دانیم؟ ما آنها را نمی‌شناسیم! مانند من و شما در جامعه حضور فیزیکی ندارند ولی اتاق فکر دارند، می‌اندیشند و این اندیشه در جهت حذف تأثیرگذاری من و شما و میلیون‌ها چون ما در عرصه سیاسی و به سرانجام رساندن پروژه‌ایست که چارچوب ساختاری آن را از پیش تعیین کرده‌اند. در اجرای این پروژه، هر موضوعی مثل یک جنگ مقدس قاب‌بندی شده و فرقی نمی‌کند که آینده از آن پادشاهیخواهان باشد یا رفراوند تعیین سرنوشت سیاسی نوع نظام آینده کشور را رقم خواهد زد و جمهوری خواهد بود و یا نوعی دیگر.

این رادیکالیزاسیون واقعی است. اینگونه است که مردم عادی بدون اینکه حتی خودشان بدانند، به یک عامل خفته تبدیل می‌شوند. خبر بد این است که آنچه گفتم فقط آغاز است و در هر دو طرف راهروی خیالی اتفاق می‌افتد. این فقط نتیجه برخی تبلیغات و الگوریتم‌ها نیست. گام به گام مهندسی شده است که شما را خشمگین نگه دارد تا به این ترتیب ایده‌ها متوقف شوند.

این پراکنده‌گی‌ها صرفاً به خارج کشور و تنها به زمان کنونی محدود نیست؛ در درون ایران نیز کشاکش‌های مشابهی جاریست که فقط رنگشان متفاوت است ولی ماهیت ماجرا یکی است!

خانم‌ها، آقایان! دشمن واقعی، مشروطه‌خواه صادق و بی‌پیرایه نیست، دشمن، نویسندگان «دفت‌رچه مرحله اضطرابی» هم نیستند که برخی از آنها را که من می‌شناسم، محترمانه و دوستانه با عده‌ای از منتقدان خود تماس گرفتند تا با ملحوظ کردن دیدگاه‌های علمی آنان، بخش مربوط به خود را در دفت‌رچه بهبود بخشند. در این چارچوب دشمن شما آن جمهوریخواهی هم نیست که گاهی در ستایش از شاهزاده (و به باور بسیاری از ایرانیان پادشاه قانونی ایران) کاسه داغ‌تر از آش می‌شود و در فیس‌بوک یا شبکه‌های اجتماعی دیگر می‌کوشد مخاطبان را به خلوص نیت خود راضی کند.

دشمن واقعی، قدرت ریشه‌دار است، و آن قدرتی است که با یک منبع تغذیه، رونق می‌گیرد و آن منبع تغذیه، هرج و مرج است. دشمن واقعی افرادی هستند که وقتی شما دچار تفرقه و حواس‌پرتی هستید و از همه مهم‌تر، وقتی که شما هموطنان ایرانی خود را با الفاظ رکیک مورد توهین قرار می‌دهید و آزرده خاطر می‌کنید، آنها سود می‌برند و خوشحال می‌شوند.

بنابراین نقطه شروع اینجاست. ما فقط به عقل سلیم باید متکی باشیم. فقط عقل سلیم روزانه است که می‌اندیشد که برای رسیدن به رستگاری ملی، تنها یک اصل یگانه ولی بسیار مهم وجود دارد تا تا دوام فرهنگی ما ایرانیان و به عبارتی پادشاهی مشروطه را میسر سازد. چه خوب، چه بد، چه دوست داشته باشیم و یا از این کمبود آزرده‌خاطر باشیم، در واقعیت امر تغییری نخواهد داد؛ اینکه رضا

جمهوری اسلامی امانوئل ماکرون را هم ناامید کرد؛ «فعال شدن مکانیسم ماشه حتمی است»



حمایت مقامات رژیم از «پیشنهاد معقول» عراقی عنوان کرد: «خوشحالم رئیس جمهور ماکرون اذعان کرده است که طرح پیشنهادی که ارائه داده‌ام معقول است. اما او و جامعه جهانی باید بدانند که من از حمایت کامل تمامی ارکان جمهوری اسلامی ایران، از جمله شورای عالی امنیت ملی کشور، برخوردارم.» او توضیح نداد پس این «پیشنهاد معقول» به جایی نرسید!

طرح عراقی چه بود؟

لارنس نورمن خبرنگار «والاستریت ژورنال» درباره پیشنهاد عراقی به اروپایی‌ها در یک رشته مطلب در «ایکس» نوشت «طبق این طرح پیشنهادی، ایران متعهد می‌شد که با ویتکاف/ آمریکا دیدار کند. مشخص نیست که این دیدار مستقیم باشد یا غیرمستقیم. برای این کار، آمریکا باید تضمین دهد که حمله‌ای انجام نخواهد شد. در ازای تعهد جمهوری اسلامی به این دیدار، سه قدرت اروپایی باید متعهد شود که مکانیسم ماشه فعال نخواهد شد.»

او در ادامه نوشت که همچنین رژیم «ایران متعهد می‌شود که تمام ۶۰ درصد اورانیوم غنی‌شده را رقیق‌سازی کند و در ازای آن، تحریم‌های آمریکا و دیگر تحریم‌های بین‌المللی لغو می‌شود.»

لارنس نورمن در نهایت عنوان کرد که جمهوری اسلامی «ایران هیچ چیزی برای ارائه در زمینه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نداشت، چون ادعا می‌کند همه این مسائل در توافق قاهره حل شده است، موضوعی که هیچیک از اعضای E3 آن را باور ندارند.»

این خبرنگار همچنین اشاره کرده که منظور ماکرون از اینکه پیشنهاد عراقی از حمایت حکومت برخوردار نبود یعنی علی‌خامنه‌ای با آن مخالفت کرده است.

نتیجه، ایران با آسیب‌های اقتصادی شدیدتری روبرو خواهد شد و از سوی دیگر نهادهای بین‌المللی عملاً هیچ نظارت موثری بر مواد و تأسیسات هسته‌ای در ایران نخواهند داشت.

وزارت خارجه آلمان نیز چهارشنبه ۲۶ شهریورماه اعلام کرده بود که تهران هنوز اقدامات «منطقی و قابل قبولی» برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت درباره لغو تحریم‌ها انجام نداده است. مقامات ارشد آلمانی قبلاً اعلام کرده بودند که مسئله فقط تهدیدات اتمی رژیم ایران نیست و مسئله موشکی هم باید در مذاکرات تعیین تکلیف شود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد جمعه ۲۸ شهریورماه درباره تهدید تعلیق تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی تصمیم خواهد گرفت. اگر این قطعنامه آنگونه که پیش‌بینی می‌شود رأی نیابد، از نظر مکانیسم‌های درونی شورای امنیت مانعی برای بازگرداندن همه تحریم‌های سازمان ملل در اوایل مهرماه وجود نخواهد داشت.

روزنامه «والاستریت ژورنال» پیش‌بینی کرد این قطعنامه رد خواهد شد یا وتو می‌شود.

ساعاتی پس از مصاحبه ماکرون، عراقی در «ایکس» نوشت: «از جانب جمهوری اسلامی ایران، روز گذشته طرحی معقول و قابل‌اجرا را به همتایان اروپایی ارائه دادم تا از وقوع بحرانی غیرضروری و قابل اجتناب در روزهای آینده جلوگیری شود [اما] ایران اکنون با مجموعه‌ای از بهانه‌ها و طفره‌روی‌های آشکار مواجه است؛ از جمله ادعای مضحکی مبنی بر اینکه وزارت امور خارجه نماینده تمام ساختار سیاسی کشور نیست.»

عراقی: من از حمایت کامل برخوردارم

عراقی در ادامه با اشاره به سخنان ماکرون مبنی بر عدم

● امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه پنجشنبه ۱۸ سپتامبر در مصاحبه با «شبکه ۱۲» اسرائیل اعلام کرد که فعال کردن مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های سازمان علیه جمهوری اسلامی «حتمی است زیرا آخرین خبرهایی که از ایرانی‌ها داریم [برای مذاکره] جدی نیستند.» مصاحبه ساعاتی پس از آن پخش شد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک موشک قاره‌پیما تست کرد.

● امانوئل ماکرون افزود: «ما هیچوقت خطر پمپ اتمی در ایران و همینطور خطر ظرفیت موشک‌های بالستیک و بی‌ثبات‌سازی منطقه را دست‌کم نگرفته‌ایم.» او همچنین گفت: «آنها شفاف نیستند و هیچ تعهد روشنی در اینباره ارائه نمی‌کنند.»

● پایگاه خبری «آکسیوس» در گزارشی نوشت که اظهارات ماکرون نشان می‌دهد که تلاش‌ها برای رسیدن به توافق میان قدرت‌های اروپایی و جمهوری اسلامی شکست خورده و در نتیجه، ایران با آسیب‌های اقتصادی شدیدتر روبرو خواهد شد و از سوی دیگر نهادهای بین‌المللی عملاً هیچ نظارت موثری بر مواد و تأسیسات هسته‌ای در ایران نخواهند داشت.

● ماکرون تأکید کرد عراقی «پیشنهاد معقول داد اما از حمایت حکومت برخوردار نشد». عراقی پاسخ داد که از حمایت کامل مقامات برخوردار است و اروپا بهانه‌جویی می‌کند.

● لارنس نورمن خبرنگار «والاستریت ژورنال» درباره پیشنهاد عراقی به اروپایی‌ها در یک رشته مطلب در «ایکس» نوشت «طبق طرح پیشنهادی ایران متعهد می‌شود که با ویتکاف/ آمریکا دیدار کند. مشخص نیست که این دیدار مستقیم باشد یا غیرمستقیم. برای این کار، آمریکا باید تضمین دهد که حمله‌ای انجام نخواهد شد.»

امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه پنجشنبه ۱۸ سپتامبر در مصاحبه با «شبکه ۱۲» اسرائیل اعلام کرد که فعال کردن مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های سازمان علیه جمهوری اسلامی «حتمی است زیرا آخرین خبرهایی که از ایرانی‌ها داریم [برای مذاکره] جدی نیستند.» مصاحبه ساعاتی پس از آن پخش شد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک موشک قاره‌پیما تست کرد.

ماکرون در همین ارتباط توضیح داد که عباس عراقی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تلاش کرد «پیشنهادی معقول» برای رسیدن به توافق با قدرت‌های اروپایی ارائه دهد، اما از دیگر اعضای حکومت ایران حمایتی دریافت نکرد.

رئیس جمهوری فرانسه افزود: «ما هیچوقت خطر پمپ اتمی در ایران و همینطور خطر ظرفیت موشک‌های بالستیک و بی‌ثبات‌سازی منطقه را دست‌کم نگرفته‌ایم.» او همچنین گفت: «آنها شفاف نیستند و هیچ تعهد روشنی در اینباره ارائه نمی‌کنند.»

در همین ارتباط پایگاه خبری «آکسیوس» در گزارشی نوشت که اظهارات ماکرون در مصاحبه با شبکه ۱۲ اسرائیل نشان می‌دهد که تلاش‌ها برای رسیدن به توافق میان قدرت‌های اروپایی و جمهوری اسلامی شکست خورده و در

انتقاد پزشکيان در سازمان ملل از آمريکا و سه دولت اروپايی و دیدار بی نتیجه با امانوئل ماکرون



دیدار مسعود پزشکيان و ماکرون در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویورک / دوم مهرماه ۱۴۰۴

گفته‌اند روند اجرای مکانیسم ماشه علیه جمهوری اسلامی طبق برنامه ادامه پیدا می‌کند.

او در این ارتباط نوشت: «دیدار مقامات جمهوری اسلامی با مقامات اروپا در نیویورک بدون هیچ نتیجه‌ای و بدون هیچ پیشرفتی [بود] مکانیسم ماشه طبق برنامه یکشنبه ششم مهر اجرایی می‌شود.»

برخی ناظران عنوان کردند آنچه پزشکيان در نیویورک گفت درواقع تکرار همان مواضع خامنه‌ای بود که سه‌شنبه در سخنانی خود تأکید کرد که غنی‌سازی اورانیوم متوقف نمی‌شود و جمهوری اسلامی با آمریکا مذاکره نخواهد کرد.

صادق زیباکلام استادیپشین دانشگاه تهران و حامی اصلاحات در «ایکس» نوشت: «جناب آقای دکتر پزشکيان بعد از بیانات دیروز رهبری، جنابعالی تشریف بردید نیویورک که چه بگویید؟ چه چیزی در پایان مطالب ایشان مانده بود که ضرورت داشت جنابعالی با هیئت همراه بروید نیویورک که به استحضار جهانیان برسانید؟ ای‌کاش نمی‌رفتید؛ مگر اینکه خدای ناکرده بنا داشتید مطالب متفاوتی بگویید.»

درست وقتی که مسعود پزشکيان راهی نیویورک شد و اصلاح‌طلبان امید داشتند که روزنه‌ای در گفتگوهای راهرویی و دوجانبه پیدا شود، رهبرشان علی خامنه‌ای در یک سخنرانی طولانی اعلام کرد که نه تنها مذاکره نمی‌کند بلکه با شدیدترین عبارات علیه آمریکا و دونالد ترامپ موضع‌گیری کرد.

پس از صحبت‌های علی خامنه‌ای قیمت دلار و طلا نیز افزایش یافت و آخرین امیدهایی که جریان اصلاح‌طلب به اسم «احتمال مذاکره و توافق در نیویورک» به افکار عمومی تزریق می‌کرد نیز بی‌نتیجه ماند. اکنون شمارش معکوس برای بازگشت تحریم‌های همه‌جانبه‌ی سازمان ملل آغاز شده است.

درخواست اروپایی‌ها از جمهوری اسلامی برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صحبت شد.

ماکرون به «العربیة» گفت که جمهوری اسلامی «ایران هیچ اقدام ملموسی که اجازه بازگشت بازرسان به سایت‌های



دومین حضور مسعود پزشکيان در نشست عمومی سازمان ملل / مهرماه ۱۴۰۴

هسته‌ای را بدهد، انجام نداده است.» لارنس نورمن خبرنگار «وال‌استریت ژورنال» نیز نوشت مذاکره با جمهوری اسلامی بی‌نتیجه بود و منابع اروپایی

● مسعود پزشکيان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران چهارشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۴ در هشترادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد.

● پزشکيان در نطق خود بیش از آنکه درباره مسائل ایران و مردم صحبت کند، بارها در مورد وضعیت غزه و فلسطین صحبت کرد و اسرائیل را محکوم نمود. او مدعی شد، جمهوری اسلامی ایران بر اساس فتوای علی خامنه‌ای هرگز به دنبال ساخت بمب هسته‌ای نبوده و نخواهد بود و حمله اسرائیل را «خیانتی بزرگ به دیپلماسی و صلح» دانست.

● بخش کوتاهی از صحبت‌های او درباره بن‌بست مذاکرات بود و گفت: «هفته گذشته، سه کشور اروپایی، پس از آن‌که نتوانستند با بدعهدی ۱۰ ساله و به دنبال آن با حمایت از تجاوز نظامی مردم سربلند ایران را به زانو دریاورند، به دستور ایالات متحده، با فشار، قلدری، تحمیل و سوء استفاده آشکار کوشیدند قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت، علیه ایران را بازگردانند.»

● پزشکيان ساعاتی پس از سخنرانی در سازمان ملل با امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه دیدار داشت. منابع داخلی گزارش دادند که در این دیدار درباره بازگشت تحریم‌ها و درخواست اروپایی‌ها از جمهوری اسلامی برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صحبت شد.

● ماکرون به «العربیة» گفت که جمهوری اسلامی «ایران هیچ اقدام ملموسی که اجازه بازگشت بازرسان به سایت‌های هسته‌ای را بدهد، انجام نداده است.»

مسعود پزشکيان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران، چهارشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۴ در هشترادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد.

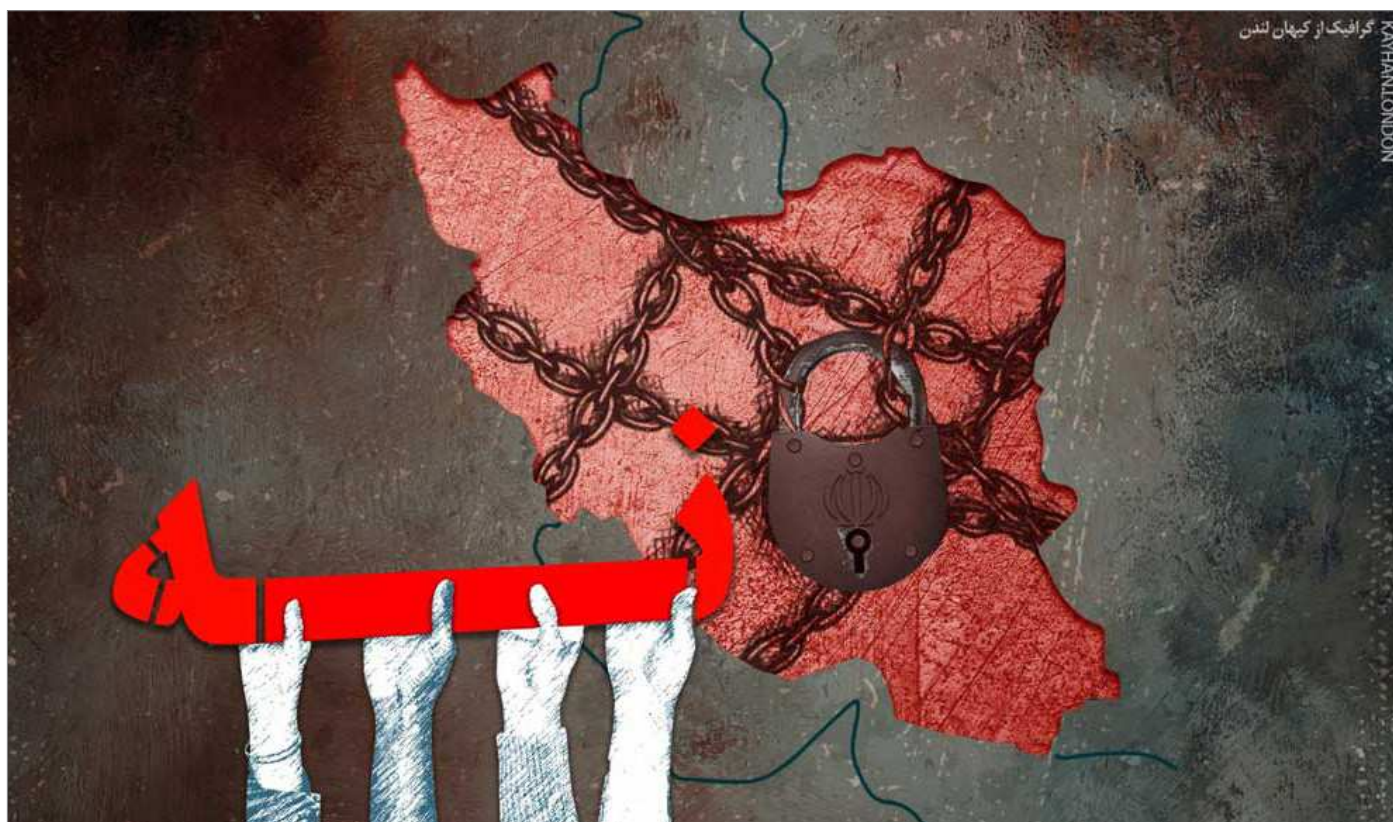
پزشکيان در نطق خود بیش از آنکه درباره مسائل ایران و مردم صحبت کند، بارها در مورد وضعیت غزه و فلسطین صحبت کرد و اسرائیل را محکوم کرد. او مدعی شد، جمهوری اسلامی ایران بر اساس فتوای علی خامنه‌ای هرگز به دنبال ساخت بمب هسته‌ای نبوده و نخواهد بود و حمله اسرائیل را «خیانتی بزرگ به دیپلماسی و صلح» دانست.

بخش کوتاهی از صحبت‌های او درباره بن‌بست مذاکرات بود و گفت: «هفته گذشته، سه کشور اروپایی، پس از آن‌که نتوانستند با بدعهدی ۱۰ ساله و به دنبال آن با حمایت از تجاوز نظامی مردم سربلند ایران را به زانو دریاورند، به دستور ایالات متحده، با فشار، قلدری، تحمیل و سوء استفاده آشکار کوشیدند قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت، علیه ایران را بازگردانند.»

او همچنین خواستار «بازسازی اعتبار نهادها و ساز و کارهای حقوق بین‌الملل» شد و در پایان نیز گفت: «ما راست‌قامتان ایرانزمین، با ایستادگی در برابر یاجیان بی‌قانون، بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و استانداردهای دواگانه را با سربلندی پشت‌سر گذاشته‌ایم و خواهیم گذاشت و امروز با نگاهی فرصت‌محور، این دستاورد تاریخی مردم ایران را به سکویی برای جهش به آینده‌ای پرامید تبدیل کرده‌ایم.»

پزشکيان ساعاتی پس از سخنرانی در سازمان ملل با امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه دیدار داشت. منابع داخلی گزارش دادند که در این دیدار درباره بازگشت تحریم‌ها و

فریاد آزادی در سکوت جهان



ناخواسته در جهت تقویت دیکتاتوری و تداوم سرکوب خواهد بود. اما اگر سیاست جهانی بر محور حمایت از مردم و خواست‌های واقعی آنها قرار گیرد، نه تنها رژیم در عرصه بین‌المللی تضعیف می‌شود، بلکه مردم در داخل کشور نیز انگیزه و توان بیشتری برای ادامه مبارزه پیدا می‌کنند. به همین دلیل، ایجاد این تمایز روشن باید به عنوان نخستین گام در هرگونه استراتژی جهانی برای آینده ایران در نظر گرفته شود.

یکی از پدیده‌های مهم و تعیین‌کننده در تاریخ معاصر ایران، شکل‌گیری جامعه بزرگ ایرانیان خارج کشور است. در طول سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی، میلیون‌ها ایرانی به دلایل گوناگون کشور را ترک کرده‌اند؛ برخی به علت فشار و سرکوب سیاسی، برخی به دلیل نبود فرصت‌های شغلی و علمی، و گروهی به سبب ناامیدی از آینده‌ای روشن برای فرزندان‌شان. این جامعه بزرگ که امروز به نام «دیاسپورا» یا جامعه مهاجران ایرانی شناخته می‌شود، در نقاط مختلف جهان پراکنده شده و در عرصه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دستاوردهای چشمگیری رسیده است. ایرانیان خارج کشور در بسیاری از دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، شرکت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی نقش‌های برجسته‌ای دارند و به دلیل دسترسی به شبکه‌های جهانی، جایگاهی منحصر به فرد یافته‌اند.

این دیاسپورا یک سرمایه عظیم ملی است که تا کنون بطور کامل و مؤثر به کار گرفته نشده است. در شرایطی که ایران در داخل با بحران‌های سیاسی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، جامعه ایرانیان خارج کشور می‌تواند پل ارتباطی میان ملت ایران و جهان باشد. این افراد نه تنها توان علمی و اقتصادی خود را به کار می‌گیرند، بلکه

هزینه‌های سنگینی برای بقا و تداوم این نظام پرداخته‌اند. با این حال، در عمق جامعه ایرانی، روح آزادیخواهی، عشق به وطن و آرزوی یک زندگی شرافتمندانه و آزاد هرگز خاموش نشده است. این روحیه امروز، در پی سال‌ها فشار و ناکامی، بیش از هر زمان دیگری آماده است تا به یک حرکت گسترده و سرنوشت‌ساز تبدیل شود.

در چهار دهه گذشته، سیاست‌های جهانی نسبت به ایران بارها دچار خطا و سوء برداشت بوده است. یکی از بزرگترین این خطاها، همسان دانستن رژیم حاکم با ملت ایران است. این اشتباه باعث شده که هرگونه اقدام، تحریم یا توافقی که با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی صورت گرفته، در عمل بیشترین آسیب را به مردم عادی وارد کند، در حالی که حاکمان با فساد، رانت‌خواری و انحصارطلبی همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند. این درک نادرست باید امروز تصحیح شود. جهان باید بداند که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و نباید سرنوشت ملت را به تصمیمات و سیاست‌های این حکومت گره بزند. مردم ایران همان کسانی هستند که زیر فشار تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی کمر خم کرده‌اند، همان مردمانی که بارها در خیابان‌ها و میدان‌ها برای دستیابی به آزادی و عدالت قیام کرده‌اند و جان عزیزان خود را فدای آرمان‌های انسانی کرده‌اند. آنها صاحبان واقعی این سرزمین هستند و شایسته است که جهان صدای آنها را بشنود و به رسمیت بشناسد.

این جداسازی مردم از رژیم نه تنها یک ضرورت اخلاقی است، بلکه برای آینده سیاسی و اجتماعی ایران اهمیتی بنیادین دارد. اگر جهان همچنان به جمهوری اسلامی به عنوان نماینده ایران نگاه کند، تمام اقدامات بین‌المللی

● در چهار دهه گذشته، سیاست‌های جهانی نسبت به ایران بارها دچار خطا و سوء برداشت بوده است. یکی از بزرگترین این خطاها، همسان دانستن رژیم حاکم با ملت ایران است. این اشتباه باعث شده که هرگونه اقدام، تحریم یا توافقی که با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی صورت گرفته، در عمل بیشترین آسیب را به مردم عادی وارد کند، در حالی که حاکمان با فساد، رانت‌خواری و انحصارطلبی همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند.

● با وجود همه ظرفیت‌های جامعه ایران در داخل و خارج کشور، یک خطر بزرگ همچنان در کمین است و آن خطر، تفرقه و پراکندگی است. جمهوری اسلامی در طول حیات خود بارها نشان داده است که استاد بهره‌برداری از شکاف‌ها و اختلافات میان مخالفان خویش است. هر زمان که نیروهای مخالف بجای تمرکز بر اهداف مشترک، درگیر رقابت‌های شخصی، گروهی یا ایدئولوژیک شده‌اند، رژیم از این شکاف‌ها برای بقای خود استفاده کرده است.

مرتضی انواری - پس از گذشت نزدیک به نیم قرن از استقرار جمهوری اسلامی، ایران امروز در شرایطی قرار گرفته که می‌توان آن را یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین لحظات تاریخ معاصر کشور دانست. رژیمی که در آغاز با شعارهایی همچون آزادی، عدالت و استقلال بر سر کار آمد، به مرور زمان خود به مانع اصلی تحقق همین آرمان‌ها بدل شد.

امروز جمهوری اسلامی نه تنها توانایی پاسخگویی به نیازهای ابتدایی مردم را از دست داده، بلکه به یکی از عوامل اصلی رنج، فقر، انزوا و عقب‌ماندگی ایران تبدیل شده است. در این میان، مردم ایران همواره قربانیان اصلی سیاست‌های اشتباه و سرکوبگرانه این حکومت بوده‌اند و

دوران محمدرضا شاهی؛ تهران تا توکیو؛ درخشش ایرانیان (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

ایرانی در سومین دوره بازی‌های آسیایی که ژاپن برای اولین بار میزبان آن بود با کسب مدال‌های متعدد طلا و نقره و برنز درخشیدند و با ۳۲ مدال مقام چهارم آسیا را به دست آوردند.

خرداد ۱۳۳۷ فقط سه دهه پس از قاجاریه، چهره مملکت چنان تغییر کرده بود که گویی سه قرن از آن فلاکت و ناپسامانی گذشته. زنان ایرانی از آزادی‌هایی بهره‌مند شدند که تنها در کشورهای پیشرفته دنیا وجود داشت. ورزشکاران

دست داده است.

هر ایرانی، چه در داخل و چه در خارج کشور، وظیفه‌ای تاریخی بر دوش دارد. این وظیفه تنها یک مسئولیت سیاسی نیست، بلکه تعهدی اخلاقی و ملی است. ایران به همه فرزندان خود نیاز دارد تا در این لحظه حساس دست در دست هم دهند و برای نجات کشور از استبداد و فساد تلاش کنند. وحدت و عمل جمعی، نه یک شعار زیبا، بلکه ضرورتی حیاتی برای بقا و پیشرفت ایران است. اگر این وحدت تحقق یابد، هیچ قدرتی نخواهد توانست در برابر اراده مردم بایستد. زمان عمل اکنون است؛ فردا ممکن است دیر باشد. امروز لحظه‌ای است که می‌توان آینده ایران را برای نسل‌های بعدی رقم زد، و اگر این فرصت از دست برود، تاریخ بار دیگر بهای سنگینی از مردم خواهد گرفت.

جهان، مردم ایران و دیاسپورای ایرانی، همگی در برابر آزمونی بزرگ قرار دارند. آینده ایران به تصمیماتی بستگی دارد که امروز گرفته می‌شود. این لحظه، لحظه‌ای است که می‌تواند سرنوشت ملتی را دگرگون کند و فصلی نو در تاریخ این سرزمین کهن بگشاید. صدای مردم باید به فریادی واحد تبدیل شود و این فریاد باید به گوش جهانیان برسد تا هیچکس نتواند آن را نادیده بگیرد. این فریاد، فریاد آزادی، کرامت و زندگی است.

*مرتضی انواری مقام پیشین وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) و تحلیلگر مسائل بین‌الملل

است. چنین منشوری می‌تواند مبنای همکاری گروه‌ها و نیروهای مختلف قرار گیرد و به آنها چارچوبی روشن برای همکاری ارائه دهد. پس از آن، ایجاد شبکه‌های ارتباطی امن میان داخل و خارج کشور اهمیت حیاتی دارد. این شبکه‌ها باید امکان هماهنگی فعالیت‌ها، تبادل اطلاعات و برنامه‌ریزی مشترک را فراهم کنند. برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی، چه به صورت حضوری و چه مجازی، می‌تواند زمینه‌ساز تبادل اندیشه و تدوین راهبردهای مشترک باشد. همزمان باید روحیه اعتماد و همبستگی از طریق فعالیت‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای تقویت شود تا جامعه بتواند بر شکاف‌ها و زخم‌های گذشته غلبه کند. رسانه‌های آزاد می‌توانند با تولید محتوای امیدبخش و آگاهی‌بخش، این فرآیند را تسریع کنند و مردم را به مشارکت فعال در تغییر تشویق نمایند.

امروز صدای مردم ایران بلندتر و رساتر از هر زمان دیگر است. در خیابان‌ها، در شبکه‌های اجتماعی، در جوامع ایرانی خارج کشور و در محافل جهانی، این صدا در حال شنیده شدن است. اما اگر این صدا نتواند به یک حرکت هماهنگ و متحد تبدیل شود، خطر آن وجود دارد که بار دیگر سرکوب و پراکندگی، آرمان‌های مردم را ناکام بگذارد. جهان باید درک کند که راه بازگشت ایران به صلح، پیشرفت و دموکراسی تنها از مسیر حمایت از مردم می‌گذرد، نه از طریق مذاکره و معامله با رژیمی که مشروعیت خود را از

می‌توانند صدای مردم را به گوش جهانیان برسانند و به تغییر نگاه جامعه بین‌المللی نسبت به ایران کمک کنند. با این حال، این سرمایه ارزشمند تا کنون به دلیل نبود ساختار مشترک و هماهنگی لازم، پراکنده و در مواردی حتی متخاصم باقی مانده است. اختلافات سیاسی، رقابت‌های گروهی و تفرقه‌های تاریخی مانع آن شده‌اند که این جامعه بتواند به یک نیروی متحد و هدفمند برای حمایت از مردم ایران تبدیل شود. اکنون زمان آن فرا رسیده است که این موانع کنار گذاشته شوند و دیاسپورا به جایگاه واقعی خود بازگردد؛ جایگاهی که در آن، همه ایرانیان خارج کشور بدون توجه به اختلافات گذشته، برای هدفی بزرگتر یعنی نجات ایران گرد هم آیند.

در این میان، مفهوم «دیپلماسی مردم با مردم» نقش ویژه‌ای پیدا می‌کند. تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است که مذاکره و ارتباطات جهان با جمهوری اسلامی هیچگاه به بهبود شرایط مردم منجر نشده و برعکس، رژیم را در سرکوب داخلی و ماجراجویی‌های خارجی جسورتر کرده است. راه حل واقعی، جایگزین کردن این رویکرد با دیپلماسی مستقیم میان ملت ایران و جامعه جهانی است. در این چارچوب، ارتباطات باید به گونه‌ای طراحی شوند که صدای مردم به صورت بی‌واسطه به گوش جهانیان برسد. رسانه‌های آزاد و مستقل باید تقویت شوند تا بتوانند روایت واقعی زندگی مردم ایران را منعکس کنند و در برابر دستگاه تبلیغاتی رژیم ایستادگی نمایند. فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر که در داخل کشور با شجاعت و ایثار فعالیت می‌کنند، باید از حمایت معنوی و مادی جامعه جهانی برخوردار باشند تا بتوانند نقش خود را با امنیت و قدرت بیشتری ایفا کنند. همچنین، ایجاد کانال‌های امن ارتباطی برای مردم داخل کشور یک ضرورت است تا بتوانند بدون ترس از تعقیب و مجازات، با جهان سخن بگویند و خواست‌های خود را بیان کنند. نهادهای بین‌المللی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد باید پروژه‌ها و طرح‌های مشترک را مستقیماً با گروه‌های مستقل ایرانی اجرا کنند و رژیم را از جایگاه انحصاری خود به عنوان نماینده رسمی ایران کنار بزنند. چنین ارتباطی، نه تنها مشروعیت رژیم را زیر سؤال می‌برد، بلکه اعتماد مردم به جامعه جهانی را نیز تقویت می‌کند و آنها را به مشارکت فعال در تغییر سرنوشت کشورشان تشویق می‌نماید.

با وجود همه این ظرفیت‌ها، یک خطر بزرگ همچنان در کمین است و آن خطر، تفرقه و پراکندگی است. جمهوری اسلامی در طول حیات خود بارها نشان داده است که استاد بهره‌برداری از شکاف‌ها و اختلافات میان مخالفان خویش است. هر زمان که نیروهای مخالف بجای تمرکز بر اهداف مشترک، درگیر رقابت‌های شخصی، گروهی یا ایدئولوژیک شده‌اند، رژیم از این شکاف‌ها برای بقای خود استفاده کرده است. امروز، بیش از هر زمان دیگر، نیاز به وحدت و همگرایی احساس می‌شود. وحدت به معنای حذف تفاوت‌ها و یکسان شدن اندیشه‌ها نیست، بلکه به معنای تمرکز بر اصولی است که می‌تواند همه نیروها را گرد هم آورد. آزادی، دموکراسی، حفظ تمامیت ارضی، رعایت حقوق بشر و بازسازی کشور از اصولی هستند که هیچ گروه یا فردی نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد. این اصول، شالوده یک حرکت ملی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند به نقطه آغاز یک تحول بزرگ تبدیل شوند.

برای تحقق این وحدت، اقدامات عملی لازم است. تدوین یک منشور ملی که در آن اصول بنیادین ایران آینده به وضوح بیان شده باشد، نخستین گام در این مسیر

بازنشر؛ پادشاهان پهلوی و سنت مشروطه خواهی

بود برطرف کنیم. مسئله این بود که چگونه به انقلاب مشروطه نگاه کنیم؟

تर्फند درواقع از آنجا شروع شده بود.

جنبش مشروطه خواهی از اواخر سده نوزدهم به پایمردی روشنفکران که خود را متحد می نامیدند و آزادی و برابری و ترقی و استقلال ایران و کوتاه کردن دست آخوندها را از امور کشور می خواستند آغاز شد. این متحدین یا پیشروان تجدد و مدرنیته در ایران احساسات شدید ناسیونالیستی داشتند و با یاد آوردن بزرگی شکوه ایران باستان می کوشیدند جامعه به خواب رفته ایران آن روز را برای مبارزه با استعمار روس و انگلیس و خرافات آخوندی و پوسیدگی سلطنت قاجار بر انگیزند. انقلاب آنها بیشتر به هدف های خود نرسید و در امواج جنگ جهانی اول غرق شد.

پادشاهی تازه پهلوی که روی ویرانه های انقلاب مشروطه برپا گردید، فلسفه اش تا پایان این بود که با شیوه های دموکراتیک می توان این کشور را چهاراسبه به قرن بیستم رساند. شکاف میان آرمان دموکراتیک انقلاب مشروطه و پادشاهی پهلوی از آنجا پیدا شد و حقیقت دارد.

ولی از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ در تاریخ نگاری ایران سنتی را گذاشتند که تاریخ نگاری مسلکی و یکسویه است. سنت تاریخ نگاری کشکولی، یعنی مجموعه مطالب پراکنده هم از همانجا گذاشته شد. در این تاریخ نگاری جنبش مشروطه را به عصر آزادخواهانه ی آن فرو کاستند و مدعی شدند که رضاشاه با کودتای ۱۲۹۹/۱۲۹۱ خود به مشروطه پایان داد. ما در تلاش های خود برای آغاز کردن یک جنبش فکری که امروز تجسم تشکیلاتی خود را در این حزب می یابد، این سنت را از راه بازنگری انقلاب مشروطه زیر حمله گرفته ایم. بررسی ادبیات مشروطه (ادبیات در مفهوم عام تر خود از جمله اسناد مذاکرات مجلس و برنامه) نشان می دهد که انقلاب مشروطه انقلاب نوسازی و تجدد ایران بوده است.

یک جامعه واپسمانده در پایان سده نوزدهم به جنبش درآمد تا خودش را به زمانه اش برساند و اسباب رسیدنش را چند اصل قرار داد. دموکراسی البته اصل اول بود. ولی یک دموکراسی محدود (که در قانون انتخابات صنفی مجلس بازتاب یافته است) متناسب با محدودیت های شگرف جامعه ایرانی آن زمان به منظور نگهداری کشور از دست اندازی های بیگانگان؛ یعنی دموکراسی در پیوند با ناسیونالیسم- چنانچه ناگزیر است و در همه دموکراسی های پیشرفته می بینیم.

آنها می گفتند کشوری را که اختیارش به دست یک نفر و خانواده اوست و او هم هر روز رشوه ای از یک خارجی می گیرد و بخشی از کشور را به امتیاز او در می آورد، نه می توان یکپارچه و مستقل نگهداشت و نه به پایه کشورهای پیشرفته جهان رسانید که هدف دیگر انقلابیون مشروطه بود. اصل مطلب این بود که از ایران می توان در برابر اروپای جهانگیر دفاع کرد مگر آنکه ایرانی متحد شود. در همان زمان (۱۲۹۹/۱۲۹۱) بود که تقی زاده گفت ما باید جسما و روحا فرهنگی بشویم؛ یعنی نظام ارزش هایی که ما را هزار سال در همان حالت نگهداشته بود، عوض کنیم.

در مشروطه دموکراسی و ناسیونالیسم و نوسازی و ترقی خواهی با هم بود و به همین دلیل وقتی دموکراسی در این ترکیب شکست خورد- زیرا افراطیان چپ و



داریوش همایون

این متن سخنرانی داریوش همایون از متفکران راست دموکرات و بنیانگذار «حزب مشروطه ایران/ لیبرال دموکرات» است که در مراسم سالروز درگذشت پادشاهان پهلوی و انقلاب مشروطه اول اوت ۱۹۹۹ در واشنگتن ایراد شد. این سخنرانی آن زمان در «راه آینده» ارگان حزب مشروطه چاپ شد و اکنون در اختیار کیهان لندن قرار گرفته تا با توجه به مباحثی که اخیرا مطرح شده است، برای نسل های جوان و علاقمند به سیاست و سرنوشت ایران بازنشر شود.

یک تصادف تاریخی روزهای انقلاب مشروطه و درگذشت هر دو پادشاه پهلوی را در یک ماه، مرداد، قرار داده است و این سبب شده که در بیشترین سالها هر سه مراسم را رویهم ریخته ایم و با هم برگزار می کنیم. ولی این همزمان برای ما صرفا به دلیل تصادف تاریخی نیست و یک پیوستگی نه تنها میان دو پادشاه بلکه میان انقلاب مشروطه و پادشاهی پهلوی هست.

بسیار از محافل چپ و جز آن به ما خرده گرفتند که چرا پادشاهان پهلوی را در کنار انقلاب مشروطه قرار می دهیم؟ پهلوی ها چه ارتباطی به انقلاب مشروطه دارند؟ ایرادشان این است که چون انقلاب مشروطه برای آزادی و دموکراسی بوده است و پادشاهان پهلوی هیچکدام از بابت احترام به دموکراسی شهرتی ندارند، گذاشتن اینها در کنار هم درواقع ترفندی است از سوی مشروطه خواهان و ما می خواهیم ایرانیان را فریب بدهیم. در اینجا فرصتی است که کمی موضوع را بشکافیم. آیا حقیقتا انقلاب مشروطه ارتباطی به پادشاهان پهلوی ندارد و می باید به دنبال هم بیاوریم؟

در جریان کاری که از ۱۵ سال پیش آغاز کردیم و عنوان مشروطه نوین به خود گرفت و امروز به حزب مشروطه ایران انجامیده است، تلاش ما بر این بوده که ارتباط میان این دو را نشان دهیم و غلط مشهوری را که نه تنها برای مخالفان بلکه بسیاری از هواداران پادشاهی هم پیش آمده

این متن سخنرانی داریوش همایون از متفکران راست دموکرات و بنیانگذار «حزب مشروطه ایران/ لیبرال دموکرات» است که در مراسم سالروز درگذشت پادشاهان پهلوی و انقلاب مشروطه اول اوت ۱۹۹۹ در واشنگتن ایراد شد.

پادشاهی تازه پهلوی که روی ویرانه های انقلاب مشروطه برپا گردید، فلسفه اش تا پایان این بود که با شیوه های دموکراتیک می توان این کشور را چهاراسبه به قرن بیستم رساند. شکاف میان آرمان دموکراتیک انقلاب مشروطه و پادشاهی پهلوی از آنجا پیدا شد و حقیقت دارد.

ما پادشاهان پهلوی را از دوره مشروطه جدا می دانیم، همچنان که مجلس های دوم به بعد را با همه کوتاهی ها و انحرافات و اشتباهات بزرگشان جزء دوران مشروطه می شماریم. پادشاهان پهلوی تنها در زمینه دموکراتیک مشروطه کوتاه آمدند و در حفظ و ترقی دادن کشور و مدرن کردن آن و در عدالت اجتماعی که آرزوی تعریف نشده انقلاب مشروطه بود، کارهای غماینی کردند که در ایران سابقه نداشت.

بزرگترین دشمنان پهلوی ها یعنی آخوندهای سیاسی و اسلامی هانیز تفاوتی میان پادشاهی پهلوی و جنبش مشروطه نمی گذارند. انقلاب آنها [۵۷] بر ضد هر دو بوده است. امروز مطالب ما چیز دیگری است. این جوانانی هستند که هشتاد در صد جمعیت اند و برخاسته اند. این جوانان نیاز به یادآوری و روشننگری گذشته دارند. ولی هیچ حوصله غرق شدن در این گذشته را ندارند چنانکه نسل من دارد. مسئله در این است که انقلاب مشروطه و پادشاهان پهلوی برای ما چیست و با آنها چه می خواهیم بکنیم؟ آیا امامزاده ای است که باید پایش سینه زد؟ کاری که مصدقی ها پنجاه سال است که می کنند؟ آیا یک الگوست که بخواهیم تکرارش بکنیم و از رویش بسازیم؟ یا یک مرحله از تکامل تاریخی جامعه ایرانی است؟ آیا دوره مشروطه می باید با ما تمام بشود؟ یا باید بر رویش بسازیم؟ اگر این دومی باشد می باید بازخوانی تازه ای از آن دوران بکنیم برای آنکه بشود یک دوره تاریخی و نه یک میراث گذشته، یک مزار مقدس. دوران مشروطیت یک مزار مقدس نیست.

مشروطه و پادشاهی پهلوی یک دوره تاریخی است پر از کم و کاستی. به هیچ وجه کامل نبوده؛ به هیچ وجه سخن آخر را نگفته؛ به هیچ وجه آرمان و ایده آل مردم نبوده. ولی دورانی بوده که این مردم بیشترین کامیابی را در تحقق آرمان هایشان به دست آورده اند. بیش از این نبوده. دچار حماسه سازی، افسانه سازی نباید بشویم. تاریخ افسانه نیست. اگر می خواهیم دوران مشروطه جنبه تاریخی پیدا کند، ناگزیریم آن را چنانکه بوده بازنگری کنیم.

چرا باید آن دوره را تبدیل کنیم به یک دوره تاریخی و از صورت نوستالژی و حماسه سرایی و روضه خوانی درش بیاوریم؟ برای اینکه آینده کشور ما و رستگاری ما در گرو ساختن بر روی دستاوردهایی است که ما در همه این صد ساله داشته ایم، از جمله در دوران جمهوری اسلامی که مسئله مذهب را در سیاست و حکومت حل کرد. ما از عهده اش بر نیامدیم! هیچ حکومتی از زمان ساسانیان بر نیامد. نادر شاه و کریمخان زند تلاش کردند ولی نشد. جمهوری اسلامی از عهده اش برآمد.

اما نکته عمده در این فرصت‌ها این است که ما از این مراسم و بزرگداشت‌ها باید استفاده کنیم وگرنه اینکه هر سال جمع شویم و بگوئیم که چه آدم‌های خوبی بودند و چه کارهای خوبی شد و ما چه آدم‌های خوبی بودیم، کار به جایی نخواهد رسید. بزرگداشت‌ها لازم است و ما خودمان هم می‌گیریم ولی مسئله فراتر از این است. مسئله در این است که انقلاب مشروطه و پادشاهان پهلوی برای ما چیست و با آنها چه می‌خواهیم بکنیم؟ آیا امامزاده‌ای است که باید پایش سینه زد؟ کاری که مصدقی‌ها پنجاه سال است که می‌کنند؟ آیا یک الگوست که بخواهیم تکرارش بکنیم و از رویش بسازیم؟ یا یک مرحله از تکامل تاریخی جامعه ایرانی است؟ آیا دوره مشروطه می‌باید با ما تمام بشود؟ یا باید بر رویش بسازیم؟

اگر این دومی‌باشد می‌باید بازخوانی تازه‌ای از آن دوران بکنیم برای آنکه بشود یک دوره تاریخی و نه یک میراث گذشته، یک مزار مقدس. دوران مشروطیت یک مزار مقدس نیست؛ غرده است. یک دوره تاریخی است که امروز حضور دارد، فردا هم می‌تواند حضور داشته باشد به شرط نگاه درست بدان. انقلاب مشروطه و پادشاهی پهلوی یک دوره تاریخی است پر از کم و کاستی. به هیچ وجه کامل نبوده؛ به هیچ وجه سخن آخر را نگفته؛ به هیچ وجه آرمان و ایده‌آل مردم نبوده. ولی دورانی بوده که این مردم بیش کامیابی را در تحقق آرمان‌هایشان به دست آورده‌اند. بیش از این نبوده. دچار حماسه‌سازی، افسانه‌سازی نباید بشویم. تاریخ افسانه نیست. اگر می‌خواهیم دوران مشروطه جنبه تاریخی پیدا کند، ناگزیریم آن را چنانکه بوده بازنگری کنیم. ما متأسفانه در آن دوران پیش از آن نیز برنیامدیم. این معنی‌اش این است که اولاً ناقص بوده. ثانیاً احتمالاً بیشتر می‌توانستیم، که به نظر من بیشتر می‌توانستیم. اما چرا باید آن دوره را تبدیل کنیم به یک دوره تاریخی و از صورت نوستالژی و حماسه‌سرایی و روضه‌خوانی درش بیاوریم؟ برای اینکه آینده کشور ما و رستگاری ما در گرو ساختن بر روی دستاوردهایی است که ما در همه این صد ساله داشته‌ایم، از جمله در دوران جمهوری اسلامی که مسئله مذهب را در سیاست و حکومت حل کرد. ما از عهده‌اش بر نیامدیم! هیچ حکومتی از زمان ساسانیان بر نیامد. نادر شاه و کریمخان زند تلاش کردند ولی نشد. جمهوری اسلامی از عهده‌اش برآمد.

بر روی این دستاوردها چه را باید بسازیم؟ آن جامعه‌ای را که صد سال پیش روشنفکران و متجددین آن روز، دنبالش بودند- یعنی نظام ارزش‌های دگرون شده؛ یعنی تغییر فرهنگ این ملت؛ این فرهنگی که تفکر دینی بر آن چیره است. ما سر انجام به جایی رسیده‌ایم که به گفته تقی‌زاده روحا و جسما فرنگی شویم، یعنی با دید امروزی به جهان بنگریم؛ با دیدی که از یونان کلاسیک آغاز شد و در اروپای نوزایی (رنسانس) و روشنگرایی همه زنجیرها را از روان و اندیشه آدمی گشود و سوار بر موج ایست‌ناپذیر علم و تکنولوژی، بشریت را به آنچه اندر وهم ناید می‌برد. صد سال گذشته، بیداری انقلاب مشروطه و سازندگی پهلوی و ویرانگری جمهوری اسلامی- که مذهب را نیز در سیاست ویران کرد- ما را آماده کرده است که مسئله تجدد و مدرنیته خود را حل کنیم که اکنون می‌دانیم به ساختن کارخانه و حتی دانشگاه خلاصه نمی‌شود. اما شرطش آن است که آن گذشته را به صورت زنده و تاریخی‌اش نگاه کنیم و از افسانه‌پردازی و امامزاده‌سازی که زائیده اندیشه غیرمردن است بدرآییم. آن گذشته را از خاطره‌ای که برایش باید سینه زد، به یک نیروی تاریخی تبدیل کنیم.

امروز پیش از آنکه عرایض را شروع کنم پیام پادشاه را شنیدید. پادشاه کسی است از نسلی که امروز در ایران اکثریت هشتاد درصد دارد. شاید تنها بیست درصد ایرانیان بالای سن او را دارند. بیشتر این پیام مسائل امروزی ایران و مبارزه مردم ایران بود. درست است که پیام به مناسبت سالروز انقلاب مشروطه نوشته و از زبان وارث پادشاهی پهلوی بود ولی وقتی نگاه می‌کنید می‌بینید که پادشاه همه‌اش نگران آن هشتاد درصدی است که نسل خود اویند. مسائلی که آنها دارند. دیدی که آنها به مسائل دارند. او برخلاف نسل خود من نگاهش به امروز و فرداست و پیوسته به دیروز بر نمی‌گردد.

ولی من هم می‌توانم در این تعمق کنم که چرا او که سی سالی جوانتر است پیام خود را مربوط به آینده می‌سازد و در یک جای پیامش می‌گوید که اینها برخلاف گذشتگان به اکنون و آینده نگاه می‌کنند؟ این چیزی نیست که بر حسب گردش قلم آمده باشد. یک چیزی است که او شب و روز دارد احساس می‌کند و همه کسانی که در سن او هستند دارند احساس می‌کنند.

مشکل ما در این بیست سالی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، مشکل توجیه گذشته خودمان بوده است. ما عموماً کاری بیش از این نداشته‌ایم که خودمان و گذشته خود را تترئه کنیم. ما بهترین بودیم؛ اصلاً در حال از هم بدررفت و پوسیدن نبودیم؛ برای ما نقشه کشیدند؛ ما را به این روز انداختند. مخالفان و دشمنان ما که فرصتی برای کار کردن نیافته بودند و در برابر یکبار اشتباه کردن و شکست خوردن ما، دوبار و سه‌بار اشتباه کرده و شکست خورده بودند (پیش از انقلاب، پس از انقلاب، و در فروپاشی کمونیسم) حتی بیش از ما به تترئه خود پرداختند. آنها هم بهترین بودند؛ ولی بدین علت که ما بدترین بودیم.

حالا لازم نیست ما چهل سال و بیست سالمان باشد که از گذشته و اینکه ما خوب بودیم و دیگران بد بودند رها شویم. ما می‌توانیم پس از این مدت به خود بیاییم. امروز مطالب ما چیز دیگری است. این جوانانی هستند که هشتاد درصد جمعیت‌اند و برخاسته‌اند. این جوانان نیاز به یادآوری و روشننگری گذشته دارند.

ولی هیچ حوصله غرق شدن در این گذشته را ندارند. چنانکه نسل من دارد.

چندی پیش در مجلسی فرا حزبی برای پشتیبانی از جنبش دانشجویی در همین شهر یکی از سخنرانان در ضمن صحبت، درود بر مصدق گفت. یک سومی از جمعیت بیشتر دست زدند. در آن مجلس شاید بیش از آنها بودند که به مصدق احترام می‌گذاشتند. ولی همه از خود پرسیدند که یعنی چه؟ چه ارتباطی دارد؟ آیا مسئله ما مصدق است؟ در همین مجلس به مناسبت بزرگداشت پادشاهان پهلوی آیا مسئله ما پادشاهان پهلوی هستند؟ نه؛ اینها شخصیت‌های تاریخی بوده‌اند که در بیست سال گذشته هر گروه از ما یکی از آنها را از آن خود ساخت. ما امروز می‌بینیم که نسل جوان ما همه این شخصیت‌ها را از آن خودش ساخته است. همه آنها شخصیت‌های تاریخی این نسل هستند. نسل جوان ایران که اینها را ندیده و آن دوره را احساس نکرده بسیار بیش از سالخوردگانی که در بیرون می‌بینیم خودش را با آن دوره‌ها یکی می‌کند. نه اینکه لزوماً جاوید شاه بگوید. ممکن است بسیاریشان جمهوریخواه باشند ولی با آن آرمان‌ها، با آن برنامه‌هایی که در آن دوره عمل شد خودشان را یکی می‌کنند. نباید پنداشت که انسان تا چیزی را نبیند نمی‌پذیرد. اگر چنین بود تاریخ از میان می‌رفت.

→ ارتجاعیان راست مجلس را فتح کردند و با تغییر قانون انتخابات و اختیار کردن رای همگانی مستقیم اختیار مجلس را تا اصلاحات ارضی محمدرضا شاه به دست زمینداران بزرگ و فئودال‌ها دادند، مشروطه‌خواهان رها نکردند و دنبال دست آنهین رفتند. آنها که برای ریاست جمهوری و بعد پادشاهی رضاشاه تلاش کردند و برایش روزنامه نوشتند و به او برنامه سیاسی دادند، مشروطه‌خواهان بودند. آنها می‌خواستند که مشروطه کار بکند و می‌دیدند که دست مجلس نمی‌شود. بحث سیاسی در آن هنگام بر سر آن بود که کدام قوه باید دست بالاتر را داشته شد؛ قانونگذاری یا اجرایی؟ رضاشاه می‌خواست یک رئیس جمهور نیرومند همه عمر بشود مانند آتاتورک و وقتی به مخالفت خورد پادشاهی را برگزید که اکثریت هم با او موافقت کردند.

همه برنامه‌های نوسازی رضاشاه در انقلاب مشروطه طرح شده بود و حتی مانند راه‌آهن شیوه تأمین هزینه‌هایش را نیز مشروطه‌خواهان اندیشیده بودند. روحیه ناسیونالیستی و ترقیخواهی دوران رضاشاه و پس از او محمدرضا شاه مستقیماً از جنبش مشروطه برمی‌خاست. ایران دهه‌های آغاز سده بیستم از گذراندن یک دوره اصلاحات از بالا مانند فرانسه لویی‌ها و روسیه پتر کبیر و نزدیک به ترکیه آتاتورک، ناگزیر بود، زیرا اصلاً زیر ساخت یک کشور، یک «دولت و ملت» را نداشت. این دوره بیش از اندازه کش داده شد و طرح اصلاحات از بالا و در غیاب یک مجلس دموکراتیک را نیز سرانجام ناقص و شکست‌خورده گذاشت. ولی بی‌تردید به پدید آمدن یک طبقه متوسط نیرومند و فزاینده که هر طرح توسعه در گرو آن است و به پاگیری حکومت قانون در ایران کمک کرد- علاوه بر زیرساخت شگرفی که در شش دهه بعدی از حدود صفر به وجود آورد و پیروزمندانه یکپارچگی کشوری در حال ازمه‌پاشیدگی و از همه سو در خطر تجاوز را نگهداشت (حکومت قانون با حکومت قانونی تفاوت دارد. در اولی حکومت، قانون را اجرا می‌کند ولی فراتر از قانون است؛ در دومی، حکومت نیز تابع قانون است).

در پایان آن شش دهه ایران با بحران‌های سخت مشروعیست و سیاست و حتی اقتصاد روبرو بود که همه‌اش از فراقانونی بودن حکومت برمی‌خاست ولی کشوری را که در آغاز این سده در پائین‌ترین درجه از هر نظر بود به مقام شانزدهم از نظر درآمد سرانه ناخالص ملی رسانده بود (درآمد ناخالص ملی تقسیم بر جمعیت)، مردم ایران در آن شش دهه بود که آغاز به دگرگون کردن نظام ارزش‌های سنتی کردند و ارتجاع دوران انقلاب اسلامی تنها یک انحراف کوتاه در این فرآیند بوده است.

از اینجااست که ما پادشاهان پهلوی را از دوره مشروطه جدا نمی‌دانیم، همچنان که مجلس‌های دوم به بعد را با همه کوتاهی‌ها و انحرافات و اشتباهات بزرگشان جزء دوران مشروطه می‌شماریم. پادشاهان پهلوی تنها در زمینه دموکراتیک مشروطه کوتاه آمدند و در حفظ و ترقی دادن کشور و مدرن کردن آن و در عدالت اجتماعی که آرزوی تعریف نشده انقلاب مشروطه بود، کارهای نمایانی کردند که در ایران سابقه نداشت. آن مجلس‌ها در همه زمینه‌ها کوتاه آمدند تا هنگامی که رضاشاه به عنوان سردار سپه انرژی اصلاح‌طلبانه خود را بر مجلس مشروطه نیز تحمیل کرد.

بزرگترین دشمنان پهلوی‌ها یعنی آخوندهای سیاسی و اسلامی‌ها نیز تفاوتی میان پادشاهی پهلوی و جنبش مشروطه نمی‌گذارند. انقلاب آنها [۵۷] بر ضد هر دو بوده است.

محدودیت شدید آمریکا برای رفت و آمد هیئت سیاسی جمهوری اسلامی در نیویورک



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی

«شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی: همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق می‌شود



شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی

● «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی با اشاره به فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» اعلام کرد که همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق خواهد شد. در بیانیه این شورا آمده است که جلسه با هدف بررسی وضعیت منطقه و آنچه «ماجرای اسرائیل» خوانده شده، برگزار شده است.

● در بیانیه‌ای که شب‌شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ منتشر شد آمده، در این جلسه «اقدامات برخی کشورها در صحنه بین‌المللی که در زمینه‌های عملیات نظامی و تحریم‌ها مطرح شده است مورد واکاوی قرار گرفت، از جمله درباره اقدامات نسنجیده ۳ کشور اروپایی در مورد مسئله هسته‌ای ایران بحث و بررسی» انجام شد. بیانیه ادعا کرده است که «علی‌رغم همکاری‌های وزارت خارجه با آژانس و همچنین ارائه طرح‌هایی برای حل و فصل موضوع با اقدامات کشورهای اروپایی عملاً مسیر همکاری با آژانس دچار تعلیق خواهد شد.»

● حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «باید مصوبه‌ای در مجلس داشته باشیم تا سران کشورهای اروپایی را به عنوان سران تروریستی معرفی کنیم.»

● محمد منان رئیسی نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس اسلامی نیز گفته: «اگر قرار است با اتهام دروغین سلاح هسته‌ای دوباره تحت تحریم‌های سازمان ملل قرار بگیریم چرا باید در این جنگل بی‌در و پیکر که حرف اول و آخر در آن فقط حرف زور است از داشتن سلاح هسته‌ای محروم باشیم؟!»

«شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی با اشاره به فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» اعلام کرد که همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق خواهد شد. در بیانیه این

جمهوری اسلامی تنها مجاز به تردد در مسیرهای ضروری بین محل اقامت و مقر سازمان ملل برای انجام امور رسمی باشد. او افزود: «امنیت آمریکایی‌ها همواره اولویت ما است و اجازه نخواهیم داد جمهوری اسلامی از حضور در مجمع عمومی به عنوان بهانه‌ای برای سفر آزادانه در نیویورک و ترویج دستورکار تروریستی خود استفاده کند.»

همچنین رئیس اداره مأموریت‌های خارجی دولت آمریکا اشاره کرده است که دیپلمات‌های جمهوری اسلامی باید برای خرید هر کالای بالای هزار دلار یا اتومبیل بالای ۶۰ هزار دلار مجوز تهیه کنند. خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی می‌نویسد لیست اقلام لوکس در این ممنوعیت‌ها شامل ساعت، پوشاک و لوازم چرمی، پوشاک و لوازم ابریشمی، کفش، پوست و خز آرایشی و عطر، آثار هنری، عتیقه‌جات، قالیچه و فرش و تابلو فرش، مروارید، سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی یا جواهرات حاوی آنها، فلزات گرانبها، وسایل الکترونیک و لوازم خانگی، لوازم ورزشی تفریحی، ابزار موسیقی، سیگار و سیگار برگ، شراب، مشروبات الکلی و آبجو می‌شود.

وزارت خارجه دولت ترامپ در بیانیه خود در همین زمینه یادآوری کرده است: «در حالی که مردم ایران در فقر بسر می‌برند و با کمبود شدید آب و برق و زیرساخت‌های در حال فروپاشی مواجهند، ما اجازه نخواهیم داد که حکومت ایران به کارگزاران خود امکان دهد در نیویورک خرید و ولخرجی کنند.» همچنین خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران نیز در گزارشی نوشت آمریکا از صدور ویزا برای بخش عمده‌ای از تیم رسانه‌ای مسعود پزشکیان خودداری کرده است. گفته شد برای هیچیک از عکاسان و تصویربرداران نهاد ریاست جمهوری ویزا صادر نشده و تنها افرادی که امکان سفر یافته‌اند، حبیب عباسی مدیرکل روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری و معاون او هستند.

● وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که در راستای افزایش فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، محدودیت‌های تازه‌ای بر هیأت جمهوری اسلامی اعزامی به مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک اعمال شده است. بر اساس این تصمیم، اعضای این هیأت از دسترسی به فروشگاه‌های عمده‌فروشی مثل کاستکو، کالاهای لوکس و رفت و آمد آزادانه در سطح شهر محروم شده‌اند.

● خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی می‌نویسد لیست اقلام لوکس در این ممنوعیت‌ها شامل ساعت، پوشاک و لوازم چرمی، پوشاک و لوازم ابریشمی، کفش، پوست و خز یا خز مصنوعی، کیف دستی، کیف پول، خودنویس، لوازم آرایشی و عطر، آثار هنری، عتیقه‌جات، قالیچه و فرش و تابلو فرش، مروارید، سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی یا جواهرات حاوی آنها، فلزات گرانبها، وسایل الکترونیک و لوازم خانگی، لوازم ورزشی تفریحی، ابزار موسیقی، سیگار و سیگار برگ، شراب، مشروبات الکلی و آبجو می‌شود.

● وزارت خارجه دولت ترامپ در بیانیه خود در همین زمینه یادآوری کرده: «در حالی که مردم ایران در فقر بسر می‌برند و با کمبود شدید آب و برق و زیرساخت‌های در حال فروپاشی مواجهند، ما اجازه نخواهیم داد که حکومت ایران به کارگزاران خود امکان دهد در نیویورک خرید و ولخرجی کنند.»

وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که در راستای افزایش فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، محدودیت‌های تازه‌ای بر هیأت جمهوری اسلامی اعزامی به مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک اعمال شده است. بر اساس این تصمیم، اعضای این هیأت از دسترسی به فروشگاه‌های عمده‌فروشی مثل کاستکو، کالاهای لوکس و رفت و آمد آزادانه در سطح شهر محروم شده‌اند. در همین ارتباط مارکو رابینو وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که این محدودیت‌ها به نحوی اعمال خواهد شد که هیأت

داده است، برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام شده است.

در شرایطی که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک در حال گفتگو با گروسی است، در تهران همچنان دستگاه‌های امنیتی و وزیر اطلاعات رژیم علیه او به اصطلاح مستند می‌سازند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای تلافی گزارش‌های مدیرکل آژانس، در یک «مستند» اقدام به انتشار تصاویر خصوصی زندگی او کرده است، هرچند این تصاویر بسیار عادی و معمولی است و فضای خانوادگی او را نشان می‌دهد، اما آیا انتشار این پیام‌ها در شرایطی که گروسی از سوی مقامات تهران با تهدید جانی روبروست، معنایی فراتر و تروریستی ندارد؟

برخی مقامات جمهوری اسلامی یقین دارند که گروسی



رافائل گروسی / عکس: رویترز

«جاسوس موساد» و «عامل بنیامین نتانیاهو» است. با همین پیش‌فرض نیز اکنون به بدترین شکل ممکن علیه گروسی موضع گرفته‌اند.

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک ویدیو که چهارشنبه شب دوم مهرماه ۱۴۰۴ با عنوان «نهانخانه عنکبوت» منتشر شده، آژانس و اسرائیل را تهدید کرده است. او خطاب به بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل گفته «بجای آنکه فکر آب مردم ایران باشی، به فکر رفع مشکل نان باش، کارمندانت به خاطر پول با ما همکاری کرده و می‌کنند.»

خطیب مدعی شد: «تا اعماق نهانخانه اسرائیل نفوذ کردیم»، «اطلاعات کامل شامل اسامی، مشخصات، نشانی‌ها و روابط کاری ۱۸۹ متخصص هسته‌ای و نظامی اسرائیل و پروژه‌های مرتبط با هر یک کشف شده که این فهرست همچنان در حال تکمیل است.»

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی همچنین گفت: «اطلاعات کامل شامل اسامی، مشخصات، نشانی‌ها و روابط کاری ۱۸۹ متخصص هسته‌ای و نظامی رژیم و پروژه‌های مرتبط با هر یک کشف شده که این فهرست همچنان در حال تکمیل است.» برخی از «اطلاعاتی» که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی منتشر کرده، از قبل در منابع عمومی مانند گوگل در دسترس بوده و به اشتباه و نادانی یا عمداً به عنوان «اطلاعات محرمانه» جا زده شده است. هرچند این اقدام تا حد زیادی می‌تواند بلوف تبلیغاتی تلقی شود، اما به عنوان یک پیام تهدیدآمیز و خطرناک علیه مدیر آژانس بازتاب منفی زیادی در رسانه‌ها داشته است.

برخی ناظران گفته‌اند این کار نیز نشانی از ناکارآمدی و غیرحرفه‌ای بودن نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی است. برخی دیگر هم آن را ناشی از بهم‌ریختگی و آشفتگی درون حکومت دانسته‌اند.

انتشار تصاویر خصوصی رافائل گروسی و اسناد ادعایی آژانس توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید که وی «هیچگونه دسترسی به ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ایران ندارد.» او در مصاحبه با شبکه «الجزیره» هشدار داده است که جمهوری اسلامی تنها در چند هفته می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را از ۶۰ درصد به ۹۰ درصد برساند.

● در شرایطی که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک در حال گفتگو با گروسی است، در تهران همچنان دستگاه‌های امنیتی و وزیر اطلاعات رژیم علیه او به اصطلاح مستند می‌سازند.

● وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای تلافی گزارش‌های مدیرکل آژانس، در یک «مستند» اقدام به انتشار تصاویر خصوصی زندگی او کرده است، هرچند این تصاویر بسیار عادی و معمولی است و فضای خانوادگی او را نشان می‌دهد، اما آیا انتشار این پیام‌ها در شرایطی که گروسی از سوی مقامات تهران با تهدید جانی روبروست، معنایی فراتر و تروریستی ندارد؟

● اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک ویدیو که چهارشنبه شب دوم مهرماه ۱۴۰۴ با عنوان «نهانخانه عنکبوت» منتشر شد آژانس و اسرائیل را تهدید کرده است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید که وی «هیچگونه دسترسی به ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ایران ندارد.» او در مصاحبه با شبکه «الجزیره» هشدار داده است که جمهوری اسلامی تنها در چند هفته می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را از ۶۰ درصد به ۹۰ درصد برساند.

آنچه گروسی از تهدیدات مربوط به برنامه‌های اتمی رژیم ایران و پنهانکاری حکومت به نهادهای بین‌المللی گزارش

→ شورا آمده است که جلسه با هدف بررسی وضعیت منطقه و آنچه «ماجرای جوی‌های اسرائیل» خوانده شد، برگزار شده است.

در بیانیه‌ای که شنبه‌شب ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ منتشر شد آمده، در این جلسه «اقدامات برخی کشورها در صحنه بین‌المللی که در زمینه‌های عملیات نظامی و تحریم‌ها مطرح شده است مورد واکاوی قرار گرفت، از جمله درباره اقدامات نسنجیده ۳ کشور اروپایی در مورد مسئله هسته‌ای ایران بحث و بررسی» انجام شد. بیانیه ادعا کرده است که «علی‌رغم همکاری‌های وزارت خارجه با آژانس و همچنین ارائه طرح‌هایی برای حل و فصل موضوع با اقدامات کشورهای اروپایی عملاً مسیر همکاری با آژانس دچار تعلیق خواهد شد.»

بر اساس این گزارش، «همچنین به وزارت خارجه مأموریت داده شد در چارچوب تصمیمات شورای عالی امنیت ملی برای حفظ منافع ملی کشور به رایزنی‌های خود ادامه دهد.»

این بیانیه شش روز پس از آن صادر شده که «شورای عالی امنیت ملی» در واکنش به نمایندگان مخالف مذاکره با آژانس اعلام کرده بود که محتوای «توافق قاهره» میان عراقچی و گروسی در کمیته هسته‌ای همین شورا تصویب شده است.

در این میان، گزینه‌های مختلفی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تحلیلگران حکومتی برای تلافی فعال شدن مکانیسم ماشه که توسط غربی‌ها از روز جمعه ۲۸ شهریورماه حتمی شد، مطرح شده است. حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «باید مصوبه‌ای در مجلس داشته باشیم تا سران کشورهای اروپایی را به عنوان سران تروریستی معرفی کنیم.»

علیرضا سلیمی عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید مجلس اسلامی در مقابله با فعال‌سازی مکانیسم ماشه «دست بسته نیست» و «گزینه‌های مختلفی را روی میز دارد.»

چرا از داشتن سلاح هسته‌ای محروم باشیم؟!

محمد منان رئیس‌یابی نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه، خواستار خروج جمهوری اسلامی از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) شد و گفت: «اگر قرار است با اتهام دروغین سلاح هسته‌ای دوباره تحت تحریم‌های سازمان ملل قرار بگیریم چرا باید در این جنگ بی‌در و پیکر که حرف اول و آخر در آن فقط حرف زور است از داشتن سلاح هسته‌ای محروم باشیم؟!»

او گفت: «تداوم حضور ایران در پیمان ان‌پی‌تی در حالی که دوباره با اتهام دروغین سلاح هسته‌ای تحت تحریم‌های سازمان ملل قرار می‌گیریم، مصداق بارز این است که هم نیاز را خوردیم و هم کتک را.»

او اعلام کرد که مجلس شورای اسلامی برای مقابله با اسنپ‌ک ۱۴ طرح تهیه کرده که در دستور کار دارد و یکی از آنها خروج از NPT است.

اینهمه در حالیست که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک روز پیش از فعال شدن مکانیسم ماشه یک موشک قاره‌پیما آزمایش کرد. مقامات تهران ادعا می‌کنند با دور زدن تحریم‌ها و افزایش «تاب‌آوری» تحریم‌ها را پشت سر می‌گذارند آنهم در حالی که در تمام این سال‌ها هزینه این «دور زدن»‌ها و «پشت سر گذاشتن»‌ها بر دوش مردم و معیشت آنها سنگینی کرده است.

جمهوری اسلامی بر سر «دو راهی جنگ و هسته‌ای»؛ «مستولان جمهوری اسلامی بلامتکلیف‌اند»



تجمع بسیجی‌ها مقابل فردو حدود ۲۰ روز قبل از آغاز حمله اسرائیل / اول خرداد ۱۴۰۴

می‌تواند تشدیدکننده درگیری‌ها آتیم در دریاها و بنادر باشد.

احتمال تشکیل یک ائتلاف دریایی

آیا دونالد ترامپ مانند دور اول ریاست جمهوری خود یک ائتلاف دریایی با متحدان ایالات متحده تشکیل خواهد داد تا بر اجرای تحریم‌های بین‌المللی پس از اجرای «مکانیسم ماشه» نظارت کند؟

الیزابت استیکنی سخنگوی فارسی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به این پرسش به کیهان لندن گفت: «بهتر است وزارت جنگ در مورد نیروی دریایی صحبت کند، اما بطور کلی ما می‌خواهیم از تمام ابزارهای ممکن استفاده کنیم تا تهدیدات هسته‌ای [رژیم] ایران متوقف شود و برنامه موشک‌های بالستیک آنها محدود شود و جمهوری اسلامی دیگر از گروه‌های تروریستی حمایت نکند.»

اجازه بازرسی از کشتی‌هایمان را نخواهیم داد

سالار آبنوش از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «در صورت بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، اجازه بازرسی کشتی‌های خود را نخواهیم داد.» او تأکید کرد: «تدابیری اتخاذ می‌کنیم که صادرات و ارسال سلاح از ایران به کشورهای دیگر به مشکل نخورد.»

محسن پاک‌آیین از دیپلمات‌های بازنشسته جمهوری اسلامی نیز تهدید کرده است که «اگر کشتی‌هایمان را بازرسی کنند، کشتی‌هایشان را بازرسی خواهیم کرد.» احتمالاً ادامه این روند کشور را به بحران‌های تازه از جمله جنگ و همچنین اعتراضات اجتماعی نزدیک می‌کند. در حالی که مقامات جمهوری اسلامی از «تبلیغاتی بودن» مکانیسم ماشه سخن می‌گویند، آنچه برای مردم محسوس است افزایش بی‌وقفه قیمت‌ها، گرانی کالاهای اساسی و کوچک‌تر شدن سفره‌هاست. ادامه این روند نه تنها بحران اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند بلکه احتمال از سر گرفته شدن خیزش‌های اعتراضی را نیز افزایش می‌دهد.

شد، زیرا از یکسو غربی‌ها به دنبال اجرای تحریم‌ها علیه حکومت خواهند بود و از سوی دیگر جمهوری اسلامی به دنبال راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها. هرچند علی‌اکبر ولایتی ادعا کرده مکانیسم ماشه تبلیغاتی است، اما خود او آبان ۱۳۹۵ اعتراف کرده بود که اگر برجام نبود جنگ می‌شد.

با بی‌نتیجه ماندن آخرین تلاش‌ها برای متقاعد کردن جمهوری اسلامی به آغاز مذاکره مستقیم با آمریکا، احتمالاً اگر رویداد دیگری عناصر معادله را تغییر ندهد، تحریم‌های بین‌المللی از پنجم مهرماه به اجرا درخواهند آمد.

بازرسی از کشتی‌ها و هواپیماها

با فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» از پنجم مهرماه ۱۴۰۴ تحریم‌های شش گانه شورای امنیت که در سال ۲۰۱۵ ذیل برجام لغو شده بود مجدداً اعمال می‌شود. اجرای هر کدام از این تحریم‌ها پیامدهای خاص خود را دارد، اما بعضی از آنها می‌تواند زمینه درگیری و اقدام نظامی را نیز فراهم آورد. یکی از آنها قطعنامه ۱۹۲۹ است که در سال ۲۰۱۰ اعمال شد. این قطعنامه شامل ممنوعیت سرمایه‌گذاری ایران در فعالیت‌های حساس هسته‌ای و موشکی در خارج از کشور، ممنوعیت فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تسلیحات متعارف سنگین و محدودیت فعالیت‌های موشکی بالستیک خواهد بود.

بر اساس این قطعنامه، تعاملات بانکی جدید و روابط بانکی با مؤسسات پولی و مالی ایرانی که با فعالیت‌های ممنوعه هسته‌ای و موشکی مرتبط اند، ممنوع شد. همچنین ضرورت نظارت ویژه بر ارتباطات و معاملات مالی و بیمه‌ای مرتبط با ایران مورد تأکید قرار گرفت.

طبق قطعنامه ۱۹۲۹ مجوز بازرسی محموله‌ها، بازرسی کشتی‌های شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (IRISL) و کشتی‌های تابعه یا هواپیماها مشکوک به حمل کالاهای ممنوعه، حتی در دریا، و الزام به ضبط و برخورد با کالاهای ممنوعه به کشورهای عضو سازمان ملل داده خواهد شد که

● علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل ادعا می‌کند «مکانیسم ماشه» هیچ اثر عملی علیه جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت و صرفاً ابزاری تبلیغاتی است. ● مصطفی پوردهقان عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کند، «مکانیسم ماشه باعث افزایش قیمت‌ها خواهد شد.» او با انتقاد از سیاست‌های تنش‌زای جمهوری اسلامی گفت: «به جایی رسیدیم که بر سر دوراهی هسته‌ای و جنگ قرار گرفته‌ایم» و «مستولان بلامتکلیف‌اند.»

● عباس عراقچی در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویورک در دیدار با وزیر خارجه سوئیس با انتقاد از تصمیم سه قدرت اروپایی برای فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» هشدار داد که «اصرار بر سوء استفاده از ساز و کارهای شورای امنیت برای اعمال فشار علیه ایران را غیرقابل قبول و بحران‌زا دانست.»

● سالار آبنوش از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در صورت بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، اجازه بازرسی کشتی‌های خود را نخواهیم داد.» او تأکید کرد: «تدابیری اتخاذ می‌کنیم که صادرات و ارسال سلاح از ایران به کشورهای دیگر به مشکل نخورد.»

علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل ادعا می‌کند «مکانیسم ماشه» هیچ اثر عملی علیه جمهوری اسلامی نخواهد داشت و صرفاً ابزاری تبلیغاتی و حمله‌ای علیه نظام محسوب می‌شود. در مقابل اما کارشناسان در خود ایران مدام هشدار می‌دهند که بازگشت تحریم‌ها ضربه شدید به اقتصاد بحران‌زده ایران خواهد بود چنانکه اثر آن بلافاصله در افزایش قیمت دلار و مواد غذایی و کالاهای مصرفی کاملاً نمایان شد.

مصطفی پوردهقان عضو هیات رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کند، «مکانیسم ماشه باعث افزایش قیمت‌ها خواهد شد.» او با انتقاد از سیاست‌های تنش‌زای جمهوری اسلامی گفت: «به جایی رسیدیم که بر سر دوراهی هسته‌ای و جنگ قرار گرفته‌ایم» و «مستولان بلامتکلیف‌اند.»

اشاره این نماینده به درخواست بیش از ۷۰ عضو مجلس برای ساخت سلاح اتمی با هدف حفظ نظام در مقابل تهدیدات است.

عراقچی: ماشه بحران‌زاست

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویورک در دیدار با ایگنازیو کاسیس وزیر خارجه سوئیس با انتقاد از تصمیم سه قدرت اروپایی برای فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» هشدار داد که «اصرار بر سوء استفاده از ساز و کارهای شورای امنیت برای اعمال فشار علیه [رژیم] ایران را غیرقابل قبول و بحران‌زا دانست.»

در این میان، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اصرار دارد که مذاکره با آمریکا ضرر دارد و زیر بار برچیدن ظرفیت غنی‌سازی نمی‌رود. چند تحلیلگر از جمله شماری از اساتید دانشگاه تهران پیش‌بینی کرده بودند فعال شدن مکانیسم ماشه زمینه‌ساز اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی خواهد

خروج مدیر برکنار شده شرکت نفت از ایران؛ متهم به فساد مالی در آستانه بازداشت فرار کرد؟

فرزند وی دلیل حکم رد صلاحیت بوده است؟
«تجارت نیوز» تأکید کرده «هرچه باشد نیاز است که وزارت نفت شفاف‌سازی لازم را در این زمینه انجام دهد، چراکه اگر موضوع تخلف مالی باشد و نهادهای نظارتی نیز در جریان رسیدگی به حکم باشند، خروج وی از کشور می‌تواند نگرانی‌های جدی به وجود بیاورد.»

علی محمد معصومیان نزدیک به ۱۰ سال معاون مالی شرکت «نیکو» بود. شرکت «نیکو» شاخه بین المللی شرکت ملی نفت ایران و ایفا کننده نقش اصلی در فروش نفت ایران به شمار می‌رود که البته در شرایط تحریم، این شرکت با شبکه‌های غیررسمی فعال برای فروش نفت تحریم شده ایران نیز مرتبط بوده است.

«تجارت نیوز» در توضیح فعالیت‌های شرکت «نیکو» نوشته بازگانی نفت ایران یا همان شرکت نیکو در سال ۱۹۹۱ در شهر لوزان سوئیس تأسیس شد و به عنوان بازوی تجاری و بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران شناخته می‌شود. استقرار دفتر مرکزی این شرکت در سوئیس به دلیل موقعیت حقوقی و مالی این کشور و سهولت ارتباط با بازارهای جهانی بود، هرچند در ادامه دفاتر و شعبی در لندن و دوبی نیز ایجاد شد تا امکان فعالیت گسترده‌تر در معاملات نفتی و مالی فراهم شود.

وظایف اصلی نیکو شامل خرید و فروش نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی، مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز، سرمایه‌گذاری در طرح‌های انرژی و مدیریت قراردادهای خارجی است. این شرکت در دوران تحریم‌ها نقش پررنگ‌تری ایفا کرده و مسئولیت‌هایی چون دور زدن محدودیت‌ها، اجرای قراردادهای سوآپ نفت و گاز، تأمین مالی پروژه‌های کلان و ایجاد کانال‌های تجاری برای فروش محصولات ایران را بر عهده دارد. به این ترتیب، وظیفه فروش نفت ایران برعهده شرکت ملی نفت و شرکت نیکوست. برخی منابع اعلام کرده‌اند علی محمد معصومیان متهم به اختلاس چند ده میلیون دلاری است اما منابع رسمی هنوز در اینباره اظهار نظر نکرده‌اند.

در همین رابطه روزنامه «هفت صبح» امرداد امسال در گزارشی درباره انتقال علی محمد معصومیان از شرکت «نیکو» به امور مالی شرکت نفت نوشته بود او «فلک اصلاح‌طلبان» است و او را به برداشت ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلاری از منابع این شرکت متهم کرده بود.

در گزارش روزنامه «هفت صبح» آمده بود برخی منابع رسانه‌ای، معصومیان را به دلیل نقشش در مدیریت منابع مالی، «فلک اصلاح‌طلبان» توصیف کرده‌اند. بر همین اساس در تراکنش‌های سالانه شرکت ملی نفت، حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار منابع مالی از مسیر مدیریت او عبور می‌کند که تخمین زده می‌شود بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار آن در پایان سال دست‌نخورده باقی می‌ماند.

«هفت صبح» افزوده بود: منتقدان می‌گویند تغییر ساختار اخیر در وزارت نفت نه با هدف بهبود فرآیند فروش نفت، بلکه برای اطمینان از باقی ماندن منابع مالی در دست همان فردی صورت گرفته که سال‌ها در شرکت نیکو مسئول این مأموریت بوده است. به گفته این منتقدان، معصومیان «فلک» مطمئنی برای برخی جریان‌ها و افراد صاحب‌نفوذ به شمار می‌آید.



علی محمد معصومیان

منتظر تأیید نهادهای نظارتی نماند؟!
خبرگزاری «تابناک» به نقل از یک «منبع آگاه» نوشته علی محمد معصومیان «در یک سفر شخصی و با برنامه‌ریزی و هماهنگی قبلی، به صورت قانونی از کشور خارج شده است.» منبع آگاه به «تابناک» گفته «این مدیر نفتی سابق قصد سفر خود به خارج از کشور را دیدار با فرزند محصل‌اش در یکی از کشورهای اروپایی عنوان کرده» و «در صورتی که فرد مذکور در دوران مسئولیت خود تخلفی مرتکب شده باشد بدون شک نهادهای نظارتی و امنیتی برخوردهای لازم را با او دارند.»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران پیشتر در گزارشی از حضور «آقازاده معصومیان» در خارج کشور و پیگیری فعالیت‌های مالی مشکوک او با برخی افراد مستقر در آلمان و امارات خبر داده و مدعی شده بود این ارتباطات «حاوی نکات بحث برانگیزی است.»

بر اساس گزارش کیهان تهران، علی‌محمد معصومیان، «چهره‌ای نه چندان خوشنام» در صنعت نفت بوده و در شرکت «نیکو» تخلفات متعددی داشته که «نهادهای ذیربط در حال پیگیری آن هستند.»

کیهان تهران نوشته که معصومیان با «تحمیل وزیر» و نظر رئیس شرکت ملی نفت به عنوان مدیر مالی این شرکت مهم منصوب شده است. روزنامه «هفت صبح» هم نوشته «خروج ناگهانی علی محمد معصومیان، مدیر مالی شرکت ملی نفت، نشانه‌ای از بی‌توجهی وزیر نفت به هشدارهای امنیتی و عمق بحران در قلب صنعت نفت است. انتصاب افراد مسئله‌دار و بی‌اعتنایی به الزامات نظارتی، میلیاردها دلار سرمایه ملی و صدها میلیون بشکه نفت را به‌تکلیف گذاشته است.»

«تجارت نیوز» نیز در همین ارتباط نوشته است «چرا فردی که به تازگی به سمت مدیر مالی شرکت ملی نفت منصوب شده بود در کمتر از چهار ماه از این سمت به دلیل رد صلاحیت نهادهای نظارتی برکنار شد؟ آیا وی تخلفی مرتکب شده است که صلاحیت وی رد شده یا تابعیت آلمانی

● رئیس ارتباطات و اطلاع‌رسانی وزارت نفت گفته «ممکن است ایشان با پاسپورت قانونی خودش از کشور خارج شده باشند و در اینباره اطلاع دقیقی در دسترس نیست.»

● وبسایت «رویداد ۲۴» نوشته گزارش‌ها حاکی از آن است که معصومیان در آستانه بازداشت قرار داشته و پس از برکناری، ایران را بی‌سر و صدا ترک کرده است.

مدیر مالی سابق شرکت ملی نفت ایران چند روز پس از برکناری از سمت خود از ایران به مقصد سوئیس خارج شده است. در شرایطی که برخی منابع او را متهم به اختلاس کلان مالی معرفی کرده‌اند، خروج او با عنوان فرار از کشور مطرح شده است.

علی محمد معصومیان مدیر امور مالی و معاون پیشین بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران، پس از برکناری به دلیل رد صلاحیت نهادهای نظارتی، ایران را به مقصد سوئیس ترک کرد. برخی منابع گزارش دادند خروج علی محمد معصومیان از ایران در آستانه بازداشت به اتهام فساد مالی و اختلاس صورت گرفته و در عمل او فرار کرده است.

وبسایت «تجارت نیوز» گزارش داده علی محمد معصومیان مدیر مالی سابق شرکت ملی نفت ایران از کشور خارج شده است. با توجه به اینکه او تنها دو هفته پیش از سمت خود برکنار شده بود، خروج وی از کشور حاشیه‌ساز شده است. وبسایت «رویداد ۲۴» هم نوشته گزارش‌ها حاکی از آن است که معصومیان در آستانه بازداشت قرار داشته و پس از برکناری، ایران را بی‌سر و صدا ترک کرده است.

«رویداد ۲۴» افزوده «جعفر پورفرجودی رئیس ارتباطات و اطلاع‌رسانی وزارت نفت در پاسخ به رویداد ۲۴ متواری شدن معصومیان را تکذیب کرده است.»

رئیس ارتباطات و اطلاع‌رسانی وزارت نفت گفته «ممکن است ایشان با پاسپورت قانونی خودش از کشور خارج شده باشند و در اینباره اطلاع دقیقی در دسترس نیست.»

این گزارش افزوده خروج معصومیان از کشور بلافاصله پس از کنار گذاشته شدن از مسئولیت مهم معاونت بین‌المللی شرکت ملی نفت، نگرانی‌های جدی درباره فساد مدیران نفتی ایجاد کرده و زنگ خطر را برای نهادهای نظارتی به صدا درآورده است. منابع مطلع می‌گویند دستگاه‌های نظارتی بطور جدی پیگیر پرونده و مسائل مرتبط با او هستند.

انتصاب علی محمد معصومیان به عنوان مدیر امور مالی شرکت نفت، در حالی که او پیشتر هم سمت‌هایی در حوزه مدیریت نفتی در ایران داشته، با حاشیه‌هایی روبرو بود.

حمید بورد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران چهار ماه پیش و در ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ طی حکمی علی محمد معصومیان را به عنوان مدیر امور مالی شرکت ملی نفت ایران، منصوب کرد.

خبرگزاری «تابناک» نوشته از ابتدای این انتصاب حرف و حدیث‌های زیادی پیرامون تخلفات وی و دارا بودن تابعیت مضاعف به گوش می‌رسید. یکی از انتقادات مطرح شده درباره حکم وی، مربوط به اقدام مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران است مبنی بر اینکه چرا بورد بجای حکم سرپرستی برای معصومیان که عرف قانونی است، مستقیماً وی را به عنوان مدیر امور مالی این مجموعه منصوب کرد و

کابوس خامنه‌ای به حقیقت نزدیک می‌شود: همکاری ایرانیان و اسرائیلی‌ها



تظاهرات همبستگی ایرانیان و اسرائیلی‌ها در اروپا

● چشم‌انداز دو ملت که روزگاری به دشمنی از هم جدا نگه داشته شدند و اکنون در کنار هم، همچون شرکای واقعی ایستاده‌اند، نه رؤیایی خام، بلکه مسیری عملی و ممکن برای آینده است؛ مسیری که می‌تواند خاورمیانه را دگرگون کند. روزی که ایران آزاد شود و دیوارهای بی‌اعتمادی فرو بریزد، می‌توانیم فراتر از فقط بازگشایی سفارتخانه‌ها گام برداریم. ایران و اسرائیل می‌توانند در کنار یکدیگر، منطقه و حتی فراتر از آن را دگرگون سازند.

● با هم می‌توانیم اقتصادهایمان را شکوفا کنیم، کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهیم و امنیت و جایگاه کشورهایمان را در عرصه جهانی استحکام بخشیم. اما این آینده تنها در ایران آزاد تحقق خواهد یافت. مبارزه برای آزادی باید به دست مردم ایران آغاز و به پیروزی برسد، اما حمایت پایدار متحدی خردمند و توانمند همچون اسرائیل، رشته حیاتی این مسیر خواهد بود.

● با هم می‌توانیم فصل ننگین ۴۷ ساله دشمنی را - که پرانرژی تاریک در تاریخ ایران است، ببندیم و فصلی تازه از دوستی، همکاری و شکوفایی مشترک بگشاییم.

نوید محبی (اورشلیم پست) - «چشم‌انداز منطقه‌ای بدون جمهوری اسلامی، رؤیایی است که ما و مردم ایران در آن شریکیم، و امروز این رویا بیش از هر زمان دیگری به واقعیت نزدیک شده است.» این را گیلا گاملیل وزیر علوم و فناوری اسرائیل پس از دیدار با هیأتی از اپوزیسیون ایرانی در کنفرانس «فراتر از افق ۲۰۲۵» در اورشلیم بیان کرد. او از پیشبرد «پیمان کوروش» سخن گفت؛ توافقی در امتداد پیمان ابراهیم که می‌تواند پس از فروپاشی رژیم تهران، سرآغاز عصری تازه از شکوفایی و رفاه در خاورمیانه باشد.

این دیدار صرفاً نمادین نبود. برای نخستین بار، نمایندگان اپوزیسیون ایران به نمایندگی از شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل سفر کردند تا زمینه‌های همکاری عملی در حوزه‌های علم، فناوری و مدیریت آب را بررسی کنند. این سفر پس از هم‌صدایی بی‌سابقه‌ای انجام شد که تنها چند هفته پیش، از سوی اسرائیلی‌ها در طیفی گسترده از نیروهای سیاسی، از نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو و وزرای ارشد گرفته تا دیپلمات‌ها و حتی نخست‌وزیر پیشین نفتالی بنت، در اعلام همبستگی با مردم ایران ابراز شده بود. امروز این سخنان دوستانه به عمل بدل می‌شوند و پیوندی را تعمیق می‌بخشند که علی‌خامنه‌ای را به وحشت انداخته است؛ زیرا آینده‌ای را نمایان می‌سازد که در آن ایرانیان و اسرائیلی‌ها نه دشمن، که متحدانی در کنار هم خواهند بود.

چشم‌انداز دو ملت که روزگاری به دشمنی از هم جدا نگه داشته شدند و اکنون در کنار هم، همچون شرکای واقعی ایستاده‌اند، نه رؤیایی خام، بلکه مسیری عملی و ممکن برای آینده است؛ مسیری که می‌تواند خاورمیانه را دگرگون کند. روزی که ایران آزاد شود و دیوارهای بی‌اعتمادی فرو بریزد، می‌توانیم فراتر از فقط بازگشایی سفارتخانه‌ها گام برداریم. ایران و اسرائیل می‌توانند در کنار یکدیگر، منطقه و حتی فراتر از آن را دگرگون سازند.

احترام من به اسرائیل تنها بر پایه تاریخ مشترکی که به روزگار کوروش بزرگ بازمی‌گردد نیست، بلکه حاصل تحسین عمیق نسبت به رهبران دوراندیشی است که کشوری کوچک و همواره در محاصره تهدیدها را به قدرتی پیشرو در فناوری، کشاورزی نوین و مدیریت آب بدل کردند.

ملت ما باید به دنبال اتحاد استراتژیک واقعی باشند؛ اتحادی مشابه شراکت پایدار ایالات متحده و اسرائیل که در روزهای رونق و در لحظات دشواری، دوشادوش هم بایستند. ده‌ها هزار یهودی ایرانی که در اسرائیل، اروپا و دیگر نقاط جهان زندگی می‌کنند، می‌توانند به عنوان سفیران فرهنگی این پیوند عمل کنند.

با هم می‌توانیم اقتصادهایمان را شکوفا کنیم، کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهیم و امنیت و جایگاه کشورهایمان را در عرصه جهانی استحکام بخشیم. اما این آینده تنها در ایران آزاد تحقق خواهد یافت. مبارزه برای آزادی باید به دست مردم ایران آغاز و به پیروزی برسد، اما حمایت پایدار متحدی خردمند و توانمند همچون اسرائیل، رشته حیاتی این مسیر خواهد بود. حقیقت روشن است: زمانی که مردم ایران و دولت اسرائیل در کنار هم قرار گیرند، سقوط جمهوری اسلامی گریزناپذیر خواهد بود.

اسرائیل می‌تواند مطمئن باشد که در فردای پس از فروپاشی رژیم، رهبری دوران گذار در دستان چهره‌ای چون شاهزاده رضا پهلوی خواهد بود؛ شخصیتی که دوستی او و خانواده‌اش با ملت یهود و دولت اسرائیل سابقه‌ای چند دهه‌ای داشته و اعتماد کامل جامعه یهودیان ایرانی را با خود دارد.

به همین دلیل باور دارم این روای دوستی دست‌یافتنی است. با هم می‌توانیم فصل ننگین ۴۷ ساله دشمنی را - که پرانرژی تاریک در تاریخ ایران است، ببندیم و فصلی تازه از دوستی، همکاری و شکوفایی مشترک بگشاییم.

این همان چشم‌اندازی است که در ایده «پیمان کوروش» متجلی می‌شود: آینده‌ای که در آن ایرانیان و اسرائیلی‌ها نه به عنوان دشمن، بلکه به مثابه شریک، در کنار یکدیگر ایستاده و دو ملت دست در دست هم خاورمیانه‌ای آرام‌تر و شکوفاتر را رقم می‌زنند.

*نوید محبی تحلیلگر مسائل ایران و کارشناس حوزه روابط بین‌الملل در واشنگتن‌دی‌سی است.

اسرائیل با وجود منابع طبیعی محدود، امروز به تولید ناخالص داخلی سرانه‌ای نزدیک به ۵۵ هزار دلار رسیده است. این رقم شاید برای ایرانیان بلندپروازانه به نظر برسد، اما به راحتی دست‌یافتنی است.

ظرفیت همکاری میان دو ملت ایران و اسرائیل کم‌نظیر است. ایران ذخایر عظیم و بکر نفت و گاز، معادن کمپاب، جمعیتی جوان و تحصیلکرده با شهرت جهانی در ریاضیات و مهندسی، و جامعه‌ای هشت‌میلیونی در سراسر جهان دارد که در رأس شرکت‌ها و مراکز علمی بزرگ قرار گرفته‌اند. اگر این سرمایه‌ها را با برتری فناوریانه اسرائیل پیوند دهیم، می‌توانیم شبکه‌های اقتصادی از خلیج فارس تا مدیترانه بسازیم، در حوزه آب و کشاورزی تحولی بنیادین ایجاد کنیم، آینده انرژی منطقه را بازآفرینی کنیم و از رقابت در نوآوری به شراکت در رهبری برسیم. همکاری می‌تواند به شکوه متقابل و تضمین‌شده بیانجامد.

تصور کنید پروازهای مستقیم میان تهران و تل‌آویو برقرار باشد؛ دانشمندان، کارآفرینان و گردشگران آزادانه میان دو کشور رفت و آمد کنند؛ پروژه‌های مشترک در سواحل خلیج فارس و مدیترانه به ثمر بنشینند؛ و نیروهای ایرانی و اسرائیلی دوشادوش یکدیگر در رزمایش‌های امدادی و عملیات بشردوستانه حضور یابند. در همان روز، گردشگران اسرائیلی می‌توانند در میدان نقش جهان اصفهان قدم بزنند، در بازار تاریخی تبریز جای بنوشند، بر فراز تخت جمشید در شیراز بایستند. ایرانیان نیز می‌توانند در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر کهن اورشلیم پرسه بزنند، از موزه‌ها و کافه‌های ساحلی تل‌آویو لذت ببرند و از باغ‌های بهائی حیفا دیدن کنند. این رفت و آمدها نه تنها گردشگری را رونق می‌دهد، بلکه رشته‌های ناگسستگی دوستی و تفاهم را میان دو ملت می‌بافد؛ پیوندی که هیچ سیاستمداری توان گسستن آن را ندارد.

ایران و اسرائیل نباید به عادی‌سازی صرف روابط بسنده کنند. همانگونه که شاهزاده رضا پهلوی در «دفترچه مرحله اضطراری» برای دوران پس از تغییر رژیم ترسیم کرده، دو

مفاهیم بنیادین مشروطیت و قانونگرایی

نخستین جوانه‌های قانون‌نویسی در ادبیات فارسی پدید آمدند.

گذشته از رسائل روشنفکرانی چون ملک‌خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله، رجال سیاسی نظیر میرزا تقی خان امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار نیز از داخل دربار قاجاریه، دست به اقداماتی زدند که پایه‌های اولیه قانونگرایی و آزادیخواهی را در سیر تاریخی سیاست اجرایی و شیوه‌های کشورداری ایران قرن نوزدهم بنیان گذاشتند. به استناد نوشته‌ها و رسائلی که از آن دوران و دوره پیش از آن در مسائل سیاسی برجای مانده است، تا برخورد ایرانیان با دنیای مدرن، کشورداری در رهیافت‌های ارشادنامه‌ای و برگرفته از باورهای اعتقادی و به شکلی غیرروشمند و بر اساس احکام ناسخ و منسوخ بوده و قانونگذاری و توجیه به حقوق اساسی و دیگر قوانین موضوعه نمی‌شده است.

در سیر اندیشه نوگرایی و تجد، نخبگان ایرانی به ایجاد نهادهای نوین سیاسی مبادرت کردند و طرح‌هایی را برای تدوین قوانین به شاهان وقت و دیگر دست‌اندرکاران کشوری عرضه نمودند؛ آنان به درستی دریافته بودند که قانون حافظ امنیت اجتماعی، تأمین‌کننده رفاه مردم و محقق‌کننده آزادی‌های سیاسی و موجب بقای کشور و عامل دوام ملت است. با این زمینه‌ها قانون‌هایی تدوین می‌شد، اما در برابر رأی فردی پادشاه به مرحله اجرا درمی‌آمد و بعضی وقت‌ها نتیجه‌ای معکوس در استحکام شیوه ایلی و فردی پادشاهان به بارمی‌آورد. با این حال به دنبال گسترش مبادلات تجاری و ارتباطات سیاسی ایران با کشورهای دیگر، مفاهیم سیاسی نظیر: شورای دولتی- مجلس مصلحت‌خانه و... آرام‌آرام اذهان نوجو را به خود مشغول نمود و ضرورت نهادینه کردن آنها در سیاست اجرایی کشور بیش از پیش احساس شد. در این راستا تا پیش از استقرار مشروطیت، سه قانون اساسی برای صحنه همایونی و اجرایی کردن آنها تدوین شد که اولین طرح از آنها در سال ۱۲۸۹ قمری تهیه شده و متن آن پیش از این به صورت مستقل چاپ نشده است؛ فریدون آدمیت در کتاب «اندیشه ترقی و حکومت قانون- عصر سپهسالار» از آن سخن گفته و به تحلیل برخی از مواد آن پرداخته است. تفکیک حوزه عرفیات از شریعت، رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی، مقید و مشروط کردن قدرت حکومتی، تأمین امنیت جان و مال و عرض و ناموس قاطبه اهالی ایران از هرگونه تعدیات و تجاوزات و... از مواردی هستند که حکایت از روشن‌بینی نویسنده این نخستین طرح رسمی قانون اساسی دارند.

به دنبال نگارش این طرح، متن‌های دیگری هم نوشته شدند که فقط در حد ایجاد چندین وزارتخانه اسمی مؤثر بودند و راه را برای مشروطه‌خواهان و قانونگرایی کشوری هموار نمودند. همانطور که اشاره شد، این اولین طرح رسمی قانون اساسی برای انتظام دولت و رعایت حقوق مردم ایران است که توسط متجددان و نخبگان ترقیخواه عصر قاجاریه تهیه و به ناصرالدین شاه عرضه شده است؛ این سند ثابت می‌کند که پیش از تدوین اولین قانون اساسی مجری و مصوب در نخستین مجلس شورای ملی به سال ۱۳۲۵ قمری که از نتایج اصلی و اساسی جنبش مشروطیت و آزادیخواهی ایرانیان بوده، برخی از نخبگان و منورالفرکان ایران که از تحولات دنیای جدید آگاهی‌هایی به دست آورده بودند، فعالیت خود را برای انتظام دولتی و ایجاد تغییرات بنیادین در کشور آغاز کرده بودند.

اقتصادی- فرهنگی و سیاسی است. بر این اساس، مسایلی چون: امنیت ملی- حقوق شهروندی- توسعه پایدار اقتصادی- روابط بین‌المللی و دیپلماسی- حفظ چارچوب پذیرفته شده حقوقی و سرزمینی کشور، با تحقق قانونگذاری و تضمین اجرای آن (مشروطیت)، قابل شناسایی است. درواقع حکومت مشروطه، پدیده‌ای جدید است که در واکنش به اقتدار مطلقه سیاسی پیشینیان و گسترش طبقه بورژوازی در قرن هیجدهم و برای محدود کردن قدرت سیاسی شاهان و حاکمان به وجود آمد؛ «واژه دولت مشروطه (Constitutionalism) از فعل to constitute (تشکیل دادن و بنیان گذاشتن) می‌آید که از ریشه لاتینی Constituere (برپا داشتن، ایجاد و تأسیس کردن) گرفته شده است. از نظر لغوی، یعنی آنچه بر پا داشته می‌شود، تشکیل و تأسیس می‌شود و در نتیجه می‌توان به محتوای آنچه تشکیل و تأسیس شده است، به عنوان اساس و مبنای Constitution اشاره کرد.»

اساس فلسفی دولت مشروطه، نظریه حقوق طبیعی است که در قرن هجدهم از طرف جان لاک در واکنش به اندیشه‌های نیکولو ماکیاولی و توماس هابز که در خدمت حکومت مطلقه بودند، عرضه شد. در حقوق طبیعی این امر مسلم گرفته می‌شود که هر انسانی ذاتاً آزاد آفریده شده و هیچ مرجعی حق ندارد که این آزادی را از بین برد یا اینکه به آن دست‌اندازی کند؛ این مسئله اساسی است که دولت را نماینده ملت و تبلور اقتدار جمعی گردانیده و زیرمجموعه‌های آزادی در تمامی عرصه‌ها، برابری و وجود قانونی برای استقرار نظم در جامعه انسانی را به وجود می‌آورد.

در ایران گفتمان مشروطیت و مشروطه‌خواهی در متن‌های برخی از سیاحان و مأموران ایرانی که کشورهای فرنگ را حضور داشتند، دیده‌ها و شنیده‌های خود را از نظام‌های مبتنی بر قانون اساسی در سفرنامه‌های خود ثبت کردند. در همان زمان، نخستین مدرن‌گرایان ایرانی به تدوین و تأمل در مفاهیم نوین سیاسی و مدنی پرداختند؛ آنان از مفاهیم نظامنامه (قانون اساسی)، مجلس (پارلمنت)، دولت منتظم، نظامداری قضاوت و دولت مشروطه نوشتند و بنیان‌های فکری- فرهنگی مدرن‌اندیشی را در فرهنگ و ادبیات ایران، پایه‌ریزی کردند.

مشروطه‌خواهان ایرانی به تناسب واقعیات زمانه، سعی در مقید و مشروط کردن حکومت و حاکمان به قانون داشتند؛ ظهور مدرن‌اندیشی و گفتمان مدرنیته در ایران از سویی در بستری از هم‌آوردی حکومت متمرکز قبیله‌ای قاجاریه، ورود دیپلماسی جهان مدرن، و از سوی دیگر با آگاهی و شناخت نهادهای اجرایی نوین به وقوع پیوست. تأملی در زیرساخت‌های فکری و فرهنگی مدرن‌اندیشی بود که آگاهی از انتظام کشوری و حکومت منتظم به همراه ایجاد لشکر دائمی و منضبط، از اولین دستاوردهای برخورد فرهنگ و سیاست ایرانزمین با دنیای مدرن در قرن هیجدهم و نوزدهم به شمار می‌روند؛ به دنبال درک و دریافت الزامات و لوازم مدرنیته سیاسی در میان برخی از نخبگان فرهنگی و رجال درباری عصر قاجار و ناکارآمدی حاکمیت قبیله‌ای برای برقراری نظم اجتماعی و رعایت حقوق سیاسی مردم، تدوین قوانین اداره کشوری و لشکری مورد توجه قرار گرفت و در دوران منتهی به استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس و تدوین قانون اساسی ایران در سال ۱۳۲۵ خورشیدی،

علی اصغر حقدار- مشروطیت به مثابه نظام سیاسی مبتنی به قانون و مقید و مشروط به حقوق در ضابطه‌مندی قانونی، در تاریخ دیرینه‌اش به «منشور کبری» یا «ماگناکارتا» در بریتانیای قرن سیزدهم میلادی می‌رسد؛ گذشته‌ای که طغیانی علیه استبداد و مطلقیت پادشاهی بود و پایه‌های اولیه نظام (پادشاهی) مشروط و مقید به قانون را گذاشت. روز ۱۵ ژوئن سال ۱۲۱۵ میلادی جان پادشاه انگلستان مجبور شد در برابر فشار اشراف این کشور تسلیم شود و «ماگنا کارتا» را امضا کند. این سند یا منشور که به اجبار اشراف که علیه قدرت بی‌حد و مرز پادشاه برخاسته بودند، به امضای پادشاه رسید، در زمان صدور، متضمن حقوق مشخص برای افراد تحت حاکمیت پادشاه بود. این منشور پادشاه را وادار می‌کرد به تشکیلات قانونی احترام بگذارد و برتری قانون بر اراده شخصی خود را بپذیرد.

«ماگنا کارتا» که به زبان لاتین به معنای سند یا منشور بزرگ آزادی است، پیمان صلحی بود که بیشترین تأثیر آن قرن‌ها پس از نوشتن آن پدیدار شد. این منشور زیربنای نظام مشروطه سلطنتی در بریتانیا گشت. در «ماگنا کارتا» آمده است که «هیچکس بالاتر از قانون نیست، حتی شاه». بندهایی از این منشور هم به «محاکمه در دادگاه عادلانه» و «محدودیت‌هایی برای پرداخت مالیاتی» اشاره داشته و اغلب ۶۷ بند این سند نیز به رسیدگی به نارضایتی‌های ناشی از فرمان‌های پادشاه اختصاص دارد. چرا که جان نیز مانند پیشینیان خود با تکیه بر اصول «قدرت و اراده» حکمرانی می‌کرد و تصمیمات اجرایی و بعضاً خودسرانه‌ای اتخاذ می‌نمود با این توجیه که قدرت پادشاه از قانون بالاتر است. در عین حال در بین این بندها به برخی از ارزش‌های بنیادینی اشاره می‌شود که هم استبداد پادشاه را به چالش می‌کشد و هم امکان تطابق یافتن در قرن‌های بعد را دارد. مهم‌ترین آنها بند ۳۹ است که به همه «مردمان آزاد» حق برخورداری از عدالت و دادرسی در دادگاهی منصفانه را می‌دهد. این بند در قانون حقوق ایالات متحده مصوب ۱۷۹۱، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، کنوانسیون حقوق بشر اروپا مصوب ۱۹۵۰ و در بسیاری از قوانین اساسی کشورهای مختلف بازتاب یافته است.

در سیر تاریخی مشروطه‌خواهی، نظام‌های امپراتوری موجد و موجب تدوین قانون اساسی و قوانین مدون جزایی و مدنی شدند؛ مشروطیت (دولت قانون‌محور و مبتنی به حقوق، چه در شکل سلطنتی و چه در جمهوری و با هر ایدئولوژی و مکتب سیاسی- فکری)، به واسطه ضمانت‌های اجرایی- نظارت بر اجرا و کنترل اقتدار با قوانین مصوبه- مشارکت شهروندان در رفتار و کنش‌های اجرایی و پاسخگویی قدرت دولتی، ممکن و میسر و واقعی است؛ با این مؤلفه‌ها، مستبدان (در انواع و اشکال مختلف آنها) مخالفان اصلی مشروطیت به شمار می‌روند.

همچنین بدون شاخصه‌هایی که شمردم، سرنوشت مشروطیت همانی خواهد شد که در دوران سلطنت پهلوی پیش آمد. در دولت‌های جمهوری و یا سلطنتی و هرگونه‌ای از حاکمیت و اقتداری که قانون زیرپا گذاشته شود و یا نادیده گرفته شود و یا اینکه با اعمال قراقانونی، مسئله ضمانت‌ها و نظارت‌ها و کنترل قوه حکومتی از موضوعیت خارج شود، مشروطیت معنایی نداشته و مشکل و مسئله اصلی، قانونگرایی و حقوق‌مداری حکومت- شهروندان و رعایت حقوق انسانی در عرصه‌های اجتماعی- اخلاقی-

پیامد جنگ ۱۲ روزه؛ لغو رژه روز «۳۱ شهریور» در همدان و کردستان



رژه نیروهای مسلح در همدان، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱

هشدار احمدرضا رادان درباره «ارائه گزارش‌های غلط» به نیروی انتظامی، فعالیت اسرائیل و ریزپرنده‌ها

● احمدرضا رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ طی سخنانی در جمع پرسنل نیروی انتظامی در شهر ساری گفت: «اسرائیل به دنبال این بود از جنگ به اغتشاش و از اغتشاش به براندازی برسد که این یک اشتباه بود و فکر می‌کرد وقتی جنگ آغاز شود، مردم شورش می‌کنند و هیچکسی نمی‌تواند آنها را کنترل کند.»

● رادان در بین صحبت‌هایش تلویحاً اشاره کرد که برخی از گزارش‌های مردمی هم درست نبوده است. او در اینباره گفت: «گزارشات باید دارای صحت و دقت کافی باشد چرا که اگر این گزارشات درست نباشد، پس از مدتی باعث بی‌اعتنایی و از درجه اعتبار ساقط می‌شود فلذا اگر موضوعات و مسائل اجتماعی حل نشود، تبدیل به بحران و بحران نیز دیگر قابل حل نیست و فقط می‌توان آن را مدیریت و کنترل کرد.»

● یکی از نکاتی که رادان درباره آن صحبت کرد، سرازیر شدن مسافران در روزهای اضطراری به سوی استان مازندران بود. او گفت: «با توجه به پراکندگی استان و وجود ویلاها و اقامتگاه‌ها باید بیشتر مراقبت کنیم.»

احمدرضا رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ طی سخنانی در جمع پرسنل نیروی انتظامی در شهر ساری گفت: «اسرائیل به دنبال این بود از جنگ به اغتشاش و از اغتشاش به براندازی برسد که این یک اشتباه بود و فکر می‌کرد وقتی جنگ آغاز شود، مردم شورش می‌کنند و هیچکسی نمی‌تواند آنها را کنترل کند.»

رادان مدعی شد تماس‌های مردمی باعث شد در روز سوم و چهارم جنگ ۱۲ روزه فعالیت ریزپرنده‌ها و جاسوس‌ها افت کند.

او در بخشی از سخنرانی خود هشدار داد: «ممکن است عوامل گوناگونی موجب اغتشاش در یک جامعه شود که این عوامل، چالش‌ها و تهدیدات هر استان متفاوت است... مسائلی که مردم با آن درگیر هستند باید شناسایی، کشف و از دستگاه و نهاد مربوطه مطالبه‌گری شود تا حل شود.»

که امسال به دلیل تهدیداتی که ایجاد شد، مقرر گردید از تجمعات گسترده پرهیز و آمادگی‌ها برای دفاع از کشور معطوف شود.»

او افزود: «امسال به دلیل تهدیداتی که ایجاد شد، مقرر گردید از تجمعات گسترده پرهیز و آمادگی‌ها برای دفاع از کشور معطوف شود.»

همچنین سردار پاسدار جمشید رضایی فرمانده سپاه «بیت‌المقدس» استان کردستان گفت، «امسال رژه نیروهای مسلح در استان برگزار نمی‌شود.» او اشاره‌ای به دلیل لغو این مراسم نکرد. پیشتر رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی استان کردستان خبر از اعمال محدودیت‌های ترافیکی رژه نیروهای مسلح در سنجند داده بود.

همدان یکی از نظامی‌ترین استان‌های ایران است. در جریان جنگ ۱۲ روزه چندین سایت راداری، پدافندی، پایگاه شکاری نیروی هوایی ارتش و چندین مرکز نظامی و موشکی و وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج هدف حمله اسرائیل قرار گرفت.

یکی از اصلی‌ترین سایت‌های راداری ایران «سوپاشی» در کبودآهنگ همدان ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ هدف حمله قرار گرفت و نابود شد. منهدم شدن سایت‌های راداری و پدافندی جمهوری اسلامی سبب شد اسرائیل در روز سوم جنگ بطور کامل آسمان ایران را تحت کنترل بگیرد.

لغو مراسم رژه سراسری در استان‌ها درواقع تأیید ادامه وضعیت اضطراری جمهوری اسلامی است. طی روزهای اخیر چند تحلیلگر سیاسی و نظامی حکومت در شبکه‌های اجتماعی توصیه کرده بودند که مراسم رژه لغو شود زیرا تهدیدات اسرائیل علیه مقامات و فرماندهان جدی است.

● رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که سالانه ۳۱ شهریورماه به مناسبت آغاز دفاع در مقابل حمله عراق به ایران برگزار می‌شد، در استان‌های همدان و کردستان بنا به دلایل امنیتی لغو شد.

● فرمانده سپاه استان همدان با اعلام خبر لغو رژه نیروهای مسلح در این استان گفت: «در اولین روز هفته دفاع مقدس هر سال توفیقات داشتیم رژه نیروهای مسلح را برگزار کنیم که امسال به دلیل تهدیداتی که ایجاد شد، مقرر گردید از تجمعات گسترده پرهیز و آمادگی‌ها برای دفاع از کشور معطوف شود.»

● او افزود: «امسال به دلیل تهدیداتی که ایجاد شد، مقرر گردید از تجمعات گسترده پرهیز و آمادگی‌ها برای دفاع از کشور معطوف شود.»

● همدان یکی از نظامی‌ترین استان‌های ایران است. در جریان جنگ ۱۲ روزه چندین سایت راداری، پدافندی، پایگاه شکاری نیروی هوایی ارتش و چندین مرکز نظامی و موشکی و وابسته به سپاه پاسداران و بسیج هدف حمله اسرائیل قرار گرفت.

● همچنین سردار پاسدار جمشید رضایی فرمانده سپاه «بیت‌المقدس» استان کردستان گفت، «امسال رژه نیروهای مسلح در استان برگزار نمی‌شود.»

رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که سالانه ۳۱ شهریورماه به مناسبت آغاز دفاع در مقابل حمله عراق به ایران برگزار می‌شد در استان‌های همدان و کردستان بنا به دلایل امنیتی لغو شد.

فرمانده سپاه استان همدان با اعلام خبر لغو رژه نیروهای مسلح در این استان گفت: «در اولین روز هفته دفاع مقدس هر سال توفیقات داشتیم رژه نیروهای مسلح را برگزار کنیم

گزارش‌های غیررسمی از شنیده شدن صدای انفجارهای خفیف و تیراندازی‌های شبانه در چند شهر



برخاستن ستون دود از غرب تهران حوالی استادیوم «آزادی»

در مشهد ساکنین مناطق اطراف فرودگاه چند صدای انفجار شنیدند. روابط عمومی فرودگاه‌های خراسان «رضوی» اعلام کرد این صداها مربوط به «عملیات تخلیه گاز» است و «به دلیل رفع ایراد فنی در خط انتقال گاز اطراف فرودگاه بین‌المللی مشهد، از عصر دوشنبه ۳۱ شهریورماه عملیات فنی و تخلیه گاز در بخشی از خطوط در حال انجام است و هیچ جای نگرانی برای مردم و مسافران وجود ندارد.»

مردم در تبریز و کرج نیز گزارش‌هایی از فعال شدن پدافند دادند و در این ارتباط ویدیوهایی نیز در «ایکس» منتشر شده اما تأیید یا رد آنها بطور مستقل ممکن نیست. شهروندان نمی‌دانند علت این صداهای غیرعادی چیست و مسئولان هم پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌دهند اما این وضعیت نگرانی‌ها از آینده را بین مردم بیشتر می‌کند، به ویژه آنکه موضوع حمله نظامی مجدد در سطوح مختلف مطرح است و به نظر می‌رسد که حکومت نیز کنترل چندانی روی اوضاع ندارد.

بعد از جنگ ۱۲ روزه زنجیره‌ای از آتش‌سوزی‌ها و انفجارها در شهرهای مختلف کشور آغاز شد. مسئولان مربوطه در اغلب موارد علت را «نشت گاز»، «ترکیدگی لوله‌گاز»، «اتصال برق»، «سوزاندن علف‌های خشک» و «تست پدافند» و دلایلی از این قبیل اعلام کرده‌اند و بعضی از این موارد را مستقیم و غیرمستقیم به انفجارهای عمدی ناشی از خرابکاری نسبت داده‌اند. اما برخی منابع غیررسمی می‌گویند حکومت در بعضی از استان‌ها از جمله سمنان اقدام به آزمایش‌های نظامی کرده است.

وضعیت در ایران پس از جنگ ۱۲ روزه همچنان غیرعادی است. تا جایی که برای نخستین بار رژه سالانه نیروهای مسلح در روز «۳۱ شهریور» به علت تهدیدات امنیتی لغو شد.

● منابع غیررسمی گزارش دادند در تهران، مشهد، کرج، تبریز و چند شهر دیگر بامداد دوشنبه شب ۳۱ شهریورماه و بامداد سه‌شنبه اول مهرماه ۱۴۰۴ صدای انفجارهای خفیف، تیراندازی و شلیک توپ‌های ضدهوایی شنیده شده است.

● در تهران اهالی غرب پایتخت دیروقت در شامگاه دوشنبه صدای انفجار شنیدند و پس از آن حوالی استادیوم «آزادی» ستونی از دود غلیظ مشاهده کردند.

● در مشهد ساکنین مناطق اطراف فرودگاه چند صدای انفجار شنیدند. روابط عمومی فرودگاه خراسان «رضوی» اعلام کرد این صداها مربوط به «عملیات تخلیه گاز» است و «به دلیل رفع ایراد فنی در خط انتقال گاز اطراف فرودگاه بین‌المللی مشهد، از عصر دوشنبه ۳۱ شهریورماه عملیات فنی و تخلیه گاز در بخشی از خطوط در حال انجام است و هیچ جای نگرانی برای مردم و مسافران وجود ندارد.»

● شهروندان نمی‌دانند علت این صداهای غیرعادی چیست و مسئولان هم پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌دهند اما این وضعیت نگرانی‌ها از آینده را بین مردم بیشتر می‌کند، به ویژه آنکه موضوع حمله نظامی مجدد در سطوح مختلف مطرح است و به نظر می‌رسد که حکومت نیز کنترل چندانی روی اوضاع ندارد.

منابع غیررسمی گزارش دادند در تهران، مشهد، کرج، تبریز و چند شهر دیگر بامداد دوشنبه شب ۳۱ شهریورماه و بامداد سه‌شنبه اول مهرماه ۱۴۰۴ صدای انفجارهای خفیف، تیراندازی و شلیک توپ‌های ضدهوایی شنیده شده است. در تهران اهالی غرب پایتخت دیروقت در شامگاه دوشنبه صدای انفجار شنیدند و پس از آن حوالی استادیوم «آزادی» ستونی از دود غلیظ مشاهده شد.

➔ رادان در بین صحبت‌هایش تلویحاً اشاره کرد که برخی از گزارش‌های مردمی هم درست نبوده است. او در اینباره گفت: «گزارشات باید دارای صحت و دقت کافی باشد چرا که اگر این گزارشات درست نباشد، پس از مدتی باعث بی‌اعتنایی و از درجه اعتبار ساقط می‌شود فلذا اگر موضوعات و مسائل اجتماعی حل نشود، تبدیل به بحران



سخنرانی احمدرضا رادان در ساری / شهریورماه ۱۴۰۴

و بحران نیز دیگر قابل حل نیست و فقط می‌توان آن را مدیریت و کنترل کرد.»

یکی از نکاتی که رادان درباره آن صحبت کرد، سرازیر شدن مسافران در روزهای اضطراری به سوی استان مازندران بود. او گفت: «با توجه به پراکندگی استان و وجود ویلاها و اقامتگاه‌ها باید بیشتر مراقبت کنیم.»

رادان در ادامه با تأکید بر صیانت پیش‌دستانه بر نظارت و کنترل کارکنان و بررسی مشکلات آنان از سوی بازرسی و عقیدتی سیاسی افزود: «باید نه از جانب تهدید که از جانب ارشاد با کارکنان رفتار کرد.»

او همچنین تهدید کرد با «اراذل و اوباش مجازی» به شدت برخورد می‌شود. او از پلیس مازندران خواست به شدت با هنجارشکنان برخورد کند.

وضعیت اضطراری دو استان شمالی

طی «جنگ ۱۲ روزه» حدود ۹ میلیون نفر به استان مازندران و حدود سه میلیون نفر به استان گیلان پناه بردند. احتمال وقوع جنگ مجدد، مسئولان نظام را بر آن داشته است تا این دو استان را برای وضعیت‌های خاص آماده کنند. اخیراً سردار محمدعلی قمی معاون بسیج و امور استان‌های سازمان پدافند غیرعامل هشدار داده «امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند آمادگی همه‌جانبه دستگاه‌ها، افزایش سطح آگاهی عمومی و مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی هستیم.»

او در یک جلسه با مسئولان استان مازندران به تدوین طرح ۱۴گانه برای «شرایط اضطراری» اشاره کرد و گفت «مازندران در تأمین نان و کالاهای اساسی نقش ویژه دارد» و «در رزمایش‌های اخیر در حوزه سامانه‌های بانکی و توزیع آرد، نشان داد که زیرساخت‌های استان برای مقابله با اختلالات احتمالی آمادگی لازم را دارند.»

وضعیت اقتصاد ایران در نیمه دوم سال «دشوارتر» می شود



فروش رسید. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز در نیمروز پنجشنبه ۹ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان اعلام شد.

اگرچه هنوز تحریم‌های سازمان ملل بطور رسمی بازنگشته اما بنیه اقتصاد ایران به علت مشکلات ساختاری و بحران انرژی به شدت تحلیل رفته است. گزارش مرکز آمار ایران از رشد اقتصادی کشور در بهار امسال نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی با احتساب درآمدهای نفتی منفی ۰/۱ درصد و نرخ رشد بدون احتساب درآمدهای نفتی به منفی ۰/۴ درصد کاهش یافته است.

علی قنبری اقتصاددان تأکید کرده اقتصاد ایران در پایان سال با رشدی منفی و تورم بیش از ۴۵ درصد به کار خود پایان خواهد داد.

این اقتصاددان گفته «منفی شدن رشد اقتصادی از بهار امسال، با توجه به محدودیتهای تحریمی و تنش‌هایی که کشور دچار شده، قابل پیش‌بینی بود» و «نشان می‌دهد دوباره اقتصاد ما وارد یک دوره رکود شده است.»

علی قنبری گفته «شاخص‌های مختلف اقتصادی همگی از دشوارتر شدن وضعیت خبر می‌دهند. همزمان با انتشار آمار رشد منفی سه ماهه نخست، آمار مربوط به تورم هم از بازگشت اقتصاد به تورم بیش از ۴۰ درصد خبر می‌دهد. این در حالی است که چهار سال از آخرین رشد منفی می‌گذرد و تورم هم برای اولین بار دولت چهاردهم به بیش از ۴۰ درصد رسیده است.»

او پیش‌بینی کرده در پایان امسال نرخ رشد اقتصادی بین منفی یک تا منفی دو درصد و نرخ تورم حدود ۴۵ درصد خواهد شد.

آلبرت بغزبان کارشناس اقتصاد کلان نیز با اشاره به فعال شدن مکانیسم ماشه می‌گوید کشورهای اروپایی ممکن است برای مدتی فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به تعویق بیاورند اما در نهایت تحریم‌های سازمان ملل باز

جمهوری اسلامی به نیویورک برای شرکت در مجمع سالانه سازمان ملل متحد نتوانسته دستاوردی به سود جمهوری اسلامی داشته باشد. اگرچه اصلاح‌طلبان امیدوار بودند تیم اعزامی به ایالات متحده بتواند روزنه‌ای برای فعال شدن دیپلماسی میان جمهوری اسلامی و غرب را بگشاید اما همچنان تا زمان تنظیم این گزارش مذاکرات و دیدارها بی‌نتیجه بوده است.

مسعود پزشکیان غروب چهارشنبه دوم مهرماه در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد و بر مواضع جمهوری اسلامی درباره اسرائیل و غنی‌سازی اورانیوم تأکید اما ادعا کرد جمهوری اسلامی قصد ساخت بمب اتمی را ندارد.

او ساعاتی بعد در دیدار با افرادی که «شماری از فعالان ضد جنگ» معرفی شدند همین مواضع را تکرار کرد اما گفت: «اگر چه بازگشت هر تحریمی ناخوشایند است، اما پایان راه نیست و قرار نیست ما در برابر آن تسلیم شویم.» سخنان پزشکیان نشان می‌دهد او نیز از یافتن راه چاره‌ای در طی سفر به ایالات متحده ناامید است. اگرچه عباس عراقچی به رایزنی و مذاکره با مقامات دولت‌های مختلف مشغول است اما اثرات آنچه در نیویورک رخ «نداده» در کنار سخنان سه‌شنبه شب علی خامنه‌ای که تأکید کرد مذاکراتی با آمریکا در کار نخواهد بود و غنی‌سازی نیز متوقف نمی‌شود، بازارهای ارز و طلا در درون کشور را متلاطم کرده است.

قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در روز پنجشنبه سوم مهرماه روند افزایشی روزهای گذشته را ادامه داده است.

هر دلار آمریکا تا نیمروز پنجشنبه سوم مهرماه به ۱۰۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت. یورو ۱۲۶ هزار و ۶۳۰ تومان، پوند بریتانیا ۱۴۵ هزار و ۱۰۰ تومان، درهم امارات ۲۹ هزار و ۳۸۰ تومان و لیر ترکیه ۲۶۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد. هر سکه کامل طلا نیز ۱۰۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به

اگرچه عباس عراقچی در نیویورک به رایزنی و مذاکره با مقامات دولت‌های مختلف مشغول است اما اثرات آنچه در سفر مقامات حکومت به ایالات متحده رخ «نداده» در کنار سخنان علی خامنه‌ای که تأکید کرده مذاکراتی با آمریکا در کار نخواهد بود و غنی‌سازی نیز متوقف نمی‌شود، بازارهای ارز و طلا در کشور را متلاطم کرده است.

هر دلار آمریکا تا نیمروز پنجشنبه سوم مهرماه به ۱۰۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت. یورو ۱۲۶ هزار و ۶۳۰ تومان، پوند بریتانیا ۱۴۵ هزار و ۱۰۰ تومان، درهم امارات ۲۹ هزار و ۳۸۰ تومان و لیر ترکیه ۲۶۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد.

هر سکه کامل طلا نیز ۱۰۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به فروش رسید. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز در نیمروز پنجشنبه ۹ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان اعلام شد.

علی قنبری اقتصاددان گفته شرایط اقتصادی ایران در نیمه دوم سال دشوارتر شده و در پایان امسال نرخ رشد اقتصادی بین منفی یک تا منفی دو درصد و نرخ تورم حدود ۴۵ درصد خواهد شد.

آلبرت بغزبان اقتصاددان نیز معتقد است رکود توری با فعال شدن مکانیسم ماشه عمیق‌تر شده و «ماحصل این روند چنانکه در سال‌های گذشته هم تجربه کردیم افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی است.»

نیمه دوم سال با افزایش قابل توجه قیمت‌ها در بازار ارز و طلا آغاز شده و در سومین روز مهرماه قیمت هر دلار آمریکا به ۱۰۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت. کارشناسان معتقدند مسائلی چون فعال شدن مکانیسم ماشه و کسری شدید بودجه دولت و بحران کمبود انرژی شرایط اقتصادی کشور را در نیمه دوم سال بیش از پیش بحرانی خواهد کرد. سفر مسعود پزشکیان و عباس عراقچی وزیر امور خارجه

بازداشت یک اسرائیلی- آمریکایی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی



عکس: پلیس اسرائیل

کرده و اطلاعاتی درباره شخصیت‌های اسرائیلی جمع‌آوری کند. در قبال این اقدامات، او حدود ۱۵ هزار دلار به صورت رمزارز دریافت کرده است.

بر اساس تحقیقات اولیه، پرل در سال ۲۰۱۷ با سفارت جمهوری اسلامی در مراکش تماس گرفته و برای خود و خانواده‌اش درخواست پناهندگی کرده بود. او در سال ۲۰۲۳ از طریق شبکه‌های اجتماعی با رسانه‌های جمهوری اسلامی



بازداشت ۲ نفر در اسرائیل
به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی

ارتباط برقرار کرد و مقالاتی علیه اسرائیل منتشر نمود. در ژانویه ۲۰۲۵ و پس از انتشار مقاله‌ای در حمایت از حسن نصرالله پرل از سوی یک عامل وابسته به رژیم ایران جذب شد.

پرل تلاش‌هایی برای ایجاد شبکه‌ای از افرادی که با او همکاری کنند در اسرائیل و خارج از آن کشور انجام داد، اما پس از ناکامی، طبق دستور عوامل رژیم ایران تصمیم گرفت خودش به اسرائیل برود. او گذرنامه اسرائیلی خود را تمدید کرد و در ژوئیه ۲۰۲۵ وارد آن کشور و سپس دستگیر شد.

● پلیس و سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شین‌بت) اعلام کردند یعقوب پرل (۴۹ ساله) با تابعیت دوگانه اسرائیلی-آمریکایی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده است.

● پایگاه خبری «وای نت» روز پنجشنبه ۲۵ سپتامبر (سوم مهرماه) گزارش داد که این فرد متهم است اطلاعاتی درباره هرزی هالوی فرمانده سابق ارتش اسرائیل و ایتمار بن گویر وزیر امنیت ملی جمع‌آوری کرده است.

● او از خیابان‌ها و اماکن عمومی عکس و فیلم تهیه و تلاش کرد در نزدیکی خانه‌های هرزی هالوی فرمانده سابق ارتش اسرائیل و ایتمار بن گویر وزیر امنیت ملی، آپارتمانی اجاره و اطلاعاتی درباره شخصیت‌های اسرائیلی جمع‌آوری کند. در قبال این اقدامات، او حدود ۱۵ هزار دلار به صورت رمزارز دریافت کرده است.

پلیس و سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شین‌بت) اعلام کردند یعقوب پرل (۴۹ ساله) با تابعیت دوگانه اسرائیلی-آمریکایی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده است.

پایگاه خبری «وای نت» روز پنجشنبه ۲۵ سپتامبر (سوم مهرماه) گزارش داد که این فرد متهم است اطلاعاتی درباره هرزی هالوی فرمانده سابق ارتش اسرائیل و ایتمار بن گویر وزیر امنیت ملی جمع‌آوری کرده است.

پلیس اسرائیل اعلام کرد که یعقوب پرل مقیم مراکش است اما در خاک اسرائیل بازداشت شده است. کیفرخواست علیه او در روزهای آینده به دادگاه منطقه‌ای تل‌آویو ارائه خواهد شد.

بر اساس گزارش منابع اسرائیلی، یعقوب پرل در مدت یک ماه و نیم پس از ورود به اسرائیل مأموریت‌های مختلفی برای عوامل جمهوری اسلامی انجام داده است.

او از خیابان‌ها و اماکن عمومی عکس و فیلم تهیه و تلاش کرد در نزدیکی خانه‌های هرزی هالوی فرمانده سابق ارتش اسرائیل و ایتمار بن گویر وزیر امنیت ملی، آپارتمانی اجاره

→ خواهند گشت.

او گفته رفتن به سمت توسعه و رشد اقتصادی در شرایط جنگ و تحریم غیرممکن است و توضیح داده که جمهوری اسلامی حتی فرصت مقاومت‌سازی اقتصاد را نیز از دست داده است: «بحران‌هایی چون جنگ یا تحریم در نهایت موجب از دست رفتن فرصت‌های توسعه برای ایران خواهد شد. پیش از این باید کشور از نظر اقتصادی مقاوم می‌شد، اما فرصت مقاومت‌سازی از دست رفته است.»

به عقیده آلبرت بغزیان با فعال شدن مکانیسم ماشه، در گام نخست درآمد ارزی کاهش می‌یابد و همین موجب می‌شود که ارز براساس اولویتها و نیازهای کشور تخصیص یابد. به این ترتیب تورم بالا می‌رود و همزمان با آن، نرخ کسری بودجه هم رشد می‌کند. همزمان دولت ناچار می‌شود برای کنترل نارضایتی‌ها و ناآرامی‌ها سیاستهای حمایتی اجرا کند که چون درآمد کافی ندارد دوباره به افزایش کسری منجر می‌شود.

این تحلیلگر اقتصادی افزوده در گام‌های بعدی بخش خصوصی به حاشیه رانده می‌شوند و دولت ناچار می‌شود جور سرمایه‌گذاری آنها را هم بکشد که باز هم کسری بودجه را بالا می‌برد.

او افزوده «برای کنترل کسری هم چون امکان کاهش هزینه یا افزایش درآمدها نیست مجبور به افزایش نرخ ارز یا نرخ رشد نقدینگی می‌شوند که این نیز به تورم بیشتر منجر می‌شود. به این اعتبار اجرای مکانیسم ماشه کشور در یک سیکل به مراتب ویرانگر تر تورمی خواهد برد که به سرعت می‌تواند رشد اقتصادی را منفی کند و نرخ ارز را به بالاترین قیمت‌ها برساند.»

آلبرت بغزیان می‌گوید «ماحصل این روند چنانکه در سال‌های گذشته هم تجربه کردیم افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی است.»

اصغر سمیعی کارشناس بازار ارز و طلا هم پیش‌بینی کرده روند افزایشی قیمت ارز ادامه داشته باشد: «اگر دلار ۱۰۰ هزار تومان را در ابتدای سال در نظر بگیریم، با توجه به افزایش روزانه یک در هزار ناشی از تورم، پیش‌بینی می‌شد دلار در تابستان به حدود ۱۱۰ هزار تومان برسد، تا اوایل پاییز حدود ۱۲۰ هزار تومان، و تا آغاز زمستان به ۱۳۰ هزار تومان یا بیشتر برسد. بر اساس همین تحلیل، نرخ دلار برای ابتدای سال آینده ممکن است به بیش از ۱۴۰ هزار تومان برسد.»

اتاق بازرگانی ایران نیز سه سناریوی خوش‌بینانه، محتمل و بدبینانه از آینده اقتصاد با اجرای مکانیسم ماشه ارائه کرده است. بر اساس سناریوی محتمل، که بسیاری از کارشناسان آن را واقع‌بینانه‌ترین حالت می‌دانند، اقتصاد ایران با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد. بر این اساس نرخ تورم سالانه که هم‌اکنون نیز بر اساس آمار رسمی حدود ۵۰ درصد است، می‌تواند به بیش از ۷۵ درصد برسد.

اتاق بازرگانی هشدار داده است که در سناریوی بدبینانه احتمال رکود عمیق، تورم ۹۰ درصدی، نرخ ارز ۱۶۵ هزار تومانی، رشد اقتصادی منفی سه درصد، سقوط ارزش دلاری بورس و افزایش نرخ بیکاری تا ۱۴ درصد وجود دارد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده تداوم و تشدید تحریم‌ها نه تنها زنجیره تأمین و واردات مواد اولیه را مختل می‌کند، بلکه با رکود تولید و توقف پروژه‌ها، زمینه‌ساز افزایش بیکاری می‌شود.

محدودیت‌های بانکی و مالی، توقف همکاری‌های سوئیفت، مشکلات خطوط کشتیرانی به دلیل قطع بیمه‌های بین‌المللی و کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی، بخشی از پیامدهای پیش‌بینی‌شده هستند.

بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: به «خطای محاسباتی جدید دشمن»، پاسخ مهلک می‌دهیم!



حکومت از هوادارانش می‌خواهد همچنان «مقاومت» و «تسلیم ناپذیری» را به عنوان گزینه اصلی تبلیغ کنند

منتشر شد گفته بود: «فعال شدن مکانیسم ماشه خطر جنگ را افزایش خواهد داد، زیرا هزینه‌های حمله به ایران برای اسرائیل در بعد بین‌الملل کمتر خواهد شد.» او توضیح داد: «فکر می‌کنم بعد از فعال شدن مکانیسم ماشه یک سیر تشدید جو منفی علیه [جمهوری اسلامی] ایران به وجود خواهد آمد... فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اولین اتفاق این حرکت دومینوار خواهد بود و بعد از آن ما را به مسیر بازگشت جنگ ژوئن سوق خواهد داد [درواقع] فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای اعلام جنگ است و جو داخلی ایران هم بطور قطع واکنش‌هایی را به همراه خواهد داشت که ممکن است ترس را در افکار عمومی اروپا ایجاد کند.»

حمزه صفوی فرزند یحیی رحیم‌صفوی مشاور عالی و دستیار نظامی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران است نیز با بیان اینکه نمی‌داند چقدر سناریو کشتن علی خامنه‌ای به دست اسرائیل می‌تواند درست باشد، ترور رهبر جمهوری اسلامی را محتمل دانسته و گفته بود باید برای این اقدامات اسرائیل آماده بود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک روز پیش از نشست شورای امنیت سازمان برای رأی‌گیری در مورد تعویق فعال شدن رسمی مکانیسم ماشه، اقدام به آزمایش یک موشک قاره‌پیما کرد. تعداد زیادی از فرماندهان سپاه و ارتش که از حملات اسرائیل قسر در رفته‌اند همچنان برای اسرائیل و آمریکا رجزخوانی می‌کنند با اینهمه اما عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌گوید، [جمهوری اسلامی] ایران به دنیا ثابت کرد که هیچوقت آغازگر جنگ نبوده و راه دیپلماسی و مذاکره را بهترین روش برای حل مشکلات می‌دانند. این در حالیست که خود وی نیز طی هفته‌های اخیر در چند نوبت اسرائیل را تهدید کرد.

او افزود: «دشمنان بعد از اینکه نتوانستند به اهداف عملیات نظامی خود دست پیدا کنند و ضربات سختی را هم بر اثر پاسخ‌های موشکی ما دریافت کردند، ده‌ها کشور را واسطه قرار دادند تا ما از ادامه پاسخ به آمریکا و اسرائیل کوتاه بیاییم و آتش‌بس برقرار شود.»

اینهمه در حالیست که شماری از استادان دانشگاه‌ها و تحلیلگران داخل ایران در مورد افزایش احتمال برخورد



نظامی با حکومت پس از فعال شدن مکانیسم ماشه هشدار داده‌اند.

پیشتر رکسانا نیکنامی استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران در رابطه با احتمال وقوع جنگ مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در مصاحبه با «ایلنا» که ۱۲ شهریورماه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که یکشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۴ صادر شد، اعلام کرد که «در صورت بروز هرگونه خطای محاسباتی جدید و تجاوزگری از سوی دشمن، جمهوری اسلامی با دست برتر ابتکار عمل را در میدان نبرد در اختیار خواهد داشت و پاسخ مهلک و عبرت‌آموز دیگری به او خواهد داد.»

در این بیانیه که به مناسبت سالگرد آغاز جنگ هشت ساله با عراق صادر شد آمده، سپاه به همراه سایر نیروهای مسلح، «هر روز بر توان رزمی، قدرت آفندی و پدافندی و ظرفیت‌های راهبردی خود می‌افزاید.»

حسینعلی حاجی دلیگانی نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «در شرایط موجود با اتحادی که ملت ایران از آغاز جنگ ۱۲ روزه تا امروز حفظ کرده و با هدایت‌ها و مدیریت پیامبرگونه رهبری، بعید است که جنگ مجددی به راه بیفتد.»

پیشتر رکسانا نیکنامی استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران در رابطه با احتمال وقوع جنگ مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در مصاحبه با «ایلنا» گفته بود: «فعال شدن مکانیسم ماشه خطر جنگ را افزایش خواهد داد، زیرا هزینه‌های حمله به ایران برای اسرائیل در بعد بین‌الملل کمتر خواهد شد.»

شماری از کارشناسان می‌گویند با فعال شدن مکانیسم ماشه علاوه بر شدت گرفتن تحریم‌ها، احتمال حمله نظامی مجدد به جمهوری اسلامی آنهم به شکل یک «اتلاف» بیش از پیش تقویت شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که یکشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۴ صادر شد، اعلام کرد که «در صورت بروز هرگونه خطای محاسباتی جدید و تجاوزگری از سوی دشمن، جمهوری اسلامی با دست برتر ابتکار عمل را در میدان نبرد در اختیار خواهد داشت و پاسخ مهلک و عبرت‌آموز دیگری به او خواهد داد.»

در این بیانیه که به مناسبت سالگرد آغاز جنگ هشت ساله با عراق صادر شده آمده است که سپاه به همراه سایر نیروهای مسلح، «هر روز بر توان رزمی، قدرت آفندی و پدافندی و ظرفیت‌های راهبردی خود می‌افزاید.»

شماری از کارشناسان می‌گویند با فعال شدن مکانیسم ماشه علاوه بر شدت گرفتن تحریم‌ها، احتمال حمله نظامی مجدد به جمهوری اسلامی آنهم به شکل یک «اتلاف» بیش از پیش تقویت شده است.

«رهبری پیامبرگونه»

در این میان، از یکسو احتمال یک حمله نظامی دوباره به جمهوری اسلامی تقویت شده اما از سوی دیگر، برخی ادعا می‌کنند که جنگی در کار نخواهد بود.

حسینعلی حاجی دلیگانی نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «در شرایط موجود با اتحادی که ملت ایران از آغاز جنگ ۱۲ روزه تا امروز حفظ کرده و با هدایت‌ها و مدیریت پیامبرگونه رهبری، بعید است که جنگ مجددی به راه بیفتد.»

جزئیات جدید از همکاری روسیه، حزب الله و عوامل جمهوری اسلامی با گروه‌های تبهکار ایرلندی و کلمبیایی در قاچاق مواد مخدر



کارتل «کیناهان‌ها» از طریق ثبت شرکت‌های صوری در دبی اقدام به قاچاق مواد مخدر کرده بود

سخت‌گیری این سازمان می‌گوید، «برای تیم ما این امر تعجب‌آور نیست. در گفتگو با منابع امنیتی داخل روسیه دریافتیم که پس از سال ۲۰۲۲، کرم‌لین به سرویس‌های اطلاعاتی خود دستور داد بر همکاری خود با عناصر جنایتکار خارجی بیافزایند. اهداف این همکاری بسیار متنوع و شامل طیف گسترده‌ای از تأمین مالی و دور زدن تحریم‌ها تا بی‌ثبات کردن سیاست داخلی کشورهای اروپایی است.» او افزود: «درآمد بخش نفت و گاز، منبع اصلی درآمد دولت روسیه است.»

الیزابت براو کارشناس زنجیره تأمین دریایی پنهان کرملین در «اندیشکده شورای آتلانتیک» توضیح می‌دهد: «دوبی در حال حاضر گره اصلی جریان پول و ثروت غیرقانونی و ناوگان سایه روسیه است. بیشتر شرکت‌های اداره‌کننده ناوگان قدیمی و فرسوده‌ای که نفت روسیه را حمل می‌کنند، در آنجا ثبت شده‌اند.»

او می‌افزاید که در گذشته روسیه به جاسوسان یا هواداران ایدئولوژیک متکی بود، اما امروز رویکردی عملگراییانه دارد و کارهای حساس را برون‌سپاری می‌کند. او گفت: «من شاهد همکاری‌های موردی دولت روسیه با باندهای جنایت سازمانیافته بوده‌ام. این همکاری می‌تواند شامل خرابکاری، حملات سایبری، حتی قتل و یا همانطور که در اینجا می‌بینیم، هر چیزی باشد که دولت [روسیه] لازم بداند.»

روزنامه «تایمز» در بخش دیگری از این گزارش به نقل از «منابع آگاه» نوشت، رهبران کارتل در حال سنجش خطرات جابجایی در برابر مزایای مالی و تدارکاتی مانند در آن حوزه قضایی هستند که شبکه‌هایشان در آنجا مستقر شده است. آنها همچنین همزمان فعالیت‌های پلیس بین‌الملل را برای هرگونه نشانه اقدام قریب‌الوقوع از نزدیک زیر نظر دارند.

تحقیقات نشان داد آدرس دفتر شرکت «سمفونی مارین» که این دو کشتی را اداره می‌کرد دقیقاً مطابق آدرس دفتر سرکرده کارتل «کیناهان» در دبی است. این مافیای ایرلندی اگرچه سه سال پیش از سوی آمریکا تحریم شد، اما همچنان آزادانه در دوبی فعالیت می‌کند. آمریکا همچنین برای اطلاعات منجر به بازداشت کریستی کیناهان و پسرانش، دانیل و کریستوفر، جایزه پنج میلیون



از رژیم مادورو در ونزوئلا برای قاچاق کوکائین استفاده می‌کنند

دلاری تعیین کرده است.

بنا بر اعلام سازمان «دوسیه» فعالیت‌های مجرمانه مرتبط با دولت روسیه را رصد می‌کند، استفاده مسکو از گروه‌های جنایتکار سازمانیافته برای تأمین مالی کاملاً مستند شده است.

● براساس گزارش روزنامه «تایمز» که ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۴ منتشر شد، گروه تبهکار «کیناهان» که گفته می‌شود قدرتمندترین گروه جرائم سازمانیافته در ایرلند است، از طریق شرکت‌های صوری با یک کشتی متعلق به «ناوگان سایه» روسیه در قاچاق ۲/۲ تن کوکائین مرتبط با حزب الله دست داشت.

● تحقیقات نشان داد آدرس دفتر شرکت «سمفونی مارین» دقیقاً مطابق آدرس دفتر سرکرده کارتل «کیناهان» در دوبی است.

● دخالت «کیناهان» در حمل محموله‌های مواد مخدر با کشتی برای نخستین بار هنگامی فاش شد که در سال ۲۰۲۳ کشتی باری MV Matthew با محموله کوکائین ۲/۲ تنی به ارزش حدود ۱۶۰ میلیون دلار در جنوب سواحل ایرلند توقیف شد.

● بنا بر تحقیقات مشترک پلیس ایرلند و اینترپل، این عملیات قاچاق مربوط به همکاری کیناهان‌ها با حزب الله و «کلان دل گولفو» (شبه‌نظامیان سابق کلمبیایی که اکنون بزرگترین صادرکننده کوکائین در جهان هستند) مربوط بود.

● سهیل جلوه و سعید حسنی دو ملوان ایرانی پس از بازداشت در این کشتی در دادگاه ویژه کیفری ایرلند محاکمه و به حبس محکوم شدند. این دو پیشتر در کشتیرانی دولتی جمهوری اسلامی ایران اشتغال داشتند.

بر اساس گزارش روزنامه «تایمز» که ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۴ منتشر شد، گروه تبهکار «کیناهان» که گفته می‌شود قدرتمندترین گروه جرائم سازمانیافته در ایرلند است، از طریق شرکت‌های صوری با یک کشتی متعلق به «ناوگان سایه» روسیه در قاچاق ۲/۲ تن کوکائین مرتبط با حزب الله دست داشتند.

دخالت افراد «کیناهان» در انتقال محموله‌های مواد مخدر با کشتی برای نخستین بار هنگامی فاش شد که در سال ۲۰۲۳ کشتی باری MV Matthew با محموله کوکائین ۲/۲ تنی به ارزش حدود ۱۶۰ میلیون دلار در جنوب سواحل ایرلند توقیف شد.

بنا بر تحقیقات مشترک پلیس ایرلند و اینترپل، این عملیات قاچاق مربوط به همکاری کیناهان‌ها با حزب الله و «کلان دل گولفو» (شبه‌نظامیان سابق کلمبیایی که اکنون بزرگترین صادرکننده کوکائین در جهان هستند) مربوط بود.

سهیل جلوه و سعید حسنی دو ملوان ایرانی پس از بازداشت در این کشتی در دادگاه ویژه کیفری ایرلند محاکمه و به حبس محکوم شدند. این دو پیشتر در کشتیرانی دولتی جمهوری اسلامی ایران اشتغال داشتند.

بر اساس تحقیقات «تایمز»، شرکت «سمفونی مارین» (Symphony Marine) که در سال ۲۰۲۳ در دوبی تأسیس شد، مسئولیت کشتی MV Matthew را بر عهده داشت.

این شرکت قبلاً مسئولیت نفتکش Pontus I که آن را به Serena تغییر نام داد بر عهده داشت. این کشتی بخشی از ناوگان سایه روسیه محسوب می‌شد که تحت تحریم اتحادیه اروپا، آمریکا و استرالیا قرار دارد. بنا بر داده‌های ردیابی، این کشتی در حال حاضر در «بندر ناخودکا» در شرق روسیه پهلو گرفته است.

بحران حرفه روان‌درمانی در ایران: ویژگی‌ها، صلاحیت‌ها و مرزهای حرفه‌ای



● در پی ورود شبه‌روانشناسان و شبه‌روان‌درمانگران فاقد مهارت‌های کاربردی به عرصه درمان، شاهد سرخوردگی مراجعه‌کنندگانی می‌شویم که نه تنها در روند درمان بهره کافی نمی‌برند، بلکه گاهی با مشکلات جدی‌تر نیز روبرو می‌شوند.

● به دنبال افزایش بدون حد و مرز فارغ‌التحصیلان این رشته و نبود چهارچوب‌های منطقی و استاندارد با کمی مبالغه می‌توان روزی شاهد آن بود که در هر خانواده ایرانی حداقل یک به اصطلاح روانشناس وجود داشته باشد! تا جایی که این روزها چه در دنیای مجازی و چه در دنیای حقیقی شاهد ارائه بدون مرز کلاس‌های خودشناسی، سمینارهای موفقیت، یا کارگاه‌های زندگی بهتر و یا هینوتیزم‌درمانی که یکی از مهارت‌های کاربردی در علم روان‌درمانی است، مواجه هستیم که چون قارچ سر از زمین بیرون می‌آورند.

دکتر محمد طباطبایی - از آنجا که طی سال‌های گذشته نیاز به روان‌درمانی در دنیا و به تبع آن در ایران نیز افزایش یافته، بسیار حائز اهمیت است که ابعاد مختلف این نیاز و همچنین بحران این حرفه مورد بررسی قرار گیرد. همانگونه که شاهد هستیم، با گسترش شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام، بیانات و ادعاهای غیرحقیقی و غیرحرفه‌ای بسیاری منتشر می‌شود؛ از کلاس‌ها و سمینارهای انگیزشی و مقابله با افسردگی در ده جلسه، تا کارگاه‌های تضمین موفقیت در پنج جلسه و شبکه‌های آنلاین برای آموزش زندگی بهتر، خودباوری و غیره.

علم روانشناسی مانند رشته پزشکی بر پایه دانش استوار است که به مطالعه رفتار، احساسات و فرآیندهای ذهنی انسان می‌پردازد و در پی کشف حقایق درباره روان و رفتار انسان است. دانش‌آموختگان این رشته تحصیلی در دانشگاه بر اساس اصول و نظریه‌های به اثبات رسیده، مهارت‌های اولیه را به دست می‌آورند. بنابراین می‌بایست یک شفاف‌سازی آشکار صورت گیرد که نشان دهد هر کسی اجازه استفاده از این واژه را به عنوان یک هویت علمی برای خود ندارد، همانگونه که هر شخصی نمی‌تواند بدون گذراندن دوران تحصیلی مشخص در رشته پزشکی، عنوان «پزشک» را برای خود به کار ببرد.

شاید یکی از دلایل این بحران، عدم شفافیت در مورد حیطه فعالیت متخصصین این رشته باشد تا جایی که برای افراد، مفهوم تخصص‌ها، کاملاً روشن نیست که وظیفه مشاور چیست؟ حد و مرز بین مشاور، روانشناس و روان‌درمانگر کجاست؟ چرا که از پایه این مرزبندی بطور مشخص تعریف و روشن نشده است که مرز هویت حرفه‌ای و حیطه کاری «روان‌درمانگر»، «روانکاو»، «روانشناس» و اصطلاح رایج «مشاور» یا «مربی» در چه بخشی محدود و خلاصه می‌شود. هرچند این مشکل در حیطه‌های علمی دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد، اما در دیگر شاخه‌های درمانی به صورت شفاف‌تری تعریف شده‌اند؛ چنانکه بطور مثال تفاوت بین «چشم پزشکی» و «عینک‌ساز» یا پزشک «زنان و زایمان» و «ماما» و یا «دندانپزشک» و «دندان‌ساز» برای اکثر مردم روشن و آشکار است.

ولی به علت عدم مدیریت صحیح در حیطه بهداشت و

ایران هم بیشتر مشهود گشت تا آنجا که امروز شاهد این هستیم که بسیاری از فارغ‌التحصیلان رشته‌های غیرمرتبط هم تغییر مسیر داده و آینده خود را در ادامه تحصیل در این رشته می‌بینند.

گرچه اهمیت این رشته علمی قابل انتقاد نیست و چه بسا پذیرش و ارزشمندی آن نشانه‌ای از پیشرفت در یک جامعه مدرن می‌تواند باشد ولی نوع انتشار و کاربرد این رشته علمی در جامعه ایران بدون معیارهای دقیق علمی پایه‌ای و کاربردی با آنچه در کشورهای مترقی اتفاق می‌افتد مطابقت ندارد.

شبه‌روان‌درمانگری: تهدیدی برای اعتبار این حرفه

در پی ورود شبه‌روانشناسان و شبه‌روان‌درمانگران فاقد مهارت‌های کاربردی به عرصه درمان، شاهد سرخوردگی مراجعه‌کنندگانی می‌شویم که نه تنها در روند درمان بهره کافی نمی‌برند، بلکه گاهی با مشکلات جدی‌تر نیز روبرو می‌شوند. از این رو لازم است ابعاد گوناگون این بحران و نیز فرصت‌های آن به چالش کشیده و مورد بررسی قرار گیرد تا شرایطی مطلوب و روندی سازنده و پویا در این زمینه فراهم گردد. خطری مشابه آن را می‌توان در حیطه پزشکی مشاهده کرد؛ جایی که برخی افراد با ترویج انرژی‌درمانی یا طبعت‌درمانی می‌کوشند این روش‌ها را جایگزین رویکرد علمی پزشکی سازند.

در این میان، بدون تردید عوامل اجتماعی و اقتصادی در گسترش بی‌حد و مرز این جریان نقش دارند. جذابیت اجتماعی این حوزه، همراه با تصور اشتباه و نادرست از سودآوری مالی و اقتصادی آن و نیز نگاه ساده‌انگارانه به این علم پیچیده، موجب گرایش افراد به انتخاب چنین مسیرهایی شده است. حتی گاه مشاهده می‌شود کسانی که خود دچار بحران‌های روحی و عاطفی هستند، به امید یافتن راهکارهایی برای چالش‌های درونی خویش، به سراغ این رشته می‌روند. و با دلالان سودجو با تطمیع و فریب و با سوء استفاده از نیازهای مالی و عاطفی و اجتماعی

درمان، افراد به راحتی با ادعای گذراندن دوره‌های تخصصی بین‌المللی، در صدد بازاریابی کاری برمی‌آیند و یا با گذراندن مجموعه‌ای از تجربه‌های فردی، خود را صالح می‌دانند تا در حیطه روان و روانشناسی مشغول به کار شوند و اظهار نظر کنند. مراجعه‌کنندگان نیز هیچگونه آگاهی از کیفیت، میزان و حیطه تخصص و تحصیلات شخص مشاور و یا مربی و یا مقیاس‌های سنجش و ارزیابی ندارند.

به عنوان مثال می‌توان به زمینه مشخصی اشاره کرد که در آن فرد با مراجعه به مرکز مشاوره، در پی یافتن پاسخ این سوال است که آیا شخص مورد نظرش برای یک زندگی مشترک مناسب است یا نه؟ آیا درست است که از همسرش جدا شود یا نه؟ افراد با ارائه آزمون‌هایی به تایید و یا رد یک رابطه می‌پردازند. هرچند از دیدگاه روان‌درمانی تحلیلی، پرسش‌های زیادی در کشف حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند و نقش روان‌درمانگر این نیست، که به این سوال‌ها پاسخ بدهد، بلکه با کمک به شناخت فرد و یاری رساندن به او، چالش‌های درونی، ترس‌ها و افکار خود را بهتر بشناسد و در پی آن به یک پاسخ درونی برسد.

بدین جهت بسیار مهم و ارزشمند است که این رشته تحصیلی را از دیدگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار دهیم. از یکسو می‌توان این سوال را مطرح کرد که چه فرصت‌هایی کاربرد علم روانشناسی برای ارتقا سلامت روانی، فکری و رفتاری فرد در جامعه ارائه می‌دهد و از سوی دیگر چه خطراتی را می‌تواند به همراه داشته باشد، اگر آگاهانه و بر اساس معیارها و مقیاس‌های علمی بنا نشده باشد.

در گذشته‌های نه چندان دور علم روانشناسی در جامعه ایران از ارزش خاصی برخوردار نبود و همچنین برای آن در دنیای بهداشت و درمان تقاضایی وجود نداشت تا جایی که در صورت لزوم اولین اقدام مراجعه به روانپزشک و یا مراکز روانپزشکی یا به اصطلاح تیمارستان‌ها بود. همانطور که در ابتدای متن به آن اشاره شد، با افزایش تحولات جهانی و نیازهای جدید فکری و عاطفی نیاز به این رشته در جامعه

همایش ارزیابی تأثیرات روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان در لندن



نهاد که قبلاً بیشتر در زمینه فرهنگ و زبان پارسی و آنهم بطور عمده در جامعه افغانستانی‌های بریتانیا فعال بود، با توجه تغییر نیازهای زمانه فعالیت خود را به بررسی حوزه تاریخ و سیاست افغانستان و منطقه گسترش داده است. در این مورد طی مصاحبه‌ای مدیر این نهاد توضیحاتی به کیهان لندن داده است.

روان‌درمانی زیر نظر روان‌درمانگر با تجربه و استاد راهنما در آزمون تخصصی شرکت کرده و با دریافت مجوز فعالیت (درمانگری)، مطابق با قوانین حرفه‌ای، در حوزه «روان‌درمانی بزرگسالان» یا «کودکان و نوجوانان» مشغول به کار می‌شوند. یکی از نکات پر اهمیت در این حیطه شناخت شخصی خود روان‌درمانگر است؛ چرا که تحلیل روانی فردی به او کمک می‌کند به درک عمیق‌تری از خویش و چالش‌های درونی خویش دست یابد، که در ادامه حرفه تخصصی اجتناب‌ناپذیر است. ولی در محیط‌های آموزشی برای این منظور برای دانشجویان و یا کارآموزان رشته روان‌درمانی فضای حرفه‌ای تعریف نشده و در نظر گرفته نشده است. از همین رو، پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی و نظری نیاز به جمع‌آوری تجربه‌های عملی در محیط‌های واقعی به شدت احساس می‌شود. در این میان، نقش روان‌درمانگر با تجربه و استادان راهنمایی (سوپروایزر) که سال‌ها تجربه عملی دارند، نقشی کاملاً اساسی و ملموس است.

نباید از این واقعیت غافل شد که تقلید بدون محتوا از سیستم‌های کاربردی و نظام‌های بین‌المللی و عدم آمادگی برای یادگیری و الگوبرداری سازنده از جوامع دیگر، و همچنین ناتوانی در مواجهه انتقادی با برخی ارزش‌های نهادینه و ریشه‌دار فرهنگی و اجتماعی، از مهمترین چالش‌های حیطه روانشناختی و روان‌درمانی در ایران به شمار می‌آیند.

***دکتر محمد طباطبایی، روانشناس، روانکاو، پژوهشگر و عضو انجمن روان‌درمانی تحلیلی آلمان**

اواخر هفته گذشته در دانشگاه برنل همایشی با عنوان ارزیابی تأثیرات سقوط نظام پیشین در افغانستان برگزار شد. سه نهاد در برگزاری این همایش همکاری داشتند که عبارت بودند از: انستیتوی سیاست‌گذاری برای جنوب آسیا یا به اختصار PRISA؛ گروه پژوهش مطالعات جنوب آسیا دانشگاه برنل؛ و کانون همیاری فرامرزی پارسی‌زبانان. این

یا کارگاه‌های زندگی بهتر و یا هپنوتیزم‌درمانی که یکی از مهارت‌های کاربردی در علم روان‌درمانی است، مواجه هستیم که چون قارچ سر از زمین بیرون می‌آورند. از طرفی دیگر خطر آن نیز وجود دارد که فارغ‌التحصیلان رشته‌های روانشناسی و تربیتی آگاهی لازم و کیفیت کاری مطابق با مقیاس‌های کشورهای پیشرفته را ندارند و مراجعه‌کنندگان را دچار سرخوردگی می‌کنند که در پی آن به سرکوب این رشته علمی می‌تواند بیانجامد و یا افراد به فضاهای مجازی و یا به افرادی پناه می‌آورند که به صورت گروهی و یا فردی نظریات بدون زیربنای علمی ارائه می‌دهند که شاید به صورت کوتاه‌مدت جذاب و خوشایند و یا آرامش‌بخش باشند، اما پیامدهای خطرناکی از صدمات روانی، اجتماعی و حتی بعضاً جانی به همراه خواهند داشت.

معیارهای ارزیابی روان‌درمانگر آموزش‌دیده در دوران مدرن

یکی از مهم‌ترین نکات در ارزیابی توانایی و مهارت علمی و عملی روان‌درمانگران، این است که فرد دوره تخصصی خود را در کدام موسسه معتبر و مرکز آموزشی گذرانده است؛ این مراکز توسط چه سازمانی کنترل و مدیریت می‌شوند. آیا این گروه از دانش‌آموختگان پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشته روانشناسی بالینی، دوره‌های تکمیلی روان‌درمانی را که بطور متوسط حدود پنج تا شش سال به طول می‌انجامد، گذرانده‌اند؛ برای نمونه، در کشور آلمان فارغ‌التحصیلان رشته روانشناسی بالینی مانند دیگر رشته‌های پزشکی پس از پایان دوره‌های تحصیلات تکمیلی و گذراندن دوره‌های تخصصی

افراد آنهم در شرایط کنونی ایران و با استفاده از عنوان «روان‌درمانگر» که در بسیاری از کشورهای پیشرفته از جمله آلمان محفوظ است، با برگزاری کارگاه‌های موفقیت و یا سمینارهای راز خوشبختی و تضمین موفقیت دست به جریحه‌دار کردن سلامت این حرفه زده‌اند.

هویت حرفه‌ای در روان‌درمانی: میان آرمان و واقعیت

به عنوان یکی از مهمترین مشکلات موجود در رشته روانشناسی در ایران، می‌توان به کاهش کیفیت آموزشی اشاره کرد. با توجه به استقبال روزافزون تحصیل در این رشته، بسیاری از دانشگاه‌ها در هر گوشه و نقاط مختلف کشور بدون داشتن اساتید مجرب و هیات علمی مناسب و کافی، پذیرای دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی کرده‌اند. این وضعیت حتی تا حد پذیرش در مقطع کاردانی (فوق دیپلم سابق) نیز پیش رفته است، در حالی که چنین مقطعی در هیچیک از کشورهای پیشرفته برای رشته روانشناسی وجود ندارد.

در پی آن با سلی از فارغ‌التحصیلان این رشته در همه مقاطع تحصیلی- کاردانی تا دکتری- بدون داشتن مهارت، دانش و آموزش کافی راهی بازار کار می‌شوند. همچنین شاهد انتشار کتاب‌های بی‌شماری هستیم که هیچگونه ارزش محتوایی ندارند و همچون ماسه‌های کنار دریا در بازار عرضه می‌گردند.

پذیرش نامتجانس در دوره‌های تحصیلات تکمیلی

چالش دیگر، رواج بی‌رویه پذیرش دانشجویان از رشته‌های غیرمرتبط در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری است. هرچند ادامه تحصیل، رشد و آگاهی قابل احترام است و چه بسا نیاز به کسب علم باعث رشد و توسعه فرد و همچنین جامعه می‌شود، اما این روند در سیستم آموزشی ایران قابل تأمل است؛ برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا از جمله کشور آلمان که امکان ادامه تحصیل در یک رشته غیرمرتبط با تخصص پایه وجود ندارد، در ایران چنین محدودیتی اعمال نمی‌شود. به عنوان مثال، شخصی که در مقطع کارشناسی در رشته‌هایی همچون حقوق و زبان و ادبیات فارسی، مهندسی، الهیات، علوم اجتماعی حتی دندانپزشکی تحصیل کرده، می‌تواند صرفاً به دلیل علاقه فردی یا محبوبیت اجتماعی، مستقیماً در مقطع کارشناسی ارشد و یا دکتری روانشناسی ادامه تحصیل دهد و در این حیطه مشغول به کار شود.

در این زمینه دو نکته قابل ذکر است: نخست آنکه با خواندن چند مطلب و یادگیری تکنیک‌های کاربردی در آزمون، می‌توان در آزمون ورودی موفق شد. دوم و مهمتر آنکه که آیا پس از گذراندن یک دوره دو ساله کارشناسی ارشد، فرد مهارت‌های لازم و توانایی مواجهه با پیچیدگی‌های روان‌درمانی را کسب خواهد کرد؟ بدون شک چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. زیرا چنین امری بدون پایه‌گذاری محکم در علوم پایه روانشناسی امکان ندارد.

چه بسا کسانی که با تبلیغات حرفه‌ای و یا دست یافتن به تعداد زیادی دنبال‌کننده (به اصطلاح فالور) به دلایل مختلفی از جمله شخصیت معروف (به اصطلاح سلبریتی بودن)، شهرت خانوادگی، زیبایی ظاهری، قدرت بیان و یا امکانات اجتماعی شروع به فعالیت در این حوزه می‌کنند، هرچند شاخصه‌های تعیین‌کننده برای فعالیت درمانی در حیطه را نداشته و یا به دست نیآورده‌اند.

به دنبال افزایش بدون حد و مرز فارغ‌التحصیلان این رشته و نبود چهارچوب‌های منطقی و استاندارد با کمی مبالغه می‌توان روزی شاهد آن بود که در هر خانواده ایرانی حداقل یک به اصطلاح روانشناس وجود داشته باشد! تا جایی که این روزها چه در دنیای مجازی و چه در دنیای حقیقی شاهد ارائه بدون مرز کلاس‌های خودشناسی، سمینارهای موفقیت،

وضعیت وخیم ایمنی در معادن زغال سنگ ایران



● با گذشت یک سال از انفجار مرگیار در معدن زغال سنگ «معدنچو» و وعده مسئولان برای بهبود ایمنی در معادن زغال سنگ، همچنان وضعیت این معادن ناایمن ارزیابی شده و خطر مرگ در یک قدمی معدنکارانی است که با حداقل حقوق و در شرایط دشوار مشغول به کار هستند.

● بر اساس آخرین آماری که در گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره معادن وجود دارد، ۱۰۰ معدن زغالسنگ در کل کشور فعال هستند که از این تعداد ۹۵ درصد به شکل سنتی اداره می‌شوند.

● در هشت ماه نخست سال ۱۴۰۳ دست‌کم ۱۵ حادثه مرگیار در معادن ایران رخ داده و دست‌کم ۶۸ معدنکار جان باخته‌اند.

یک سال پس از انفجار مرگیار در معدن زغال سنگ «معدنچو» بر اثر رعایت نشدن اصول ایمنی که سبب کشته شدن ده‌ها معدنکار شد، همچنان وضعیت معادن زغال سنگ در ایران «ناایمن» ارزیابی می‌شود.

شامگاه ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ وقوع انفجار در معدن زغال سنگ «معدنچو» در استان خراسان جنوبی به یکی از مرگبارترین حوادث معادن در ایران تبدیل شد. بر اساس آمارهای رسمی دست‌کم ۵۲ معدنکار در این انفجار کشته و ۲۲ تن دیگر مصدوم شدند. برخی از مصدومان با گذشت یک سال همچنان با مشکلات جسمی، معلولیت و حتی فراموشی و مشکلات روحی روبرو هستند.

پس از این انفجار که تنها چند هفته پس از آغاز به کار رسمی دولت چهاردهم جمهوری اسلامی رخ داد، احمد ممدی وزیر کار و دیگر مقامات دولت پزشکیان از برنامه‌های جدی برای ایمن‌سازی معادن خبر دادند.

اکنون با گذشت یک سال همچنان وضعیت معادن زغال سنگ ناایمن ارزیابی شده و خطر مرگ در یک قدمی معدنکارانی است که با حداقل حقوق و در شرایط دشوار مشغول به کار هستند.

بر اساس آخرین آماری که در گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره معادن وجود دارد، ۱۰۰ معدن زغالسنگ در کل کشور فعال هستند که از این تعداد ۹۵ درصد به شکل سنتی اداره می‌شوند. بسیاری از این معادن تجهیزات ایمنی از جمله مانیتورینگ مرکزی و سنسورهای گازسنج اتوماتیک ندارند یا تجهیزات آنها کار نمی‌کنند. فعالان کارگری می‌گویند اگر چه در برخی معادن زغال سنگ طی یک سال گذشته برخی تجهیزات نصب شده اما همچنان ایمنی در معادن زغال سنگ به سطح استاندارد نرسیده است.

در همین رابطه علی مقدسی‌زاده فعال کارگری در استان خراسان جنوبی به خبرگزاری «ایلنا» گفته «معدنچو تبدیل به یک ویت‌ترین شده که مسئولان پشت آن قایم می‌شوند و ادعا می‌کنند بیایید ببینید مانیتورینگ مرکزی نصب کردیم!» این فعال کارگری افزوده «وضعیت در سایر معادن زغال سنگ کشور همچنان بحرانی است. در معدنچو بعد از آن حادثه‌ی اول مهر پارسال که ۵۳ کارگر فوت شدند، مانیتورینگ مرکزی آوردند و دستگاه‌های گازسنجی نصب شده اما دیگر معادن سنتی در طبس و کشور، مانیتورینگ مرکزی و سنسورهای گاز ندارند.»

علی مقدسی‌زاده گفته «در شهرستان طبس ۲۲ معدن زغال سنگ فعال داریم ولی متأسفانه به جز دو سه شرکت،

گاز متان سبب مسمومیت دو کارگر شده بود اما باز هم مسئولان برای کنترل ایمنی و سنجش گاز متان اقدامی انجام نداده بودند.

حادثه در معادن زغال سنگ ایران طی سالهای گذشته کارگران زیادی را به کام مرگ کشانده است. انفجار در معدن زغال سنگ یورت در استان گلستان در اردیبهشت ۱۳۹۶ سبب کشته شدن ۴۳ معدنچی شد. چند ماه پس از این انفجار رئیس کل دادگستری استان گلستان اعلام کرد بر اساس جمع‌بندی گزارش کمیته حقیقت‌یاب، مقصر حادثه کارفرما بوده که نکات ایمنی را رعایت نکرده است.

اکنون با گذشت هشت سال از انفجار معدن زغال سنگ یورت، علی مقدسی‌زاده گفته «معدن زمستان یورت که زمانی ۴۳ کارگر آن بر اثر انفجار جان باختند، همچنان سنتی‌ست و تجهیزات ایمنی ندارد.»

حوادث در معادن زغال سنگ همچنان قربانی می‌گیرد. در هشت ماه نخست سال ۱۴۰۳ دست‌کم ۱۵ حادثه مرگیار در معادن ایران رخ داده و دست‌کم ۶۸ معدنکار جان باخته‌اند.

شهریورماه ۱۴۰۲، اجساد ۶ کارگر معدن زغال سنگ طرزه دامغان که بر اثر انفجار گاز و ریزش تونل، زیر آوار حبس شده بودند پس از ۹ ساعت از زیر آوار بیرون کشیده شد. در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ و در فاصله‌ای حدود ده روز، دو کارگر زغال سنگ به دلیل حادثه در محل کار کشته شدند. ریزش تونل در یکی از کارگاه‌های معدن اصلی زغالسنگ منطقه طغرالجرد شهرستان کوهبنان در استان کرمان جان یک کارگر را گرفت.

در حادثه دیگری در معدن زغالسنگ هشونی شهرستان کوهبنان کرمان، یکی از کارگران این معدن، در ۴۰ سالگی، جان خود را از دست داد.

بقیه سیستم مانیتورینگ ندارند و سنتی به همان روش دهه‌ها قبل کار می‌کنند» و تأکید کرده که «خطر در دو قدمی کارگران این معادن کمین کرده و هر لحظه ممکن است انفجاری مثل معدنچو رخ بدهد.»

اکثر فعالان کارگری معتقدند کارفرمایان به ویژه در معادن برای ایمنی هزینه نمی‌کنند. علی مقدسی‌زاده علت را «بالا بودن هزینه و پایین بودن قیمت زغال و البته تمایل نداشتن دولت و مجلس شورای اسلامی برای هزینه کردن برای معدنچیان زغال سنگ را می‌داند.

او همچنین افزوده «معدن سنتی ذغالسنگ آبست حوادث هستند و امروز و فردا، در خراسان، دامغان، خراسان یا طبس، دوباره شاهد مرگ دلخراش معدنچیان خواهیم بود؛ وضعیت معادن اسفبار است و ممکن است حادثه‌ای بسیار بزرگ‌تر از معدنچو اتفاق بیافتد.»

انفجار در معدن زغال سنگ «معدنچو» در پی نشت گاز رخ داد و تا پیش از انفجار گازسنجی به شیوه‌ی دستی انجام می‌شد؛ کارگران شیفت قبل، بوی گاز را متوجه شده و به سرکارگر و پیمانکار خبر داده بودند اما با تهدید روبرو شده و ناچار شده بودند به کار بازگردند.

پس از این حادثه اطلاعاتی درباره این معدن منتشر شد که نشان می‌داد مدیران آن به رعایت نکات ایمنی کاملاً بی‌اعتنا بوده و این معدن ضروری‌ترین ابزار ایمنی حتی آژیر خطر نیز نداشته است. نبود آژیر خطر سبب شده بود انفجار در تونل C معدن رخ دهد اما به علت آگاه نشدن کارگران مشغول به کار در تونل B آنها نیز دچار مسمومیت و مرگ شوند.

از سوی دیگر کارگران نیز لباس و کفش ایمنی مناسب نداشته و حتی از ماسک پزشکی به جای ماسک صنعتی استفاده می‌کردند.

بر اساس گزارش‌ها سه هفته پیش از این حادثه نیز افزایش

بیش از ۱۰۰۰ اعدام در سال جاری میلادی! رکوردی بی سابقه در سی سال گذشته



جنایات» در حقوق بین‌الملل نیست. ۴۶ سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر پس از رسیدگی در «دادگاه‌های انقلاب» صورت می‌گیرد که به محاکمات چند دقیقه‌ای بدون رعایت اصول دادرسی عادلانه شهره‌اند، دسترسی موثر به وکیل را سلب می‌کنند و آرای آنها بر مبنای اعترافات زیر شکنجه صادر می‌شود. دادگاه‌های بین‌المللی و هیئت‌های تحقیق سازمان ملل تصریح کرده‌اند که اعدام‌ها پس از محاکمات نمایی، از جمله علیه متهمان جرائم عادی، در صورتی که بطور سازمانیافته به عنوان ابزاری برای سرکوب به کار روند، می‌توانند جنایت علیه بشریت محسوب شوند.

با توجه به دامنه، عدم شفافیت و محرمانه بودن و کارکرد سیاسی اعدام‌ها، این برآورد جدی وجود دارد که این اعدام‌ها می‌توانند به عنوان مصادیق قتل، آزار و سایر رفتارهای غیرانسانی تحت ماده ۷ اساسنامه رم قرار بگیرند. طبق این ماده، جرائم مربوط به حقوق بین‌الملل جزایی، به ویژه جرائم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و جرائم تجاوز، در صورتی که شدید و قابل توجه و وخیم باشند می‌توانند توسط دیوان کیفری بین‌المللی مورد رسیدگی قرار بگیرند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، از ابتدای سال جاری تا کنون، ۵۰٪ از کل اعدام‌ها مربوط به «مواد مخدر»، ۴۳٪ «قتل عمد»، ۱٪ جاسوسی، ۳٪ محاربه و افساد فی الارض، ۳٪ «تجاوز به عنف» بوده است. از میان کل اعدام‌ها، تنها ۱۱٪ درصد از سوی رسانه‌های داخل ایران اعلام شده است. در این مدت، رسانه‌های داخل ایران و منابع رسمی، حتی یک اعدام با اتهام «مواد مخدر» را نیز اعلام نکرده‌اند.

تایید یک‌هزار اعدام شده است. دست‌کم ۶۴ اعدام تنها در هفته‌ای که گذشت ثبت شد؛ یعنی میانگین بیش از ۹ اعدام در روز! شایان ذکر است که این رقم حداقلی‌ست و به دلیل مشکلات و محدودیت‌های گزارشگری از ایران، گمان می‌رود که آمار حقیقی بیش از اینها باشد.

سازمان حقوق بشر ایران با اشاره به هشدارهای پیشین در مورد عزم حکومت برای هراس‌افکنی از طریق اعدام‌های گسترده در سراسر کشور، بار دیگر از جامعه جهانی می‌خواهد که برای جلوگیری از ادامه کشتار زندانیان در ایران واکنش مناسب نشان دهد. این سازمان با اشاره به گستردگی و استفاده ابزاری از اعدام برای مقاصد سیاسی، از جمله کنترل جامعه از طریق وحشت‌پراکنی، از کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌خواهد تا این اعدام‌ها را از لحاظ انطباق با مصادیق جنایت علیه بشریت بررسی کند.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران، در این‌باره گفت: «جمهوری اسلامی طی ماه‌های گذشته کشتاری گسترده را در زندان‌های ایران آغاز کرده که ابعاد آن در فقدان واکنش‌های جدی بین‌المللی هر روز وسیع‌تر می‌شود. اعدام‌های گسترده، بی‌رویه و بدون دادرسی عادلانه زندانیان مصداق جنایت علیه بشریت است و باید در صدر برنامه جامعه جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی قرار گیرد.» او تأکید کرد: «هیچ گفت‌وگویی بین کشورهای پایبند به مبانی حقوق بشر و جمهوری اسلامی بدون شامل‌کردن بحران اعدام در ایران، قابل قبول نیست.»

اکثر اعدام‌ها به اتهام‌های مرتبط با مواد مخدر و جرائمی اجرا شده‌اند که به هیچ وجه مصداق مفهوم «جدی‌ترین

● سازمان حقوق بشر ایران از یکم ژانویه ۲۰۲۵ تا امروز موفق به تایید یک‌هزار اعدام شده است. دست‌کم ۶۴ اعدام تنها در هفته‌ای که گذشت ثبت شد؛ یعنی میانگین بیش از ۹ اعدام در روز! شایان ذکر است که این رقم حداقلی‌ست و به دلیل مشکلات و محدودیت‌های گزارشگری از ایران، گمان می‌رود که آمار حقیقی بیش از اینها باشد.

● محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران، در این‌باره گفت: «جمهوری اسلامی طی ماه‌های گذشته کشتاری گسترده را در زندان‌های ایران آغاز کرده که ابعاد آن در فقدان واکنش‌های جدی بین‌المللی هر روز وسیع‌تر می‌شود. اعدام‌های گسترده، بی‌رویه و بدون دادرسی عادلانه زندانیان مصداق جنایت علیه بشریت است و باید در صدر برنامه جامعه جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی قرار گیرد.»

● با توجه به دامنه، عدم شفافیت و محرمانه بودن و کارکرد سیاسی اعدام‌ها، این برآورد جدی وجود دارد که این اعدام‌ها می‌توانند به عنوان مصادیق قتل، آزار و سایر رفتارهای غیرانسانی تحت ماده ۷ اساسنامه رم قرار بگیرند. طبق این ماده، جرائم مربوط به حقوق بین‌الملل جزایی به ویژه جرائم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، و جرائم تجاوز، در صورتی که شدید و قابل توجه و وخیم باشند می‌توانند توسط دیوان کیفری بین‌المللی مورد رسیدگی قرار بگیرند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، جمهوری اسلامی در کمتر از ۱۰ ماه که از سال جاری میلادی می‌گذرد، دست‌کم هزار تن را اعدام کرده است. سازمان حقوق بشر ایران از یکم ژانویه ۲۰۲۵ تا امروز موفق به

نارضایتی، فرسودگی شغلی و عدم تمایل به استخدام در میان پرستاران ایران



● آمارها نشان می‌دهد تمایل و اقدام برای مهاجرت در میان پرستاران از دیگر مشاغل در ایران بالاتر است و هر ساله هزاران پرستاران برای کار به دیگر کشورها، از ترکیه و عمان تا اروپا و کانادا و استرالیا مهاجرت می‌کنند.

● فشار کاری بالا و بی‌توجهی به مطالبات انسانی پرستاران سبب شده فرسودگی شغلی در میان پرستاران ایرانی بالاتر از میانگین جهانی باشد.

● محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار، خردادماه امسال اعلام کرد که «علاوه بر ترک شغل و تغییر شغل پرستارها، ما الان ۶۰ هزار پرستار در خانه نشسته داریم.» ● «اصلاح حکم پرستاران بر اساس نرخ تورم به ویژه حق شاغل، حق شغل، حق مسکن و حق ایاب و ذهاب؛ اصلاح مبلغ اضافه‌کاری بر اساس نرخ تورم، همچنین اجرای قانون «اضافه‌کار اختیاری» اصلی‌ترین خواسته پرستاران در ایران است که با بی‌تفاوتی وزارت بهداشت روبرو شده است.

● عاطفه معروفی، کارشناس سلامت: در بسیاری از بیمارستان‌ها یک پرستار موظف است هم‌زمان به ۱۰ تا ۱۵ بیمار رسیدگی کند، در حالی که استاندارد جهانی ۳ تا ۴ بیمار است. این شرایط نه تنها غیرانسانی بلکه خطرناک است و جان بیماران را تهدید می‌کند.

محمد زارعی پرستار و فعال حوزه سلامت به «تجارت نیوز» گفته «فشار کاری بالا و بی‌توجهی به مطالبات انسانی پرستاران منجر به فرسودگی شغلی و مشکلات روانی در بین آنها می‌شود. مطالعات نشان داده است که فرسودگی شغلی در میان پرستاران ایرانی به طور معناداری بالاتر از میانگین جهانی است.»

عاطفه معروفی، کارشناس سلامت نیز در گفتگو با «تجارت نیوز» تأکید کرده که «یکی از مهم‌ترین عوامل فشار کاری بر پرستاران، کمبود شدید نیروی انسانی است. در بسیاری از بیمارستان‌ها یک پرستار موظف است هم‌زمان به ۱۰ تا ۱۵ بیمار رسیدگی کند، در حالی که استاندارد جهانی ۳ تا ۴ بیمار است. این شرایط نه تنها غیرانسانی بلکه خطرناک است و جان بیماران را تهدید می‌کند.»

عاطفه معروفی افزوده «بی‌توجهی به پرستاران، ضربه‌ای مستقیم به نظام سلامت کشور است. وقتی نیروی اصلی ارائه خدمات درمانی احساس بی‌انگیزگی و نارضایتی دارد، عملاً کیفیت خدمات به بیماران افت می‌کند. پرستاری شغلی فرسایشی است و اگر پشتیبانی مالی و معنوی صورت نگیرد، موج مهاجرت و ترک شغل افزایش خواهد یافت.»

او افزوده که «پرستاران فقط کارکنان یک بیمارستان نیستند، آنها بخشی از سرمایه اجتماعی کشور به حساب می‌آیند. وقتی این سرمایه اجتماعی تضعیف شود، پیامدهای آن به کل جامعه برمی‌گردد. افزایش شکاف میان پرستاران و مسئولان به نارضایتی عمومی دامن می‌زند.»

این کارشناس با اشاره به اینکه «اگر سیاست‌گذاران حوزه سلامت به سرعت برای رفع مشکلات پرستاران اقدام نکنند، بحران کمبود نیرو، مهاجرت گسترده و افت کیفیت خدمات، سلامت عمومی جامعه را با خطرات جدی روبرو خواهد کرد» تأکید کرده که «پایداری نظام سلامت بدون رضایت و حمایت از پرستاران ممکن نیست. به بیان دیگر، توجه به خواسته‌های پرستاران سرمایه‌گذاری برای سلامت حال و آینده جامعه است.»

شهرهای بزرگ به ویژه تهران، ما با این مشکل مواجه هستیم که در دو یا سه دوره گذشته، تعداد داوطلبان برای استخدام در بیمارستان‌های تهران کاهش یافته است. علت این موضوع هم این است که تعداد فارغ‌التحصیلان تهرانی مایل به کار در حوزه پرستاری نسبت به ظرفیت تخت‌های بیمارستانی کمتر است.»

عباس عبادی افزوده «بنابراین عموماً از فارغ‌التحصیلان و بومی‌های شهرهای دیگر در گذشته برای کار در تهران جذب می‌شدند، اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور و نظام پرداختی که به اندازه کافی در تهران کفایت نمی‌کند، این روند تغییر کرده است. بر خلاف گذشته که همکاران پرستار به کار در تهران تمایل داشتند و از شهرستان‌ها به تهران می‌آمدند، اکنون این وضعیت در حوزه پرستاری معکوس شده است.»

مهاجرت پرستاران از ایران و جذب آنها در ساختار درمانی دیگر کشورها مرزهای هشدار را نیز رد کرده است؛ با این وجود وزارت بهداشت برای پاسخگویی به مطالبات پرستاران اقدامی انجام نمی‌دهد. احمد نجاتیان رئیس سازمان نظام پرستاری سال گذشته از صدور سالانه دو هزار گواهی گوداستدیندنگ (گواهی صلاحیت حرفه‌ای برای مهاجرت) برای پرستاران خبر داده است. این گواهی برای استخدام پرستاران در دیگر کشورها استفاده می‌شود اما نکته قابل توجه اینست که همه کشورها به این گواهی نیاز ندارند. بر این اساس فعالان صنفی پرستاری شمار پرستاران مهاجر را بیش از سه هزار نفر در سال برآورد می‌کنند.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی به وضعیت شغلی پرستاران در ایران پرداخته و نوشته فشار کاری بالا و بی‌توجهی به مطالبات انسانی پرستاران سبب شده فرسودگی شغلی در میان پرستاران ایرانی بالاتر از میانگین جهانی باشد.

این گزارش تأکید کرده بی‌توجهی به مطالبات پرستاران تنها مشکل یک قشر خاص نیست؛ بلکه به طور مستقیم بر کیفیت خدمات درمانی و سلامت جامعه اثر می‌گذارد.

کمبود پرستار در ساختار درمانی ایران به بیش از ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. سالانه هزاران پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند و شماری خانه‌نشین شده یا به مشاغل دیگری مانند رانندگی تاکسی مشغول می‌شوند. پرستاران شاغل نیز با نارضایتی، مطالبات انباشته صنفی و فرسودگی شغلی روبرو هستند. آمارها نشان می‌دهد تمایل و اقدام برای مهاجرت در میان پرستاران از دیگر مشاغل در ایران بالاتر است و هر ساله هزاران پرستاران برای کار به دیگر کشورها، از ترکیه و عمان تا اروپا و کانادا و استرالیا مهاجرت می‌کنند. بخش قابل توجهی از آن دسته از پرستارانی که به هر دلیل مهاجرت نمی‌کنند هم خانه‌نشین شده و یا به مشاغل دیگری از جمله رانندگی تاکسی روی می‌آورند.

محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار، خردادماه امسال اعلام کرد که «علاوه بر ترک شغل و تغییر شغل پرستارها، ما الان ۶۰ هزار پرستار در خانه نشسته داریم.» پرستاران شاغل نیز از وضعیت شغلی و درآمدی خود ناراضی هستند. بی‌اعتنایی به مطالبات صنفی پرستاران و تشدید مشکلات معیشتی در میان این قشر سبب تجمعات اعتراضی و اعتصاب پرستاران در بیمارستان‌های مختلف کشور در سه سال گذشته شده است.

«اصلاح حکم پرستاران بر اساس نرخ تورم به ویژه حق شاغل، حق شغل، حق مسکن و حق ایاب و ذهاب؛ اصلاح مبلغ اضافه‌کاری بر اساس نرخ تورم، همچنین اجرای قانون «اضافه‌کار اختیاری» اصلی‌ترین خواسته پرستاران در ایران است که با بی‌تفاوتی وزارت بهداشت روبرو شده است.

از سوی دیگر با وجود اینکه کمبود پرستار در ساختار درمانی ایران بیش از ۱۰۰ هزار نفر ارزیابی می‌شود، فارغ‌التحصیلان رشته پرستاری نیز تمایلی به استخدام ندارند. در همین رابطه عباس عبادی معاون پرستاری وزارت بهداشت به تازگی از عدم استقبال پرستاران از برنامه استخدامی اخیر وزارت بهداشت خبر داده و گفته «در

ادامه تلاطم بازارها به علت بازگشت تحریم‌ها؛ تلاش دولت برای «عادی‌نمایی» شرایط غیرعادی!



● هر دلار آمریکا در صبح دوشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۰۶ هزار و ۳۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد و دیگر ارزهای رایج در بازار ایران نیز با افزایش قیمت روبرو هستند.

● هر سکه طلا به قیمت بی‌سابقه ۱۰۴ میلیون تومان رسیده است. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۹ میلیون و ۶۳۳ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش رسید.

بازار ارز و طلا همچنان متأثر از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه قرار دارند. کارشناسان هشدار می‌دهند با بازگشت تحریم‌ها شوک تورمی به اقتصاد کشور وارد و خروج سرمایه از اقتصاد ایران سرعت می‌گیرد. هر دلار آمریکا در صبح دوشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۰۶ هزار و ۳۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد که به معنای افزایش شش هزار تومان در کمتر از یک هفته گذشته است.

هر یورو ۱۲۴ هزار و ۸۱۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۴۳ هزار و ۲۴۰ تومان، هر درهم امارات ۲۸ هزار و ۹۴۰ و هر لیر ترکیه ۲۵۷۰ تومان معامله شد.

در بازار طلا نیز روند افزایشی قیمت‌ها ادامه دارد و هر سکه طلا به قیمت بی‌سابقه ۱۰۴ میلیون تومان رسیده است. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۹ میلیون و ۶۳۳ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش رسید. دولت و بانک مرکزی همچنان بر ادعای بی‌اثر بودن بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بر اقتصاد ایران اصرار دارند و همه توان خود را به کار گرفته‌اند تا روند افزایش قیمت در بازار ارز و طلا را معکوس و فشار فروش در بازار بورس را کاهش دهند. افزایش شاخص بورس در روز دوشنبه با ورود ۲۴۰ میلیارد تومان پول به بازار سهام، و پس از دو روز ریزش عمیق در روزهای شنبه و یکشنبه، یکی از اقدامات دولت برای نشان دادن «وضعیت عادی» در شرایط غیرعادی ناشی از بازگشت دوباره تحریم‌ها است! بازار بورس ایران در ۴۵ دقیقه آغاز فعالیت در روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ با ریزش حدود ۳۰ هزار واحدی روبرو شد و ۹۵ درصد نمادها منفی شدند. در ادامه فعالیت بازار، شاخص کل بورس با سقوط ۵۱ هزار واحدی به سطح ۲ میلیون و ۵۴۲ هزار واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با سقوط ۸ هزار واحدی روبرو شد. روز یکشنبه نیز بازار بورس ایران روند منفی را طی کرد و شاخص کل در این روز ۳۸ هزار و ۲۴۷ واحد ریزش کرد و به رقم دو میلیون و ۵۰۴ هزار و ۳۴۷ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز روز گذشته ۷۹۴۱ واحد ریزش کرد و در عدد ۷۷۳ هزار و ۸۶۳ واحد ایستاد.

بر خلاف تلاش دولت برای کنترل بازار بورس، برزو حق‌شناس کارشناس بازار سرمایه معتقد است «در کوتاه‌مدت می‌توان با تزریق حمایت‌های نقدی و مالی از سوی بازارساز، بازار را از سقوط نجات داد. این اقدامات می‌تواند آثار منفی اولیه را جمع و جور کند» اما «حتی اگر در میان‌مدت شرایط بهبود یابد، در بلندمدت تحریم‌ها اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و ریسک‌های سیستماتیک افزایش می‌یابد.»

برزو حق‌شناس معتقد است «سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز خواهند بود و این موضوع باعث تشدید خروج سرمایه از بازار سرمایه خواهد شد.»

این کارشناس بازار سرمایه تأکید کرده «در نهایت بازار سرمایه تحت تأثیر تحریم‌ها و سیاست‌های دولت و بانک مرکزی قرار خواهد گرفت و مدیریت درست این سیاست‌ها

نقش کلیدی در کاهش آثار منفی دارد.»

حمید میرمعینی کارشناس بازار سرمایه نیز معتقد است که «با توجه به نزدیک شدن مهلت فعال شدن مکانیسم ماشه، بازار سرمایه، ارز و طلا نسبت به این قضیه واکنش‌هایی نشان دادند که طبیعی است. به هر حال فعال شدن مکانیسم ماشه محدودیت‌های بیشتری در زمینه تجاری سیاسی و نظامی برای ایران ایجاد خواهد کرد و این محدودیت‌ها باعث خواهد شد اوضاع از هر نظر بدتر شود؛ بنابراین طبیعی است که قیمت دلار افزایش پیدا کند و خوش‌بینی‌ها نسبت به بهبود آینده اقتصادی و رفع مشکلات، از بین برود.»

وبسایت «تجارت نیوز» نیز با اشاره به ریزش‌ها در بازار سرمایه در شرایطی که هنوز چند روز تا بازگشت رسمی تحریم‌ها باقی‌مانده، نوشته فعال‌سازی مکانیسم ماشه می‌تواند بورس را به سمت رکود تاریخی سوق دهد. از سوی دیگر، دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های حمایتی مانند تزریق نقدینگی هدفمند به بازار سرمایه، تضمین شفافیت در معاملات و ارائه بسته‌های حمایتی برای شرکت‌های بورسی، فشار روانی را کاهش داده و اعتماد سرمایه‌گذاران را بازگرداند.

حمید میرمعینی افزود «پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم و تشدید تحریم‌ها، قیمت دلار به شکل قابل توجهی افزایش یابد و تا پایان سال به سطوح بی‌سابقه‌ای برسد. البته این پیش‌بینی در شرایط عدم وقوع جنگ است و اگر درگیری نظامی رخ دهد، احتمال افزایش شدیدتر قیمت‌ها وجود دارد. از سوی دیگر، اگر تنش‌ها کاهش یابد و توافقی حاصل شود، رشد قیمت دلار تا حدی کنترل شده و نرخ ارز متعادل‌تر خواهد شد. کاهش تحریم‌ها دسترسی به منابع ارزی را تسهیل کرده و به کاهش نرخ ارز کمک خواهد کرد.»

برخی از مقامات و کارشناسان حکومتی تلاش دارند نشان دهند بازگشت تحریم‌های سازمان ملل اثر چندانی بر اقتصاد ایران نخواهد داشت. یکی از توجیه‌ها اینست که

افزایش قیمت ارز اگر چه آثار تورمی دارد اما در آنسو سبب تحریک صادرات و افزایش سود حاصل از صادرات خواهد شد. موضوعی که از سوی کارشناسان اقتصادی رد می‌شود. حمید میرمعینی در اینباره توضیح داده که «علیرغم اینکه قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند و شرکت‌های صادراتی در نگاه اول سود می‌کنند ولی به تدریج، مشکلات ناشی از فشارهای تحریمی مانع صادرات شرکت‌ها می‌شود؛ بنابراین ریسک سیستماتیک سرمایه‌گذاری در بورس افزایش پیدا می‌کند. همچنین بحران‌های ناترازی هم افزایش پیدا کرد که همه اینها نشان از افت بیشتر بازار سرمایه دارد.»

ناتوانی حکومت در تدوین و اجرای برنامه‌های کارآمد برای کاهش اثرات تحریم نیز از دیگر مسائلی است که مورد توجه حمید میرمعینی قرار گرفته است. او گفته «تاکنون در هیچ برهه‌ای از تنگناهای اقتصادی و دوره‌های تحریم، سیاست درستی که با هدف بهبود اوضاع تدوین شده باشد را در هیچ دولتی ندیده‌ایم. همه دولت‌ها عمدتاً سیاست قیمت‌گذاری دستوری و تعیین نرخ ارز، تعیین نرخ سود بانکی، وضع تعرفه‌های وارداتی و صادراتی را در پیش گرفتند که با مشکلات زیادی همراه بوده و هیچگاه سیاست گذاری درستی نبوده است. شرایط دشوار اقتصادی و سیاسی که اکنون می‌گذرانیم، ناشی از سیاست گذاری‌های غلط گذشته است.» این کارشناس هشدار داده «با وجود بحران‌هایی که دولت دارد، مخصوصاً ناترازی انرژی، نمی‌توان انتظار داشت کار خاصی را بتواند انجام دهد. ولی اگر بخواهند شدت مشکلات پس از تحریم‌ها را بکاهند چند راهکار وجود دارد که می‌توان به کاهش کسری بودجه و جلوگیری از ریخت و پاش در دولت، تأمین منابع مالی برای جبران کسری بودجه از محل‌های درست، تعیین و تکلیف ناترازی بانک‌ها، بحث صندوق‌های بازنشتی، کاهش قیمت‌گذاری دستوری و مشوق‌هایی برای شرکت‌های تولیدی اشاره کرد. این راهکارها می‌توانند یک مقدار از بار مشکلات را کاهش دهند ولی فکر نکنم دولت بتواند کاری انجام دهد.»

یک جامعه‌شناس: مهاجرت ایرانیان نتیجه فروپاشی امید، بی‌ثباتی اقتصادی و ناکارآمدی ساختاری است



مثل حق مسکن و عائله‌مندی، دستمزدها در بسیاری موارد نصف خط فقر هم نیست. کارگران می‌بینند که برای همان تخصص در کشورهای همسایه سه تا چهار برابر حقوق می‌گیرند و طبیعی است که مهاجرت کنند. مسئولین هم متأسفانه خواب هستند.»

سمیه گلپور همچنین گفته «کارگران ساختمانی که به کشورهای مثل عراق می‌روند سه‌چهار برابر ایران درآمد دارند. یک کارگر حرفه‌ای ساختمان در عراق می‌تواند ماهانه دویست تا سیصد میلیون تومان کار می‌کند، در حالی که اینجا حتی با بالاترین مهارت‌ها هم به چنین رقمی نمی‌رسد. درواقع شروع این سیاست‌گذاری اشتباه از شورای عالی کار است که اعداد اشتباهی را عمداً یا سهواً مصوب [تصویب] می‌کند.»

جدا از مهاجرت به خارج از ایران، بحران‌های اقتصادی سبب افزایش جابجایی جمعیتی در کشور شده است؛ شماری از شهروندان از شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند اما گسترده‌تر از آن، طی سال‌های گذشته و در پی افزایش هزینه اجاره‌های مسکن مهاجرت از شهرها به محله‌های حاشیه‌ای نیز افزایش یافته است.

پرویز اجلالی در اینباره گفته «این موضوع دو وجه دارد؛ اگر مردم به شهرک‌های طراحی‌شده با زیرساخت مثل اندیشه یا هشتگرد بروند، به رشد آن مناطق کمک می‌کنند. ولی اگر به نقاط فاقد آب، برق و خدمات رانده شوند، همان حاشیه‌نشینی قدیمی تکرار می‌شود.»

او تأکید کرده که «مردم برای کیفیت فرهنگی یا امکانات تفریحی به این شهرک‌ها نمی‌روند؛ دلیل اصلی توان مالی است. اجاره و خرید خانه در تهران سرسام‌آور شده است. خانواده‌ها جایی را انتخاب می‌کنند که بتوانند اجاره بپردازند یا خانه‌ای تهیه کنند.»

پیچیده و تخصصی می‌خوانند، اما وقتی وارد محیط کار می‌شوند، می‌بینند از آن دانش استفاده نمی‌شود. کارهای ابتدایی بهشان می‌سپارند یا از آنها می‌خواهند کارهایی انجام دهند که هیچ تناسبی با تخصص‌شان ندارد. گاهی حتی رئیس‌شان کمترین آشنایی با کار حرفه‌ای ندارد و این تحصیلکرده باید برای مدیری کار کند که شایستگی لازم را ندارد.»

پرویز اجلالی همچنین با اشاره به وضعیت دشوار معیشتی و شغلی کارگران توضیح داده که مدت‌هاست صنایع به کارگران منظم حقوق نمی‌دهند یا به تعدیل [اخراج] نیرو پرداخته‌اند. اخیراً هم بعد از جنگ ۱۲ روزه، خیلی از کارخانه‌ها تمام‌وقت کار نمی‌کنند، نیرو کم کرده‌اند، حقوق درست نمی‌دهند و کار را به پیمانکار می‌سپارند تا با قراردادهای موقت و حقوق پایین کارگر بگیرند.

او افزوده «کارگران بیکار می‌شوند و برای گذران زندگی دستفروشی می‌کنند. خیابان‌های شهرها پر از دستفروش شده است. بسیاری از دستفروشان کارگرانی هستند که از کارخانه‌ها بیرون مانده‌اند. فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هم بیکارند. اینها همه ریشه در مشکلات اقتصادی دارد؛ مهاجرت این گروه‌ها دلیل اقتصادی ندارد. هیچکس از ایران نمی‌رود که صرفاً در اروپا قدم بزند یا هنر رنسانس ببیند؛ همه به دنبال معیشت بهتر هستند.»

سمیه گلپور رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگری نیز به تازگی با اشاره به افزایش شمار کارگرانی که برای کار به کشورهای همسایه مهاجرت می‌کنند گفته ریشه این کوچ گسترده «کاملاً اقتصادی» است و دستمزدهای نصف خط فقر کارگران را راهی کشورهای همسایه کرده است.

این فعال کارگری توضیح داده «حداقل دستمزد طبق ماده ۴۱ قانون کار باید متناسب با سبد معیشت و نرخ تورم تعیین شود، اما این اتفاق نمی‌افتد. حتی با مزایایی

● پرویز اجلالی جامعه‌شناس درباره علت گسترده شدن موج مهاجرت با بیان اینکه «رابطه مستقیمی میان سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و مهاجرت وجود دارد» گفته «تا اقتصاد تکان نخورد، موج مهاجرت ادامه دارد.»
● «ما امروز نسلی از فارغ‌التحصیلان با سطح علمی خوب داریم که تا مرز ۴۰ سالگی رسیده‌اند، اما هرگز شغل مناسبی پیدا نکرده‌اند و تجربه نشان داده هر جا بروند، موقعیت‌های شغلی مطلوبی به دست می‌آورند.»
● «برای خیلی از جوان‌های تحصیلکرده، مشکل فقط کمبود شغل نیست، بلکه کیفیت کار هم آزاردهنده است. از آنها می‌خواهند کارهایی انجام دهند که هیچ تناسبی با تخصص‌شان ندارد. گاهی حتی رئیس‌شان کمترین آشنایی با کار حرفه‌ای ندارد و این تحصیلکرده باید برای مدیری کار کند که شایستگی لازم را ندارد.»

در حالی که گزارش‌ها همچنان بر موج صعودی مهاجرت ایرانیان از کشور تأکید دارند، یک جامعه‌شناس می‌گوید که مهاجرت امروز داستان رؤیای اروپا یا جذابیت هنر رنسانس نیست؛ داستان فشار اقتصادی است که از تحصیلکرده‌های بیکار تا کارگران روزمزد را وادار به کوچ می‌کند.

پرویز اجلالی جامعه‌شناس و مدیر گروه جامعه‌شناسی شهر انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفتگو با وبسایت «اقتصادنیوز» درباره علت گسترده شدن موج مهاجرت با بیان اینکه «رابطه مستقیمی میان سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و مهاجرت وجود دارد» گفته «تا اقتصاد تکان نخورد، موج مهاجرت ادامه دارد.»

به عقیده این جامعه‌شناس «ماجرای ساده است؛ مثل فشار آزمونی (گذر زندگی) است. هر جا کار و فعالیت و پول باشد، آدم‌ها به آنسو حرکت می‌کنند. اقتصاد ایران عملاً در وضعیت رکود و متوقف مانده؛ تورم بالا و رکود تورمی شدید و بیکاری به شکل گسترده، به ویژه در میان تحصیلکرده‌ها، بیداد می‌کند.»

پرویز اجلالی گفته «ما امروز نسلی از فارغ‌التحصیلان با سطح علمی خوب داریم که تا مرز ۴۰ سالگی رسیده‌اند، اما هرگز شغل مناسبی پیدا نکرده‌اند، به‌خصوص همانهایی که جدی‌تر درس خوانده بودند. این گروه بخش مهمی از مهاجران فعلی را تشکیل می‌دهد و تجربه نشان داده هر جا بروند، موقعیت‌های شغلی مطلوبی به دست می‌آورند.»
این جامعه‌شناس با اشاره به کاهش کیفیت آموزش در ایران طی سال‌های گذشته گفته «مؤسسات آموزش عالی، برای بقا ناچارند هر سال با هر معدل و سطحی دانشجو بپذیرند؛ حتی در مقطع دکتری که اغلب اعتبار علمی آن زیر استاندارد است. نتیجه این چرخه، انبوهی از فارغ‌التحصیلان است، چه آنهایی که تحصیلات باکیفیت داشته‌اند و چه کسانی که آموزش ضعیف دیده‌اند که در نهایت گروه زیادی از آنها در ایران بیکار می‌مانند. وقتی به خارج می‌روند، حتی آنهایی که پایه علمی ضعیف‌تری دارند، به سرعت مهارت‌های لازم را یاد می‌گیرند و خود را تطبیق می‌دهند و عمدتاً موفق می‌شوند.»

به گفته این جامعه‌شناس «برای خیلی از جوان‌های تحصیلکرده، مشکل فقط کمبود شغل نیست، بلکه کیفیت کار هم آزاردهنده است. آنها سال‌ها در دانشگاه رشته‌های

رشد اقتصادی در بهار امسال منفی شد؛ منفی ۰/۱ درصد با نفت، منفی ۰/۴ درصد بدون نفت



● بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ با احتساب نفت ۰/۱ درصد و بدون نفت ۰/۴ درصد نسبت به دوره مشابه سال گذشته کاهش یافته است.

● به نظر می‌رسد بخشی از رشد منفی ۲/۷ درصدی در بخش کشاورزی ناشی از تداوم خشکسالی باشد و بخشی نیز به سیاست‌های نادرست وزارت جهاد کشاورزی از جمله محدودیت‌های ایجاد شده در تأمین و واردات نهاده‌های کشاورزی و دامی مربوط باشد.

● گروه صنایع و معادن نیز با رشد منفی ۰/۳ درصدی روبرو شده است. کاهش رشد صنعت نیز ارتباط مستقیم با بحران انرژی و جیره‌بندی گسترده برق در بخش صنعت دارد.

● رشد اقتصادی منفی ۰/۱ درصدی در بهار امسال در شرایطی ثبت شده که در برنامه پنج ساله هفتم توسعه جمهوری اسلامی که سال دوم آن در حال سپری است، رشد اقتصادی ۸ درصدی هدف‌گذاری شده است.

● با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه مسیر تجارت خارجی مسدود خواهد شد و دولت پزشکیان نمی‌تواند در دومین سال از برنامه پنج ساله هفتم توسعه به هدف رشد اقتصادی ۸ درصدی نزدیک شود.

توسعه در حرکت است. اینهمه در حالیست که با بن‌بست مذاکرات هسته‌ای و فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، مسیر تجارت خارجی مسدود خواهد شد و به نظر نمی‌رسد دولت پزشکیان در دومین سال از برنامه پنج ساله هفتم توسعه نیز بتواند به هدف رشد اقتصادی ۸ درصدی نزدیک یا حتی در مسیر رسیدن به این رشد فعال شود.

یکی از نخستین اقدامات برای افزایش رشد اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری است اما ریسک‌های بالای موجود در اقتصاد ایران و ایجاد شرایط جنگی- تحریمی در ماه‌های گذشته سبب شده نه تنها جذب سرمایه‌گذاری در کشور رخ ندهد بلکه فرار سرمایه از اقتصاد نیز سرعت گرفته است. پیش‌بینی می‌شود روند خروج سرمایه در هفته‌ها و ماه‌های آینده سرعت بیشتری نیز پیدا کند.

در همین رابطه علیرضا کیانی رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران هشدار داده فعال شدن بازگشت تحریم‌ها با فعال شدن مکانیسم ماشه موج جدیدی از تورم به همراه خواهد داشت و خروج سرمایه از کشور را افزایش می‌دهد.

علیرضا کیانی گفته «با تداوم سرکوب نرخ ارز، تجارت و تولیدکنندگان بیشتری از گردونه خارج شده و خروج سرمایه افزایش می‌یابد».

رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران با اشاره به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل گفته «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بحران اخیر تشدید اختلال در گردش پول و سرمایه در کشور است. به عبارت روشن‌تر نه تنها بخش خصوصی به منابع دسترسی کافی ندارد بلکه انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مجدد هم مشاهده نمی‌شود.»

جیره‌بندی برق در بخش صنعتی از اواخر خردادماه آغاز می‌شد اما امسال بلافاصله پس از پایان تعطیلات نوروزی جیره‌بندی برق در بخش صنعت آغاز و به سرعت تشدید شد. از خردادماه امسال شهرک‌های صنعتی با قطع سه شبانه‌روز برق در هفته روبرو شدند.

داده‌های ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در میان سه بخش اصلی اقتصاد، یعنی صنعت، خدمات و کشاورزی فقط بخش خدمات رشد بسیار جزیی مثبت ثبت کرده است. رقم رشد اقتصادی این بخش ۰/۵ درصد اعلام شده که اگرچه مثبت است اما همچنان با ارقام هدف‌گذاری شده از سوی دولت فاصله زیادی دارد.

هرچند این رشد بسیار محدود است، اما نشان می‌دهد تقاضای داخلی در حوزه خدمات همچنان در مقایسه با کشاورزی و صنعت وضعیت بهتری دارد.

بر اساس محاسبات مرکز آمار، ارزش افزوده اقتصاد در سه‌ماهه نخست ۱۴۰۴ به ۲۴ هزار و ۲۷۰ هزار میلیارد ریال با نفت و ۱۸ هزار و ۶۴ هزار میلیارد ریال بدون نفت رسیده است. این در حالیست که در مدت مشابه سال گذشته، این ارقام به ترتیب ۲۴ هزار و ۳۰۲ هزار میلیارد ریال و ۱۸ هزار و ۱۴۳ هزار میلیارد ریال بوده است.

رشد اقتصادی منفی ۰/۱ درصدی در بهار امسال در شرایطی ثبت شده که در برنامه پنج ساله هفتم توسعه جمهوری اسلامی که سال دوم آن در حال سپری است، رشد اقتصادی ۸ درصدی هدف‌گذاری شده است.

قابل توجه اینکه رشد اقتصادی در زمستان ۱۴۰۳ نیز از سوی مرکز آمار ایران مثبت ۲/۵ درصد عنوان شده بود. کاهش نرخ رشد اقتصادی به منفی ۰/۱ درصد در بهار امسال نشان می‌دهد دولت در مسیر عکس رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی هدف‌گذاری شده در برنامه هفتم

مرکز آمار ایران گزارش جدیدی از حساب‌های ملی منتشر کرده که نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشور چه در بخش غیرنفتی و چه با احتساب نفت منفی شده است.

گزارش تازه مرکز آمار ایران از حساب‌های ملی نشان می‌دهد اقتصاد ایران در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ با کاهش تولید روبرو شده است.

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ با احتساب نفت ۰/۱ درصد و بدون نفت ۰/۴ درصد نسبت به دوره مشابه سال گذشته کاهش یافته است.

جزئیات رشد بخشی اقتصاد حاکی از آن است که گروه کشاورزی در بهار امسال با رشد منفی ۲/۷ درصدی بیشترین کاهش را ثبت کرده است.

به نظر می‌رسد بخشی از رشد منفی ۲/۷ درصدی در بخش کشاورزی ناشی از تداوم خشکسالی باشد و بخشی نیز به سیاست‌های نادرست وزارت جهاد کشاورزی از جمله محدودیت‌های ایجاد شده در تأمین و واردات نهاده‌های کشاورزی و دامی مربوط باشد که در مجموع سبب کاهش بهره‌وری و تولید در بخش کشاورزی شده است.

در بخش دیگری از گزارش مرکز آمار ایران آمده که گروه صنایع و معادن نیز با رشد منفی ۰/۳ درصدی روبرو شده است. کاهش رشد صنعت نیز ارتباط مستقیم با بحران انرژی و جیره‌بندی گسترده برق در بخش صنعت دارد.

بیشتر نیز فعالان بخش‌های مختلف صنعت از کاهش شدید تولید و خسارت سنگین به واحدهای صنعتی در پی جیره‌بندی گسترده برق خبر داده بودند. در سال‌های گذشته

گسترده شدن ابعاد خرید نسبه و قسطی؛ از سیب‌زمینی و مواد شوینده تا دفتر مشق!



خانواده نیاز به قسط‌بندی باشد، مفهوم «فقیرتر شدن» ملموس‌تر از هر زمان دیگری می‌شود و زنگ خطر فقر غذایی به صدا درمی‌آید.

خریدگری «مهر» نوشته در واکنش به قیمت‌های سرسام‌آور گوشت قرمز و خطر حذف کامل آن از سبد غذایی خانواده‌های ایرانی، حتی بعضی نهادهای دولتی دست به کار شده‌اند. طرح‌های آزمایشی برای عرضه اینترنتی گوشت یارانه‌ای، تلاشی است برای رساندن این محصول با قیمتی مناسب‌تر به دست مصرف‌کنندگان؛ اما این راهکارها، بیشتر شبیه به مُسکنی موقت عمل می‌کنند تا درمانی ریشه‌ای!

امسال حتی خرید اقساطی نوشت‌افزار نیز با تقاضای گسترده خریداران روبرو بوده است و به علت افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در این بازار فروشندگان نیز مدل‌های خرید قسطی برای مجموعه ضروری نوشت‌افزار را طراحی و اجرا کرده‌اند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که متوسط هزینه خرید لوازم مدرسه برای یک دانش‌آموز ابتدایی، حدود ۳ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان است؛ رقمی معادل ۳۰ درصد از حقوق پایه کارگری؛ این یعنی یک ماه کار، فقط برای چند قلم نوشت‌افزار!

همچنین خانواده‌ای که دو دانش‌آموز دارد باید فقط برای کیف و نوشت‌افزار فرزندان خود حدود ۱۰ میلیون تومان هزینه کند. در کنار هزینه نوشت‌افزار، هزینه‌های دیگری مانند کتاب درسی، شهریه ثبت‌نام در مدرسه، لباس فرم و هزینه سرویس هم جزو هزینه‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای والدین است.

تأمین این هزینه‌ها به صورت یک‌جا، برای بسیاری از اقشار جامعه از جمله حقوق‌بگیران دشوار است و به همین دلیل پلتفرم‌های آنلاین نیز فروش اقساطی لوازم التحریر را به عنوان گزینه‌ای برای مصرف‌کنندگان در دستور کار

برای نمونه خرید گوشت و مرغ کاهش و مصرف مواد شکم‌پرکن مثل ماکارونی افزایش پیدا کند اما به هر حال مواد خوراکی از سبد مصرفی خانوار حذف نمی‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد اکثر خانوارها حتی برای تأمین هزینه کالاهای ضروری و غیر قابل حذف از سبد مصرفی، مثل مواد خوراکی و دارو و نوشت‌افزار فرزندان، هم با بحران روبرو هستند. همین موضوع خرید قسطی را در ابعاد گسترده‌ای افزایش داده است.

افزایش تقاضا برای خرید قسطی مواد غذایی و مواد شوینده سبب شده این شیوه فروش حتی از فضای سنتی و محدود مغازه‌های محله، به بستر گسترده و دسترس‌پذیر پلتفرم‌های دیجیتال و آنلاین کشیده شود.

در همین رابطه خریدگری «مهر» گزارش داده با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی، می‌توان با ده‌ها سایت و پلتفرم مواجه شد که از انواع لباس و لوازم التحریر گرفته تا گوشت، مرغ، برنج و سایر اقلام ضروری خانوار را به صورت اقساطی و اغلب با شعار فریبده «بدون نیاز به چک و ضامن» در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهند.

این تحول، در نگاه اول ممکن است راهکاری برای مدیریت فشارهای مالی به نظر برسد؛ اما در حقیقت، نشانه‌ای آشکار از ضعف مفرط توان اقتصادی جامعه و ناگزیری خانواده‌ها برای قسط‌بندی حتی کوچک‌ترین هزینه‌های زندگی است.

این گزارش افزوده تصورش شاید چند سال پیش دور از ذهن بود، اما امروز دیگر خرید گوشت و مرغ به صورت اقساطی، به واقعیتی ملموس تبدیل شده است! بسیاری از سایت‌ها و پلتفرم‌های آنلاین، این اقلام پروتئینی را با گزینه پرداخت اعتباری عرضه می‌کنند. این پدیده به تنهایی عمق شرایط نامساعد اقتصادی و فشار بی‌امان بر سفره خانوارها را نشان می‌دهد. وقتی حتی برای تأمین پروتئین ضروری

● در هفته‌ای که گذشت قیمت گوشت قرمز روند افزایشی پیش را ادامه داده و قیمت هر کیلو گوشت گوساله به بیش از یک میلیون تومان رسیده است.

● طی شش روز، هر دبه ماست دو کیلو گرمی یکی از برندها از حدود ۲۳۹ هزار تومان به حدود ۲۵۰ هزار تومان رسیده است. همچنین یک بسته خامه ۱۰۰ گرمی از ۳۳ هزار تومان به ۳۵ هزار تومان افزایش یافته است.

● در این هفته هر بسته تخم مرغ ۲۰ عددی با بسته بندی فروشگاه‌ای که ۱۲۷ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود به ۱۴۷ هزار تومان افزایش یافته و هر بسته ۳۰ عددی نیز با مبلغ ۱۷۵ هزار تومان به فروش می‌رسد.

● افزایش تقاضا برای خرید قسطی مواد غذایی و مواد شوینده و دیگر کالاهای ضروری سبب شده این شیوه فروش حتی از فضای سنتی و محدود مغازه‌های محله، به بستر گسترده و دسترس‌پذیر پلتفرم‌های دیجیتال و آنلاین کشیده شود.

● امسال حتی خرید اقساطی نوشت‌افزار نیز با تقاضای گسترده خریداران روبرو بوده است و به علت افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در این بازار فروشندگان نیز مدل‌های خرید قسطی برای مجموعه ضروری نوشت‌افزار را طراحی و اجرا کرده‌اند.

افزایش بدون وقفه قیمت‌ها و کاهش شدید قدرت خرید شهروندان سبب شده خرید قسطی مایحتاج روزانه در ابعاد گسترده‌ای رواج پیدا کند. شهروندان از سیب‌زمینی و تخم‌مرغ تا دفتر مشق و مداد فرزندان خود را به صورت قسطی و نسبه خریداری می‌کنند.

رصد بازار کالاهای اساسی نشان می‌دهد قیمت‌ها بدون وقفه در حال افزایش است. در هفته‌ای که گذشت قیمت گوشت قرمز روند افزایشی پیش را ادامه داده و قیمت هر کیلو گوشت گوساله به بیش از یک میلیون تومان رسیده است.

افزایش قیمت لبنیات در برخی فرآورده‌ها همچنان ادامه دارد. به عنوان مثال هر دبه ماست دو کیلو گرمی یکی از برندها از حدود ۲۳۹ هزار تومان به حدود ۲۵۰ هزار تومان رسیده است. همچنین یک بسته خامه ۱۰۰ گرمی از ۳۳ هزار تومان به ۳۵ هزار تومان افزایش یافته است.

همچنین در این هفته هر بسته تخم مرغ ۲۰ عددی با بسته بندی فروشگاه‌ای که ۱۲۷ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود به ۱۴۷ هزار تومان افزایش یافته و هر بسته ۳۰ عددی نیز با مبلغ ۱۷۵ هزار تومان به فروش می‌رسد.

آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره تورم امرداد هم نشان می‌داد مواد غذایی در صدر جدول افزایش قیمت‌ها در دومین ماه تابستان قرار داشته است. امرداد امسال تورم ماهانه در برخی کالاهای خوراکی به بیش از ۷ درصد رسیده که افزایش بی‌سابقه‌ای است.

در آنسو مصرف‌کنندگان اگر بتوانند برخی کالاها مانند پوشاک و لوازم خانگی را به علت گرانی از سبد مصرفی خود حذف کنند اما مواد خوراکی از جمله کالاهای غیرقابل حذف از سبد مصرفی هستند.

اگرچه گرانی در کنار کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان سبب شده الگوی تغذیه بسیاری از خانوارها تغییر کند و

قرار داده‌اند.

نخستین شلیک دردناک مکانیسم ماشه بر بازارهای بورس، ارز و طلا



● بازار بورس ایران در ۴۵ دقیقه آغاز فعالیت در روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ با ریزش حدود ۳۰ هزار واحدی روبرو شد و ۹۵ درصد نمادها منفی شدند.

● این بازار در روز شنبه با ریزش ۵۱ هزار واحدی به کار خود پایان داد و رقمی معادل ۱۱۹۸ میلیارد تومان نقدینگی از از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد.

● شاهین چراغی عضو شورای عالی بورس مدعی شده: «فعال شدن اسنپ‌بک اثر مستقیمی بر بورس ندارد» و «عملکرد شرکت‌های بورسی تحت تأثیر نرخ بهره و نرخ ارز قرار دارد و نه تحریم‌ها».

با فعال شدن مکانیسم ماشه و آغاز روند بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بازارهای بورس، ارز و طلا به این موضوع واکنش نشان دادند. بازار بورس در نخستین روز کاری پس از فعال شدن مکانیسم ماشه با ریزش ۵۱ هزار واحدی روبرو شد. بازار بورس ایران در ۴۵ دقیقه آغاز فعالیت در روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ با ریزش حدود ۳۰ هزار واحدی روبرو شد و ۹۵ درصد نمادها منفی شدند.

در ادامه فعالیت بازار، شاخص کل بورس با سقوط ۵۱ هزار واحدی به سطح ۲ میلیون و ۵۴۲ هزار واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با سقوط ۸ هزار واحدی روبرو شد. همچنین رقمی معادل ۱۱۹۸ میلیارد تومان نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. موضوعی که به گفته تحلیلگران «نشان‌دهنده جابجایی سرمایه‌ها به بازارهای موازی و بی‌اعتمادی بخشی از سهامداران به ابزارهای کم‌ریسک است».

ریزش بازار بورس در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه در حالیست که همزمان شاهین چراغی عضو شورای عالی بورس مدعی شده: «فعال شدن اسنپ‌بک اثر مستقیمی بر بورس ندارد» و «عملکرد شرکت‌های بورسی تحت تأثیر نرخ بهره و نرخ ارز قرار دارد و نه تحریم‌ها».

علیرضا خان‌محمدی تحلیلگر ارشد بازارهای مالی نیز در یادداشتی در روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته «بورس تهران در آستانه فشارهای بین‌المللی بر بازار سرمایه ایران بار دیگر در نقطه‌ای حساس ایستاده است؛ نقطه‌ای که نه تنها از تحولات درونی اقتصاد، بلکه از ضرب‌آهنگ سیاست بین‌الملل نیز تحت تأثیر می‌پذیرد». این یادداشت افزوده «در شرایط بی‌ثباتی، سرمایه‌گذاران حقیقی معمولاً به دارایی‌های امنی مانند ارز و طلا پناه می‌برند. آنها ریسک‌گریزتر عمل کرده و به نقدشوندگی بالا بیش از پیش اهمیت می‌دهند».

در ادامه این یادداشت آمده است: در مقابل سرمایه‌گذاران حقوقی و نهادهای مالی با دید بلندمدت و بر پایه تحلیل بنیادی، در صورت مشاهده نشانه‌هایی از اصلاح ساختاری همچون حذف قیمت‌گذاری دستوری یا واقعی‌سازی نرخ ارز حاضر به حمایت از بازار خواهند بود. این شکاف رفتاری میان حقیقی‌ها و حقوقی‌ها می‌تواند در کوتاه‌مدت نوسانات شدیدی را رقم بزند.

همزمان در بازارهای ارز و طلا نیز در واکنش به فعال شدن مکانیسم ماشه قیمت‌ها از بامداد شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ افزایش یافت.

قیمت دلار از بامداد تا نیمروز شنبه با ۲۲۰۰ تومان افزایش به ۱۰۲ هزار و ۸۰۰ تومان رسید و همچنان روند قیمت دلار

وبسایت دیده‌بان ایران امرداد امسال در گزارشی به قسطی شدن زندگی اکثر شهروندان پرداخته و به نقل از یکی از شهروندان نوشته بود: «تا سال گذشته کفش، لباس و وسایل خانه مانند سشوار یا اتو را از یکی از درگاه‌های اینترنتی به‌صورت قسطی خریداری کرده بودم، اما امسال این روند فراتر رفت و مجبور شدم اقلامی چون پودر لباسشویی، گوشت، مایع ظرفشویی و حتی وایتکس را نیز قسطی تهیه کنم».

این شهروند گفته بود مواد شوینده خریداری‌شده برای حداقل سه ماه مصرف یک خانواده دو نفره کافی است و او ماهانه ۸۰ هزار تومان بابت اقساط آن پرداخت می‌کند. یکی از فروشندگان همکار اسنپ‌مارکت نیز با تأکید بر اینکه «مشکلات اقتصادی مهمترین عامل افزایش تقاضا برای خرید قسطی است» گفته بود «در دو ماه اخیر، فروش اقساطی کالاهای مصرفی و خوراکی در فروشگاه‌های آنلاین افزایشی چشمگیر داشته است. هر چند آمار دقیقی از میزان استقبال وجود ندارد، بر اساس مراجعات متعدد برای پرسوجو درباره این سرویس، می‌توان گفت شمار استفاده‌کنندگان تقریباً دو برابر شده است».

یکی دیگر از شهروندان هم گفته بود «یک فروشگاه پروتئینی نزدیک محل کار ما برای کارمندان طرح فروش اقساطی گوشت و مرغ راه‌اندازی کرده است. پرداخت‌ها از طریق دفتر حساب فروشگاه به‌صورت ماهانه انجام می‌شود. علاوه بر این، در سوپرمارکت محله هم دفتری مشابه وجود دارد که برای خریدهای قسطی استفاده می‌کنیم».

یکی از شرکت‌های ارائه‌دهنده فروش آنلاین کالا هم در تبلیغات خود آورده «امکان خرید قسطی مواد غذایی با فعال‌سازی سرویس اعتباری تا سقف مشخصی از اعتبار، بدون نیاز به ضامن یا چک، در چهار قسط و بدون سود از فروشگاه‌های طرف قرارداد فراهم است».

شهروند دیگری گفته «همین‌قدر بگویم که هیچ‌وقت اوضاع به بدی ماه‌های اخیر نبوده است. حتی در دوران کرونا هم با وجود همه مشکلات، مردم هنوز توان خرید داشتند و کاسبی تا این اندازه کساد نشده بود. اما حالا اوضاع به‌گونه‌ای است که خانواده‌ها برای تهیه ابتدایی‌ترین نیازهای روزمره مثل ماکارونی و پنیر هم دچار مشکل شده‌اند. این وضعیت مربوط به کسانی است که تا چند سال پیش چرخ زندگی‌شان می‌چرخید و دخل‌وخرج‌شان با هم می‌خواند، اما امروز گاهی پول خرید یک بطری شیر را هم ندارند».

به گفته این شهروند «فرقی نمی‌کند چه کسی باشد؛ از بچه مدرسه‌ای‌ها گرفته تا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، هیچ کس پول ندارند و این مسئله در رفتار و خریدهای روزانه مردم کاملاً آشکار است».

اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد خرید قسطی در شرایط گرانی، مانع از قطع دسترسی شهروندان به کالاهای ضروری می‌شود اما این شیوه برای کالاهای ضروری روزانه پیامدهایی هم دارد. نخست آنکه شهروندانی که ارزش درآمدهای آنها به سرعت در حال سقوط است، غالباً امنیت شغلی ندارند، و با چشم‌انداز مبهم اقتصادی و سیاسی حتی برای کوتاه‌مدت روبرو هستند را در گرداب بدهکاری دائمی غرق می‌کنند.

از سوی دیگر قسطی شدن نیازهای اولیه شکاف اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. خانواده‌هایی که توان پرداخت نقدی دارند، بدون تحمل فشار روانی خرید می‌کنند اما در آنسو بخش بزرگی از جامعه همواره درگیر موعود پرداخت اقساط و نگرانی از ناتوانی در پرداخت اقساط هستند.

در بازار افزایشی است. هر یورو ۱۲۰ هزار و ۷۱۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان، هر درهم امارات ۲۸ هزار تومان، و هر لیر ترکیه ۲۵۰۰ تومان معامله شد. در بازار طلا نیز قیمت‌ها در حال افزایش است بطوری که ظهر شنبه هر سکه کامل طلا ۹۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، و هر گرم طلای ۱۸ عیار ۹ میلیون و ۱۹۰ هزار و ۲۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد. کارشناسان معتقدند افزایش قیمت طلای ۱۸ عیار از مرز ۱۰ میلیون تومان و افزایش قیمت سکه طلا به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان طی روزهای آینده و با توجه به فعال شدن مکانیسم ماشه بسیار بالا است. همچنین پیش‌بینی شده قیمت دلار نیز به بیش از ۱۰۵ هزار تومان افزایش پیدا کند. نادر بذرافشان رئیس پیشین اتحادیه طلا و جواهر هم احتمال کاهش شدید قیمت‌ها را بسیار پایین توصیف و پیش‌بینی کرد که ممکن است قیمت‌ها به صورت افزایشی تغییر کنند، اما کاهش نخواهند داشت.

روزنامه «خراسان» نیز در مطلبی با اشاره به اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران «کنترل نرخ ارز» را راهکار کاهش اثرات منفی بازگشت تحریم‌ها ارزیابی کرده است.

در این مطلب آمده «یک عامل مهم در رشد تولید و تورم اقتصاد ایران، نرخ حقیقی ارز است و از طرفی عامل مسلط تغییر در نرخ حقیقی ارز، ارزش حقیقی صادرات نفتی است» و «از این رو برای حفظ ثبات حساب جاری و روند نرخ ارز لازم است اولاً ارزش صادرات نفتی حفظ شود».

هاتف شاملو، کارشناس اقتصادی، اما تأکید دارد که فعال شدن مکانیسم ماشه سبب تداوم افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا خواهد شد.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده «بازار تا چهارم مهرماه که تکلیف مکانیسم ماشه روشن شود، در همین کانال نوسان خواهد داشت و بعد از آن می‌توان با قطعیت بیشتری درباره مسیر قیمت‌ها صحبت کرد».

تشکیل «دیرهنگام» ستاد مدیریت بحران فرونشست



و یک روز بعد نیز فرونشستی با عمق هفت متر در خیابان لاله شهر اصفهان ایجاد و سبب آسیب به شبکه فاضلاب شد. همزمان مهدی جمالی‌نژاد استاندار اصفهان اعلام کرد میزان فرونشست سالیانه در برخی مناطق این استان به ۱۵ تا ۱۸ سانتی‌متر رسیده است.

استاندار اصفهان وضعیت فرونشست در این شهر را نیز بحرانی توصیف کرد و گفت «۹ ایستگاه اصلی مترو اصفهان، ۲۷۴ فلکه اصلی آتش‌نشانی، ۳۲۸ مسجد، ۳۷ کتابخانه، سه بیمارستان اصلی، یک هتل و ۲۵۸ مدرسه در پهنه بالای فرونشست است».

مهدی جمالی‌نژاد همچنین گفته ۷۰ تا ۸۰ مدرسه نیز به علت فرونشست تخلیه شدند که بسیاری از آنها به علت تشدید فرونشست تخریب شدند.

فرونشست در دیگر نقاط ایران نیز مرزهای بحران را هم رد کرده و فراتر رفته است. رضا شهبازی مدیر کل سابق مرکز زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی منطقه شمال شرق کشور درباره وضعیت بحرانی فرونشست در استان تهران اعلام کرد «اطراف فرودگاه بین‌المللی «امام» شکاف‌های عمیقی در زمین پدیدار شده است. یکی از ساکنان کهریزک در جنوب تهران گفته دیوارهای خانه ما در طول پنج سال گذشته چندین بار ترک خورده است، اول فکر می‌کردیم به دلیل ساخت و ساز مترو است، اما همسایه‌ها می‌گویند، زمین دارد پایین می‌رود».

بر اساس داده‌های مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرداری ایران، دشت جنوب و جنوب غربی تهران با نرخ متوسط سالانه ۲۵ تا ۲۷ سانتیمتر، یکی از بالاترین نرخ‌های فرونشست در جهان را تجربه می‌کند، این رقم در برخی مناطق خاص، مانند دشت ورامین، حتی به ۳۶ سانتیمتر در سال نیز می‌رسد، که شش برابر میانگین جهانی محسوب می‌شود.

رضا شهبازی، هشدار داده «وضعیت فرونشست به حدی بحرانی است که باید از عبارت «فاجعه ملی» استفاده کنیم».

رضا صالحی امیری درباره نگرانی‌هایی که درباره فرونشست زمین در برخی استان‌ها به ویژه در استان اصفهان وجود دارد و آسیب جدی این پدیده به بناهای تاریخی و میراثی، گفته «مدتی قبل یک گزارشی در خصوص این موضوع در دولت ارائه دادم، فرونشست موضوع میراث فرهنگی نیست اما تأثیر فرونشست در بناهای تاریخی و میراث فرهنگی مسئله ماست».

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همچنین گفته «برای این موضوع جمع‌بندی و جلسات کارشناسی داشتیم. همکاران من در اصفهان، شیراز و تهران جلسات مشترک با سازمان محیط زیست داشتند. گزارشی که به دولت ارائه کردیم، گزارش نگران‌کننده‌ای بود و در آن نسبت به تأثیر فرونشست و پیامدش بر بناهای تاریخی و میراثی ابراز نگرانی شده بود».

پدیده فرونشست که به علت مدیریت ناکارآمد و ویران‌کننده منابع آبی از سوی جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی مرزهای بحران را رد کرده، حالا به تهدیدی علیه حیات شهرهای مختلف ایران و جان میلیون‌ها شهروند تبدیل شده است.

فرونشست در شهرهایی مانند تهران، کرمان، یزد، اصفهان، اهواز با سرعتی شتابان در حال گسترش است و برخی مناطق سالانه بیش از ۲۰ سانتی‌متر فرونشست ثبت شده است. اگر چه در سالهای گذشته فرونشست دشت‌های ایران را متأثر کرده بود اما حالا این پدیده به درون شهرها کشیده شده و خیریهایی درباره ریزش بخشی از خیابان‌ها یا منازل مسکونی در شهرهای درگیر با این پدیده منتشر می‌شود. در شهریورماه امسال طی یک هفته سه فرونشست در محدوده مرکزی شهر اصفهان ایجاد شد. روز دوشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۴ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، یک فرونشست در خیابان بهارستان اصفهان ایجاد شد. روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه هم فرونشستی با عمق ۱۵ متر و عرض شش متر در خیابان هشت بهشت اصفهان ایجاد شد

● رضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ از مصوبه دولت برای تشکیل ستادی با موضوع مدیریت بحران فرونشست به ریاست معاون اول مسعود پزشکیان خبر داد.

● پدیده فرونشست که به علت مدیریت ناکارآمد و ویران‌کننده منابع آبی از سوی جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی مرزهای بحران را رد کرده، حالا به تهدیدی علیه حیات شهرهای مختلف ایران و جان میلیون‌ها شهروند تبدیل شده است.

● مهدی جمالی‌نژاد استاندار اصفهان اعلام کرد میزان فرونشست سالیانه در برخی مناطق این استان به ۱۸ سانتی‌متر رسیده و «۹ ایستگاه اصلی مترو اصفهان، ۲۷۴ فلکه اصلی آتش‌نشانی، ۳۲۸ مسجد، ۳۷ کتابخانه، سه بیمارستان اصلی، یک هتل و ۲۵۸ مدرسه در پهنه بالای فرونشست است».

● مهدی زارع استاد پژوهشکده زمین‌شناسی هشدار داده «وقوع فروچاله‌ها در اصفهان و تهران از جمله جدی‌ترین و نگران‌کننده‌ترین نشانه‌های بحران محیط زیستی و زیرساختی در ایران است».

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از مصوبه دولت برای تشکیل ستاد مدیریت بحران فرونشست به ریاست محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور خبر داده است.

رضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی روز شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴ از مصوبه دولت برای تشکیل ستادی با موضوع مدیریت بحران فرونشست به ریاست محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان خبر داد.

وزیر ارشاد افزوده همه دستگاه‌ها از جمله وزارت نیرو، وزارت راه و سازمان محیط‌زیست و وزارت ارشاد و میراث فرهنگی در این ستاد ذریبط هستند.

این فرد نزدیک به پریوش مسلمی در ادامه گفتگو با کیهان لندن توضیح داد که این زندانی سیاسی از هرگونه خدمات پزشکی و درمانی محروم مانده آنهم در حالی که خدمات پزشکی و اعزام درمانی زندانیان در زندان قرچک به صورت گزینشی است و برای همه یکسان نیست. بنابراین مسئولیت به خطر افتادن سلامتی و جان این زندانی بر عهده مسئولین زندان خواهد بود.

به گفته وی، پریوش مسلمی از تاریخ ۱۴ تیر ۱۴۰۳ پیش از گذراندن دوران نقاهت جراحی سرطان مثانه و ۱۰ جلسه شیمی درمانی به زندان منتقل شد و می بایست تحت درمان و معاینه پزشک متخصص قرار داشته باشد که پس از چند ماه، تحمل حبس، با تاروی چشم و مراجعه به پزشک متخصص، متوجه دو تومور در غده هیپوفیز شد که کاملاً بینایی او را تحت تأثیر قرار داده بود و می بایست به بیمارستان فارابی جهت تشخیص میزان از بین رفتن بینایی اش اعزام می شد تا پزشک غدد از تومور نمونه برداری کند که این کار تا کنون انجام نشده است.

این عضو نزدیک به خانواده پریوش مسلمی تأکید کرد: «در طول این مدت چند ماه انتظار برای اعزام به مرکز درمانی، بینایی پریوش مسلمی کمتر شده و با اینکه کم کاری

پریوش مسلمی زندانی سیاسی: اعزام درمانی زندانیان در زندان قرچک به صورت گزینشی است

● پریوش مسلمی در ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ از سوی دادگاه انقلاب تهران در مجموع به اتهام «اجتماع و تبانی» و «اهانت به رهبری» و «تبلیغ علیه نظام» به سه سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد.

● یک فرد نزدیک به پریوش مسلمی در گفتگو با کیهان لندن توضیح داد که این زندانی سیاسی از هرگونه خدمات



پریوش مسلمی

شدید تیربوتید هم دارد باید آزمایش هورمون بدهد و به گفته پزشک باید از سینه هایش ماموگرافی و سونوگرافی انجام شود و تومورهای سینه وی درمان شود و پس از پاتوبیولوژی و تست سرطان که مشکوک به سرطان رحم است، می بایست عمل جراحی رحم هم بر او انجام شود.

پریوش مسلمی در ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ از سوی دادگاه انقلاب تهران در مجموع به سه سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد. به اتهام «اجتماع و تبانی» به دو سال زندان و همچنین به اتهام «اهانت به رهبری» به یک سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به هشت ماه حبس محکوم شد.

وی در ۱۷ تیرماه ۱۴۰۳، پس از مراجعه به دادرسی اوین بازداشت و سپس به بند زنان زندان اوین منتقل شد.

این زندانی سیاسی پیشتر در فروردین سال ۱۴۰۳ نیز توسط نیروهای امنیتی در شهر نور استان مازندران بازداشت شده بود. او پس از سه روز از یکی از بازداشتگاه های امنیتی این شهر آزاد شد. همچنین او در شهریورماه ۱۴۰۲، همزمان با سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی، از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و پس از گذشت یک ماه، با قرار تامین کیفری از زندان قرچک ورامین آزاد شد.

پزشکی و درمانی محروم مانده آنهم در حالی که خدمات پزشکی و اعزام درمانی زندانیان در زندان قرچک به صورت گزینشی است و برای همه یکسان نیست.

● به گفته وی، پریوش مسلمی از تاریخ ۱۴ تیر ۱۴۰۳ پیش از گذراندن دوران نقاهت جراحی سرطان مثانه و ۱۰ جلسه شیمی درمانی به زندان منتقل شد و می بایست تحت درمان و معاینه پزشک متخصص قرار داشته باشد که پس از چند ماه، تحمل حبس، با تاروی چشم و مراجعه به پزشک متخصص، متوجه دو تومور در غده هیپوفیز شد که کاملاً بینایی او را تحت تأثیر قرار داده بود و می بایست به بیمارستان فارابی جهت تشخیص میزان از بین رفتن بینایی اش اعزام می شد تا پزشک غدد از تومور نمونه برداری کند که این کار تا کنون انجام نشده است.

یکی از نزدیکان پریوش مسلمی زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک در گفتگو با کیهان لندن خبر داد که با وجود چندین بیماری خطرناک و مشکل تنفسی این زندانی سیاسی که از سوی کادر درمان زندان اوین هم تأیید شده است، مسئولین زندان قرچک با وجود گذشت سه ماه، برای اعزام اورژانسی او هیچ اقدامی نکرده اند.

➔ مهدی زارع زلزله شناس و استاد پژوهشکده زلزله شناسی نیز همزمان با اعلام خبر تشکیل «دیرهنگام» ستاد مدیریت فرونشست در دولت، در گفتگو با خبرگزاری «رکنا» گفته «دلایل ایجاد فروچاله ها در شهرها مختلف است. فرونشست زمین اصلی ترین دلیل زمینه ساز است. این پدیده مخرب، بستر و زیرساخت زمین را برای فروچاله ها آماده می کند.»

او افزوده «حفر تونل های مترو تسریع کننده و محرک فروچاله هاست. ساخت مترو در بستر مستعد فرونشست - مانند موارد اصفهان و تهران- مانند یک عامل فشار اضافه عمل می کنند. زیرسازی ناکافی و فرسوده تشدیدکننده فروچاله هاست.»

این استاد زمین شناسی با تأکید بر اینکه پروژه های عظیم عمرانی مانند مترو، در شرایطی که زمین از قبل به دلیل فرونشست ضعیف شده، مانند یک شوک بزرگ عمل می کنند توضیح داده که «حفر تونل ها و ایستگاه های مترو، تعادل فشارهای درون لایه های زمین را به هم می زند. ماشین آلات حفاری و انفجارها (در روش های سنتی) لرزش های زیادی ایجاد می کنند که می تواند خاک های سست شده را تخریب کند.»

مهدی زارع افزوده در بسیاری از پروژه های حفاری مترو، برای جلوگیری از نفوذ آب، چاه های زهکشی حفر می شوند و آب اطراف تونل را تخلیه می کنند و «این کار دقیقاً همان عاملی است که باعث فرونشست می شود و آن را در مقیاس کوچک تر و موضعی تر تشدید می کند. بنابراین اگر حفاری مترو بدون مطالعات دقیق زمین شناسی و ژئوتکنیک و در مناطقی با پتانسیل بالای فرونشست با حفره های زیرزمینی انجام شود، می تواند به صورت مستقیم باعث ریزش ناگهانی و ایجاد فروچاله در سطح شهر شود.»

به عقیده مهدی زارع «شبکه های قدیمی انتقال آب و فاضلاب در بسیاری از شهرهای ایران، عامل مستقیم و محلی ایجاد فروچاله هستند. لوله های فرسوده و ترک خورده دائماً در حال نشت آب هستند.»

استاد پژوهشکده زلزله شناسی گفته «این آب به تدریج خاک اطراف لوله را شسته و با خود به داخل فضای خالی زیر زمین می برد. این فرآیند شستشو، به مرور زمان یک حفره یا «حفره ی کارستی» در زیر سطح خیابان و پی ساختمان ها ایجاد می کند. اگر این نشت آب در منطقه ای رخ دهد که از قبل به دلیل برداشت بی رویه آب های زیرزمینی دچار فرونشست و خالی شدگی شده، سرعت و شدت ایجاد حفره چندین برابر می شود. بارش های شدید و باران های ناگهانی و سیلابی، عامل نهایی و محرک ریزش فروچاله ها هستند.

او همچنین گفته «آب باران به داخل ترک ها و حفره های از قبل تشکیل شده در زیر زمین نفوذ می کند. با افزایش وزن و روان سازی آب، خاک باقیمانده در سقف حفره ها را سنگین تر و روان تر می کند. وقتی مقاومت خاک به دلیل اشباع شدن از آب و وزن زیاد از حد تحمل آن کمتر شود، سقف حفره فرو می ریزد و فروچاله به صورت ناگهانی ظاهر می شود.»

مهدی زارع هشدار داده «وقوع فروچاله ها در اصفهان و تهران از جمله جدی ترین و نگران کننده ترین نشانه های بحران محیط زیستی و زیرساختی در ایران است.»

او افزوده «در حالی که دلیل مهم در هر دو شهر پدیده فرونشست زمین است، اما زمینه ها، عوامل تشدیدکننده و تظاهرات آن در این دو کلانشهر تفاوت هایی دارد. اصفهان به دلیل قرارگیری بر روی دشت رسوبی بسیار حاصلخیز و همچنین خشکی زاینده رود، به کانونی برای تشکیل فروچاله های بزرگ و چشمگیر تبدیل شده است.»

مدیر پیشین بانک مرکزی درباره فعال شدن مکانیسم ماشه: دولت سیاست و توانی برای مدیریت بازارها ندارد



● فاطمه مهاجرانی با این ادعا که «دولت واقف است بر فشاری که به مردم به خصوص اقشار آسیب‌پذیر وارد می‌شود» گفته «موضوعات معیشتی مردم و من جمله کالابریک در دستور کار دولت قرار دارد و همه تلاش خود را می‌کند که آثار سوء کمتری بر زندگی مردم حاکم باشد».

● یوسف کاووسی مدیر پیشین بازرسی بانک مرکزی معتقد است «دولت سیاست و توانی برای مدیریت بازار ندارد. مانند این است که دست یکی را ببندید و بگویید که شنا کن!».

● دولت مسعود پزشکیان طی یک سال گذشته که همچنان امیدی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات داشت و هنوز کشور در شرایط جنگی قرار نگرفته بود و مکانیسم ماشه هم فعال نشده بود، نتوانست سیاست‌های اقتصادی کارآمدی را اجرایی کند و بحران‌های اقتصادی در این مدت تشدید شد.

● کارشناسان معتقدند با فعال شدن مکانیسم ماشه بخش‌های مختلف اقتصاد بیش از پیش دچار التهاب شده و بحران‌های اقتصادی از جمله رکود تورمی تشدید می‌شود. همچنین قیمت ارز با فراز تندی افزایش یافته و ارزش پول ملی باز هم بیشتر سقوط خواهد کرد که معنایی جز کاهش قدرت خرید خانوارها ندارد.

تحریم‌های سازمان ملل با فعال شدن مکانیسم ماشه قرار است از پنجم مهرماه بطور رسمی بازگردند. طی روزهای گذشته بازارهای مختلف به این موضوع واکنش نشان داده و بار دیگر دچار التهاب شده‌اند. با وجود ادعای دولت درباره داشتن برنامه‌هایی برای رویارویی با تحریم‌ها یک مدیر پیشین بانک مرکزی گفته دولت سیاست و توانی برای مدیریت بازارها ندارد.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در نشست خبری روز سه‌شنبه اول مهرماه مدعی شده «از نظر ایران مکانیسم ماشه یک مکانیسم غیرقانونی است ولی به هر حال ابعاد روانی گسترده‌ای دارد».

سخنگوی دولت پزشکیان گفته «دولت برنامه‌ریزی‌هایی انجام داده است اولاً به شدت دستگاه دیپلماسی دارد تلاش می‌کند که از فعال شدن آن جلوگیری بکند».

فاطمه مهاجرانی با این ادعا که «دولت واقف است بر فشاری که به مردم به خصوص اقشار آسیب‌پذیر وارد می‌شود» گفته «موضوعات معیشتی مردم و من جمله کالابریک در دستور کار دولت قرار دارد و همه تلاش خود را می‌کند که آثار سوء کمتری بر زندگی مردم حاکم باشد».

این در حالیست که دولت مسعود پزشکیان طی یک سال گذشته که همچنان امیدی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات داشت و هنوز کشور در شرایط جنگی قرار نگرفته بود و مکانیسم ماشه هم فعال نشده بود، نتوانست سیاست‌های اقتصادی کارآمدی را اجرایی کند و بحران‌های اقتصادی در این مدت تشدید شد.

اکنون، کارشناسان معتقدند با فعال شدن مکانیسم ماشه بخش‌های مختلف اقتصاد بیش از پیش دچار التهاب شده و بحران‌های اقتصادی از جمله رکود تورمی تشدید می‌شود. کارشناسان همچنین معتقدند قیمت ارز با فراز تندی افزایش یافته و ارزش پول ملی باز هم بیشتر سقوط خواهد کرد که معنایی جز کاهش قدرت خرید خانوارها ندارد.

مانند از سرگیری مذاکره با آمریکا یا تعلیق همکاری با آژانس رخ دهد، دوباره با بازار بازی می‌شود؛ یعنی ما مدام در خوف و رجا هستیم و هیچ چیز قابل پیش بینی نیست».

با اینهمه یوسف کاووسی «مسلم» دانسته که «با اوجی که دلار و طلا گرفته‌اند و اونس جهانی هم بالا رفته است، این احتمال وجود دارد که در همین یکی دو ماه دلار ۱۲۵ هزار تومانی را تجربه کنیم. در ادامه ممکن است اتفاقات دیگری رخ دهد که قابل پیش بینی نیست و بستگی به عملکرد تصمیم‌گیران دارد».

این کارشناس اقتصادی درباره اثر بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بر بازار سهام نیز گفته «قطعاً اثر منفی دارد چرا که وقتی قطعنامه‌ها بازگردد، صادرات و برگشت پول هم محدود می‌شود. هیچ بندری کشتی‌های ما را نمی‌پذیرد و سوخت به هواپیماهای ما داده نمی‌شود. درواقع صادرات تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. در شرایط عادی اگر قیمت دلار بالا برود، بورس هم رشد می‌کند ولی در این شرایط ممکن است عکس آن عمل کند».

مدیر کل اسبق بازرسی بانک مرکزی در پاسخ به این پرسش که «در شرایط بازگشت تحریم‌ها سیاست اقتصادی دولت برای مقابله با آثار منفی که به بازارها وارد خواهد شد، چه باید باشد؟» گفته «دولت سیاست و توانی برای مدیریت بازار ندارد. مانند این است که دست یکی را ببندید و بگویید که شنا کن!».

یوسف کاووسی افزوده «مهمترین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد این است که یک متمم دهد و بودجه امسال را اصلاح و بریز و بیاش‌ها را محدود کند. همچنین برای سال آینده بودجه نهادهای موازی و معافیت‌های مالیاتی را حذف یا کم کند. همه این نهادهای فرهنگی بودجه‌های کلانی را دریافت می‌کنند که مورد رضایت مردم نیست. بیشتر کسری‌های دولت هم مربوط به همین نهادهای بودجه خور است؛ یعنی اگر قرار است اصلاحی هم صورت گیرد از اینجا باید شروع شود».

اگر چه پیشنهادات و راهکارهایی برای اینکه دولت چگونه بتواند در برابر تحریم‌ها مقاومت کند مطرح شده است اما به نظر نمی‌رسد دولت پزشکیان توانایی اتخاذ و اجرای تصمیمات اورژانسی مورد نظر کارشناسان را داشته باشد.

یوسف کاووسی کارشناس مسائل اقتصادی و مدیر پیشین بازرسی بانک مرکزی درباره وضعیت قیمت ارز با فعال شدن مکانیسم ماشه گفته تلاش‌های بانک مرکزی در همین روزهای گذشته هم برای کنترل قیمت ارز ناکام مانده است: «الان هم بازارساز ورود کرده است ولی بیش از این در توانش نیست و نمی‌تواند بازار را کنترل کند».

این کارشناس اقتصادی گفته «وقتی بازگشت قطعنامه‌ها این همه بار منفی دارد ولی عده‌ای از مسئولان به دروغ می‌گویند هیچ تاثیری ندارد، معلوم است که مردم باور نمی‌کنند و هجومشان به بازار بیشتر می‌شود. اگر صداقت در کار باشد و بگویند بازگشت قطعنامه‌ها مشکلات را به همراه دارد و همکاری کنید، ممکن است مردم مانند دوران جنگ همراهی کنند».

در حالی که قیمت دلار در سه روز آخر شهریورماه و در واکنش به خبر قطعی فعال شدن مکانیسم ماشه تا ۱۰۶ هزار و ۳۰۰ تومان افزایش یافت اما از عصر روز ۳۱ شهریور با کاهش جزئی روبرو شد و امروز سه‌شنبه اول مهرماه نیز افزایش قیمتی در بازار ارز رخ نداد.

یوسف کاووسی درباره علت عقب‌نشینی قیمت دلار طی امروز و دیروز گفته «بانک مرکزی دارد تلاش را می‌کند ولی تلاش موفقی نیست. اینکه قیمت‌ها مقداری روز دوشنبه پایین آمد به دلیل زمزمه‌های رفتن آقای پزشکیان به سازمان ملل، ملاقات آقای عراقچی با اروپایی‌ها و گمانه‌زنی رسانه‌ها مبنی بر امکان دیدار آقای پزشکیان با ترامپ است. این اخبار کمی به بازار فضا داده است ولی اگر او دست خالی برگردد، قطعاً دلار نرخ‌های بالاتری را نیز تجربه خواهد کرد».

مدیر کل اسبق بازرسی بانک مرکزی افزوده «اگر اتفاقی

هشدار یک اقتصاددان:

تاب‌آوری اقتصاد ایران به پایان خط نزدیک می‌شود

کشور به مراتب بدتر از وضعیت فعلی خواهد شد. طی روزهای گذشته تحلیلگران اقتصادی متعددی نسبت به بحرانی‌تر شدن شرایط اقتصاد کشور پس از فعال شدن مکانیسم ماشه هشدار داده‌اند.

تحلیلگران معتقدند فعال شدن مکانیسم ماشه بیشترین اثر فوری را بر بازار ارز دارد و با تضعیف عرضه و افزایش تقاضا، نرخ دلار را صعودی می‌کند؛ همزمان این رشد به افزایش قیمت طلا و سکه نیز منجر خواهد شد. از سوی دیگر در بازار بورس، افزایش هزینه تولید و محدودیت صادرات بسیاری از شرکت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد و کلیت بازار وارد فاز منفی شده و فرار پول حقیقی از بازار سرعت پیدا خواهد کرد.

در نهایت اقتصاد ایران با عمیق‌تر شدن رکود تورمی و موجی از افزایش قیمت کالاها خدمات و افزایش بیکاری روبرو خواهد شد.

در اینباره اتاق بازرگانی ایران سه سناریوی خوش‌بینانه، محتمل و بدبینانه از آینده اقتصاد با اجرای مکانیسم ماشه ارائه کرده است. بر اساس سناریوی محتمل، که بسیاری از کارشناسان آن را واقع‌بینانه‌ترین حالت می‌دانند، اقتصاد ایران با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد. بر این اساس نرخ تورم سالانه که هم‌اکنون نیز بر اساس آمار رسمی حدود ۵۰ درصد است، می‌تواند به بیش از ۷۵ درصد برسد.

اتاق بازرگانی هشدار داده است که در سناریوی بدبینانه احتمال رکود عمیق، تورم ۹۰ درصدی، نرخ ارز ۱۶۵ هزار تومانی، رشد اقتصادی منفی سه درصد، سقوط ارزش دلاری بورس و افزایش نرخ بیکاری تا ۱۴ درصد وجود دارد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده تداوم و تشدید تحریم‌ها نه تنها زنجیره تأمین و واردات مواد اولیه را مختل می‌کند، بلکه با رکود تولید و توقف پروژه‌ها، زمینه‌ساز افزایش بیکاری می‌شود.

محدودیت‌های بانکی و مالی، توقف همکاری‌های سوئیت، مشکلات خطوط کشتیرانی به دلیل قطع بیمه‌های بین‌المللی و کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی، بخشی از پیامدهای پیش‌بینی شده هستند.

وحید شقاقی شهری اقتصاددان نیز درباره چشم‌انداز تورم در اقتصاد کشور گفته «من یک گزارشی تحت عنوان تورم سه رقمی آماده کرده بودم. تورمی که در حالت خوشبینانه برای امسال اعلام می‌شود، ۴۵ درصد است، ولی نیمه دوم سال برای کشور سخت خواهد بود، زیرا آمارها حکایت از یک رکود بسیار سنگین در اقتصاد ایران دارد؛ هم در بخش مسکن رکود بی‌سابقه‌ای داریم و هم بسیاری از کسب‌وکارها در حالت معطل و تعلیق قرار گرفتند، یعنی نمی‌توانند تصمیم بگیرند.»

این اقتصاددان توضیح داده که «در نیمه دوم سال رکود سنگینی را خواهیم داشت. از طرف دیگر، کسری‌های بودجه در حال تشدید است و نااطمینانی‌ها شدت می‌گیرد. قیمت دلار بازار غیررسمی نیز در همین مدت اخیر بیش از ۱۲، ۱۳ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.»

به عقیده وحید شقاقی شهری ناترازی‌های اقتصاد کلان نیز اثرات خود را به تدریج بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت و مجموعه این عوامل اگر مهار نشود، تورم را حتی می‌تواند برای سال بعد به حد سه رقمی هم برساند.



در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز اعلام کرده «اقتصاد ایران در آستانه فشارهایی قرار دارد که تاب‌آوری آن را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد و این ضرورت وجود دارد که هرچه سریع‌تر راه حلی دیپلماتیک برای عبور از این مرحله پیدا شود.»

مرتضی افقه در حالی بر «ضرورت» پیدا شدن راه حل دیپلماتیک در برابر فعال شدن مکانیسم ماشه تأکید می‌کند که سخنان شب گذشته علی خامنه‌ای نشان می‌دهد رهبر جمهوری اسلامی چنین ضرورتی را احساس نمی‌کند!

مرتضی افقه توضیح داده که «اگر تا مهلت تعیین‌شده، پنجم مهر توافقی حاصل نشود و اسنپک [مکانیسم ماشه] فعال گردد، از منظر اقتصادی شرایط بسیار دشواری پیش‌روی ایران قرار خواهد گرفت.»

او تأکید کرده «بسیاری از فرصت‌ها در گذشته از دست رفته و اینبار نیز تحریم‌ها در فضایی متفاوت اعمال می‌شوند. به نظر می‌رسد نظام بین‌الملل بطور یکپارچه‌تر از گذشته در کنار آمریکا صف‌آرایی کرده است. در چنین شرایطی کار برای ایران به مراتب دشوارتر خواهد بود، مگر آنکه چین همانند دفعات پیشین ریسک کرده و همکاری خود را با ایران ادامه دهد؛ هرچند احتمال این سناریو هم چندان قوی به نظر نمی‌رسد.»

به گفته این اقتصاددان اگر جمهوری اسلامی نتواند مانند گذشته صادرات نفت را از مسیرهای غیررسمی و دور زدن تحریم‌ها ادامه دهد، شرایط بطور جدی وخیم‌تر خواهد شد. وی تأکید کرده که «حتی در گذشته نیز دور زدن تحریم‌ها همراه با هزینه‌های سنگین و خسارت‌های متعدد بوده است. فروش نفت با قیمت ارزان، دریافت پول با تأخیر و مشکلات فراوان در انتقال منابع مالی نمونه‌هایی از این مشکلات بوده است. ادامه این وضعیت نیز چشم‌انداز روشنی پیش روی اقتصاد کشور ترسیم نمی‌کند. در نهایت می‌توان گفت اگر راهی برای فروش نفت حتی به شکل پرهزینه و با دور زدن تحریم‌ها یافت نشود، شرایط اقتصادی

● در شرایطی که علی خامنه‌ای مدعی شده جمهوری اسلامی مذاکره نمی‌کند و غنی‌سازی اورانیوم هم ادامه خواهد داشت، کارشناسان اقتصادی نسبت به آنچه در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه و در بن‌بست ماندن مذاکرات هسته‌ای در انتظار اقتصاد کشور است هشدار می‌دهند.

● مرتضی افقه اقتصاددان: اقتصاد ایران در آستانه فشارهایی قرار دارد که تاب‌آوری آن را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد و این ضرورت وجود دارد که هرچه سریع‌تر راه حلی دیپلماتیک برای عبور از این مرحله پیدا شود. وی در حالی بر «ضرورت» پیدا شدن راه حل دیپلماتیک در برابر فعال شدن مکانیسم ماشه تأکید می‌کند که سخنان شب گذشته علی خامنه‌ای نشان می‌دهد رهبر جمهوری اسلامی چنین ضرورتی را احساس نمی‌کند!

● تحلیلگران معتقدند فعال شدن مکانیسم ماشه بیشترین اثر فوری را بر بازار ارز دارد و با تضعیف عرضه و افزایش تقاضا، نرخ دلار را صعودی می‌کند؛ همزمان این رشد به افزایش قیمت طلا و سکه نیز منجر خواهد شد.

در شرایطی که علی خامنه‌ای شب گذشته در یک سخنرانی مدعی شد جمهوری اسلامی مذاکره نمی‌کند و غنی‌سازی اورانیوم هم ادامه خواهد داشت، کارشناسان اقتصادی نسبت به آنچه در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه و در بن‌بست ماندن مذاکرات هسته‌ای در انتظار اقتصاد کشور است هشدار می‌دهند و فروپاشی اقتصادی را با تشدید فشارهای تحریمی محتمل می‌دانند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی شامگاه سه‌شنبه اول مهرماه ۱۴۰۴ و همزمان با برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در یک سخنرانی که از صداوسیما دولتی پخش شد با زیانبار خواندن مذاکرات هسته‌ای با ایالات متحده اعلام کرد جمهوری اسلامی مذاکره نمی‌کند و غنی‌سازی اورانیوم را نیز ادامه خواهد داد.

این سخنان در شرایطی که بخشی از حکومت امیدوار بودند در دیدارهای حاشیه‌ای مجمع عمومی سازمان ملل مقامات دولت بتوانند با همتایان غربی خود دیدار و روزنه‌ای برای از سر گرفتن مذاکرات باز کنند، به شدت بازارهای ارز، بورس و طلا در ایران را تحت تأثیر قرار داد.

قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا افزایش یافت و بازار بورس هم با ریزش بیش از ۲۰ هزار واحدی روبرو شد. این در حالیست که از سه روز دیگر، پنجم مهرماه، مکانیسم ماشه قرار است بطور رسمی فعال شود و تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی اجرا شوند. اگرچه ماهیت این تحریم‌ها با فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی مرتبط است اما به بخش‌های زیادی از تدارکات و نقل و انتقالات تجاری از جمله کشتیرانی و همچنین فعالیت‌های مالی و بانکی را ضربه خواهد زد و بطور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد کشور اثرات منفی خواهد داشت.

کارشناسان اقتصادی طی روزهای گذشته بارها با شرح اثرات مخرب این تحریم‌ها هشدار داده‌اند که اقتصاد ایران به علت مشکلات ساختاری و شکننده شدن در پی سال‌ها تحریم، توانایی ایستادگی در برابر فشارهای ناشی از فعال شدن مکانیسم ماشه را نخواهد داشت.

«سیگنال» خامنه‌ای به بازارها: دلار به مرز ۱۰۸ هزار تومان و سکه به بیش از ۱۰۷ میلیون تومان رسید و بورس ریزش کرد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد را «فرصت» مناسبی برای پیشبرد «دیپلماسی» نشان دهند.

از سوی دیگر سه روز دیگر تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی با فعال‌سازی رسمی مکانیسم ماشه باز خواهد گشت و به عقیده برخی تحلیلگران اصلاح‌طلب، حضور مقامات دولت در نیویورک فرصت مناسبی برای متوقف کردن یا عقب انداختن فعال‌سازی مکانیسم ماشه طی مذاکره با دولتمردان غربی بود؛ به نظر می‌رسد سخنرانی شب گذشته علی خامنه‌ای همین روزه امید اصلاح‌طلبان را نیز کور کرد!

اقتصاد ایران در حالی سال‌هاست با مشکلات ساختاری ناشی از ناکارآمدی جمهوری اسلامی روبروست که تشدید تحریم‌ها و سایه جنگ طی ماه‌های گذشته به شدت اقتصاد ایران را شکننده کرده است.

اصغر سمیعی، کارشناس بازار ارز و طلا، در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» با اشاره به نرخ تورم داخلی حدود ۴۰ درصدی در مقابل تورم کمتر از ۴ درصد در اقتصادهای حوزه دلار، پیش‌بینی کرد که قیمت ارز روندی صعودی و منظم خواهد داشت.

این کارشناس بازار ارز و طلا تأکید کرده اگر دلار در ابتدای سال ۱۰۰ هزار تومان بود، طبیعی است که با رشد ناشی از تورم در تابستان به ۱۱۰ هزار، در پاییز به ۱۲۰ هزار و در زمستان به ۱۳۰ هزار تومان برسد. به باور او، ابتدای سال آینده نیز نرخ ارز می‌تواند از ۱۴۰ هزار تومان فراتر برود.

اصغر سمیعی توضیح داده که سیاست‌های موقتی بانک مرکزی همچون تزریق ارز بیش از تقاضا، مانند فشار بر یک فتر عمل می‌کند؛ قیمت‌ها برای مدتی پایین نگه داشته می‌شوند اما به محض کاهش این فشار، دوباره به سطح واقعی خود بازمی‌گردند.

به گفته این تحلیلگر اقتصادی تنها کنترل تورم و جلوگیری از خلق پول می‌تواند رشد غیرمنطقی نرخ ارز و طلا را متوقف کند.

این در حالیست که نه تنها دولت ابزار لازم برای کنترل نرخ تورم را ندارد بلکه تحلیلگران اقتصادی معتقدند با فعال شدن مکانیسم ماشه تورم اقتصاد ایران با افزایش قابل توجهی روبرو خواهد شد و در سناریوهای بدبینانه ممکن است به مرز ۷۵ درصد نیز برسد.

همچنین دولت پزشک‌بان با کسری بودجه قابل توجهی روبروست. علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد گفته کسری بودجه دولت در سال جاری رقمی معادل ۸۰۰ هزار میلیارد تومان است در حالیکه به گفته کارشناسان رقم واقعی کسری بودجه دولت تا پایان سال بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان است. راهکارهای دولت برای جبران کسری بودجه هم روش‌هایی چون استقراض از بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی، و فروش اوراق قرضه است که همگی سبب افزایش نقدینگی در اقتصاد کشور شده و به محرکی مهم برای افزایش تورم تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی مشخص است که نه تنها تلاطم‌ها در بازارهای ارز، طلا و بورس با سیاست‌های جمهوری اسلامی تداوم خواهد داشت بلکه افزایش تورم نیز به رکود بیشتر در اقتصاد و تحمیل فشار اقتصادی بر شهروندان و گسترش فقر منجر می‌شود.



شب گذشته علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دارد که تأکیدی دوباره بر بن‌بستی است که ایران توسط سیاست‌های تنش‌آفرین جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است.

رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی که از صداوسیما حکومت پخش شد تأکید کرد جمهوری اسلامی نباید با آمریکا وارد مذاکره شود: «مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً. ثانیاً به عکس، زبان‌هایی هم بر آن مرتب است. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زبان‌هایی هم دارد. من حالا اینها را شرح خواهم داد.»

رهبر جمهوری اسلامی در ادامه بارها تأکید کرد مذاکره هسته‌ای با غرب سودی نخواهد داشت. او گفت «به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن‌بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن‌بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاند؛ او در دنیا از این افتخارات می‌کند. اما برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.» تأکید بر عدم مذاکره هسته‌ای با آمریکا به معنای تشدید انزوای اقتصادی ایران است. این سخنان در حالی مطرح شد که طی روزهای گذشته جریان اصلاح‌طلب نزدیک به دولت با جریان‌سازی رسانه‌ای تلاش داشتند حضور مسعود پزشکیان رئیس دولت، و عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در ایالات متحده برای شرکت در هشتادمین نشست

● هر دلار آمریکا که طی دو روز گذشته وارد کانال ۱۰۲ هزار تومانی شد به مرز ۱۰۸ هزار تومان رسید و هر دلار آمریکا در نهمین روز چهارشنبه ۱۰۷ هزار و ۶۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد و افزایش قیمت‌ها ادامه دارد.

● در بازار طلا نیز قیمت‌ها افزایشی بوده است. قیمت هر سکه کامل طلا با ثبت رکوردی تاریخی به ۱۰۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافت. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۹ میلیون و ۹۲۵ هزار تومان معامله شد.

● بازار بورس هم اگرچه روز گذشته با رشد جزئی ۲ هزار واحدی شاخص کل روبرو شده بود طی معاملات روز چهارشنبه بار دیگر در مسیر ریزشی قرار گرفت. شاخص کل بورس با سقوط ۲۰ هزار واحدی به ۲ میلیون و ۵۲۴ هزار واحد رسید.

● تلاطم در بازارهای ارز، طلا و بورس ارتباط مستقیم با سخنان شب گذشته علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دارد که تأکیدی دوباره بر بن‌بستی است که ایران توسط سیاست‌های تنش‌آفرین جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است. خامنه‌ای تأکید کرد که جمهوری اسلامی با ایالات متحده مذاکره نمی‌کند و غنی‌سازی را ادامه خواهد داد.

● نه تنها تلاطم‌ها در بازارهای ارز، طلا و بورس با سیاست‌های جمهوری اسلامی تداوم خواهد داشت بلکه افزایش تورم نیز به رکود بیشتر در اقتصاد و تحمیل فشار اقتصادی بر شهروندان و گسترش فقر منجر می‌شود.

ساعتی پس از سخنرانی علی خامنه‌ای درباره سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، بازارهای ارز، طلا و بورس با تلاطم شدیدی روبرو شدند. قیمت‌ها در بازار ارز و طلا با سرعت در حال افزایش است و بازار بورس هم با سقوط شاخص روبرو شد.

از بامداد روز چهارشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۴ در بازار ارز با وجود ریزش قیمت‌ها در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، بار دیگر موج افزایشی قیمت‌ها آغاز شد.

هر دلار آمریکا که طی دو روز گذشته وارد کانال ۱۰۲ هزار تومانی شده بود به مرز ۱۰۸ هزار تومان رسید و هر دلار آمریکا در نهمین روز چهارشنبه ۱۰۷ هزار و ۶۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد و افزایش قیمت‌ها ادامه دارد.

قیمت دیگر ارزهای رایج نیز با افزایش روبرو شده و هر یورو در نهمین روز چهارشنبه ۱۲۶ هزار و ۷۳۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۴۵ هزار و ۱۵۰ تومان، هر یوآن چین ۱۵ هزار و ۱۳۰ تومان، هر درهم امارات ۲۹ هزار و ۳۱۰ تومان و هر لیر ترکیه ۲۶۰۰ تومان معامله شد.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها افزایشی بوده است. قیمت هر سکه کامل طلا با ثبت رکوردی تاریخی به ۱۰۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافت. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۹ میلیون و ۹۲۵ هزار تومان معامله شد.

بازار بورس هم اگرچه روز گذشته با رشد جزئی ۲ هزار واحدی شاخص کل روبرو شده بود طی معاملات روز چهارشنبه بار دیگر در مسیر ریزشی قرار گرفت. شاخص کل بورس با سقوط ۲۰ هزار واحدی به ۲ میلیون و ۵۲۴ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن هم ۶ هزار و ۳۳۹ واحد ریزش کرد و در مجموع ۲۴۳ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. تلاطم در بازارهای ارز، طلا و بورس ارتباط مستقیم با سخنان

بازار کار آشفته؛ درآمد نجومی گاریچی‌ها و دستفروشان در برابر درآمد ناچیز آموزگاران و دانش‌آموختگان!



● یک گاریچی در بازار تهران گفته روزانه از هفت تا هشت مسیر جابجایی بار انجام می‌دهد و برای هر مسیر حدود ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند؛ یعنی درآمد ماهانه‌ای بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان، رقمی که تقریباً دو برابر حقوق یک پزشک عمومی در ایران است.

● گزارش‌ها نشان می‌دهد دستفروشی که در قطارهای مترو کالا می‌فروشند درآمدهایی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان در روز دارند و درآمد برخی دستفروشان که در کنار خیابان بساط می‌کنند تا ۲۰۰ میلیون در ماه هم می‌رسد.

درآمدهای نامتناسب در بازار کار ایران مدت‌هاست مورد بحث و انتقاد قرار دارد. در حالی که آموزگاران بطور متوسط ۱۷ میلیون و پزشکان حدود ۶۰ میلیون تومان درآمد دارند، یک گاریچی در بازار تهران ۱۲۰ میلیون تومان و یک دستفروش بیش از ۱۰۰ میلیون درآمد دارد.

وبسایت «رویداد۲۴» در گزارشی میدانی درباره درآمد بالای گاریچی‌ها در بازار تهران نوشته در دل بازار تهران، گاری‌های فلزی که کارگران با آنها بار جابجا می‌کنند، تصویری از یک تناقض بزرگ اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهند.

مسعود یکی از گاریچی‌های با سابقه بازار تهران به «رویداد۲۴» گفته درآمدش به اندازه یک پزشک شده و قصد دارد چند سال دیگر برای خود مغازه‌ای در بازار تهیه کند.

او توضیح می‌دهد که روزانه از هفت تا هشت مسیر جابجایی بار انجام می‌دهد و برای هر مسیر حدود ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند؛ یعنی درآمد ماهانه‌ای بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان، رقمی که تقریباً دو برابر حقوق یک پزشک عمومی در ایران است.

در این گزارش به «سختی» کار گاریچی‌ها اشاره شده و آمده «فشار جسمانی، حمل بارهای سنگین و کار در مسیرهای باریک و شلوغ، باعث می‌شود این شغل برای اکثر افراد غیرقابل تحمل باشد. تنها کسانی که صبر، تحمل و تجربه کافی دارند، قادر به ادامه چنین کاری هستند.»

این در حالیست که کارگران معدنکار در ایران بر پایه رقم «حداقل دستمزد» حقوق دریافت کرده و اکثر آنها در صورت دریافت همه مزایای شغلی در نهایت ماهانه ۱۷ میلیون تومان درآمد دارند!

از سوی دیگر بسیاری از شهروندانی که سالها تحصیل دانشگاهی داشته یا مانند کارگران صنعت نفت نیروهای «حرفه‌ای» به شمار می‌روند نیز درآمدهایی به مراتب کمتر از گاریچی‌ها و بر اساس رقم «حداقل دستمزد» دریافت می‌کنند. حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار و فعال کارگری گفته «خط فقر در ایران بالای ۵۵ میلیون تومان است، در حالی که متوسط درآمد کارگران و کارمندان با مزایا حدود ۱۷ میلیون تومان برآورد می‌شود.»

او افزود که ۶۵ درصد مردم زیر فشار شدید اقتصادی قرار دارند و این فاصله موجب گسترش کار دوم، فرسودگی و آسیب‌های اجتماعی شده است.

محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان کشور اعلام کرده طبق آمار دیوان عدالت اداری بیشترین حقوق کشور با ۴۵ میلیون تومان متعلق به وزارت نفت و کمترین میزان، ۱۵ میلیون تومان متعلق به معلمان است.

این فعال صنفی با اشاره به اختلاف دستمزد آموزگاران در

از سوی دیگر با خطر ضبط کالا توسط شهرداری و ایجاد پرونده برای پرداخت جریمه نقدی هم روبرو هستند.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه گزارش داده در حالی که طبق قوانین دستفروشی در معابر و پیاده‌روهای شهر تهران ممنوع اعلام شده، اما نه تنها این پدیده بطور گسترده وجود دارد بلکه با شکل‌گیری بازاری برای اجاره بساط در معابر، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است.

بر اساس گزارش خبرگزاری «میزان» نمونه‌هایی از این بازار پنهان نشان می‌دهد نرخ‌های اجاره در مواردی به اندازه اجاره یک واحد مسکونی متوسط در تهران است. برای مثال، فضایی به ابعاد ۶ و نیم متر مربع در خیابان مشهدی نازی‌آباد با مبلغ ۳۰ میلیون تومان ودیعه و ماهانه ۳۵ میلیون تومان اجاره در یکی از سکوی مجازی آگهی شده است.

همچنین در محدوده عبدالآباد، فضای مقابل یک مغازه با ۱۰۰ میلیون تومان پیش و اجاره ماهانه ۱۸ میلیون تومان آگهی شده است. در آگهی مذکور تأکید شده که کرایه ۶ ماهه باید یکجا پرداخت شود؛ موضوعی که نشان‌دهنده رسمیت یافتن یک معامله غیرقانونی در سایه ضعف نظارت است.

«میزان» افزوده در میان آگهی‌ها موردی عجیب‌تر نیز مشاهده می‌شود که در آن «بساط جلو مغازه سه کاشی» با ودیعه ۲۵۰ میلیون تومان و ماهانه ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان آگهی شده است. «خبرگزاری» میزان تأکید کرده این نوع تقسیم‌بندی غیرمتعارف، نشان‌دهنده گسترش خلاف قانون این بازار زیرزمینی است.

وبسایت «رویداد۲۴» هم نوشته وقتی کار بدنی و طاقت‌فرسا می‌تواند درآمدی بیشتر از سالها تحصیل دانشگاهی داشته باشد، ارزش تحصیلات عالی در بازار کار زیر سؤال می‌رود و انگیزه جوانان برای ادامه تحصیل کاهش پیدا می‌کند. چنین وضعیتی می‌تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد؛ از بی‌انگیزگی و کاهش شور تحصیل گرفته تا گرایش جوانان به مشاغل کوتاه‌مدت و غیررسمی، و حتی افزایش نارضایتی اجتماعی و مهاجرت نیروی متخصص.

ایران و دیگر کشورها گفته «معلمان ایرانی سالی دو هزار دلار حقوق می‌گیرند و معلمان آلمانی سالی ۹۲ هزار دلار و معلمان آمریکایی سالی ۷۰ هزار دلار حقوق می‌گیرند.»

در میان پزشکان نیز درآمدها قابل توجه است. بر اساس آمارهای ارائه شده پزشکان عمومی در دوره دستیاری (انترنی) ماهانه ۱۵ میلیون تومان درآمد دارند. دانش‌آموختگان تخصص پزشکی در رشته‌های مختلف در دوره دستیاری (رزیدنتی) نیز درآمدهای ناچیزی دارند. برای نمونه متخصصان بیهوشی در دوره دستیاری حدود ۲۰ تا ۲۳ میلیون تومان حقوق ماهانه دریافت می‌کنند.

پزشکان عمومی و متخصص در دوره طرح هم درآمدهایی حدود ۵۰ میلیون تومان در ماه دارند و البته اکثر آنها به بیمارستان‌ها و درمانگاه‌هایی در نقاط دورافتاده اعزام می‌شوند و شرایط کاری بسیار دشواری از جمله شیفت‌های طولانی را می‌گذرانند. درآمد ناچیز و شرایط سخت شغلی در میان این قشر «پدیده خودکشی در میان پزشکان جوان را ایجاد کرده است. در ساختار اقتصادی ناکارآمد و آشفته‌ای که جمهوری اسلامی طی سالهای گذشته ایجاد کرده، درآمدها نیز بر اساس شایستگی و تحصیلات نیست و معیار داشتن تخصص و تحصیلات برای داشتن درآمد بیشتر در این ساختار محو شده است.

جداً از گاریچی‌هایی که درآمد آنها دو برابر درآمد یک پزشک متخصص است، مشاغل کاذبی چون دستفروشی نیز درآمدهایی بالاتر از افراد تحصیلکرده و آموزگاران دارند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد دستفروشی که در قطارهای مترو کالا می‌فروشند درآمدهایی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان در روز دارند و اگر تمام روزهای هفته را کار کنند درآمد آنها تا ۳۰ میلیون تومان در ماه می‌رسد. دستفروشی که در کنار خیابان بساط می‌کنند اما ممکن است ماهانه تا ۲۰۰ میلیون تومان درآمد داشته باشند.

میزان درآمد دستفروشان البته بر اساس کالایی که می‌فروشند و محلی که بساط می‌کنند متفاوت است.

پس از بازگشت تحریم‌ها، ایران دیگر صادرکننده و مسیر انتقال گاز نخواهد بود



● عبدالله باباخانی کارشناس انرژی گفته اگر مکانیسم ماشه اجرا شود و قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل دوباره برقرار گردد، وضعیت حقوقی خرید نفت ایران از «تحریم‌های یکجانبه» به «تحریم‌های چندجانبه الزام‌آور» تغییر می‌کند.

● عبدالله باباخانی گفته تجربه دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ نشان داد که حتی چین و هند، با وجود روابط سیاسی نزدیک با تهران، خرید رسمی نفت را کاهش دادند و به سمت قراردادهای تهاتری، استفاده از بانک‌های کوچک و ناوگان «سایه» رفتند.

● برخی تحلیلگران حکومتی امیدوار هستند کشورهای مثل چین، روسیه و هند که در دوره پیشین تحریم‌ها روابط اقتصادی خود را بطور کلی با ایران قطع نکردند، این دوره نیز از جمهوری اسلامی حمایت کنند.

در شرایطی که مقامات حکومتی تلاش دارند فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را بی‌اثر نشان دهند، کارشناسان معتقدند بازگشت تحریم‌ها در ابعاد گسترده‌ای اقتصاد ایران و معیشت مردم را تحت تأثیرات منفی قرار خواهد داد.

عبدالله باباخانی کارشناس انرژی هشدار داده: «با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در کوتاه‌مدت بخشی از صادرات ایران از طریق همان مسیرهای خاکستری و با تغییر مبدأ، تهاتر کالا و انتقال کشتی به کشتی ادامه پیدا می‌کند و کاهش صادرات پلکانی خواهد بود؛ یعنی از حدود ۱/۴ میلیون تا ۱/۵ میلیون بشکه فعلی به محدوده یک میلیون تا ۱/۱ میلیون بشکه در سال ۱۴۰۴ می‌رسد.»

این کارشناس انرژی افزوده: «در افق بلندمدت اما اگر فشار سازمان ملل با بیمه و کشتیرانی هماهنگ شود، ایران با کاهش پایداری ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۴۰۵ مواجه می‌شود و تخفیف‌های بیشتر یا تهاتری شدن درآمدها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.»

به گفته وی، اگر مکانیسم ماشه اجرا شود و قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل دوباره برقرار گردد، وضعیت حقوقی خرید نفت ایران از «تحریم‌های یکجانبه» به «تحریم‌های چندجانبه الزام‌آور» تغییر می‌کند.

عبدالله باباخانی معتقد است در چنین شرایطی پالایشگاه‌های خصوصی چین که اکنون بازیگر اصلی خرید نفت ایران هستند، بیشترین ریسک را احساس خواهند کرد، زیرا علاوه بر تهدید تحریم‌های ثانویه آمریکا، با فشار رسمی سازمان ملل و محدودیت بیمه‌ای و بانکی روبرو می‌شوند.

او توضیح داده که تجربه دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ نشان داد که حتی چین و هند، با وجود روابط سیاسی نزدیک با تهران، خرید رسمی نفت را کاهش دادند و به سمت قراردادهای تهاتری، استفاده از بانک‌های کوچک و ناوگان «سایه» رفتند. در مجموع عبدالله باباخانی معتقد است که واکنش خریداران عمده به فعال شدن مکانیسم ماشه، کاهش رسمی خرید، انتقال به کانال‌های غیررسمی و افزایش چانه‌زنی برای تخفیف خواهد بود و این به معنای افزایش هزینه فروش و کاهش درآمد خالص ایران است، حتی اگر حجم صادرات به صفر نرسد!

او همچنین با اشاره به اقدامات آمریکا در زمینه منع ترکمنستان از سوآپ گازی با ایران گفته در سطحی وسیع‌تر، تحولات جدید خاورمیانه (عادی‌سازی روابط کشورهای

می‌تواند داشته باشد و مسئله این است مشابه این روند در مناطق حساس دیگر برای ایران نیز می‌تواند تکرار شود. اخیراً نیز گفته شده عراق اعلام کرده دیگر از طریق ایران نمی‌تواند از ترکمنستان گاز بخرد و این نتیجه همان روند تحریم‌هاست.»

اگرچه برخی تحلیلگران حکومتی امیدوار هستند کشورهای مثل چین، روسیه و هند که در دوره پیشین تحریم‌ها روابط اقتصادی خود را بطور کلی با ایران قطع نکردند، این دوره نیز از جمهوری اسلامی حمایت کنند اما روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در مطلبی تأکید کرده «حتی اگر روسیه و چین از ایران حمایت سیاسی کنند، شرکت‌های بزرگ این کشورها به دلیل نگرانی از تحریم‌های ثانویه آمریکا احتمالاً تعامل خود را کاهش خواهند داد.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» تصویر پس از اجرای تحریم‌ها در اقتصاد ایران را بر اساس یادداشتی از حمید قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه جمهوری اسلامی تحت سه سناریوی خوشبینانه، بدبینانه و میانه بررسی کرده و نوشته در سناریوی میانه، بخشی از مسیرهای مالی و تجاری مسدود می‌شود و در سناریوی بدبینانه، کاهش صادرات نفت و انسداد مبادلات مالی دور از انتظار نیست.

حمید قنبری نوشته سناریوی اول، خوشبینانه، بازگشت نمادین تحریم‌هاست که عملاً تأثیر اندکی خواهد داشت؛ زیرا روسیه و چین آن را به رسمیت نمی‌شناسند و اروپا یا آمریکا نیز فشار عملی نمی‌آورند.

در سناریوی دوم، میانه، تحریم‌ها با مشارکت بیشتر اروپا و کاهش همکاری چین و روسیه اثرگذارتر است و موجب کاهش درآمدهای ارزی، گران‌تر شدن واردات و فشار بر پروژه‌ها و معیشت می‌شود.

در سناریوی سوم که بدترین حالت است، تحریم‌ها با هماهنگی جهانی و فشار حداکثری اجرا می‌شوند و منجر به قطع گسترده همکاری مالی و تجاری، اختلال در بیمه و حمل و نقل و انسداد شبکه رسمی بانکی خواهد شد و فشار اقتصادی شدیدی بر درآمدها، بودجه و معیشت وارد می‌آورد.

عربی با اسرائیل، توافق‌های جدید خط لوله عربی-اروپایی، توسعه بنادر در عمان و عربستان، و نزدیکی بیشتر ترکمنستان و آذربایجان به ترکیه) باعث می‌شود مسیرهای جایگزین ترانزیت انرژی بدون عبور از ایران گسترش یابد؛ این مسئله یعنی کاهش تدریجی اهمیت ژئوپلیتیک ایران در زنجیره تأمین انرژی منطقه و محدودتر شدن قدرت چانه‌زنی ایران.

بر اساس توضیحات این کارشناس انرژی، در چنین سناریویی اگر تهران همزمان با تحریم‌های نفتی و محدودیت ترانزیت گازی روبرو شود، منابع ارزی و ابزارهای سیاسی‌اش تضعیف می‌شوند و مجبور است یا به سمت تخفیف‌های شدیدتر و تهاتر حرکت کند یا سرمایه‌گذاری داخلی را افزایش دهد تا بخشی از صادرات انرژی را به مصرف داخل و صنایع پایین‌دستی برسد.

او گفته فعال‌شدن مکانیسم ماشه و منع سوآپ گازی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و ایران را از «صادرکننده و ترانزیت‌کننده» به «بازاری محلی و کم‌اثر» تبدیل می‌کنند؛ مگر اینکه سیاست‌گذار با دیپلماسی انرژی فعال و اصلاح ساختار داخلی، مسیرهای تازه‌ای برای حضور در بازارهای آسیایی و همسایگی طراحی کند.

کوروش احمدی دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی در سازمان ملل نیز در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته اگرچه تحریم‌ها به صورت مستقیم فروش نفت ایران را تحریم نمی‌کند اما به صورت غیرمستقیم می‌تواند تأثیر بگذارد. او گفته «زمانی که شرایط ایران از نظر حقوقی و بین‌المللی سخت‌تر شود این طبیعی است که ممکن است هم آمریکا بتواند بیشتر به ایران فشار بیاورد و هم چینی‌ها در خرید نفت ایران تا حد زیادی عقب بکشند.»

کوروش احمدی همچنین در پایان با اشاره به تحریم بندر چابهار ایران از سوی آمریکا که هفته گذشته انجام شد گفته «ایران هزینه سنگینی را در چابهار متحمل شده و سرمایه‌گذاری روی این بندر جدی بوده و اکنون با این وضعیت تازه اصلاً مشخص نیست این پروژه چه آینده‌ای

فعال شدن مکانیسم ماشه؛ فقر و فلاکت بیشتر برای خانوارهای حقوق‌بگیر



● گرانی فزاینده کالاها و خدمات ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود کسری بودجه دولت و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه، موج تازه‌ای از تورم در اقتصاد فلک‌زده‌ی ایران ایجاد کند.

● علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان گفته کسری بودجه دولت برای سال جاری ۸۰۰ هزار میلیارد تومان است. کارشناسان اقتصادی رقم واقعی کسری بودجه را بیش از این مبلغ ارزیابی کرده و می‌گویند در نیمه دوم سال فشار کسری بودجه بیشتر خواهد شد.

در حالی که رقم خط فقر برای یک خانواده چهار نفره در ایران به ۵۵ میلیون تومان در ماه رسیده اکثر کارگران مبلغی حدود ۱۵ تا ۱۷ میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنند. فعالان صنفی می‌گویند بخش زیادی از آموزگاران نیز درآمدی حدود ۱۵ میلیون تومان در ماه دارند.

گرانی فزاینده کالاها و خدمات ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود کسری بودجه دولت و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه، موج تازه‌ای از تورم در اقتصاد فلک‌زده‌ی ایران ایجاد کند.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان گفته کسری بودجه دولت برای سال جاری ۸۰۰ هزار میلیارد تومان است. کارشناسان اقتصادی رقم واقعی کسری بودجه را بیش از این مبلغ ارزیابی کرده و می‌گویند در نیمه دوم سال فشار کسری بودجه بیشتر خواهد شد. راهکارهای دولت برای کسری بودجه شامل مجموعه‌ای اقدامات مانند فروش اوراق قرضه و استقراض از نظام بانکی و برداشت از صندوق توسعه ملی است که در نهایت همه این راهکارها به افزایش نقدینگی در اقتصاد و تحریک تورم منتهی می‌شود.

از سوی دیگر قرار است تحریم‌های سازمان ملل در پی فعال شدن مکانیسم ماشه از چهار روز دیگر، پنجم مهرماه ۱۴۰۴، بطور رسمی اجرایی شود. موضوعی که اگر چه محور آنها فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی است اما بطور مستقیم و غیرمستقیم بخش‌های مختلف اقتصاد را نشانه گرفته سبب تشدید رکود تورمی خواهد شد.

در چنین شرایطی میلیون‌ها خانوار کارگر و بازنشسته که همین حالا هم با درآمدی ناکافی و ناچیز برای تأمین هزینه‌های ضروری روبرو هستند بیش از پیش به زیر خط فقر رانده خواهند شد؛ آن هم در شرایطی که دولت هیچ برنامه و اراده‌ای برای حمایت از این اقشار که اکثر جمعیت کشور را نیز شامل می‌شوند ندارد. در همین رابطه حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار و فعال کارگری گفته «خط فقر در ایران بالای ۵۵ میلیون تومان است. در حالی که متوسط درآمد کارگران و کارمندان با مزایا حدود ۱۷ میلیون تومان برآورد می‌شود.» او افزود که ۶۵ درصد مردم زیر فشار شدید اقتصادی قرار دارند و این فاصله موجب گسترش کار دوم، فرسودگی و آسیب‌های اجتماعی شده است.

به گفته حمید حاج اسماعیلی «دیگر موضوع فقط کارگر یا کارمند نیست، بلکه تقریباً ۶۵ تا ۷۰ درصد مردم کشور حقوق‌بگیر هستند، چه در بخش کارگری و چه در بخش کارمندی. بنابراین مسئله دستمزد یک موضوع بسیار حیاتی است و برای حل آن باید دیدگاه کارشناسی و یک مرکزیت مشخص ایجاد شود که بتواند دستمزدها را با مزایا و منابع کشور تناسب دهد و آن را با نیازهای واقعی زندگی کارگران و کارمندان تطبیق دهد. متأسفانه هیچ کدام از این اقدامات انجام نشده است و به همین دلیل آسیب‌هایی که امروز

شاهد آن هستیم، کاملاً قابل پیش‌بینی بود.»

این کارشناس افزوده که ادامه این وضعیت می‌تواند پیامدهای سنگینی از جمله کاهش نرخ ازدواج، افزایش مهاجرت نیروی کار متخصص و تشدید بحران‌های روانی در جامعه به همراه داشته باشد: «معلوم است که وقتی سرپرست خانواده درآمد کافی نداشته باشد، امکان اداره زندگی به شکل مناسب وجود ندارد. نخست، ساختار خانواده آسیب می‌بیند و پس از آن شاهد بروز انواع ناهنجاری‌های اجتماعی خواهیم بود. این ناهنجاری‌ها در جامعه ایران اکنون بسیار زیاد است و حتی طلاق را نمی‌توان صرفاً یک آسیب تلقی کرد، چرا که آن به نوعی انعکاس شرایط نابرابر اقتصادی و اجتماعی است.» حمید حاج اسماعیلی تأکید کرده که فقط «خودی»‌ها وضعیت معیشتی مناسبی دارند: «در حال حاضر، تنها یک قشر کوچک از جمعیت کشور که معمولاً وابستگان حاکمیتی و دولتی هستند و از گذشته «خودی» تلقی می‌شدند، وضعیت تأمینی نسبی دارند. بقیه مردم، حتی بسیاری از حقوق‌بگیران و کارمندان عادی، دچار آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.»

حسین کمالی، وزیر کار در دولت‌های هاشمی و خاتمی، در گفتگو با وبسایت «اقتصادنیوز» با اشاره به شکاف بزرگ درآمدی میان ایران و دیگر کشورها تأکید کرده که دستمزدها در ایران حتی در مقایسه با کشورهای هم‌تراز بسیار پایین است و همین امر نیروی کار را به مهاجرت سوق می‌دهد. به گفته حسین کمالی، در ژاپن یک کارگر ساده ماهانه حدود ۲۰۰۰ دلار دریافت می‌کند که معادل ۲۰۰ میلیون تومان است؛ در حالی که دستمزد یک کارگر ایرانی تنها ۱۵ میلیون تومان است. وزیر پیشین کار جمهوری اسلامی افزوده عامل اصلی مهاجرت، چه برای نیروی متخصص و چه کارگر ساده، اقتصاد است. او گفت: «شاید آزادی یا سبک زندگی برای برخی جذاب باشد، اما قبل از هر چیز معیشت و تأمین زندگی مهم است.»

محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان کشور اعلام کرده طبق آمار دیوان عدالت اداری بیشترین حقوق کشور با

۴۵ میلیون تومان متعلق به وزارت نفت و کمترین میزان، ۱۵ میلیون تومان متعلق به معلمان است. این فعال صنفی با اشاره به اختلاف دستمزد آموزگاران در ایران و دیگر کشورها گفته «معلمان ایرانی سالی دو هزار دلار حقوق می‌گیرند و معلمان آلمانی سالی ۹۲ هزار دلار و معلمان آمریکایی سالی ۷۰ هزار دلار حقوق می‌گیرند.» در چنین شرایطی چشم‌انداز منفی اقتصاد ایران با فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای تشدید مشکلات معیشتی اقشار کارگر و حقوق‌بگیر و بازنشسته است. در همین رابطه مهدی پازوکی، اقتصاددان توضیح داده که بازگشت تحریم‌ها نه تنها درآمدهای دولت را محدود کرده و کسری بودجه را تشدید می‌کند بلکه رکود، تورم و کاهش ارزش پول ملی را نیز به همراه خواهد داشت.

به عقیده مهدی پازوکی این شرایط فشار بیشتری بر اقشار ضعیف وارد می‌کند و هزینه آن را مردم عادی می‌پردازند. او تأکید کرده همچنین سیاست‌های پولی‌بستی در حوزه یارانه‌ها، نابرابری آموزشی و بی‌توجهی به حکمرانی علمی حلقه‌های تشدیدکننده این بحران هستند که بدون تغییر در سیاست‌های داخلی و خارجی، اقتصاد ایران را هر روز با مشکلاتی جدی‌تر مواجه خواهند کرد. مهدی پازوکی توضیح داده که «بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بطور مستقیم بر منابع درآمدی و مخارج دولت اثر خواهد گذاشت. چنین شرایطی درآمد‌های دولت را به شدت محدود می‌کند و پیامد طبیعی آن افزایش کسری بودجه خواهد بود در حالی که حتی پیش از اجرایی شدن این تحریم‌ها، اقتصاد ایران با مشکل کسری بودجه دست‌وپنجه نرم می‌کرد، بازگشت تحریم‌ها وضعیت را به مراتب دشوارتر می‌کند.»

این اقتصاددان افزوده «اثرات این شرایط تنها به کسری بودجه محدود نمی‌شود بلکه رکود اقتصادی را نیز تشدید کرده و موجب بسته‌تر شدن فضای اقتصاد ایران خواهد شد. بی‌تردید این روند بر نرخ تورم اثر منفی گذاشته و ارزش پول ملی را بیش از پیش تضعیف خواهد کرد. به همین دلیل تبعات بازگشت تحریم‌ها برای ساختار اقتصاد ایران بسیار منفی خواهد بود.»

کمبود و گرانی دارو و هزینه سرسام‌آور درمان همچنان ادامه دارد



به ضرر بیماران تمام می‌شود؛ ضمن اینکه هزینه‌های درمانی آنها را بالا می‌برد ممکن است به قیمت جان‌شان تمام شود.» روزنامه «تعادل» نیز در گزارشی میدانی به کمبود و گرانی پرداخته و نوشته کمبود دارو در داروخانه‌ها و گرانی سرسام‌آور آن، بیماران و خانواده‌هایشان را در شرایطی دشوار قرار داده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از بیماران ناچارند برای یافتن داروی مورد نیازشان ساعت‌ها در صف داروخانه‌ها بایستند یا با قیمت‌های چند برابر از بازار آزاد تهیه کنند.»

این گزارش به نقل از یک جوان مبتلا به ام‌اس آمده «داروهای ام‌اس بسیار گران است. قبلاً بیمه‌ها کمک بیشتری می‌کردند، اما حالا سهم پرداختی بیمار خیلی بیشتر شده است. خیلی از دوستان من درمان را رها کرده‌اند، چون دیگر توان مالی ندارند. دارو برای ما مثل آب و هواست، بدون آن زندگی سخت و غیرممکن می‌شود.»

این بیمار مبتلا به ام‌اس گفته «وقتی به قیمت دارو اعتراض می‌کنیم می‌گویند داروی ایرانی مصرف کن اما تأثیر داروی ایرانی اصلاً خوب نیست بعضی وقت‌ها انگار اصلاً دارو مصرف نکرده‌ایم و توانایی کار و فعالیت را از دست می‌دهیم. در حالی که اکثر افراد همسن و سال من که به این بیماری مبتلا هستند مجبورند کار کنند تا بتوانند هزینه درمانشان را پرداخت کنند.»

یک کارگر که همسرش به سرطان خون مبتلاست هم به روزنامه «تعادل» گفته «با ترس و لرز وارد داروخانه می‌شوم، چون نمی‌دانم دارو هست یا نه و اگر باشد، قیمت آن چقدر افزایش یافته. بارها مجبور شده‌ام وام بگیرم یا از دوستان پول قرض کنم تا فقط دارو تهیه کنم. بدترین بخش ماجرا این است که بعضی داروها اصلاً پیدا نمی‌شود.»

این شهروند گفته: «من یک کارگر هستم و نهایت دریاقتی‌ام به ۱۵ میلیون تومان نمی‌رسد، اما داروهای شیمی‌درمانی همسر نزدیک ۱۰ میلیون تومان می‌شود و سهمی که بیمه پرداخت می‌کند بسیار ناچیز است. به همین خاطر مجبور شدم به دکتر بگویم بجای ماهی دو بار شیمی‌درمانی ماهی یکبار برای همسر بنویسد، چون واقعاً تأمین هزینه درمان برایم غیرممکن است.»

این بحران ندارند و هشدارهای ما نادیده گرفته می‌شود.» مهرداد سیفی تأکید کرده «این مسایل باعث شده تا بسیاری از شرکت‌های کوچک تولیدکننده که زمانی سهم به‌سزایی در تولید دارویی کشور داشتند یا خط تولید خود را متوقف کنند و یا با حداقل توان به کار ادامه دهند. اینکه فکر کنیم تولید دارو در داخل کشور همه مشکلات را حل می‌کند کاملاً اشتباه است.»

بسیاری از بیماران معتقدند داروهای ساخت داخل کیفیت نمونه‌های خارجی را ندارند اما آنها ناچار هستند در نبود داروهای خارجی، از داروهای ساخت داخل استفاده کنند. مهرداد سیفی کیفیت پایین داروهای ساخت داخل نسبت به نمونه‌های خارجی را تأیید کرده و علت آن را «فشار اقتصادی بر تولیدکنندگان» دانسته و گفته «وقتی تولیدکننده مجبور به رعایت قیمت‌های دستوری برای فروش محصولات دارویی خود می‌شود در حالی که هزینه تولید خیلی بیشتر از قیمتی است که برای فروش تعیین می‌شود چاره‌ای جز این ندارد که برای فعال نگه داشتن چرخه تولید از موادی با کیفیت پایین‌تر استفاده کند.»

پرویز عطایی، متخصص بیماری‌های عفونی نیز به «تجارت نیوز» گفته «مسئله کیفیت پایین داروهای تولید داخل هر روز بیشتر از قبل چرخه درمان را با مشکل مواجه می‌کند. درواقع وقتی بیماران از داروهای بی‌کیفیت استفاده می‌کنند روند درمان طولانی می‌شود و به این ترتیب هزینه‌ها نیز بالا می‌رود.» به گفته این پزشک متخصص «پایین بودن کیفیت داروهای داخلی سال‌هاست که با انکار مسئولان حوزه سلامت همراه است اما بسیاری از همکاران من برای اینکه به جوابی قانع کننده در این باره برسند با هزینه شخصی برخی از داروها را برای سنجش کیفیت درمانی آنها مورد آزمایش قرار داده و متأسفانه نتایج بسیار ناامیدکننده بوده است.»

این متخصص بیماری‌های عفونی افزوده که «در بسیاری موارد حتی ارائه مدرک برای پایین بودن کیفیت داروها هم نادیده گرفته می‌شود. از یک طرف تولید داخلی کیفیت لازم را ندارد و از سوی دیگر بسیاری از داروها به واسطه همین تولید داخل نمونه خارجی‌شان وارد نمی‌شود و این مساله تنها

● بر اساس قانون قرار بود سهم افراد بیمه‌شده از پرداخت هزینه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد باشد اما امروز دقیقاً ۶۳ درصد از هزینه‌های درمانی و دارویی بر عهده بیمار است و تنها کمی بیش از ۳۰ درصد این هزینه‌ها را بیمه باید پرداخت کند.

● بیش از ۷۰ درصد مواد اولیه دارویی از خارج وارد می‌شود. تخصیص با تأخیر و ناکافی ارز سبب شده نه تنها داروهای خارجی و وارداتی در بازار با کمبود روبرو باشند بلکه داروهای ساخت داخل نیز با اختلال در تولید و توزیع روبرو شوند.

کمبود و گرانی دارو یکی از مهم‌ترین مشکلات شهروندان در ایران است. جدا از بیمارانی که به علت ناتوانی مالی روند درمان را متوقف می‌کنند، بخشی از شهروندان که توان مالی پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور داروها را ندارند، به علت نایاب و کمیاب بودن اقلام مختلف دارویی با اختلال در روند درمان روبرو هستند.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با اشاره به بحران کمبود و گرانی دارو نوشته افزایش قیمت‌ها و سهم بیش از ۶۰ درصدی بیماران از هزینه‌های دارو، بار مالی سنگینی را بر دوش خانواده‌ها تحمیل کرده است. این وضعیت نه تنها دسترسی عادلانه به خدمات درمانی را تهدید می‌کند بلکه نشان‌دهنده کاستی‌های جدی در سیاست‌گذاری و مدیریت منابع دارویی کشور است.

این گزارش افزوده کافی است مسئولان سلامت کشور سری به داروخانه‌هایی مانند «۱۳ آبان»، «هلال احمر» و... بزنند تا با تعداد بسیاری از مراجعانی که به دلیل نداشتن پول کافی برای تأمین دارو قید خرید دارو و البته ادامه درمان را می‌زنند، مواجه شوند.

«تجارت نیوز» تأکید کرده که بر اساس قانون قرار بود سهم افراد بیمه‌شده از پرداخت هزینه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد باشد اما امروز دقیقاً ۶۳ درصد از هزینه‌های درمانی و دارویی بر عهده بیمار است و تنها کمی بیش از ۳۰ درصد این هزینه‌ها را بیمه باید پرداخت کند. بیمه‌هایی که عمدتاً در پرداخت همین سهم اندک به داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و... ناتوان هستند و اختلالات گسترده‌ای در حوزه سلامت ایجاد کرده‌اند. از سال گذشته ارائه ارز ترجیحی یا همان ارز با نرخ دولتی برای واردات بسیاری از اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی متوقف شد. این موضوع سبب افزایش قیمت ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی در حدود ۹۰۰ قلم دارو و تجهیزات پزشکی شد. از سوی دیگر داروها و مواد اولیه‌ای که همچنان مشمول ارز ترجیحی هستند نیز بطور منظم و به اندازه کافی وارد نمی‌شوند و بانک مرکزی ارز مورد نیاز واردکنندگان را بر اساس تعهدات تخصیص نمی‌دهد.

این در حالیکه بیش از ۷۰ درصد مواد اولیه دارویی از خارج وارد می‌شود. تخصیص با تأخیر و ناکافی ارز سبب شده نه تنها داروهای خارجی و وارداتی در بازار با کمبود روبرو باشند بلکه داروهای ساخت داخل نیز با اختلال در تولید و توزیع روبرو شوند. مهرداد سیفی از تولیدکنندگان دارو در همین رابطه به وبسایت «تجارت نیوز» گفته «مشکل اصلی ما عدم تخصیص به‌موقع ارز و بوروکراسی پیچیده اداری است. وقتی نتوانیم مواد اولیه را به‌موقع وارد کنیم، خطوط تولید متوقف می‌شوند و این یعنی کمبود دارو در بازار. متأسفانه سازمان‌های ذی‌ربط توجه کافی به

فقط ۱۷ درصد از بودجه شرکت‌های دولتی شفاف است



نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان اردبیل دولت متورم و ناکارآمد را عامل اصلی تورم افسارگسیخته کشور دانست و گفت: «دولت زیادی بزرگ شده، پول و درآمد هم ندارد و وقتی کسری بودجه ایجاد می‌کنیم، پول چاپ می‌کنیم که تورم افزایش می‌یابد.»

وی در حالی گفته «ما خودمان مقصر اصلی ایجاد تورم هستیم» که دولت را عامل افزایش تورم به علت اتخاذ راهکارهایی برای جبران کسری بودجه معرفی کرده که در آنسو به نظر می‌رسد اصلاح ساختار بودجه و قطع پولپاشی‌های ایدئولوژیک و رانتی به نهادهای حکومتی نه تنها در سال نخست دولت او نه تنها اجرا نشده بلکه پولپاشی‌ها افزایش یافته است.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور درباره وضعیت بودجه‌نویسی در جمهوری اسلامی گفته «سال‌هاست که بر این موضوع تاکید دارم که مشکلات اصلی بودجه، بیش از آنکه ناشی از کاهش درآمد باشد، به ردیف‌های هزینه‌ای زائد بازمی‌گردد. از نظر من، هر ردیف هزینه‌ای که به تولید ملی، رفاه عمومی یا ارتقای کمی و کیفی خدمات دولتی کمکی نکند، ردیفی زائد محسوب می‌شود. در بودجه کشور، انبوهی از این ردیف‌ها وجود دارد که سال‌ها بدون کارکرد موثر تداوم یافته‌اند.»

این اقتصاددان گفته معیار اصلی برای حذف ردیف‌های بودجه «سودمندی مستقیم برای تولید ملی، رفاه عمومی و کیفیت خدمات دولت» است. او معتقد است «در حال حاضر تمرکز بیشتر بر ردیف‌های مرتبط با موضوعات فرهنگی و مذهبی است که البته این موضوع درست است؛ همچنین ما با انبوهی از مراکز پژوهشی به ظاهر علمی مواجهیم که هیچ بازدهی ملموسی نداشته‌اند.»

به گفته مرتضی افقه «تعداد زیادی دانشگاه تحت فشار نمایندگان مجلس و افراد صاحب‌نفوذ در مناطق مختلف تأسیس شده که کمکی به تولید ملی نمی‌کنند. اگر اصلاحی قرار است صورت گیرد، باید به‌صورت گسترده و اصولی باشد؛ هر چند به دلیل هزینه‌های اجتماعی و بازتاب‌های سیاسی، اجرای آن نیازمند زمان است.»

سوءاستفاده افزایش می‌یابد. در احکام بودجه سال ۱۴۰۲ از ۱۵ حکم مرتبط با شرکت‌های دولتی، تنها تعداد کمی شفاف ارزیابی شده‌اند. در سال ۱۴۰۳ روند غیرشفاف بودن بودجه شرکت‌های دولتی افزایش یافته است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته کثرت احکام بدون کیفیت شفاف، نه تنها کارایی را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز انحرافات مالی می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده در سال ۱۴۰۴، با وضعیت نامطلوب‌تری در روند بودجه‌پاشی به شرکت‌های دولتی رخ داده است. این گزارش تأکرده کرده که «در سه مؤلفه کلیدی، تصمیم‌گیری، فرایند اجرایی و اطلاعات مالی، کاستی‌های جدی وجود دارد. بسیاری از احکام بدون ارائه جزئیات مالی دقیق یا سازوکارهای نظارتی تصویب شده‌اند، که این امر ریسک فساد را افزایش می‌دهد.»

برای مثال آورده شده که «در پیوست ۴، تحلیل بندهای تبصره‌های بودجه نشان می‌دهد که بیش از ۳۰ درصد احکام غیرشفاف هستند. این وضعیت، که با آمار زیان‌دهی شرکت‌ها همخوانی دارد، ضرورت اصلاحات فوری را برجسته می‌کند. گزارش با مقایسه سه سال، تأکید می‌کند که روند نزولی شفافیت، می‌تواند به ناکارآمدی اقتصادی منجر شود.»

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده «تحلیل مأموریت‌های تکلیفی شرکت‌های دولتی در پیوست‌ها، لایه دیگری از مشکلات را آشکار می‌سازد. مأموریت‌هایی مانند تخصیص منابع برای پروژه‌های عمرانی، اغلب بدون نظارت دقیق تعریف شده‌اند.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داده که شفافیت در رصد عملکرد، کلیدی برای جلوگیری از سوءاستفاده است. همچنین هشدار داده شده که بدون اتصال سامانه‌های نظارتی، مانند سامانه شفافیت ملی، این چالش‌ها ادامه خواهند یافت. بودجه سال ۱۴۰۴ را شرایطی با عدم شفافیت بیشتری نسبت به دو سال قبل‌تر روبرو شده که اصلاح و شفافیت در بودجه یکی از شعارهای اقتصادی مسعود پزشکیان بود. مسعود پزشکیان هفته گذشته نیز در

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در یک گزارش نشان داده بخش قابل توجهی از بودجه‌های شرکت‌های دولتی غیرشفاف است.

● عدم شفافیت در بودجه شرکت‌ها و نهادهای دولتی بستری برای فساد مالی و ایجاد شبکه‌های رانتی و نفوذ مافیایا به روند فعالیت شرکت‌های دولتی است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی درباره احکام بودجه شرکت‌های دولتی ایران اعلام کرده تنها ۱۷ درصد از بندهای مرتبط در قوانین بودجه سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ شفاف هستند.

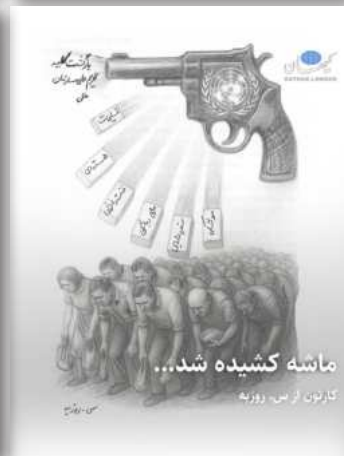
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با تمرکز بر احکام مرتبط با شرکت‌های دولتی در قوانین بودجه سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ نشان داده بخش قابل توجهی از بودجه‌های شرکت‌های دولتی غیرشفاف است.

عدم شفافیت در بودجه شرکت‌ها و نهادهای دولتی بستری برای فساد مالی و ایجاد شبکه‌های رانتی و نفوذ مافیایا به روند فعالیت شرکت‌های دولتی است.

این در حالیست که شرکت‌های دولتی سهم قابل توجهی از منابع بودجه و در حدود ۵۹ درصد از منابع و ۵۶ درصد از مصارف را به خود اختصاص داده‌اند. اگر چه ظاهراً این شرکت‌ها قرار بوده به عنوان موتور محرک اقتصاد عمل کنند، اما چالش‌های مدیریتی و اجرایی، آنها را در معرض ریسک‌های فساد و ناکارآمدی قرار داده است. همچنین با وجود اینکه بسیاری از شرکت‌های دولتی زیان‌ده هستند اما همچنان بودجه‌خواری قابل توجهی از بودجه سالانه کشور دارند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم با استناد به گزارش‌های تفریغ بودجه تأکید شده که از ۳۴۲ شرکت دولتی تعریف‌شده در پیوست شماره ۳ قانون بودجه ۱۴۰۲، ۱۳۴ شرکت زیان‌ده بوده‌اند که به معنای زیان‌ده بودن ۴۰ درصد از شرکت‌های دولتی است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده این آمار، زنگ خطری برای سیاست‌گذاران است و نشان می‌دهد که بدون شفافیت کافی، فرصت‌های







عکس هفته | ناهید شیرپیشه؛ مادر عزیز به خانه خوش آمدید!

مونا بختیاری خواهر پویا بختیاری که ۲۵ آبان ۹۸ در اعتراضات مردمی با گلوله‌ی مأموران سرکوبگر کشته شد، صبح پنجشنبه ۳ مهرماه ۱۴۰۴ با انتشار یک ویدئو در رسانه‌های اجتماعی خبر داد که ناهید شیرپیشه، مادر دادخواه، پس از ۱۱۷۰ روز حبس از زندان زنجان که به آنجا تبعید شده بود، آزاد شده است. منوچهر بختیاری پدر پویا و مهرداد بختیاری عموی او همچنان در زندان بسر می‌برند.